

محمّد



# فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

مؤلف:

دکتر رضا نجفی

عضو هیات علمی دانشگاه خلیج فارس

تایستان ۹۹



سرشناسه: نجفی، رضا، ۱۳۵۴-

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات/مؤلف رضا نجفی.  
مشخصات نشر: بوشهر: سپاه امام صادق(ع)، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع

مقدس، نشر پلاک عشق، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۳۲ ص.

شابک: ۸-۹۷۰۵۴۳-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ قبلی: انتشارات ملینا، ۱۳۹۵.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۱۵ - ۳۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: شهادت

Martyrdom -- Islam: موضوع

موضوع: شهادت -- جنبه‌های قرآنی

Martyrdom -- Islam -- Qur'anic teaching: موضوع

رده بندی کنگره: ۵۵/۱۹۶BP

رده بندی دیویی: ۳۷۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۹۵۷۰

نویسنده: رضا نجفی (عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس)

طراح جلد: سعید سنجیده

ناشر: پلاک عشق

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

این کتاب با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر به چاپ رسیده است.

کلیه حقوق مادی اثر متعلق به کنگره سرداران و ۲۰۰۰ شهید استان بوشهر می‌باشد.

تقدیم به:

ایشان گران ۸ سال دفاع

مقدس



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۵	مقدمه سردار
۲۸	پیشگفتار
۳۱	مقدمه
بخش اول	
ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه	
۵۳	فصل اول: ایثار
۵۳	واژه شناسی
۵۵	ایثار، نماد از خود گذشتگی
۵۶	زیباترین جلوه‌ی ایثار در قرآن کریم
۵۷	ایثار، حق مؤمن بر مؤمن
۵۸	ایثار، قله‌ی جوانمردی و فتوت
۵۹	ایثار، نماد انسانیت
۵۹	ایثار، صفت بزرگان
۶۰	ایثارگری صفت برجسته‌ی شیعیان
۶۱	ارزش ایثار
۶۱	بالاترین مراتب ایمان
۶۱	عالی‌ترین خصلت اخلاقی
۶۲	برجسته‌ترین نیکوکاری
۶۳	ایثار، غایت زیبایی‌ها
۶۳	ایثار، برترین نیکوکاری
۶۴	ایثار، انتخابی برتر
۶۴	ایثار، برترین عبادت، نهایت بندگی
۶۵	آثار و برکات ایثار
۶۵	رستگاری
۶۷	تأثیر ایثار بر مکارم اخلاق
۶۸	والاثرین ویژگی اخلاقی

## ۸ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

۶۸	ایثار، انتهای مسیر اخلاقیات
۶۸	کامل کننده‌ی فضائل اخلاقی
۶۸	ایثار، فضیلتی در متن اجتماع
۶۹	رسیدن به مقام اعرافیان
۷۰	جایگاه والای ایثار
۷۰	جلوه‌ی ایثار در لیلۃ‌المبیت
۷۲	ارزش ایثارگران
۷۴	ایثار، چراغی که به خانه دوست رواترست!!
۷۶	<b>فصل دوم: جهاد</b>
۷۶	۱. حرب و محاربه
۷۶	۲. قتال
۷۷	۳. جهاد
۷۹	جهاد در قرآن
۸۰	جهاد، ایستادگی در برابر کفار و منافقین
۸۲	تقوا، توسل، جهاد، سه عامل رستگاری
۸۲	جهاد با همه‌ی توان
۸۲	جهاد، محبوب تر از اهل و اموال و تجارت و ...
۸۳	حقیقت جهاد
۸۳	جهاد، دری از درهای بهشت
۸۴	جهاد، راهی به رهبانیت اُمّت پیامبر
۸۵	فضیلت جهاد.
۸۵	جهاد، شاهرهی به سوی خدا
۸۵	جهاد، فرصتی خداگونه شدن
۸۵	جهاد، وسیله‌ی تقرّب
۸۶	جهاد، چشمه‌ی جوشان ایمان و استقامت
۸۶	تشویق به شرکت در جهاد



## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۹

---

۸۷	ارکان و پایه‌های جهاد
۸۸	انواع جهاد (قتال، یا پیکار)
۸۸	جهاد با کفار و منافقین
۸۹	جهاد، مقابله‌ای با کفار
۹۰	انواع جهاد از نگاه امیرالمؤمنین علی(ع)
۹۰	انواع جهاد از نگاه امام صادق(ع)
۹۱	ابعادی دیگر از جهاد
۹۲	نبردی ایثارگونه، بازگشت به عدالت
۹۲	جهاد اکبر، جهاد با نفس
۹۳	اسلام آئین برتر
۹۴	پایداری بر حق، جهاد فی سبیل الله
۹۵	عوامل انگیزشی دعوت به جهاد
۹۵	نصرت الهی
۹۶	نقش ایمان در جهت‌گیری اجتماعی
۹۷	ایمان و حرکت‌های سازنده فرد و اجتماع
۹۷	انجام تکلیف
۹۹	جهاد، ضرورت دفاعی اسلام
۱۰۲	جبهه‌ی همیشگی حق و باطل
۱۰۲	برتری مرگ در طاعت خدا بر زندگی بر معصیت
۱۰۳	جهاد، ایثار، رشادت، ضرورت جامعه‌ی اسلامی
۱۰۳	جهاد، مسیر دفع کفر از جامعه‌ی اسلامی
۱۰۴	مقاومت، جهاد و جانفشانی
۱۰۴	جهاد، پاسداری و حفاظت از پیامبر
۱۰۴	جهاد، پاسداری از جغرافیای اسلام
۱۰۵	جهاد، وسیله‌ی رفع انحرافات از دین
۱۰۵	جهاد، مسیر بازگشت به ایمان

## ۱۰ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

- 
- ۱۰۵ نشاط پیروزی، ره آورد جهاد
- ۱۰۶ دعوت از یاران دلاور برای همراهی
- ۱۰۶ عدم سازش با گمراهان و مخالفان حق
- ۱۰۷ رزمندگان، جهادگران فی سبیل الله
- ۱۰۷ مشارکت مردمی، پشتوانه‌ی ماندگاری اسلام
- ۱۰۸ ارزشمندی حضور مردمی
- ۱۰۹ بصیرت افزایی در مواضع سیاسی
- ۱۰۹ دعوت به آمادگی دفاعی
- ۱۱۰ شیوه گزینش نیرو
- ۱۱۰ اصول و آداب جهاد
- ۱۱۰ جایگاه مجاهد فی سبیل الله
- ۱۱۱ اصول نبرد - آموزش نظامی
- ۱۱۲ آینده‌نگری، استراتژی جهاد و ایثار
- ۱۱۴ رعایت اصول انسانی
- ۱۱۴ صیانت حریم دین در آستانه ی نبرد
- ۱۱۵ رعایت زمان
- ۱۱۶ جلوگیری از جنگ افروزی
- ۱۱۶ تاکتیک‌های نظامی توسط رزمندگان
- ۱۱۷ جبران خسارت‌ها در مانورهای نظامی
- ۱۱۸ وظایف و حقوق فرمانده
- ۱۱۸ حقوق متقابل فرمانده و فرمان‌بردار
- ۱۱۹ فرماندهی جهادی، اصل ایثارگرانه
- ۱۱۹ فرمانده، محور انضباط جهادی
- ۱۱۹ فرمانده، ستون پیروزی
- ۱۱۹ انتخاب فرماندهی لشکر
- ۱۲۰ اهمیت فرماندهان سرآمد

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۱۱

- 
- |     |                                                |
|-----|------------------------------------------------|
| ۱۲۰ | تأمین مالی فرماندهان نظامی                     |
| ۱۲۱ | روحیه بخشی به فرماندهان سپاه                   |
| ۱۲۱ | نکوهش صریح فرمانده شکست خورده                  |
| ۱۲۲ | ضرورت حضور مشاورین نظامی فرماندهی جنگ          |
| ۱۲۳ | ارزش گذاری عملکرد نظامیان                      |
| ۱۲۳ | پیشگیری از فتنه                                |
| ۱۲۴ | پاسخ قاطع به تهدید نظامی                       |
| ۱۲۴ | هشدار نظامی به توطئه‌گران و مخالفان            |
| ۱۲۵ | اعلام قاطعانه مواضع جهادی                      |
| ۱۲۵ | راهکارهای رفتاری مدیریت و فرماندهی             |
| ۱۲۵ | رفتار فرماندهی                                 |
| ۱۲۶ | اخلاق فرماندهی                                 |
| ۱۲۶ | ایثارگری با دوستان، سرسختی با دشمنان           |
| ۱۲۷ | ادای حقوق زیردستان                             |
| ۱۲۸ | وظایف و حقوق لشکریان                           |
| ۱۲۸ | تبعیت و فرمانبرداری                            |
| ۱۲۸ | فرمانبرداری از خدا و پیامبر و جانشینان آن حضرت |
| ۱۳۰ | اطاعت الهی رمز رستگاری و پیروزی                |
| ۱۳۲ | دست مدد الهی، رمز پیروزی                       |
| ۱۳۲ | اطاعت همگانی                                   |
| ۱۳۲ | فرمان‌برداری، راهی به رستگاری                  |
| ۱۳۳ | جلب رضایت الهی                                 |
| ۱۳۳ | کرامت انسانی، صبغه رحمانی ره آورد طاعت         |
| ۱۳۳ | اطاعت‌پذیری به شکرانه‌ی نعمت‌های الهی          |
| ۱۳۴ | جهاد اکبر، خویش‌داری و اطاعت‌پذیری             |
| ۱۳۴ | امر به معروف و نهی از منکر، نماد ایثار         |

## ۱۲ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

---

۱۳۶	پیشوای حق
۱۳۶	اقتدا در همه‌ی امور به پیشوای بر حق
۱۳۶	همسویی گفتار و کردار
۱۳۷	فرمانبرداری و امانتداری و ساماندهی امر حکومتی
۱۳۷	پیشوای باطل، طاغوت
۱۳۷	اجتناب از طاغوت، دعوت همه رسولان
۱۳۸	ممنوعیت فرمانبری از کسی که فرمانبردار خدا نیست
۱۳۸	فرمانروای جور
۱۳۹	پرهیز از اطاعت باطل
۱۴۰	هشدار نسبت به اطاعت‌پذیری از طاغوت
۱۴۱	راهکارهای عقیدتی و رفتاری رزمندگان
۱۴۱	جایگاه نظامیان
۱۴۱	ادای حقوق فرمانده
۱۴۲	روش برخورد با دشمن
۱۴۲	جوانمردی و مروّت با دشمن
۱۴۲	دشمن عهد شکن
۱۴۳	دشمن بی اعتبار، ضرورت هوشمندی
۱۴۳	اخلاق جهادی، روحیه‌ی ایثارگری
۱۴۴	پاسخ عهد شکنی دشمن
۱۴۵	شرایط صلح و آرامش
۱۴۵	پذیرش صلح
۱۴۶	صلح، فرمان الهی، عزّت شرافتمندانه
۱۴۶	صلح، مقدم بر جنگ
۱۴۶	فواید پذیرش صلح
۱۴۷	احترام گذاشتن به پیمان‌ها
۱۴۷	امان به اسیران جنگی

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۱۳

- 
- |     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۱۴۸ | التزام به پیمان حتی به کافر امان داده شده |
| ۱۴۸ | خودداری از قتل اسراء                      |
| ۱۴۸ | هشیاری پس از صلح، بصیرت در شناخت دشمن     |
| ۱۴۹ | بصیرت در شرایط حساس سیاسی                 |
| ۱۵۰ | پذیرش صلح، مایه بقای امت                  |
| ۱۵۱ | رعایت حقوق زنان و اسراء                   |
| ۱۵۱ | جنگ تا سرکوبی یاغیان و سرکشان حریم اسلامی |
| ۱۵۲ | اسراء زیر پرچم رأفت اسلامی                |
| ۱۵۴ | ندامت، توبه و امان دادن به اسراء          |
| ۱۵۷ | <b>فصل سوم: شهادت</b>                     |
| ۱۵۷ | واژه شناسی                                |
| ۱۵۹ | فضیلت شهادت                               |
| ۱۵۹ | لقاء الله در سایه سار جهاد فی سبیل الله   |
| ۱۵۹ | شهادت، مرگ پیروزمندانه                    |
| ۱۶۰ | شهادت، گرامی ترین مرگ                     |
| ۱۶۰ | آرزوی مقام شهیدان                         |
| ۱۶۱ | بالاترین نیکی                             |
| ۱۶۱ | شریف ترین مرگ                             |
| ۱۶۲ | ارزش خون شهید                             |
| ۱۶۲ | آرزوی شهادت                               |
| ۱۶۳ | کجایید ای شهیدان خدایی                    |
| ۱۶۳ | برترین شهیدان، مجاهدان خط مقدم            |
| ۱۶۶ | مقدر شدن شهادت و مرگ                      |
| ۱۶۴ | ممات و حیات در ید قدرت الهی               |
| ۱۶۵ | شهادت، مرگی پرافتخار                      |
| ۱۶۵ | شهادت، تقدیر ایثارگران فی سبیل الله       |

## ۱۴ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

۱۶۶	حبّ رسول الله  به شهادت در راه خدا
۱۶۷	شوق به شهادت
۱۶۸	مأنوس تر از کودک به شیر(پستان) مادر
۱۶۸	رستگاری در پی شهادت
۱۶۹	شهادت، غایت مردان خدا
۱۷۰	شهادت، حبّ لقاءالله
۱۷۰	کرامت، پاداش شهادت
۱۷۱	برکات شهادت
۱۷۱	شهادت و کفاره گناهان
۱۷۱	شهادت زداینده‌ی گناهان
۱۷۱	روزی خوردن شهید نزد خدا
۱۷۲	شهادت، حیات ابدی
۱۷۲	آسایش شهید از عذاب قبر
۱۷۳	آرزوی شهید
۱۷۳	بازگشت به دنیا و کشته شدن دوباره
۱۷۳	شان نزول آیه زنده بودن شهدا نزد خدا
۱۷۴	شهادت بهتر از زندگی با ذلت
۱۷۴	شهادت سعادت است و زندگی با ستمگر ملالت
۱۷۵	ثواب شهادت طلبی
۱۷۶	اعطای ثواب شهادت
۱۷۶	فضیلت شهدای دریا بر سایر شهداء
۱۷۷	دلیل برتری شهدای دریا بر شهدای خشکی
۱۷۷	شهادت، مرگ با اخلاص
۱۷۷	نقش نیت در شهادت
۱۷۸	مؤمنان به خدا و رسولش شهیدند
۱۷۸	شهادت، دفاع از حریم انسانیت

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۱۵

۱۷۹	هجرت در راه خدا
۱۸۰	کشته شدن در راه پاکدامنی
۱۸۰	شهادت، پاداش پاکدامنی است
۱۸۰	مرگ مؤمن شهادت است
۱۸۱	مردن بر حبّ آل محمد، شهادت است
۱۸۱	شهادت، بشارت به شیعیان
۱۸۳	شهادت، پاداش حبّ اهل بیت

### بخش دوم

#### آسیب‌های فرهنگ ایثار

۱۸۸	۱. ایمان‌گریزی
۱۹۱	۲. شیطان‌گریزی
۱۹۱	۳. هوای نفس
۱۹۲	۴. گناه
۱۹۳	۵. طمع
۱۹۴	۶. دنیاپرستی
۱۹۴	۷. غفلت و از خود بی‌گانگی
۱۹۵	۸. اسراف و تبذیر
۱۹۶	۹. فقر و ثروت
۱۹۷	۱۰. تحریف واقعیت‌ها و ارزش‌ها
۱۹۸	۱۱. عجب
۱۹۹	۱۲. تکبر
۲۰۰	۱۳. تخیل اسطوره‌سازی و قهرمان‌پردازی خیالی
۲۰۴	۱۴. پدیده‌ی شوم نفاق
۲۰۵	زمینه‌ها و نشانه‌های نفاق
۲۰۷	علل و انگیزه‌های نفاق
۲۱۰	نفاق، موریانه‌ی قلب مؤمن

## ۱۶ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

---

۲۱۰	نفاق، تباہ کننده‌ی ایمان
۲۱۰	نفاق، همزاد کفر
۲۱۱	نفاق، برادر شرک
۲۱۱	نفاق، ننگ اخلاق
۲۱۱	عوامل بروز نفاق
۲۱۱	احساس ذلت درونی
۲۱۲	دروغ و نیرنگ
۲۱۲	پایه‌های نفاق
۲۱۲	واکاوی (رفتارشناسی) منافقان
۲۱۲	منافقان، آمرین به منکر و ناهیان از معروف!
۲۱۳	اعتقادات سطحی و زبانی
۲۱۴	خُدعه و نیرنگ، منافق بازنده‌ی میدان
۲۱۴	ترس از جهاد، ایثار گریزی
۲۱۵	ضعف ایمان، سستی عمل
۲۱۶	سوگندهای دروغ، فضای بی‌اعتمادی
۲۱۶	نفاق سیاسی
۲۱۷	تعصب و بدبینی
۲۲۰	اجتماع ظاهری، پراکندگی باطنی
۲۲۰	لطفات گفتار، ضعف کردار
۲۲۰	گفتار بدون علم و عمل
۲۲۱	ذلت درونی، ظلم پذیری
۲۲۱	ناتوانی و ترس
۲۲۱	سبک مغز، سفیه، غرق در تخیل
۲۲۲	نفاق، تیری بی اثر
۲۲۲	طمع‌ورزی در باطل
۲۲۲	وحشتی رسواکننده



## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۱۷

۲۲۳	بهبانہ جویی ها و طلب مهلت برای تأخیر حضور در جهاد
۲۲۳	گریز از جهاد
۲۲۴	راهکارهای برون رفت از نفاق
۲۲۴	سیره‌ی نیکو و فهم دین
۲۲۴	نماز خواندن بی ریا
۲۲۵	صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
۲۲۵	روش برخورد با رفتارهای منافقان
۲۲۵	جنگ با منافق
۲۲۶	جنگ با سرکشان
۲۲۶	روش مذاکره با منافق
۲۲۷	گریز از صحنه‌ی نبرد، ویژگی منافقان
۲۲۸	فرجام منافقان
۲۲۸	منافقان در ظلمت عذاب
۲۲۸	عذابی ماندگار، لعنتی جاودانه
۲۲۹	منافقان، فرومایگان جهنم
۲۲۹	منافقان بی حیا، خوار در آخرت
۲۳۰	تن دادن به اسارت
۲۳۰	روحیه جهادی و مقاومت در برابر باختن خود به دشمن
۲۳۰	ذلت ناشی از بزدلی

### بخش سوم

#### عوامل پیروزی و شکست در جهاد

۲۳۳	فصل اول: عوامل پیروزی
۲۳۳	اصل قداست عدالت و تنفر از ستم
۲۳۴	اصل وجوب دفاع و وجوب جهاد با ظالمان
۲۳۵	اصل ارزش دادن به شهید و شهادت
۲۳۸	روابط فرمانده و فرمانبردار

۲۳۸	بیعت و عهد پذیری
۲۳۸	تبعیت از رهبری
۲۳۸	رعایت سلسله مراتب فرماندهی
۲۳۹	زمان شناسی، رمز پیروزی
۲۳۹	ارتقای توان جسمی و تسلیحاتی
۲۳۹	افزایش توان نظامی از طریق جمع آوری مالیات حکومتی
۲۴۰	آماده باش رزمی
۲۴۰	بیدارباش رزمی
۲۴۰	تاکتیک‌های نظامی قبل از نبرد
۲۴۱	گام‌هایتان جلوبرنده شمشیرهایتان باشد
۲۴۱	مهندسی رزمی - جنگاوری مقتدرانه
۲۴۲	اقتدار، انضباط، دیدبانی جنگ
۲۴۳	ارتقای توان روحی و معنوی
۲۴۳	دفاع از آرمان‌های دین الهی
۲۴۴	پاسداری از کیان اسلامی
۲۴۴	برخورداری از اراده قاطع و دوراندیشی
۲۴۵	پیروزی، میوه‌ی دلاورمردی
۲۴۵	شکست‌ناپذیری یکی از دو پیروزی است
۲۴۵	چشم انداز جنگ
۲۴۶	پیروزی در جهاد
۲۴۶	تیز بینی فرمانده، رمز پیروزی
۲۴۷	هشیاری رزمندگان
۲۴۷	ایثارگران، رزمندگان فی سبیل الله
۲۴۷	همراهی عنایت الهی و پیامبر  و امیرالمؤمنین علی(ع) با مجاهد
۲۴۸	وحدت کلمه، شرط پیروزی
۲۴۸	شکست‌ناپذیری، محصول اتحاد و همبستگی

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۱۹

۲۴۸	صبر، بهترین ابزار پیروزی
۲۴۹	دین‌داری و غیرت‌مداری
۲۴۹	صداقت
۲۴۹	خشیت و سکینه الهی
۲۵۰	شادمانی از فداکاری‌ها و پایداری در استقامت
۲۵۰	ترجیح کیفیت بر کمیت سپاه
۲۵۰	دنیاپرستی، ویران‌گر فرهنگ ایثار
۲۵۱	توجه به ویژگی‌های شخصیتی رزمندگان در تشویق به جهاد
۲۵۲	قدردانی از مجاهدان پس از پیروزی
۲۵۲	تدبیر و مدیریت جنگ
۲۵۲	ضربت شمشیر، از بین برنده‌ی باطل
۲۵۳	شجاعت و دلاوری جاودانه
۲۵۴	شکمبارگی مخالف قصد و همت جدی
۲۵۴	دفاع از هم‌رزم شکرانه شجاعت، یا آموزش روانی در جنگ
۲۵۴	وصف نیکوی یاران جنگاور
۲۵۵	اجتناب از تکبر بر پیروزی
۲۵۵	ایثارگری حقیقی، جهاد اکبر
۲۵۶	ظفر با ظلم نمی ماند
۲۵۶	ظفرمندان ایثارگر
۲۵۷	پیروزی، راهی به بهروزی
۲۵۸	<b>فصل دوم: عوامل شکست در جهاد</b>
۲۵۸	نافرمانی و سرکشی، زمینه ساز رکود فرماندهی
۲۵۸	خیانت، گناهی نابخشودنی
۲۵۹	هلاکت، سستی و ضعف
۲۵۹	نبود اتحاد و یکپارچگی
۲۵۹	عدم کارایی طرح‌های فرمانده‌ای که پیروی نمی شود

- ۲۶۰ سرکشان، مفسدان فی الارض  
۲۶۰ فرار از جنگ  
۲۶۱ عواقب شکست، خواری و ذلت پذیری  
۲۶۱ ندامت و پشیمانی

#### بخش چهارم

#### استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی

- ۲۶۵ فصل اول: استقامت  
۲۶۶ امر به استقامت  
۲۶۶ استقامت در انجام مأموریت  
۲۶۸ استقامت در ایمان  
۲۶۹ برکات استقامت  
۲۶۹ نزول فرشتگان برای پایمردان  
۲۶۹ پایمردی تا ظفر  
۲۷۰ آسایش و راحتی، نتیجه‌ی استقامت  
۲۷۰ رستگاری، میوه‌ی استقامت  
۲۷۰ استقامت، راهی به بهشت  
۲۷۱ پایمردی و مقاومت، دستیابی به کرامت انسانی  
۲۷۱ راهکارهای رسیدن به استقامت  
۲۷۲ فصل دوم: صبر  
۲۷۲ صبر پشتوانه‌ی جامعه‌ی ایثارگری  
۲۷۵ امر به صبر جمیل  
۲۷۵ معنای صبر جمیل  
۲۷۶ صبر، پایه‌ی ایمان به خدا  
۲۷۷ شکیبایی، کرامتی در خدمت ایثار و فداکاری  
۲۷۸ سرشت مؤمن بر صبر است  
۲۷۸ برترین انواع صبر

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۲۱

۲۷۸	برترین صبر
۲۷۹	جایگاه صبر
۲۷۹	صبر، حیاتی دوباره به زندگی
۲۷۹	صبر برای ایمان به منزله‌ی سر برای بدن
۲۸۰	فضیلت صبر
۲۸۰	صابران، محبوب نزد خدا
۲۸۰	صبر، برپا دارنده شکوه و اقتدار
۲۸۱	صبر، آغازی بر از خودگذشتن
۲۸۲	صبر، ناکامی دشمن
۲۸۲	صابرین، محکم‌تر از از کوه
۲۸۳	صبر در بلا، ویژگی مؤمن
۲۸۳	انواع بلا بر مؤمن
۲۸۴	بذل جان و اهل و مال، ایثار مردان خدا
۲۸۴	صبر و رسیدن به مقامات بلند
۲۸۴	پاداش صبر، تحقق وعده‌ای نیکو
۲۸۵	صبر، راه دستیابی و فتح قله‌های بلند
۲۸۶	صبر، افزایش دهنده قدرت‌ها
۲۸۶	صبر، قدرت‌ها را ده برابر می‌کند
۲۸۶	صبر، دفع‌کننده مکر و نیرنگ دشمن
۲۸۷	امدادهای غیبی
۲۸۷	پیروزی و صبر، همراه هم
۲۸۸	نشانه‌های صابرین
۲۸۸	مواجهه‌ی صابرین با مصیبت
۲۸۹	شیعیان اهل بیت(ع)، صابرین با ایمان
۲۹۰	صبر، استوار کننده قلب

## ۲۲ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

- 
- ۲۹۰ طلب صبر از خداوند
- ۲۹۰ طلب صبر، مرگ با ایمان
- ۲۹۱ صبر، نعمتی الهی
- ۲۹۲ فصل سوم: مصیبت دیدن
- ۲۹۲ بزرگترین مصیبت
- ۲۹۲ سخت‌دلی، بزرگ‌ترین مصیبت
- ۲۹۳ مصیبت دیدن مؤمنان در راه خدا
- ۲۹۳ اصحاب اخدود
- ۲۹۴ پاداش مصیبت در جهاد
- ۲۹۵ مصایب، کلیدهای پاداش
- ۲۹۵ پاداش الهی
- ۲۹۵ صبر بر شدائد، جهاد اکبر است
- ۲۹۶ ایثار، شهادت، صبر بر مصائب
- ۲۹۷ آمرزش گناهان، وعده ای به صابران
- ۲۹۷ سفارش به صبر در مصایب
- ۲۹۸ صبر در مصیبت، همچون حصار محکم
- ۲۹۸ صلوات و رحمت خداوند بر صابران بر مصایب
- ۳۰۰ فصل چهارم: جانبازی
- ۳۰۱ از خود گذشتگی و تکامل اجتماعی
- ۳۰۲ الگوی جانبازی
- ۳۰۲ اخلاص در جانبازی
- ۳۰۳ پاداش مجروح در راه خدا
- ۳۰۴ پنجم: گذری بر تاریخ، الگوی رفتاری ایثارگری و رشادت

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۲۳

- 
- ۳۰۴ انبیاء و رسولان(ص)
- ۳۰۴ فداکاری همه‌ی پیامبران(ص) در انجام رسالت
- ۳۰۴ حضرت ابراهیم(ع)، نخستین مجاهد
- ۳۰۵ حضرت موسی(ع)، الگوی از خود گذشتگی
- ۳۰۵ اهل بیت(ع)، پیشتازان خط مقدم جبهه
- ۳۰۵ شهادت، عاقبت اهل بیت(ع)
- ۳۰۶ امیرالمؤمنین علی(ع) و رشادت در خردسالی
- ۳۰۶ امیرالمؤمنین علی(ع) و روحیه جنگاوری در جوانی
- ۳۰۷ ویژگی‌های اخلاقی و نظامی امیرالمؤمنین علی(ع)
- ۳۰۷ امیرالمؤمنین علی(ع) و توصیف صلابت و رشادت و شجاعت
- ۳۰۸ رشادت و جنگاوری امیرالمؤمنین علی(ع)
- ۳۰۹ پرهیز از جنگ افروزی
- ۳۰۹ سایر ویژگی‌ها و فضایل امیرالمؤمنین علی(ع) در میدان‌های فتنه و نبرد
- ۳۱۰ برکات رشادت و جنگاوری امیرالمؤمنین علی(ع)
- ۳۱۱ فداکاری دلسوزانه در سامان‌دهی امور مسلمین جامعه
- ۳۱۱ جلوه‌ای از روحیه‌ی جهادی علی(ع)
- ۳۱۲ افزایش ایمان و تسلیم و حرکت در صراط مستقیم و شکیبایی بر دردها
- ۳۱۲ وصف یاران مجاهد پیامبر
- ۳۱۳ ویژگی‌های هم‌زمان امیرالمؤمنین علی(ع)
- ۳۱۴ وصف یاران باوفایی که شهادت را برگزیدند
- ۳۱۴ حمزه سیدالشهدا(ع)، برترین شهید
- ۳۱۵ حک شدن نام حمزه سیدالشهدا(ع) بر ستون عرش الهی
- ۳۱۵ فضیلت‌های بنی هاشم - جعفر طیار(ع)

۲۴ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

---

۳۱۶	مالک اشتر، شجاعتی بر پیشانی تاریخ
۳۱۶	ویژگی‌های بی‌مانند مالک اشتر
۳۱۸	فهرست منابع
۳۱۸	قرآن کریم



## مقدمه سردار

### بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ

شهدا، شاهدان همیشه‌زنده‌ی عالم بقا و پیام‌آوران حیات و سرزندگی برای عالم انسانیت‌اند که خورشید تابناک وجودشان، انوار فروزان خود را بر همگان می‌تاباند و خصال خداوندی را بر تارک جهان آفرینش، متجلی می‌سازد.

آنان، ترجمان حقیقی روح خداوندی و حیات معنوی در کالبد بشریت‌اند که مرگ و نیستی را به نیستی کشانیده و علم بلند و الهام‌بخش حیات انسانی و الهی را بر بلندای افق بشریت، برافراشته‌اند. شهدا، این زندگان همیشه‌جاوید عالم ملک و ملکوت، هم خود بر سر سفره‌ی بیکران پروردگارشان متنعم‌اند و از آن روزی می‌خورند و هم تالیان و پیروان مکتب سراسرنور خود را از این روزی سعادت‌بخش و حیات آفرین، بهره‌مند می‌سازند.

همه‌ی اینها به برکت گام نهادن در وادی زندگی‌بخش شهادت است که ستون استوار خیمه‌ی انسانیت و رمز تداوم حضور خلیفه‌ی خدا بر کره‌ی خاکی است؛ شهادت، در حقیقت، تبلور درخشان بزرگ‌معامله‌ای است که یک انسان پاک‌باخته‌ی راه خدا بر مدار حیات طیبه‌ی انسانی و در سایه‌ی رهایی از تعلقات دنی نفسانی و دستیابی به روحیه‌ی حریت و آزادگی، تمام هستی خود را در قبال بهشت ابدی و جاودانی، عاشقانه تقدیم مالک و صاحب عالم هستی می‌نماید.

آری، فرهنگ جهاد و شهادت، رمز پیش‌روندگی و پیش‌برندگی ملت بزرگ ایران در سایه‌ی بصیرت و ولایت‌مداری است که انقلاب و نظام اسلامی برآمده از اراده‌ی الهی او را در برابر همه‌ی توطئه‌ها و خبثت‌های ادامه‌دار دشمنان، بیمه کرده و خواهد کرد.

استان بوشهر با پیشینه‌ی درخشان و غرورآفرین خود در مبارزه‌ی با استعمار پیر انگلیس به رهبری شهید رئیس‌علی دلواری و نبرد قهرمانانه با آمریکای جهان‌خوار به فرماندهی سردار شهید نادر مهدوی و یاران سعادت‌مندش، به عنوان خطه‌ای عالم‌پرور، دین‌مدار و شهیدپرور، همواره در تمام عرصه‌ها و صحنه‌های دفاع از اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی حاضر بوده و با پاسداشت خون‌های پاک شهیدان از رهگذر حماسه‌آفرینی‌های مختلف، چهره‌ی تابناک خود را در خط مقدم جبهه‌ی بصیرت و ولایت‌مداری و مجاهدت انقلابی، بر همگان نمایانده است.

خدای سبحان را سپاس و ستایش بیکران که توفیق داد در راستای برگزاری دومین کنگره‌ی بزرگداشت سرداران و ۲۰۰۰ شهید سرافراز خطه‌ی شهیدپرور، استکبارستیز و ولایت‌مدار استان بوشهر در دی‌ماه ۱۳۹۸، با کمک و همکاری ارزشمند جمعی از فرهیختگان و اصحاب قلم استان، به تدوین و چاپ کتاب‌های مربوط به نقش دلاورمردان و رادمردان شهید این خطه در دوران انقلاب و دفاع مقدس پردازیم؛ تا نسل حال و آینده، با مطالعه‌ی نقش‌آفرینی افتخارآمیز پیشینیان خود، بتوانند فرهنگ جهاد و شهادت را در عصرها و نسل‌های آینده ادامه دهند و همچون گذشتگان،

سرمایه‌های گران‌قدر مادی و معنوی خود را در برابر دشمنی‌ها و طرّاحی‌های دشمنان، حفظ کرده، حرکت بالنده و شتابان خود را در راه نیل به اهداف بلند انقلاب اسلامی، تداوم بخشند.

کتاب حاضر، تلاش ارزشمندی است که در همین راستا به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ و اینجانب ضمن تشکر صمیمانه از ایشان و نیز از کمیته‌ی تدوین و نشر که زحمات فراوانی را در جهت آماده‌سازی این کتاب و سایر کتاب‌های مشابه، به انجام رسانده‌اند، امیدوارم مطالعه‌ی این کتاب بتواند سهم درخوری در پاسداشت خون مقدّس شهدا و ترویج فرهنگ و روحیه‌ی جهاد و شهادت‌طلبی داشته باشد؛ تا به حول و قوه‌ی الهی، انقلاب اسلامی ما در سایه‌ی عمل به وصایای گران‌سنگ امام راحل عظیم الشان (ره) و رهبری‌های داهیانیه‌ی مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای عزیز و به مدد تداوم ارزش‌های گران‌قدر شهدای والامقام، به انقلاب جهانی حضرت ولی الله الأعظم (عج) متّصل گردد. ان شاء الله تعالی.

سرتیپ دوم پاسدار علی رزمجو

دبیر کنگره‌ی سرداران و ۲۰۰۰ شهید استان بوشهر

## پیشگفتار

بیش از سه دهه از پایان سال‌های دفاع مقدس و نمایشگاه هشت ساله ایثار و شهادت می‌گذرد، اما همچنان خاطرات آن دوران حماسه و جهاد در اذهان ملت بزرگ ایران مانده است. نه تنها ایرانیان، که همه دنیا از تاریخ هشت ساله جنگ تحمیلی و رشادت‌های آن انگشت به دندان مانده‌اند. حماسه‌ای به یاد ماندنی که حریم دکترین‌های رایج دنیا در مقوله جنگ‌های منظم و نامنظم را در هم شکست و برای خود اسطوره‌ای جاودانه را رقم زد. آنچه در آن سال‌ها گذشت، مقاومت ملّتی بود در برابر تهدیدات همه جانبه قدرت‌های استکباری که اکنون پس از انقلاب با بن‌بست سیاسی مواجه بودند و تنها راه خروج از آن راه، گزینه نظامی می‌دانستند. راه‌حلی که تا آن روز در برابر همه موارد مشابه، نتیجه‌ای موفق داشت و ابرقدرت‌های قُلدر به فرماندهی آمریکا و جنگ‌افروزی حزب بعث، به منظور تسخیر یک هفته‌ای ایران، به راه افتادند. راه‌حلی که در همان روزهای نخست جنگ، ناکارآمدی آن در میدان نبرد به اثبات رسید و طی سال‌های بعد تراژدی غم‌انگیزی را برای پرچم‌داران آن رقم زد. آنچه خواب را از چشمان توهم زده‌ی نامردان روزگار ربود، فرهنگ ایثار و جهاد و شهادت بود که همه معادلات نظامی آن روز را به هم ریخته و شکل جدیدی از دفاع را به جهان آموخت. ایستادگی و استقامت ملّتی که با تقویت روحیه جهادی در خود، جان و مال خویش را دادند، اما یک وجب از خاک و ذره‌ای از باورهای خود را به دشمن واگذار ننمودند. رزمندگان اسلام، ایثارگران صحنه‌های نبرد حق و باطل، مفهوم

تازه‌ای از «جنگ» خلق نمودند و آن را حول محور «معنویت» معنا کردند. مرگ در راه خدا؛ جهاد در راه خدا؛ استقامت در راه خدا و تمام آن‌چه که با «سبیل الی الله» جهت می‌یافت و چیزی از آموزه‌های بی‌بدیل قرآن‌کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام نبود.

مهم‌ترین عنصر برتری‌ساز ما در صحنه نبرد که به منزله پشتوانه‌ای بی‌نظیر، نتیجه جنگ را به یک باره و در زمانی کوتاه به نفع سپاه اسلام چرخاند، عامل حیاتی و اثر بخش «معنویت» و «روح جهادی» بود. تشکیل بسیج مستضعفان در زمانی کوتاه و شکل‌گیری ستادهای مردمی در ارسال تجهیزات و امکانات مورد نیاز جبهه‌ها و همچنین اعزام نیرو، تفسیر عملی از آیه کریمه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾<sup>۱</sup> بود، چیزی که ارتش‌های کارآمد دنیا تا آن روز شاهد آن نبودند. سرمایه‌ی اصیل چنین حرکتی، رهنمودهای ایثارگرانه رهبری بود که با ایمان و تقوا و به پشتوانه ملت، نظامی متفاوت را معماری نموده و الگویی جدید از حاکمیت سیاسی را به دنیا عرضه نموده بود. امام خمینی رحمه‌الله معمار جاودانه انقلاب اسلامی ایران، با تأسی بر اندیشه‌های سیاسی دین، حرکتی نوین را بر اساس حاکمیت سیاسی نبی مکرّم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام پایه‌گذاری نمودند.

منابع دینی ما اعم از قرآن، روایات و سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام مالا مال از فرهنگ ایثار، فداکاری، جهاد، شهادت و آزادگی است که نقشه راه حرکت پرشتاب ملت ایران در حراست از انقلابشان می‌باشد. ضروری است تا اهمّ آیات و روایات مربوط به جهاد و ایثار و شهادت را در نوشتاری مستقل

۱. الانفال ۸ / ۶۰. ترجمه: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید.

گردآوری نموده و آن را به عموم مخاطبین عرضه نماییم. این نوشتار همین مأموریت ارزنده را به عهده گرفته است. از یک سو اهمیت فرهنگ ایثار خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر انحراف اعتقادی و رفتاری برخی فرقی ضالّه که ظلم و تعدی و جنگ افروزی را به اسلام نسبت داده‌اند، مشخص می‌شود.

مؤلف می‌کوشد تا به حدّ بضاعت از لابلائی منابع معتبر روایی و با تکیه بر آیات قرآنی، مجموعه‌ای را تقدیم خوانندگان ارجمند نماییم. امید است مایه شادی ارواح طیبه شهداء، امام راحل و خشنودی قلب نازنین امام‌زمان علیه السلام گردد.

## مقدمه

فرهنگ «ایثار» و «شهادت» مجموعه باورهای شخصی است که با بذل جان و دست کشیدن از تمام هستی و دارایی خود، هدفی متعالی را دنبال می‌نماید. تعمیق و تحکیم چنین روحیه‌ای، در حقیقت ضامن پاسداری و صیانت از حریم ملی و دینی هر مملکت است.

واژه «شهادت» به قدری در جامعه اسلامی جایگاه یافته که هستی و تداوم حکومت اسلامی در گرو توسعه آن است. کلام امام شهیدان، خمینی، معمار کبیر انقلاب در این خصوص خواندنی است:

«شما گواهان صادق و یادگاران عزم‌ها و اراده‌های استوار و آهنین، نمونه‌ترین بندگان مخلص حقیق که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به پیشگاه اقدس حق تعالی با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند.»

امام خمینی علیه السلام در فرازی دیگر از کلام خود چنین فرموده‌اند:

«بر ماست که با اعتراف به عجز خویش، از رزمندگان عزیزی که با شهادت‌طلبی‌ها و رشادت‌هایشان از میهن اسلامی خود دفاع نموده و با خون پاک خود چراغ‌هایی فرا راه آزادی تمام ملت‌های دربند برافروختند، قدردانی نماییم.»

رهبر معظم انقلاب نیز در وصف جایگاه شهید و عظمت فرهنگ شهادت، سخنان فراوانی فرموده‌اند:

«هرچه امروز کشور ما دارد و هرچه در آینده به دست می‌آید به برکت خون این جوانان شهید است.»

بدین‌گونه وظیفه آحاد ملت مسلمان در برابر خون شهیدان و صبر و بردباری مادران و فرزندان و همسران آنان، مضاعف می‌گردد.

استاد شهید مرتضی مطهری در گفتاری کوتاه، جایگاه شهید و تأثیر فرهنگ شهادت را این‌گونه تبیین می‌نماید:

«همه‌ی گروه‌های خدمتگذار جامعه، مخترعین، مکتشفین، مربیان، کارگران و ... مدیون شهداء هستند، ولی شهداء مدیون آن‌ها نیستند. عالم در علم خود و فیلسوف در فلسفه خود و معلم اخلاق در تعلیمات اخلاق خود نیازمند محیطی مساعد و آزادند تا خدمات خود را انجام دهند و شهید آن کسی است که با فداکاری و از خودگذشتگی با سوختن و خاکستر شدن و فانی شدن خود، محیط را برای دیگران مساعد می‌کند. مثل شهید، شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده، بنشینند و آسایش یابند و کار خویش را انجام دهند. آری، شهداء شمع محفل بشریتند، سوختند و محفل بشریت را روشن کردند، اگر این محفل تاریک می‌ماند، هیچ دستگاهی نمی‌توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه دهد.»<sup>۱</sup>

---

۱. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی# از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ، تهران، صدرا، ۱۳۹۲ ش، چاپ ۴۹، ص ۷۶.



مرحوم دکتر علی شریعتی چنین می‌نویسد:

«داستان شهادت و آن چه را که شهادت تداعی می‌کند به قدری احساسی و به قدری هیجان آمیز و عاشقانه است که روح را به آتش می‌کشد و منطق را فلج می‌کند و ناطقه را ضعیف و اندیشیدن را دشوار؛ چه! شهادت آمیزه‌ای است از یک عشق گدازان و از یک حکمت عمیق و پیچیده و این دو را با هم نمی‌توان بیان کرد و در نتیجه سخن حق را اداء نمود.»<sup>۱</sup>

فرهنگ شهادت در جامعه‌ی اسلامی، نگاهبان اعتقادات و حریم مذهبی مسلمانان است. توسعه و گسترش این فرهنگ مرهون وقایع بزرگی همچون حماسه عاشورا و نهضت‌ها و قیام‌هایی است که پس از آن در عرصه‌های مختلف به وقوع پیوسته است. ایمان و آگاهانه بودن عزم شهید در راه شهادت دو رکن اساسی است که از مکتب پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام به یادگار رسیده است.

جاودانگی تمدن‌ها در گذر تاریخ، مرهون جان‌فشانی و آزادگی مردانی است که در راه ماندگاری آثار و اندیشه‌هایشان از مال و جان خود گذشته و خویشتن را مایه تاریخ‌ساز تمدن‌ها کرده‌اند. زیباترین جلوه‌های ماندگاری را باید در فرهنگ «ایثار» جستجو نمود که زنان و مردان الهی با صادقانه‌ترین انگیزه و خلوص نیت، راهی را طی نموده‌اند که مقصد آن وعده‌های بی‌انتهای ابدی است. مسیری که در آن از وحشت نابودی و فنا خبری نیست و هنرمندان عرصه‌ی آن، از خوان کریمانه‌ی ربّ العالمین روزی می‌خورند:

۱. شریعتی، علی، حسین وارث آدم، تهران، انتشارات قلم، بی‌تا، ص ۱۲۵.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۱</sup>

فرهنگ جاودانه «ایثار» و «شهادت» به شاگردان مکتب خود آموخته تا چگونه در آزمون‌های سخت و طاقت فرسا سربلند و سرافراز بیرون آیند. مگر نه این که «شهادت» آزمون چگونه ماندگار شدن است؟ مگر نه این که «شهادت» و «ایثار» تمرین سرافراز ماندن است؟ مگر نه این که «شهادت» و «ایثار» بشارتی به «صابران» و بردباران است؟

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾<sup>۲</sup>

مکتب اسلام با آموزه‌های بی‌بدیل خود به رهروان جاودانگی می‌آموزد که «جهاد» در راه خدا، دست‌یابی به غفران و رحمت بی‌حساب اوست:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

۱. البقرة ۲ / ۱۶۹. ترجمه: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

۲. البقرة ۲ / ۱۵۵ و ۱۵۶. ترجمه: و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را. [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم».

۳. البقرة ۲ / ۲۱۸. ترجمه: آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است.

ایمان، هجرت، جهاد در راه خدا، صبر، استقامت، فداکاری، جانبازی، آزادگی و سربلندی همه در سایه فرهنگ «ایثار» معنا یافته و امیدبخش شده است.

شهادت، قاموس ره‌یافتگانی است که «الله» سرپرست و پشتیبان آنان است در مسیر خروج از «ظلمات» و ورودی ماندگار به «نور» الهی.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...﴾<sup>۱</sup>

ره‌آورد چنین آموزه‌هایی، تقدس یافتن مرگ در راه خداست. از همین جا می‌توان تفاوت اندیشه‌های افراطی برخی از مذاهب به اصطلاح اسلامی با تعالیم اصیل قرآن کریم را دریافت. کسانی که به غلط جان خود را در راه دنیاپرستی از دست می‌دهند و محصولی جز خسارت دنیا و آخرت برداشت نمی‌نمایند. تاریخ سراسر التهاب اسلام، گویای حقایقی است که اکنون می‌تواند مسیر حق و باطل را بر همگان نمایان کند. تاریخی که علی علیه السلام را در یک جبهه و طلحه و زبیر را در نقطه مقابل نشانده است. تاریخی که امام حسن مجتبی علیه السلام را ماندگار و معاویه را ملعون معرفی نمود. تاریخی که حسین علیه السلام را در برابر دنیاطلبی عمر بن سعد قرار داد. مگر جز این است که همه اینان نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند؟ پس چه شد که گروهی حق و گروهی باطل شدند؟!

فاصله‌ی میان حق و باطل اینان در مرگ و زندگی، ایمان به خدا و اطاعت از فرامین رسول مکرم صلی الله علیه و آله بود. امروز نیز تاریخ بار دیگر تکرار

۱ . البقرة ۲ / ۲۵۷. ترجمه: خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها

به سوی روشنایی به در می‌برد.

شده و مسلمانان در لباس اسلام خود را قربانی زیاده خواهی و حکومت طلبی می‌کنند. آتش جنگ و برادرکشی زیر پرچم ننگین خوارج و تعصب گرایی، کشورهای اسلامی را به جان یکدیگر انداخته و راه را بر ورود مستکبران و کفار باز نموده است. عامل چنین تهدید بزرگی را باید در گریز از ایمان و تقوایی دانست که از همان لحظه‌های نخست پس از رحلت نبی مکرم ﷺ، دامان جامعه اسلامی را گرفت و موجب ظهور انشعاب و تفرقه میان امت واحد رسول الله ﷺ گردید. از همان روزهای نخست، واژه‌های مقدسی همچون جهاد و شهادت و ایثار دست‌مایه دنیاطلبان شد تا انتقام روزهای سخت بدر و اُحُد را از اسلام بگیرند. منافقان کوردل، کینه‌هایی در خود داشتند که تا امروز ادامه دارد. گردن اسلام را با نام مقدس اسلام بریدند و منافقانه خود را زیر پرچم «لا اله الا الله» مخفی نگاه داشتند. از آن سوی دیگر مؤمنان حقیقی مسیر برادری و اتحاد را بر پایه استقامت در راه خدا و شدت در برابر کفار، برگزیدند. آنان به نسخه شفاءبخش عالم هستی چنگ زدند که فرموده:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ  
بَيْنَهُمْ...﴾!

در این طرح متعالی، مؤمنان زیر پرچم پر افتخار تبعیت از فرماندهی رسول الله ﷺ، در برابر کفار سخت‌گیر و در کنار یکدیگر با عطف و مهربانند. مؤمنان معنای راستین «ایثار» را با جان و دل فهمیده‌اند و با همه

۱. فتح ۴۸ / ۲۹. ترجمه: محمد | پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و]

با همدیگر مهربانند.

وجود، خود را بر رعایت آن متعهد می‌دانند. قرآن کریم با توصیه‌ی اکید بر «صبر»، همگان را به دارا بودن روحیه‌ی «فداکاری»، «ازخودگذشتگی» و «ایثار» فرا می‌خواند.

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام گویای ترویج روح ایثار در جامعه اسلامی است. زیباترین جلوه‌های ایثارگرانه را می‌توان از همان ابتدای تشریح اسلام مشاهده نمود. آن‌گاه که اولین بانوی نمونه، با اهداء اموال خود، حرکت جهان شمول اسلام را سرعت بخشید، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بهره‌برداری از اموال حضرت خدیجه رضی‌الله‌عنها، تبلیغ اسلام را با قوت و قدرت ادامه دادند؛ به گونه‌ای که شرق و غرب آن روزگار، آوازه آئین جدید را شنیده و گروه گروه به آن می‌گرویدند.

اوج قلّه‌ی ایثار و رشادت را در عملکرد بزرگ‌مرد اسلام می‌یابیم. نقشه شوم کفار و مشرکین مکه چنان رقم خورد که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شبانه در بستر خواب به قتل رسانند، چنان‌که قاتل قابل شناسایی و مجازات نباشد. یگانه عالم امکان از طریق وحی از فتنه دشمنان مطلع گردید و به ناچار عزم سفر به یثرب نمود. در آن شب که «لیله المییت» نامیده شد، علی رضی‌الله‌عنه با شجاعت و اخلاص در بستر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آرمید تا همگان چنین تصور کنند که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منزل و محل خواب خود حضور دارد؛ و از

۱. انفال / ۸ / ۴۶. ترجمه: و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

سوی دیگر ایشان رهسپار سفری تاریخ‌ساز گردیدند. مشرکان مکه نیمه‌های آن شب بر بالین پیامبر ﷺ هجوم آوردند و چون علی علیه السلام را دیدند، از بطلان نقشه‌ی کودکانه خود مطلع گردیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام جان خود را فداکارانه و ایثارگرانه در خدمت ماندگاری اسلام گرفت. زیباترین توصیف را در کلام الهی به تماشا می‌نشینیم:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ  
بِالْعَبَادِ﴾<sup>۱</sup>

«ایثار» را می‌توان در داستان زندگی مردان و زنانی خواند که به عشق همراهی رسول الله ﷺ خانه و کاشانه‌ی خود را رها نموده و به مراد خود در مدینه پیوستند؛ و چه زیبا انصاری که خداگونه همه‌ی داشته‌های خود را با مهاجرین با ایمان شریک شدند و بزرگ‌ترین «عقد اخوت» بشریت را رقم زدند تا آئین با شکوه اسلام محمدی مانا گردد:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ  
لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ  
كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

۱. البقره ۲ / ۲۰۷. ترجمه: و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی

خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.

۲. حشر ۵۹ / ۹. ترجمه: و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان

آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده

شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را

بر خودشان مقدم می‌دارند. و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند.

فرهنگ بالنده و پر عظمت «ایثار» و «فداکاری» این‌گونه بر افکار و اندیشه‌های مسلمانان صدر اسلام سایه افکن شد. عالم مبهوت روح ایثار و فداکاری مسلمانان در پاسداشت حریم اسلام است. جنگ‌های متعدد و البته نابرابری که از سوی مشرکین و کفار دامن‌گیر جامعه مسلمانان شد و آنان را در آغاز گرایش به آئینی مقدس، دچار چالش‌های فراوانی نمود. نبردهای بدر، احد، حنین، خندق و ده‌ها عرصه دیگر که هر یک صحنه‌ی آزمایشی بس دشوار برای «ایثارگران» میدان «جهاد» و «شهادت» بود. چه بسیار آنان که مرود شدند و چه انبوه رادمردانی که عاشقانه و پیروزمندانه از آزمون‌ها گذشتند.

ادامه حیات طیبه جامعه اسلامی مرهون ایثار جان و مال مردان و زنانی است که شرافتمندانه مصالح دین را بر امیال خود برتری دادند.

الگوی زنان و مردان مسلمان در بذل جان و مال جهاد فی سبیل الله، خاندان با کرامت عصمت و طهارت و سلاله پاک رسول خدا هستند. کامل‌ترین نمونه ایثار و فداکاری را می‌توان در سوره مبارکه «انسان» مطالعه نمود. داستان از خودگذشتگی کسانی که با بذل حداقل داشته‌های خود، راه و رسم انسانیت را به مریدان خود آموختند:

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا  
نُطْعِمُكُمْ لُوْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا<sup>۱</sup>

این مجموعه از آیات در شأن اهل بیت رسول خدا ﷺ نازل گردید که در حالی که روزه بودند، طعام خود را فداکارانه به مستمند و یتیم و اسیر تقدیم نمودند و یکی از صحنه‌های پرافتخار «ایثار» را رقم زدند.

سال‌های کوتاه حاکمیت علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز مآل‌های درس‌های ایثار و جهاد است. حکومت عدالت محور علوی که همواره مورد تهدید زیاده‌خواهان اموی بود و منافقان و متعصبان خشک مغز نیز بر مظلومیت آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام می‌تاختند. نهج‌البلاغه که گوشه‌ای از کلام گهربار علی عَلَيْهِ السَّلَام را منعکس نموده، گویای حقایق تلخی است که با فداکاری، از خود گذشتگی و صبر علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام و اندکی از یارانش صبغه خداگونه به خود می‌گیرد. جنگ‌های متعدد حضرت با مارقین، ناکثین و قاسطین بیان‌گر روح جهادگونه و ایثارگونه اصحاب آن حضرت است. بردباری حضرت طی حدود سه دهه پس از رحلت پیامبر ﷺ، حکومت تازه تأسیس شده‌ی اسلامی را از آسیب فروپاشی محافظت نمود. علی عَلَيْهِ السَّلَام خار در چشم و استخوان در گلو، سال‌های فراوانی را صبر پیشه کردند تا اصل دین از گزند کینه‌توزی ناهالان و دنیا طلبان مصون بماند. به راستی که تاریخ اسلام عجب پر التهاب و بی‌مثال است! علی عَلَيْهِ السَّلَام که فاتح خیبر و ستاره پرفروغ غدیر است، سال‌های

۱. الانسان ۷۶ / ۸ و ۹. ترجمه: و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. «ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»



دراز به ناحق در کنج خلوت خویشتن می‌سوزد تا اسلام عزیز با همه ناملایمات آن روز در میان دندان تیز قدرت‌طلبان اموی، زخم بر ندارد. علی علیه السلام نمونه‌ی کامل ایثار است. او را در محراب نماز به جرم عدالت و تقوا و زهد، به شمشیر تعصب و سبک مغزی به شهادت رساندند تا نام «ایثار» و فرهنگ «شهادت» جاودانه همه لغت‌نامه‌ها شود. شهادت امیر مظلومان و صالحان، راه آزادی و مردانگی را به مؤمنان حقیقی آموخت. ثمره سال‌ها تلاش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام تربیت چهره‌های شاخص و ماندگاری بود که همچنان به بزرگی آنان می‌بالیم. صحابه عظیم‌الشأنی همچون: سلمان فارسی، مقداد بن اسود، میثم تمار، ابوذر غفاری، عمّار یاسر، بلال حبشی، جعفر بن ابیطالب، کمیل بن زیاد، ابویوب انصاری، اویس قرنی، أسامه بن زید، حمزه، جابر بن عبدالله انصاری و ... و زنان پاک‌دامن و فداکاری که نامشان در دفتر یادمان شرافت و بزرگی ماندگار شده است. بانوانی چون: فاطمه بنت اسد، سمیه، اسماء بنت عمیس، أمّ ایمن و ... . ماندگاری اینان جز به کشته شدن نیست، بلکه روح بلند «ایثار» و از خودگذشتگی در راه خدا، چنین زنان و مردانی را به اسطوره‌های استقامت و شهادت و آزادی تبدیل نموده است.

«ایثار» را فرهنگی می‌نگریم که در تفکر شیعه، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. کسب فضایل و تعالی روحی را در قالب همین فرهنگ غنی جستجو می‌نماییم. صدها آیه و روایت گویای ابعاد وسیع فرهنگ ایثار و فداکاری است که قلّه‌ی آن را «شهادت» و جان‌فشانی نام نهاده‌اند. ارزش عملکرد مادران و پدران ایثارگری که زینب‌وار عزیزان خود را راهی نبردهای خونین کردند و در سوگ آنان صبورانه زیستند تا مایه خشنودی دشمن

نگردد. همسرانی که سال‌ها در کنار جسم مجروح شوهرانشان ماندند و در خدمت‌رسانی به آنان ذره‌ای کوتاهی ننمودند. صبر و بردباری کریمانه آنان از مصادیق حقیقی «ایثار» و فداکاری است که اسلام را آئین جاودانه تاریخ بشریت نموده است.

در همین مرحله لازم است به پدیده شوم نفاق که همواره تهدیدی جدی در تربیت دینی بوده، پردازیم و نقش آن در از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی و فضائلی همچون «ایثار» و «فداکاری» را ارزیابی نماییم.

عاملی ننگ‌آور که در وجود انسان رخنه کرده و شخصیت وی را دچار آسیب می‌نماید. انگیزه و نیت عملکرد شخص را دچار دگرگونی می‌نماید و از وی عملکردی «ریا» گونه به نمایش می‌گذارد. نفاق، شکل عادی رفتار افراد را پررنگ نموده و جلوه‌ای زیبا به آن می‌بخشید، حال آن‌که شخص از درون دچار اضمحلال و دوگانگی شخصیت شده است. موضوع نفاق و رفتارهای آسیب‌زای منافقان به اندازه‌ای دارای اهمیت است که بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم در همین خصوص به گفتگو پرداخته و سوره‌ای از کلام الله مجید به نام «منافقون» نام‌گذاری شده است. قرآن کریم به وضوح و صراحت به تبیین انگیزه و خصوصیات رفتاری و شخصیت منافقان پرداخته و به گونه‌ای جدی به معرفی آنان اقدام نموده است. خداوند منافقان را افرادی می‌نامد که قلوبشان مریض بوده و دچار فساد و تباهی شده‌اند، (البقره / ۱۰). منافقین در تعیین و تشخیص راه دچار سردرگمی و تزلزل هستند و همواره میان دو مسیر حق و باطل سرگردانند، (النساء / ۱۴۳). آنان به خیال خام و کوتاه خود می‌توانند جامعه‌ی اسلامی را با رفتاری نفاق آلود و ریاکارانه بفریبند. نه تنها به دنبال گمراه نمودن مسلمانانند که در خیال

## فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات / ۴۳

باطل خود با پروردگار نیز خدعه و نیرنگ می‌کنند، (النساء / ۱۴۲). خداوند نیرنگ آنان را با کوبندگی پاسخ می‌دهد و رسوایشان می‌نماید، (البقره / ۹). اهل نفاق همواره در تلاش و کوشش واهی خود، زشتی‌ها را ترویج می‌کنند و خوبی‌ها را با بن‌بست مواجه می‌نمایند. آن‌ها همواره خدا را فراموش کرده و خداوند نیز آنان را فراموش می‌نماید. قرآن کریم، منافقان را فاسق معرفی می‌کند، (التوبه / ۶۷). منافقین در این اندیشه‌اند که علی‌رغم عملکرد ریاکارانه و نفاق‌آلود، در نهایت خود را در زمره مؤمنان قرار داده و رستگار شوند. خداوند با پوچ خواندن ادعای ایمان آنان، نفاق را از بین برنده‌ی ایمان ذکر کرده و مردان و زنان منافق را به همراه کفبار، به جهنم و عذابی جاودانه وعده می‌دهد، (التوبه / ۶۸).

در عرصه جهاد و ایثار نیز منافقان در همه زمینه‌ها مردود آزمون‌ها بوده‌اند. چهره‌های منافق همواره موجب سستی و ضعف جامعه‌ی مسلمین بوده و گاه با اقدامات جاهلانه یا مغرضانه زمینه‌های شکست را ایجاد نموده‌اند. گاه با همکاری مخفیانه با دشمنان اسلام و گاه با نادانی و جهالت، موجب بروز انواع آفت‌ها و آسیب‌ها می‌شوند. قرآن کریم با بهانه‌های مختلف نسبت به حضور و فعالیت منافقان کوردل در جامعه‌ی ایمانی هشدار می‌دهد، (التوبه / ۱۰۱).

داستان آموزنده‌ی «مسجد ضرار» خواندنی و تأمل برانگیز است، (التوبه / ۱۱۰ - ۱۰۷). قرآن کریم با گزارش نافرمانی منافقان از دستور جهاد و فرار آنان از وظایف خود، به نکوهش این گروه می‌پردازد. تخلف و خودداری از حضور در عرصه جهاد، نشان آشکاری از نفاق آنان است، (الفتح / ۱۶، ۱۵، ۱۱). بر این اساس مواضع منافقین و چگونگی ارتباط آنان با مؤمنین از

موضوعات بسیار مهمی است که در فصول آینده این نوشتار، از نگاه آیات و روایات، بررسی شده است. فاصله زیادی میان ایثارگری و روح نفاق‌طلبی است. امام حسن مجتبی علیه السلام با تبعیت از آموزه‌های ارزشمند رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شرایط سخت تاریخی، از جهت ماندگاری آئین مقدس اسلام، صلحی را پذیرفتند که تحمل آن، کوهی از حلم را می‌طلبید. ایثاری که تاریخ بر عظمت آن گواهی می‌دهد و در نهایت، بار دیگر تکرار درس شهادت و جان‌فشانی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله .

عظمت درس «ایثار»، «شهادت»، «جانبازی»، «آزادگی» و «صبر» را باید از واقعه کربلا آموخت. داستان جوانمردی و آزاده زیستن. حسین بن علی علیه السلام، امام و پیشوای آزادگان جهان با شناخت دقیق مقتضیات زمان و درک صحیح شرایط موجود وقت، با رشادت و شجاعت در برابر طاغوت زمان و یاغی عیاش روزگار خود وارد نبردی جانانه گردید که محصول آن، ماندگاری درس «ایثار» در تاریخ بشریت شد. سال ۶۱ هجری، یادمان آزادمردان و شیرزنانی است که هر یک معلمی تاریخ‌ساز در عرصه تربیت انسان‌های ملکوتی هستند.

کاروان سالار شهیدان در نینوا، با آن که می‌دانند نبردی نابرابر در پیش روی آنان است، در کنار مراد خود می‌مانند تا در رکابش آزادگی را تجربه نمایند. جانبازی عباس بن علی ابوالفضل علیه السلام، خون تازه‌ای در رگ‌های بشریت خسته از ظلم جاری نمود. سرباز وفاداری که الگوی جانبازی شد و تا آخرین توان خود، در راه شرافت، بزرگی و خدمت به اهل بیت علیهم السلام ایستادگی نمود. عباس علیه السلام مردانه جنگید و جانانه به شهادت رسید. آن حضرت دستان خود را در راه هدف متعالی خود فدا نمود و باز هم آرام نگرفت تا از پای درآمد و شهید شد. ظهر عاشورا نمایشگاهی از ایثارگری

است که توسط اصحاب امام شهیدان به نمایش گذاشته شد. هفتاد و دو نفر از اهل بیت و یاران سید الشهداء که بزرگ‌ترین واقعه انقلابی و عرفانی را رقم زدند و در برابر هزاران نفر از فریب‌خوردگان دنیاپرست ایستادند. فرهنگ جهاد و استقامت را از یاران ابی عبدالله علیه السلام می‌آموزیم که صادقانه به ندای امیرشان لبیک گفتند و با هدف اصلاح امور مسلمین به سوی عراق حرکت نمودند. امام حسین علیه السلام انگیزه خود را دنیاپرستی و قدرت‌طلبی ذکر ننموده، بلکه در پی اصلاح امت رسول خدا حرکت می‌نماید. هدف آن حضرت و کاروان کربلا، امر به معروف و نهی از منکر است.

همان اصل مهمی که نقطه مقابل خواست منافقان اموی قرار گرفت. یزیدیان می‌خواستند زشتی‌ها و منکرات را ترویج کنند تا بستر خوشگذرانی‌ها فراهم گردد. امویان می‌خواستند معروفی نماند تا سد رهشان گردد! اما قیام کربلا هدفی دیگر را دنبال می‌نمود؛ امر به معروف و نهی از منکر. این گونه شد که نوزاد خردسال ابی عبدالله علیه السلام در کنار جوان برومندش علی اکبر علیه السلام با همراهی برادرش عباس، همگی در آغوش شهادت آریدند. نه طمع کسب دارایی‌های دنیوی فریشان داد و نه به دنبال دستیابی به منافع مادی و رتبه‌های سلطه‌گرانه بودند. خلوص نیت، رمز مجاهدت و هدف ایثارگری شهدای کربلا بود. پا به پای حماسه‌ی کربلا، صبر، بردباری و استقامت کاروان اسراء و اهل بیت سیدالشهداست که پس از واقعه پیروزمندانه و با شرافت، میراث‌دار بزرگ‌ترین صحنه‌ی حماسی تاریخ بشریت شدند. زینب کبری علیه السلام بانوی ایثارگری که شهادت پدر خود علی علیه السلام، مادرش فاطمه‌ی زهرا علیه السلام، برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام و دیگر

حوادث تلخ را صبورانه تجربه نموده است.

اکنون داغدار واقعه‌ای است که تحمل آن کوهی از استقامت می‌خواهد. اکنون او باید پرچمدار تبیین و نقل صحیح حوادث روز عاشورا باشد. زینب علیها السلام باید همراه کاروان اسراء و انیس روزهای تلخ اسارت فرزندان ابی‌عبدالله علیه السلام گردد تا علاوه بر جانفشانی در صحنه نبرد عاشورا، هدایت تاریخ پس از آن را نیز در کارنامه ایثارگری خود ثبت نماید. کسی که با تحمل مصائب فراوان، چیزی جز زیبایی‌ها را ندید «وَمَا رَأَيْتُ أَلَا جَمِيلاً». اکنون او باید روایت‌گر شهادت‌طلبی و ایثارگری‌های شهداء کربلا باشد. از این‌رو حماسه کربلا و پس از آن فرهنگ ایثار را تعریف نمود. در این جریان باشکوه، نقش مادران و خواهران و همسران شهداء در کنار پدران و فرزندان آنان، در زنده نگه داشتن حریم خون‌های تقدیم شده بسیار ارزشمند است. مگر می‌شود فرهنگ ایثار را بدون تشریح جایگاه تأثیرگذار بازماندگان شهداء مورد بررسی قرار داد؟ از همین روست که در آموزه‌های گرانسنگ اسلام، روایات و احادیث فراوانی در ارزش و اعتبار «صبر» و «استقامت» نقل گردیده و جایگاه رفیع مادران، پدران، همسران و فرزندان ایثارگران را تبیین می‌نماید. در کنار شهداء و اوج قله ایثارگری آنان، گروه دیگری نیز هستند که ارزش و کارکرد جهادی آنان، نقش بی‌بدیلی را در پاسداشت نظام فکری اسلام دارد. جانبازان و مصدومان نبردهای حق طلبانه که با تقدیم اعضاء پیکر خود نمادی حماسه‌ساز از ایثار را همواره با خود دارند. این گروه از ایثارگران با تاسی از جانباز صحنه کربلا، ابوالفضل العباس علیه السلام، با رشادت و شجاعت از مرزهای جغرافیایی کشور دفاع نموده و فداکارانه حافظ حریم ارزش‌های اسلام عزیز هستند. جانبازانی که یک عضو یا اعضای از بدن خود را تقدیم هدف متعالی

دین نموده و اکنون تا پایان زندگی، میراث‌دار زخم‌های کهنه نبرد حق علیه باطل هستند. صبر و استقامت شهدای زنده انقلاب، یادآور رنج‌هایی است که آزاد مردان این مرز و بوم، با هدف قرب الهی متحمل شدند و در مقابل آن، خواسته‌ای جز رسیدن به رضوان الهی نداشتند. وعده حقی که پروردگارشان تضمین نموده است و چه دشمنان اسلام را بکشند و چه خود کشته شوند، جایگاهشان بهشت خواهد بود (التوبه / ۱۱۱). جانبازان پاداش صبر و استقامت و جوانمردی را دریافت خواهند نمود که فرجامی نیک در انتظارشان خواهد بود: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد/۲۴).

با بررسی آیات و روایات مربوط به ایثار و جهاد، به ارتباط تنگاتنگ میان واژه‌های صبر، استقامت، ایثار، شهادت و ... دست می‌یابیم. گویا صبر و استقامت ایثارگرانی که در صحنه‌های جهاد و مقاومت، جانفشانی کرده‌اند، در نگاه دین ارزشی مثال زدنی دارد. خصوصاً همسران جانبازان که در کنار آن‌ها شاهد درد و رنج و مصائب فراوانی هستند و از این گروه ایثارگر مراقبت می‌نمایند.

گروهی دیگر از ایثارگران، آزادگان سرافرازی هستند که سال‌های متمادی در بند زندان‌های متجاوزان بعضی، انواع شکنجه‌ها را صبورانه تحمل کردند و کمر خم نمودند. آنان با درس گرفتن از سرور خود امام سجاد علیه السلام رنج اسارت بر خود هموار کردند و موجب شادمانی قلب هموطنان خود شدند. بسی افتخار است که سال‌ها زیر شکنجه و آزار روحی و جسمی دشمن، سرافراز و پرقدردت ظاهر شدند و تن به ذلت سازش و وطن‌فروشی ندادند. تاریخ جنگ‌های دنیا نشان می‌دهد که اردوگاه‌های اسرای جنگی مملو از عناوینی چون: خودکشی، افسردگی، نزاع و انواع بدرفتاری‌های اخلاقی است؛ حال آن‌که اردوگاه‌های اسرای ایرانی در بند بعضی‌های متجاوز، سرشار از نور

قرآن، ادعیه، تبادل دانش و ایمان بوده است. خاطرات آزادگان سرافراز در این خصوص شنیدنی است. آنان که گاه زیر بار شکنجه‌های وحشیانه به شهادت می‌رسیدند اما ذره‌ای از نظام ارزش‌های اسلام و اخلاق فروگذار نکردند. روحیه مثال‌زدنی آزادگان در طول دوره اسارت، نماد تمام عیاری از استقامت مردانی ایثارگر و تقوا پیشه است. گروه دیگری از ایثارگران دفاع مقدس، والدین، همسران و فرزندان شهداء و جهادگران هستند. کسانی که اگرچه مستقیم در جبهه‌های نبرد حضور نداشتند، لکن با تربیت فرزندان متعهد و فداکار، دین خود را به انقلاب و اسلام اداء نمودند.

علاوه بر آن باید همّت مادرانی را که بزرگوارانه، فرزندانشان را بدرقه می‌کردند، ارج نهاد. مادرانی که دلبندهای خود را با جان و دل رهسپار جبهه‌ها می‌نمودند و اجساد بی‌جان شهدای خود را هدیه‌ای تقدیم به انقلاب و امام راحل می‌دیدند. فرزندان شاهد، همان‌هایی که فارغ از مهر پدری، سال‌ها در انتظار بازگشت پدر، به داستان‌های زیبای مادر بزرگشان دل خوش می‌کردند. خاطرات همسران شهداء، آزادگان و جانبازان درس ایثار و جهاد را به ملت هدیه می‌کند.

آنچه که در این مجموعه گردآوری شده آیات و روایاتی است که در موضوع ایثار و شهادت و در قالب شش فصل مجزا ارائه گردیده است. ایثار را باید مجموعه‌ای از جانفشانی، فداکاری، شهادت‌طلبی، آزادگی، جانبازی، استقامت و صبر دانست که هر یک در جایگاه خود نقش قابل توجهی در پویایی جامعه اسلامی و جهاد فی سبیل الله دارد. تلاش نموده‌ایم تا مهم‌ترین روایات و احادیث پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان معصوم را گرد آورده و تحت عناوین متعدد تدوین نماییم. اهتمام نگارنده بر پرهیز از نقل روایات ضعیف بوده و عموماً از معتبرترین کتب روایی شیعه بهره‌برداری شده است. خوشبختانه طی سال‌های



اخیر با توسعه‌ی فناوری و به کارگیری آن در دسترسی به منابع اصیل دینی، جستجوی روایات به شکل قابل توجهی سهل و آسان گردیده است. به طور نمونه نرم افزارهای پرکاربردی همچون جامع التفاسیر، جامع الاحادیث، مشکات الانوار، مکتبه اهل البیت علیهم السلام، درایه‌النور، جامع‌الفقه و دیگر عناوین موجود، فعالیت گردآوری و شناسایی روایات مرتبط با موضوع را تسریع نموده است. هر حدیث در منابع مختلف بازدید شده و جهت پرهیز از تکرار حدیث به ذکر منبع آن بسنده گردیده است.

از این جهت که دستیابی به آیات و روایات آسان تر باشد، چینه‌ساز موضوعی انتخاب شده و ذیل هر عنوان مطالب آن گردآوری گردیده است. بدین صورت مراجعه کننده محترم قادر است به سهولت موضوع مورد نیاز را از طریق فهرست جستجو نموده و به مطالب مورد نیاز خود دست یابند. مرجع تمامی احادیث و آیات با ذکر نام سوره و شماره آیه بیان شده تا برای محققین و مراجعین ارجمنند جستجوی هر مورد از مطالب را در مراجع و منابع میسر گردد.

در خاتمه از همه کسانی که نگارنده را در تدوین پژوهش حاضر یاری نمودند سپاسگزارم. بی تردید علاقه‌مندی و تمایل به انجام فعالیت‌های ماندگار و فاخر علمی نشان‌دهنده بلوغ نهادهای انقلابی است که طی سال‌های اخیر بی‌ادعا خدمات قابل توجهی را به مخاطبین و مردم عزیز ایران اسلامی ارائه نموده‌اند. به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی می‌تواند سهولت بهره‌برداری و ارتباط عموم مردم با منابع دینی در موضوعات خاص را ممکن نماید.

رضا نجفی

تابستان ۱۳۹۹

بوشهر، دانشگاه خلیج فارس



**بخش اول**

**\*\*\***

**ایشار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه**



## فصل اول: ایثار

### واژه شناسی

واژه «ایثار» بر وزن افعال از ریشه «أثرَ» و به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود و برتری دادن است. این واژه در اصطلاح به مفهوم مقدم نمودن دیگری بر خود در کسب سود و منفعت یا دفع ضرر و زیان است که در نهایت، اوج برادری و دوستی در میان گروه را نشان می‌دهد. این کلمه در فرهنگ بزرگ سخن حسن انوری به معنای بذل، گذشت کردن از حق خود برای دیگران، نفع دیگری یا دیگران را بر خود ترجیح دادن آمده است، در لغت نامه دهخدا، این کلمه به معنای غرض دیگران را بر خود مقدم داشتن، برگزیدن و منفعت غیر را بر خود مقدم داشتن و این کمال درجه سخاوت است به کار رفته است، که از ارزش‌های متعالی اسلامی است. <sup>۱</sup> در ایثار خیرخواهی نهفته است؛ به همین دلیل مقابل خودخواهی است. میل به فایده‌رسانی و خدمت به دیگران، جلوه‌ای از میل به حق است. رفتاری که از

---

۱. الایثار: بخشش، تفضّل. المفردات ألفاظ القرآن، راغب أصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق صفوان عدنان داوودی، ۱ جلد، دار القلم، الدار الشامیة، بیروت، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲.

۲. لغتنامه، دهخدا، علی اکبر، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۲ ش، ج ۵، ص ۵۴۳؛ فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن، سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۶۷۵؛ فرهنگ عمید، عمید، حسن، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۳۲۰.

این محرک برمی‌خیزد، به قصد تقرّب و در جهت کمک و خدمت به دیگران، همراه با از دست دادن نعمت، فرصت، عمر و امثال آن است.<sup>۱</sup> بنابراین حقیقت ایثار یعنی برتری بخشیدن و مقدم داشتن آن چیزی که فضیلت دارد، است.<sup>۲</sup>

رواج فرهنگ ایثار در اجتماع، به مفهوم از خودگذشتگی و ترجیح دیگران بر منافع شخصی خود است؛ که نشان دهنده اوج انسانیت و تعالی رفتار دینی در جامعه می‌باشد. در فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی، آنچه اهمیت دارد رهیافتی به تحقق خواست اجتماعیت، به گونه‌ای که اخلاق مصداق واقعی یافته و جنبه‌های ملکوتی انسان تجلی یابد.

«ایثار»، گاه با تقدیم جان و گاه با عرضه مال همراه است که هر دو از خواست‌های مادی بشر هستند. آن‌گاه که انسان ملکوتی آرزوهای معنوی خود را بر تمنای مادی ارجحیت می‌دهد، با اختیار و انتخاب و در کمال آگاهی، همه آنچه را که به آن دلبسته در جهت تأمین رضای الهی تقدیم می‌نماید و در مقابل چیزی جز دستیابی به کرامت انسانی و در نهایت لقای پروردگارش مطالبه نمی‌نماید. در این مسیر زیبا هر کس دیگری را بر خود مقدم می‌دارد و منافع خود را فدای خواست جمعی می‌کند تا جایی که رقابت بر سر کسب فضائل ملکوتی و صفات خداگونه است. در این چنین فرهنگ متعالی، انسان چیزی جز انسانیت ندیده و غایتی جز ثواب عمل

۱. فرهنگ واژه های انقلاب اسلامی، فارسی، جلال الدین، بنیاد فرهنگی امام رضا، مشهد

مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، حسن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران،

۱۳۶۰ ش، ص ۳۲.

خود را جستجو نمی‌نماید. از خودگذشتگی در تعالیم اسلام عزیز به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته و از معیارهای مسلم و قطعی تجلی انسانیت و اخلاق‌گرایی است.

### ایثار، نماد از خودگذشتگی

«ایثار» در حقیقت از خودگذشتگی و نثار جان و مال در راه دستیابی به تعالی انسانی است. ایثارگر، فداکاریست که بدون چشم داشت به جایزه و پاداش‌های مادی، از دارایی‌های خود صرف‌نظر کرده و در نهایت اخلاص آن‌ها را واگذار می‌نماید. ایثارگر در نخستین گام از رذیلت‌های نفس رها شده و خویشتن خود را از صفات زشتی همچون بخل و حسد پاک کرده است. انسانی که در بند تعلقات نفسانی قرار دارد هیچ‌گاه از داشته‌های خود به نفع هموعانش گذر نمی‌کند. اشخاص حسود و بخیل همه افکارشان در گرو ننگه‌داری از مادیات و دارایی‌هایشان است. قرآن کریم اولین گام ایثارگری را رهایی از رذائل اخلاقی و پاکی دل ذکر کرده است که همان «جهاد اکبر» است. ایثارگران، جهادگران عرصه خودسازیند.

﴿... وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ  
أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>


۱. الحشر ۵۹/۹. ترجمه قرآن، فولادوند، محمد مهدی، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگاراند!

### زیباترین جلوه‌ی ایثار در قرآن کریم

قرآن کریم داستان از خودگذشتگی و ایثار خاندان عصمت و طهارت را به گونه‌ای زیبا و پر جذب‌ه نقل نموده که اوج انسانیت در آن به خوبی نمایان است. سوره مبارکه «دهر» که نام دیگر آن «انسان» است در خود واقعه‌ای را جا داده که حاکی از ایثار و فداکاری حضرت زهراء، همسر و فرزندان ایشان است. آنان در حالی که خود نیاز به طعام داشتند، در سه نوبت غذایشان را به مسکین و یتیم و اسیری واگذار نمودند. شرح داستان ایثار و فداکاری این خاندان را می‌توان در آیات سوره مبارکه «انسان» مطالعه نمود. در ادامه به گوشه‌ای از بیان ملکوتی کلام الهی که در این خصوص نازل شده است، اشاره می‌نماییم:

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ  
لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾<sup>۱</sup>

و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند  ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!



### ایثار، حق مؤمن بر مؤمن

همکاری، همیاری و مساعدت از خصوصیات رفتار اجتماعی است که در دین مقدس اسلام نسبت به آن فراوان توصیه شده است. برادران مؤمن در جامعه‌ی ایمانی، همواره خود را در برابر مشکلات و نارسایی‌های یکدیگر مسؤول می‌دانند.

فداکارانه در غم و شادی همدیگر شریکند و ایثارگرانه در حل معضلات فردی و اجتماعی اهتمام دارند. آموزه‌های اسلام بر آن است تا همگان را در برابر جامعه پاسخگو معرفی نماید. ثروتمندان با نثار مال و دارایی خود، داغ فقر و مستمندی را از دل فقرا بیرون کشیده و آنان را در اموال خود - ایثارگرانه - سهیم می‌کنند.

عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ، قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَقُلْتُ: أَخْبَرَنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، دَعْنَهُ لَأَتَرِدَهُ» قُلْتُ: بَلَى جَعَلْتُ فِدَاكَ، فَلَمْ أَزَلْ أُرَدُّ عَلَيْهِ، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ». ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ، فَرَأَى مَا دَخَلَنِي، فَقَالَ: «يَا أَبَانُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟» قُلْتُ: بَلَى جَعَلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: «أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدُ، إِنَّمَا أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ، إِنَّمَا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النِّصْفِ الْآخِرِ»<sup>۱</sup>.

۱. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ق ۱۴۲۹، ج ۳،

از ابان بن تغلب: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از حق مؤمن بر مؤمن، آگاه فرما. فرمود: «ابان! این موضوع را بگذار و از آن بگذر». گفتم: نه، فدایت شوم. و به ایشان، اصرار ورزیدم. پس، فرمود: «ای ابان! [از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که] داراییات را با او به دو نیم، قسمت کنی». سپس به من نگریست و چون حالت [اعجاب] دست داده به مرا دید، فرمود: «ای ابان! مگر نمی‌دانی که خداوند عزّ و جلّ از ایثارگران، یاد کرده است؟» گفتم: چرا، فدایت شوم. فرمود: «هرگاه داراییات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او یکسانید. وقتی ایثار می‌کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی.»

### ایثار، قله جوانمردی و فتوت

یکی دیگر از نشانه‌های «ایثار» که می‌تواند جامعه را از ثمرات خود بهرمند نماید، فتوت و جوانمردی است. روحیه‌ی ایثارگری همان روح جوانمردی است که در بذل جان و مال تبلور یافته و نمایان گردیده است. علی علیه السلام ایثارگری را اوج قله‌های جوانمردی معرفی می‌نماید.

الامامُ علیُّ علیه السلام : مَنْ آثَرَ عَلَيَّ نَفْسِهِ بَالِغٍ فِي الْمُرُوَّةِ<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: کسی که ایثار کند، در مروت به اوج رسیده است.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش، ص ۳۹۶، حدیث شماره ۹۱۷۳.

### ایثار، نماد انسانیت

سأل شقيق البلخي جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن الفتوة فقال: ما تقول أنت قال إن أعطينا شكرنا و إن منعنا صبرنا قال إن الكلاب عندنا بالمدينة هذا شأنها و لكن قل إن أعطينا آثرنا و إن منعنا شكرنا.<sup>۱</sup>

شفيق بلخي از امام صادق عليه السلام از فتوت پرسید. فرمود: «تو [خود] چه می گویی؟». شفيق گفت: اگر به ما عطا شود، شکر می گذاریم و اگر از ما دریغ گردد، شکیبایی می ورزیم. امام صادق عليه السلام فرمود: «سگ های مدینه نیز چنین می کنند!». ولی بگو اگر به ما عطا شود، ایثار می کنیم و اگر از ما دریغ گردد، شکر می گذاریم.»

### ایثار، صفت بزرگان

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام : ... ثُمَّ قَالَ لِجَمِيلٍ يَا جَمِيلُ أَخْبِرْ بِهِذَا غُرَّرَ أَصْحَابِكَ - قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي قَالَ هُمُ الْبَارُونَ بِالْأَخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ثُمَّ قَالَ يَا جَمِيلُ أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ صَاحِبَ الْقَلِيلِ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ وَ يُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَ مَنْ

۱ . شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد، ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۱۷ / إرشاد القلوب، ديلمی، حسن بن محمد، ترجمه رضایی، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۹۶ / الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس، المكتبة الحيدريه، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۵۸.

يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.<sup>۱</sup>

به نقل از جمیل بن درّاج: گفتیم: فدایت شوم! بزرگان از یارانم کیان‌اند؟ فرمود: «آن‌اند که در سختی و آسایش، به برادران، نیکی و کمک می‌کنند». سپس فرمود: «ای جمیل! بدان که این کار، برای افراد توانگر، آسان است؛ اما خداوند عزّ و جلّ در این زمینه، آن را که مال اندک دارد [و در عین حال، همان را ایثار می‌کند]، ستوده و در کتاب خود، فرموده است: «و [دیگران را] بر خویشتن، مقدّم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و آن‌ها که از خست نفس خویش مصون بمانند، آنان، همان رستگارانند.»

#### ایثارگری صفت برجسته شیعیان

الامامُ حسنُ العسکری عليه السلام : وَ شِيعَةُ عَلِيٍّ عليه السلام هُمُ الَّذِينَ يُؤْتِرُونَ  
إِخْوَانَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَرَاهُمْ  
اللَّهُ حَيْثُ نَهَاهُمْ، وَ لَا يَفْقِدُهُمْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ.<sup>۲</sup>

۱ . من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱.

۲ . التفسیر المنسوب إلى الامام الحسن العسکری عليه السلام، حسن بن علی عليه السلام، امام یازدهم، مدرسه الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۱۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مؤسسه بعثه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۶۰۷ / مدینه معاجز الأئمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۵۹۳ / بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ص ۶۵ / ۱۶۲ / الحیاء، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ج ۵، ص ۱۶۶.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۶۱

---

امام عسکری علیه السلام - چنان که در تفسیر منسوب به ایشان آمده است - فرمود: شیعیان علی علیه السلام، آن کسانی اند که برادرانشان را بر خودشان مقدم می‌دارند، هرچند در خود آن‌ها نیازی ضروری باشد.

## ارزش ایثار

### بالاترین مراتب ایمان

تعالیم اسلام در خصوص اعتبار و ارزش «ایثار» گویای این است که نهایت تعالی معنوی و غایت مراتب ایمان برای ایثارگران ترسیم شده است. آنان که جان و مال خود را در جهت جلب رضایت الهی با خلوص نیت تقدیم کرده و جلوه‌های انسانیت را به نمایش می‌گذارند در عالی‌ترین رتبه‌ی ایمان جای گرفته‌اند چرا که ارزشمندترین‌های خود را خالصانه تقدیم می‌نمایند.

الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: الْإِيثارُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ وَأَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: ایثار، بهترین احسان و بالاترین مرتبه ایمان است.

### عالی‌ترین خصلت اخلاقی

نه تنها ابعاد اعتقادی مقوله ایثار قابلیت بررسی و مطالعه دارد، که از جهات اخلاقی و تربیتی نیز قابل ارزیابی و تحلیل می‌باشد. از خودگذشتن

---

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۶، حدیث شماره ۹۱۶۲.

و فرصت‌ها را در اختیار دیگران قرار دادن از توصیه‌های اکید اخلاقی است که البته انگیزه و نیت خداگونه آن بسیار اهمیت دارد و تعیین کننده‌ی ارزش غایی عمل می‌باشد. گفتار جایگاه اخلاقی ایثار را تأکید می‌نماید.

\*\*\*

الامامُ عليُّ عليه السلام : الْإِيثارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : ایثار، عالی‌ترین خصلت اخلاقی است.

### برجسته‌ترین نیکوکاری

احسان و نیکوکاری از مهمترین توصیه‌های قرآن و آموزه‌های معصومین می‌باشد. نیکوکاری در کنار صفاتی همچون «عدل» قرار دارد که نشان دهنده‌ی اهمیت آن است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾<sup>۲</sup>

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!

امیرالمؤمنین علی عليه السلام ایثار را به عنوان قله نیکوکاری و نقطه برجسته‌ی آن معرفی می‌نماید. بدیهی است چنین تعبیری ارزشمند از ایثار نشانگر

۱. همان، ص ۳۹۶، حدیث شماره ۹۱۵۹.

۲. النحل / ۱۶ / ۹۰.

جایگاه رفیع آن در ادبیات دینی ماست.

الامامُ علیُّ عليه السلام : الْإِيْثَارُ أَشْرَفُ الْإِحْسَانِ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : ایثار، برجسته‌ترین نیکوکاری است.

### ایثار، غایت زیبایی‌ها

آموزه‌های اخلاقی اسلام در پی تشکیل جامعه نظام‌مند بر اساس رفتارهای «خوب» و «شایسته» است. زیبایی‌های رفتاری موجب تلطیف عواطف و احساسات شده و نیکی‌ها را در سطح عمومی جامعه ترویج می‌نماید. ایثار، زیباترین و کامل‌ترین شکوفه‌ی درخت انسانیت و تربیت دینی اسلام است. اعضاء جامعه‌ی دینی، نه از سر اکراه و اجبار، که از سر اختیار و آگاهی نسبت به اهداء داشته‌های خود همت گماشته و دیگران را بر خود ارجحیت می‌دهند.

الامامُ علیُّ عليه السلام : الْإِيْثَارُ غَايَةُ الْإِحْسَانِ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : ایثار، اوج نیکوکاری است.

### ایثار، برترین نیکوکاری

الامامُ علیُّ عليه السلام : الْإِيْثَارُ أَعْلَى الْإِحْسَانِ [الْإِيْمَانِ].<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام : ایثار، برترین نیکوکاری است.

---

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۹۵، حدیث شماره ۹۱۵۴.

۲. همان، ص ۳۹۵، حدیث شماره ۹۱۵۶.

۳. همان، ص ۳۹۵، حدیث شماره ۹۱۵۸.

### ایثار، انتخابی برتر

انسان مؤمن در عرصه زندگی با فرازها و نشیب‌های متعددی مواجه می‌باشد که در مواقع مختلف ملزم به انتخاب برترین‌هاست. فرصت‌های پیش روی هر شخص به قدری ارزشمند است که گاه از میان رفتن هر یک می‌تواند خسارتی جبران‌ناپذیر باشد. ایثار، فداکاری، از خود گذشتگی و جهاد هر یک می‌توانند به عنوان فرصت‌هایی در زندگی مؤمنین خودنمایی نموده که با انتخاب برترین‌ها مسیر بر دستیابی بر فضایل هموار می‌گردد. علی علیه السلام که خود الگوی شجاعت و شهامت است، انتخاب ایثار را برترین آراستگی و زیور معرفی نموده است. بر این اساس جامعه دینی که بر مبنای ایثار و فداکاری بنا شده آکنده از زیبایی‌هایی است که وجود اعضای آن جامعه را مالا مال از محبت و مهرورزی می‌نماید.

الامامُ علیُّ علیه السلام : مِنْ أَفْضَلِ الْأَخْتِيَارِ التَّحَلِّيُّ بِالْإِيْثَارِ!

امام علی علیه السلام : یکی از بهترین انتخاب‌ها آراسته شدن به زیور ایثارگری است.

### ایثار، برترین عبادت، نهایت بندگی

هدف خلقت عبودیت و بندگی انسان‌های شرافتمند و با عزتی است که در برابر خالق هستی جانانه رسم بندگی را ادا می‌نمایند. برخی از فضائل رفتاری همچون ایثار به قدری با عظمت جلوه‌گری می‌کنند که برترین



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۶۵

عبادت و نهایت بندگی نامیده شده‌اند. علی علیه السلام در تعبیر خود ایثار را نهایت بندگی می‌داند.

الامامُ علیُّ علیه السلام : الْإِيثارُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ وَ أَجَلُّ سِيَادَةٍ<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : ایثار، برترین عبادت و شکوه‌مندترین آقایی است.

### آثار و برکات ایثار

فداکاری، از خودگذشتگی و ایثار نه تنها در زندگی دنیا موجب همبستگی و همیاری است، که در آخرت نیز رستگاری را به همراه خواهد داشت. برکات ایثار در زندگی دنیا و آخرت، از وعده‌های معصومین علیهم السلام بوده و آسایش مؤمنین را به دنبال خواهد داشت. جامعه بنا شده بر اساس آموزه‌های تربیتی اسلام چنان ظرفیتی را ایجاد می‌نماید که مؤمنین در برابر یکدیگر احساس مسئولیت و پاسخگویی دارند. در چنین فضایی اعضای جامعه با ایثار و از خودگذشتگی مسیر برکات را هموار می‌نمایند. همه تلاش دین آن است که همبستگی و همگرایی را در متن جامعه دینی ایجاد نماید.

### رستگاری

قرآن کریم و رهنمودهای معصومین علیهم السلام ما را به انگیزه ای جاودانه فرا می‌خواند که طی آن مسلمانان مؤمن با رعایت اصول و فروع دین و اصلاح

۱. همان، ص ۳۹۵، حدیث شماره ۹۱۶۱.

مبانی رفتاری خود، به درجه‌ی رفیع «فلاح» و رستگاری دست یافته و قرین نعمتهای پروردگارش می‌گردد.

در این مسیر متعالی، «ایثار» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. ایثارگر و جهادگر فی سبیل الله نه تنها با جان فشانی در راه خدا به گسترش دین و امنیت ملی و اسلامی اقدام نموده، که رستگاری آخروی را نیز برای خویشان تضمین نموده است.

مؤمنان رستگار در هر حال نسبت به فداکاری و ایثار توجه داشته و با اهتمام در راه گره‌گشایی مملکت دینی و توسعه آموزه‌های اسلامی تلاش می‌نمایند.

الامامُ الصَّادقُ عليه السلام - فِي صِفَةِ الْكَامِلِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ: هُمْ الْبَرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ، فَقَالَ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فَازُوا - وَ اللَّهُ - وَ أَفْلَحُوا. ۲

امام صادق عليه السلام - در توصیف مؤمنان کامل - فرمود: آنان، کسانی‌اند که در آسایش و سختی به برادران نیکی می‌کنند، و در هنگام تنگ‌دستی، ایثار می‌کنند. این‌گونه، خداوند، ایشان را

۱ . الحشر ۵۹ / ۹ .

۲ . عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الحدیث)، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۸ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۵۱ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل‌البیته<sup>۱</sup>، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۱۳.

توصیف کرده و فرموده است: «و [دیگران را] بر خویشان، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آن‌ها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگارانند.» به خدا سوگند که اینان، کامیاب و رستگار شدند.

### تأثیر ایثار بر مکارم اخلاق

از جمله رذائل اخلاقی که انسان با آن مواجه می‌باشد، دلبستگی به دنیا و فرو رفتن در تمایلات نفسانی آن است. علاقه‌مندی به زیورها و زخارف دنیوی و افراط در دلدادگی به آن‌ها، انسان را از مسیر رشد و تعالی به دور داشته و غرق در مادیات می‌نماید.

رذائلی همچون طمع‌ورزی، حساست، حرص، آزمندی در کنار زشتی‌هایی مانند کم‌فروشی، ربا، سودگرایی، دلالی، کلاه‌برداری، تقلب و... محصول دنیاطلبی است که در آموزه‌های اخلاقی و تربیتی به شدت نسبت به آن‌ها هشدار داده شده است. نقطه مقابل چنین صفات ناپسند رفتاری، فضایی است که انسان را در جهت دستیابی به برکات اخروی رهنمون شده و به عنوان قطع‌کننده دلبستگی‌های دنیوی و نیل به ارزش‌های اخروی از آن‌ها یاد می‌شود.

ایثار، فداکاری، انفاق و ... ارزش‌های والای اخلاقی هستند که شخص با اهداء اختیاری و آگاهانه برترین تمایلات نفسانی و دنیوی، خود را از آن‌ها رها نموده و به کمال نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند.

### والاترین ویژگی اخلاقی

الامامُ علیُّ عليه السلام: خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْاِيْثَارُ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: بهترین خصلت‌های اخلاقی، ایثار است.

### ایثار، انتهای مسیر اخلاقیات

الامامُ علیُّ عليه السلام: غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْاِيْثَارُ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: نقطه اوج خصلت‌های اخلاقی، ایثار است.

### کامل کننده‌ی فضائل اخلاقی

الامامُ علیُّ عليه السلام: لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ وَالْاِيْثَارِ!

امام علی عليه السلام: فضائل والای انسانی، جز با عفت و ایثار، کامل نمی‌گردد.

### ایثار، فضیلتی در متن اجتماع

الامامُ علیُّ عليه السلام: تَحَبَّبَ اِلَيْ خَلِيْلِكَ يَحْبِبُ [يُحْبِبُكَ] وَ اَكْرَمُهُ

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، لثی واسطی، علی بن محمد، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۳۷، حدیث شماره ۴۵۱۰ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۷۶، حدیث شماره ۸۴۷۰

۲. غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الامام علی عليه السلام)، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، دارالکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۶۹، شماره حدیث ۱۶.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۶، حدیث شماره ۵۴۱۸.

يُكْرِمَكَ وَ آثَرَهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤْتِرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : به دوستت مهر بورز تا به تو مهر بورزد، و او را گرامی بدار تا تو را گرامی بدارد، و او را بر خویشتن، مقدم بدار تا او نیز تو را بر خویش و خانواده‌اش مقدم بدارد.

### رسیدن به مقام اعرافیان

الامامُ علیُّ علیه السلام : الْمُوقِنُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُؤْتِرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : اهل یقین و مخلصان و ایثارگران، از اعرافیان آند.

- 
۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۰۳، حدیث شماره ۴۱۱۷ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۲، حدیث شماره ۹۶۷۴.
  ۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۸، حدیث شماره ۳۳۱۲.
  ۳. اعراف، به جای بلند گفته می شود. ریشه این واژه « عرف » به معنای بال است (التبیان فی التفسیر القرآن، طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی التفسیر القرآن، تحقیق احمد بن حبیب قصیر العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۰). گفته شده که «اعراف»، بلندای حایل میان بهشت و دوزخ است (المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، سید محمدحسین، قم، دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسان، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۲۱). درباره این که «اهل اعراف»، چه کسانی هستند، در منابع حدیثی و تفسیری اقوال گوناگونی آمده و از جمله آن‌ها این است که آنان اهل بیت علیهم السلام هستند (کافی، ج ۱، ص ۱۸۴).

## جایگاه والای ایثار

### جلوه‌ی ایثار در لیلۃ الممیت

از جمله حوادث تاریخ ساز حیات نبی مکرم اسلام ﷺ واقعه لیلۃ الممیت است در پی ائتلاف مشرکان بر قتل آن حضرت صورت گرفت. در آن حماسه تاریخی، علی علیه السلام شجاعانه در بستر پیامبر ﷺ آرمید تا آن حضرت فرصت یابد خود را از مکر مشرکان و قصد پلید آنان نجات دهد. در آن شب سرنوشت ساز، علی علیه السلام با تدبیر و حیانی رسول خدا ﷺ، همه خطرات احتمالی را پذیرفتند و خود را در معرض مجاهدتی بی‌مثال قرار دادند. مهاجمین مشرک با ناباوری با علی بن ابی طالب علیه السلام مواجه شده و همه نقشه‌های آنان به شکست انجامید.

روایات فراوانی، واقعه لیلۃ الممیت را تبیین نموده و نقش ارزشمند امیرالمؤمنین علیه السلام در حفاظت و حراست از پیامبر ﷺ را بازگو می‌نمایند. آیه زیر در شأن علی علیه السلام و بزرگی عملکرد آن حضرت نازل شده است.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾

و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.

\*\*\*

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا بَاتَ عَلِيُّ (ع) عَلَى الْفِرَاشِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ مَلَكَيْنِ مِنْ مَلَائِكَتِهِ لَمْ يَكُنْ فِي الْمَلَائِكَةِ أَشَدُّ اثْتِلَافًا وَ مُوَاخَاةً مِنْهُمَا فَقَالَ إِنِّي مُمِيتٌ أَحَدَكُمَا فَاخْتَارَا قَالَ فَتَدَانَعَا الْمَوْتَ بَيْنَهُمَا وَ آثَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْبَقَاءَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا أَيْنَ أَنْتُمَا عَنْ عَبْدِ هَذَا الرَّاضِي هَذَا الرَّاضِي بِالْمَوْتِ الْبَائِتُ عَلِيُّ فِرَاشِ ابْنِ عَمِّهِ يَقِيهِ الرَّدَى بِنَفْسِهِ أَمَا إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ مِنْ سَرِيرَتِهِ أَنْ تَلْفَ نَفْسَهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ تُؤْخَذَ شَعْرَةٌ مِنْ شَعْرِ ابْنِ عَمِّهِ أَنْزَلْنَا إِلَيْهِ فَاحْفَظْهُ وَ اكْلَأْهُ إِلَى الصُّبْحِ فَلَمْ تَزَلْ عَيْنُ الْمُشْرِكِينَ تَلْحَظُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ الْكِرَامُ تَحْفَظُهُ إِلَى أَنْ كَانَ وَقْتُ الصُّبْحِ وَ هَجَمَ الْمُشْرِكُونَ عَلَيْهِ لِلْقَتْلِ فَأَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِهِمْ لَمَّا أَرَادَهُ مِنْ حَيَاتِهِ أَنْ يُوقِظُوهُ مِنْ نَوْمِهِ فَقَالُوا نَبِّهْهُ لِيَرَى أَنَا ظَفَرْنَا بِهِ قَبْلَ قَتْلِهِ فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ وَ تَبَّ إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فِي يَدِهِ سَيْفُهُ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ هَارِبِينَ فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلْتُمْ وَ أَنَا نَائِمٌ فَادْخُلُوا وَ أَنَا مُنْتَبِهٌ فَقَالُوا لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ<sup>۱</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: شبی که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در بستر [ پیامبر خدا به جای وی ] خوابید، خدای متعال، به دو فرشته از فرشتگانش که در میان فرشتگان بیش از همه با یکدیگر اُلفت و برادری داشتند، وحی فرمود که: «می‌خواهم یکی از شما دو تا را بمیرانم. پس،

۱. کنز الفوائد، کراچکی، محمد بن علی، دارالذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۵ / میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۲۶، شماره حدیث ۳۵.

انتخاب کنید». هر یک از آن دو، مُردن را به دیگری حواله داد و هر کدام از آن‌ها، ماندن را برگزید. پس، خداوند متعال، به آن دو وحی فرمود که: «شما کجا و این بندهام که مُردن را برگزید و در بستر پسر عمویش خوابید تا با جان خویش، او را از نابودی ننگه دارد، کجا؟! هان! من دانستم که او از صمیم دل، حاضر است خودش از بین برود؛ اما مویی از بدن پسر عمویش کم نشود! فرود آید و تا به صبح، از او پاسداری کنید». مشرکان، پیوسته او - پیامبر ﷺ - را زیر نظر داشتند و فرشتگان ارجمنند، از او پاسداری می‌کردند تا آن که هنگام صبح شد و مشرکان، برای کشتنش بر وی یورش بردند. خداوند متعال - که اراده کرده بود او زنده بماند - در دل مشرکان افکند که او را از خواب بیدار کنند؛ و گفتند: بیدارش می‌کنیم تا قبل از کشته شدنش شاهد پیروز شدن ما بر خودش باشد. چون چنین کردند، امیر مؤمنان علیه السلام شمشیر به دست، به طرف آنها پرید و مشرکان، پا به فرار گذاشتند.

امیر مؤمنان علیه السلام به آنان فرمود: «خواب بودم که شما درآدید و اکنون، بیدارم. وارد شوید. مشرکان گفتند: ما را با تو کاری نیست، ای پسر ابوطالب!

### ارزش ایثارگران

الامامُ الصَّادقُ علیه السلام - فی قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا» - : كَانَتْ عِنْدَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ شَعِيرٌ، فَجَعَلُوهُ عَصِيدَةً، فَلَمَّا أَنْضَجُوهَا وَ وَضَعُوهَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ جَاءَ مَسْكِينٌ،



فَقَالَ الْمَسْكِينُ : رَحِمَكُمُ اللَّهُ ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ، فَقَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا . فَمَا لَيْثَ أَنْ جَاءَ يَتِيمٌ ، فَقَالَ الْيَتِيمُ : رَحِمَكُمُ اللَّهُ ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ، فَقَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا الثَّانِي . فَمَا لَيْثَ أَنْ جَاءَ أُسِيرٌ ، فَقَالَ الْأُسِيرُ : يَرَحِمُكُمُ اللَّهُ ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ، فَقَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ الثُّلُثَ الْبَاقِي ، وَ مَا ذَاقُوهَا . فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ إِلَى قَوْلِهِ : ﴿ وَ كَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا ﴾<sup>۱</sup>

امام صادق عليه السلام - درباره آیه شریف: «و خوردنی را، با وجود دوست داشتن آن، به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند» - فرمود: در خانه فاطمه عليها السلام، مقداری جو بود. آن را [آرد کردند و] کاجی ساختند. چون کاجی را در برابر خود نهادند [تا بخورند]، مستمندی آمد و گفت: خدایتان رحمت کناد! از آن چه خداوند، روزی‌تان کرده است، ما را اطعام کنید. علی عليه السلام برخاست و یک سوم آن را به او داد. چندی نگذشت که یتیمی آمد و گفت: خدایتان، رحمت کناد! از آنچه خداوند، روزی‌تان کرده است، ما را اطعام کنید. علی عليه السلام برخاست و یک سوم دیگر کاجی را به او داد. لختی بعد، اسیری آمد و گفت: خدایتان رحمت کناد! از آنچه خداوند روزی‌تان کرده است، ما را اطعام کنید. علی عليه السلام برخاست و یک سوم باقی‌مانده را هم به او داد و خودشان از آن، چیزی نچشیدند. در این هنگام،

۱ . تفسیر قمی، قمی، علی بن ابراهیم، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۳۹۸ / مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، ابی علی فضل بن الحسن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۶۱۲ / بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۲۴۳، حدیث شماره ۳ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶، حدیث شماره ۳۳.

خداوند، این آیه را در حق آنان نازل فرمود: «و [این] کار شما، مورد قدردانی است».

### ایثار، چراغی که به خانه دوست روا ترست!!

الامامُ الصَّادقُ عليه السلام: بَيْنَمَا عَلِيٌّ عليه السلام عِنْدَ فَاطِمَةَ عليها السلام إِذْ قَالَتْ لَهُ : يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ إِلَى أَبِي فَأَبْغِنَا مِنْهُ شَيْئًا.

فَقَالَ : نَعَمْ. فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَأَعْطَاهُ دِينَارًا، وَقَالَ لَهُ : يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ فَابْتَعْ بِهِ لِأَهْلِكَ طَعَامًا . فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَلَقِيَهُ الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، وَقَامَا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُومَا، وَذَكَرَ لَهُ حَاجَتَهُ، فَأَعْطَاهُ الدِّينَارَ وَانْطَلَقَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَوَضَعَ رَأْسَهُ فَنَامَ، فَانْتَبَهَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَلَمْ يَأْتِ، ثُمَّ انْتَبَهَهُ فَلَمْ يَأْتِ، فَخَرَجَ يَدُورُ فِي الْمَسْجِدِ فَإِذَا هُوَ بِعَلِيِّ عليه السلام نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ، فَحَرَّكَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَعَدَ.

فَقَالَ لَهُ : يَا عَلِيُّ مَا صَنَعْتَ؟ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكَ فَلَقَيْتَنِي الْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، فَذَكَرَ لِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَذْكُرَ، فَأَعْطَيْتُهُ الدِّينَارَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَمَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ قَدْ أَنْبَأَنِي بِذَلِكَ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ كِتَابًا: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِهِمْ وَكُلَّ

كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند: علی علیه السلام، نزد فاطمه علیها السلام بود. فاطمه علیها السلام به او گفت: ای علی! نزد پدرم برو و از او چیزی برای ما درخواست کن. علی علیه السلام گفت: باشد. پس نزد پیامبر خدا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله، یک دینار به او داد و فرمود: «ای علی! برو و با این دینار، غذایی برای خانواده‌ات خریداری کن.» علی علیه السلام از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خارج شد. در راه به مقداد بن اسود برخورد و مدتی با هم [به سخن] ایستادند. مقداد، حاجتش را به او گفت. علی علیه السلام، دینار را به او داد و به مسجد رفت و سرش را گذاشت و خوابید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، منتظر او ماند؛ اما نیامد. باز انتظار کشید؛ اما از علی علیه السلام خبری نشد. لذا بیرون رفت و در مسجد می‌گشت که دید علی علیه السلام در آن جا خوابیده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، او را تکان داد. علی علیه السلام [بیدار شد و] نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چه کردی، ای علی؟». گفت: ای پیامبر خدا! از نزد شما که رفتم، به مقداد بن اسود برخوردم و او به من گفت آنچه را خدا خواست بگویند (اظهار حاجت کرد) و من، آن دینار را به او دادم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا جبرئیل علیه السلام این مطلب را به من خبر داد، و خداوند، درباره تو این آیه را فرو فرستاد: «و [دیگران را] بر خویشستن، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آن‌ها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند.»

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، استرآبادی، علی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ص ۶۵۴ / بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۶۰.

## فصل دوم: جهاد

جنگ در اسلام ماهیت دفاعی دارد. قرآن جهاد را تشریح کرده نه به عنوان تهاجم و تسلط که به عنوان مبارزه با تهاجم و دفاع مشروع می‌باشد. معنا و مفاد دفاعی بودن ماهیت جهاد ابتدایی این است که روح دفاع در پیکر جامعه اسلامی جاری است. به سخن دیگر، در هر موردی که جهاد ابتدایی توصیه و واجب شده است، بدون تردید حقی مورد تجاوز قرار گرفته، و چنین جهادی در حقیقت برای دفاع از آن حق پایمال شده است. واژه‌هایی که در قرآن کریم به معنای جهاد به کار رفته است عبارتند از:

### ۱. حرب و محاربه

دو واژه حرب و محاربه تقریباً مفهومی مترادف با مفهوم جنگ در زبان فارسی دارند. در قرآن مجید واژه حرب چهار بار، و از مصدر محاربه نیز به صورت فعل دو بار به کار رفته است.

### ۲. قتال

ماده دیگری که در قرآن به معنای جنگ به کار رفته ریشه «ق ت ل» است. این ماده در مجموع ۱۷۰ بار در قرآن آمده است که از این تعداد، ۹۴

بار به شکل ثلاثی مجرد (قتل یقتل)، ۶۷ بار در قالب باب مفاعله ۵ بار در قالب باب تفعیل و ۴ بار نیز در قالب باب افتعال به کار رفته است. در این میان باید توجه داشت که قتل و تقتیل به معنای کشتن یک نفر به دست نفر دیگر است که طبعاً کشتنی یک طرفه خواهد بود، از این رو در مفهوم جنگ که به معنای قتال و درگیری دو طرفه است به کار نمی‌رود. اما واژه‌های قتال و اقتال دو طرفه است و در موردی به کار می‌رود که هر یک از طرفین تصمیم به کشتن طرف دیگر دارد و در واقع دو طرف به یکدیگر هجوم می‌برند. از این رو، فقط موارد باب مفاعله و افتعال به معنای جنگ است که متناسب با موضوع بحث خواهد بود.

### ۳. جهاد

واژه جهاد از واژه عربی جَهْد و جُهْد به معنای مشقت و سختی بسیار، کوشش، تلاش سخت و کامل است. البته به زمین سخت که در آن گیاه نروید نیز جَهَاد می‌گویند که جمع آن جُهْد است. واژه جُهْد نیز به معنای نیرو و توانایی به کار می‌رود.

پس واژه جهاد نیرو و توان فوق العاده‌ای را در کاری سخت و مشقت بار هزینه کردن است. زمین سخت را نیز به خاطر آن که غیر قابل نفوذ است جُهْد می‌گویند تا سخت کاری و مشقت آن را بیان کنند. این که می‌گویند: جهاد الحق به معنای آشکار شدن حق است که البته به سختی از درون باطل

---

۱. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، احمد بن فارس، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۸۶.

و شبهات آشکار می شود؛ و یا جهد المال به معنای هزینه بیهوده است؛ یعنی مشقت مالی و توان و نیروی خود را در جایی صرف کردن که هیچ سودی ندارد؛ چنان که کسی در زمین سخت و بی حاصل با مشقت بخواهد گیاهی برویاند یا آبی را به چنگ آورد.

به هر حال، به هر کوشش و تلاشی جهاد گفته نمی شود؛ بلکه تلاش و کوششی تمام و کامل همراه با سختی و مشقت را جهاد می گویند.

در اصطلاح فقهی جهاد تنها به جهاد با مال و جان در برابر متجاوزان و دشمنان و دفاع از سرزمین و مال و جان مسلمانان گفته می شود، اما در فرهنگ قرآنی جهاد اصطلاحی فراگیرتر است. از این روست که صاحب جواهر، جهاد در مفهوم شرعی را که همان مفهوم برگرفته از قرآن است، به بذل جان، مال و توان خویش در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان تعریف و تفسیر کرده است.<sup>۱</sup>

از مجموع بررسی های علم واژه شناسی و آنچه درباره جهاد می گویند، می توان نتیجه گرفت واژه «جهاد» یا از معنای سختی و مشقت گرفته شده است. در آن صورت «مجاهد» به کسی می گویند که هر آنچه را از قدرت و توان، طاقت و نبرد در کف دارد، تا آخرین حد وسعت و امکاناتش، در راه هدف خود به کار گیرد. یا «مجاهد» کسی را گویند که با طیب خاطر در فراخنای دشواریها و مشکلات گام بگذارد و برای رسیدن به اهداف خود، در سنگلاخ هستی پیش تازد و سرافرازی خود در عرصه ی پیکارها جستجو

---

۱. جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر نجفی، تحقیق ابراهیم سلطانی نسب، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۳۶۲ ق، ج ۲۱، ص ۳.

کند.<sup>۱</sup>

البته از سنت معصومان علیهم السلام بر می آید که مفهوم جهاد در اصطلاح قرآنی حتی فراتر از آن چیزی است که صاحب جواهر بیان کرده است؛ زیرا ایشان تنها به جهاد بیرونی اشاره کرده و هیچ اشاره‌ای به جهاد درونی یا همان جهاد نفس اشاره ندارد؛ به سخن دیگر، جهاد در اصطلاح شرعی هرگونه تلاش مشقت‌آمیز برای ارتقای نفس و اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر اسلامی است به طوری که تزکیه و تهذیب نفس نیز به عنوان یک مصداق از مصادیق جهاد شرعی قرار می‌گیرد.

## جهاد در قرآن

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾<sup>۲</sup>

و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید.

از دیگر مبانی ایثارگری و از خودگذشتگی، جهاد در راه خداست. جهاد، جنگ و دفاع مشروع در راه خدا است. این واژه از ریشه «جهد» و به معنای مشقت، تلاش و مبالغه در کار می‌باشد. جهاد در اصطلاح، مبارزه کردن در راه خدا با جان و مال و دارایی است و هدف از آن اعتلای شعائر اسلام و دفاع از حریم جامعه اسلامی است. جز این، جهاد معانی کاربردی دیگری نیز دارد که می‌توان با مراجعه به کتاب‌های لغت از آنها مطلع شد. جهاد،

۱. جهاد، آیت الله حسین نوری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۳.

۲. الحج / ۲۲ / ۷۸.

جان‌فشانی در مسیر تحقق اهداف حکومت اسلامی و توسعه جامعه دینی مسلمانان است. در صحنه‌ی باشکوه جهاد فی سبیل‌الله، جوهر وجودی مردان خدا آشکار می‌گردد.

در این بخش از نوشتار حاضر، مقوله‌ی جهاد را از این رو مورد بررسی قرار می‌دهیم که موجب ظهور انگیزه‌های ایثارگرانه و شهادت‌طلبانه می‌شود. جهادگران حق علیه باطل، به معنای واقعی و در میدان مبارزه و رزم، جان و مال خود را برای تحقق آرمان‌های مقدس دین فدا می‌کنند و از هیچ رشادت و دلاورمردی دریغ نمی‌نمایند. جهاد در راه خدا، فصل امتیاز مؤمنین حقیقی است که همه آرزوهای دنیوی را رها کرده و خود را برای از خویش‌ن گزشتن مهیا نموده‌اند. در ادامه آیات و روایات مربوط به جهاد فی سبیل‌الله را مطالعه خواهیم نمود.

### جهاد، ایستادگی در برابر کفار و منافقین

جامعه اسلامی همواره از ناحیه سه گروه کفار، منافقین و مشرکین در معرض تهدید قرار داشته است. تهدیدات و آسیب‌های احتمالی از دو جهت مورد اهمیت بوده و قابل توجه می‌باشد:

نخست آن که مخالفان و معاندان در پی تحریف و تضعیف آیین مقدس اسلام بوده و از هرگونه تلاشی کوتاهی نمی‌نمایند.

دوم، همت دشمنان اسلام در فروپاشی و انحطاط حکومت اسلامی و از بین رفتن جغرافیای ممالک اسلامی است که در طول تاریخ اسلام شاهد تهاجم‌های فراوانی علیه اسلام و حکومت‌های اسلامی بوده‌ایم. از آن مهم‌تر، هشیاری مسلمانان در مواقع حساس و ضروری است که



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۸۱

مخالفان در دو جبهه داخل و خارج از مرزهای حاکمیت اسلامی در فکر دسیسه و حيله می‌باشند. فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت نگه دارنده حریم اسلام از گزند دشمنان و پاسبان مملکت اسلامی از عداوت و کینه‌ورزی است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أُوَاهِمُ جَهَنَّمَ وَاَبْسَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۱</sup>

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت‌گیر [ که  
[ جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است.

\*\*\*

﴿فَلَا تَطْعِ الْكُافِرِينَ وَاَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾<sup>۲</sup>

پس، از کافران اطاعت مکن، و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به  
جهادی بزرگ بپرداز.

\*\*\*

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَاَمَنْ  
يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۳</sup>

پس، باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه  
خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود،

۱. التحريم ۹/۶۶.

۲. الفرقان ۲۵ / ۵۲.

۳. النساء ۴ / ۷۴.

به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.

### تقوا، توسل، جهاد، سه عامل رستگاری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

### جهاد با همه‌ی توان

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۲</sup>

سبکبار و گرانبار، بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.

### جهاد، محبوب تر از اهل و اموال و تجارت و ...

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَبْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ

۱. المائدة ۳۵/۵.

۲. التوبة ۴۱/۹.

اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١﴾

بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتي که از کسادهای بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [ به اجرا در] آورد.» و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.

## حقیقت جهاد

### جهاد، دری از درهای بهشت

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ لَخَّصَهُ أَوْلِيَاءَهُ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دَرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَ جَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدُّلِّ وَ شَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَ دَيْتَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضَرَبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمَ الْخُسْفِ وَ مَنَعَ النَّصْفِ. ٢

پس از ستایش خداوند، جهاد دری از درهای بهشت است، که خداوند آن را برای اولیاء خاص خود گشوده است. جهاد همان لباس تقوا، و زره استوار خداوند، و سپر محکم اوست [، که شخص

۱. التوبه ۲۴/۹.

۲. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم، چاپ

اول، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۲۷، ص ۶۹.

را از گزند هر آسیبی در امان می‌دارد. هر کس جهاد را خوش ندارد و آن را واگذارد خداوند لباس خواری بر تن او می‌پوشاند، و غرق در بلا و مصیبتش می‌کند، و به پستی و حقارت گرفتار می‌آید، و بر قلبش پرده سفاهت می‌افتد، و به خاطر ضایع کردن جهاد، حق از او گرفته می‌شود، و به ذلت و خواری محکوم و از انصاف محروم می‌گردد.<sup>۱</sup>

### جهاد، راهی به رهبانیت امت پیامبر ﷺ

رُوی عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كُنْتُ رَدِيفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى حِمَارٍ فَقَالَ... أَ تَدْرِي مَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ الْهَجْرَةُ وَ الْجِهَادُ وَ الصَّلَاةُ وَ الصَّوْمُ وَ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ!

عبدالله بن مسعود گوید: پشت سر پیامبر ﷺ بر خری سوار بودم و به جایی می‌رفتیم، در میان راه گفتم: ... آیا می‌دانی زهد و رهبانیت امت من در چیست؟ گفتم: خدا و پیامبرش داناترند. گفت: هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره.

۱. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه علی شیروانی، دفتر نشر معارف، قم،

۱۳۹۰ ش.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۷۷ / الحیاء، ج ۱، ص ۴۱۹.

## فضیلت جهاد

### جهاد، شاهراهی به سوی خدا

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

### جهاد، فرصتی خداگونه شدن

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup>

کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند چرا که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

### جهاد، وسیله‌ی تقرّب

الامام علی عليه السلام: **إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَإِنَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ.**<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: برترین چیزی که اهل توسل با تمسک به آن به خداوند سبحان و متعال توسل جستند، عبارت است از: ایمان به

۱. العنکبوت ۶۹/۲۹.

۲. العنکبوت ۶/۲۹.

۳. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴، ۳۶۳ق، ص ۱۴۹ / نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰، ص ۱۶۳.

خدا و رسولش، و جهاد در راهش که قله بلند اسلام است.

### جهاد، چشمه‌ی جوشان ایمان و استقامت

الامامُ علیُّ عليه السلام : فَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَإِنِّ الْقَتْلَ لَيَدُورُ عَلَيَّ  
الْآبَاءُ وَالْأَبْنَاةُ وَالْأَخْوَانَ وَالْقَرَابَاتِ فَمَا نَزَادُنِي عَلَيَّ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَشِدَّةٍ إِلَّا  
إِيمَانًا وَمُضِيًّا عَلَيَّ الْحَقِّ وَتَسْلِيمًا لِلْأَمْرِ وَصَبْرًا عَلَيَّ مَضُضِ الْجِرَاحِ<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : ما با پیامبر صلى الله عليه وآله بودیم، در میدان جنگ پدران و  
فرزندان و برادران و خویشان رودروری هم قرار می‌گرفتند، هر  
مصیبت و بلایی که بر سر ما می‌آمد اثری در ما نمی‌گذاشت جز  
آن‌که بر ایمان، و حرکت در راه خدا، و تسلیم بودنمان به امر  
پروردگار، و شکیبایی بر سوزش زخم‌ها می‌افزود.

### تشویق به شرکت در جهاد

الامامُ الباقرُ عليه السلام : أتى رجلٌ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وآله فقال : إني راغبٌ  
نَشِيطٌ فِي الْجِهَادِ . قال : فجاهدْ في سبيلِ اللهِ ، فإنَّكَ إِن تَقْتُلْ كُنْتَ  
حَيًّا عِنْدَ اللهِ تَرْزُقُ ، و إِن مِتَّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُكَ عَلَيَّ اللهُ ، و إِن  
رَجَعْتَ خَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَى اللهِ<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲، ص ۱۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۳۶۹.

۲. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق، ج ۱،  
ص ۲۰۶ / الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ  
چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۶۰ / روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، فتال نیشابوری، محمد

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۸۷

امام باقر علیه السلام: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من خواهان و شیفته جهاد هستم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پس، در راه خدا جهاد کن؛ زیرا اگر کشته شوی، نزد خدا زنده‌ای و روزی می‌خوری، اگر بمیری، پاداشت با خداست و اگر برگشتی، از گناهان پاک گشته‌ای.

### ارکان و پایه‌های جهاد

الامامُ علیُّ علیه السلام : الجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ : عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَ شَتَانِ الْفَاسِقِينَ ، فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ ، وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ ، وَ مَنْ صَدَّقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى الَّذِي عَلَيْهِ ، وَ مَنْ شَتَأَ الْفَاسِقِينَ وَ غَضِبَ لِلَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ .<sup>۱</sup>

بن احمد، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۳۶۷ / تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مکتبه فقیهه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۹۷ / الوافی، ج ۵، ص ۴۹۷ / تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مکتبه الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۹۹ / تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۰ / البرهان، ج ۱، ص ۷۱۲ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۵۲ / ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۵۱ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۳۶، شماره حدیث ۲۶۸۴.

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۱۳۲ / الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۳۲ / معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، کراچکی،

امام علی علیه السلام: جهاد چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، پایداری در جبهه‌های جنگ و دشمنی با تبهکاران. هر کس امر به معروف کند از مؤمن پشتیبانی کرده است و هر که نهی از منکر کند بینی منافق را به خاک مالیده است و هر که در جبهه‌ها پایداری ورزد وظیفه خود را انجام داده است و هر که با تبهکاران دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خداوند نیز برایش خشم گیرد.

## انواع جهاد (قتال، یا پیکار)

### جهاد با کفار و منافقین

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَاَبْسَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۱</sup>

ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است!

---

محمد بن علی، المكتبة المرتضوية، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق، ص ۴۱ / روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسی، محمدتقی، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳، ص ۱۵ / الوافی، ج ۴، ص ۱۴۰ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۵۱ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۰، شماره حدیث ۲۷۲۴.

۱. التحريم ۹/۶۶.



### جهاد، مقابله‌ای با کفار

قرآن کریم همواره نسبت به شیطنت کفار و اهل کتاب هشدار می‌دهد. آنان هرگز در برابر مسلمانان از در دوستی در نیامده و همراهی نمی‌کنند. خداوند به پیامبر ﷺ تأکید می‌فرماید که یهود و نصارا از تو راضی نمی‌شوند مگر آن‌که از آیین و دین مقدس اسلام دست برداشته و از آراء و اندیشه‌های آن‌ها پیروی نمایی! در این صورت رابطه میان پیروان اسلام و دیگر ادیان تحریف شده و انحرافی، همواره بر اساس بی‌اعتمادی خواهد بود. حال آن‌که قرآن کریم همه ادیان توحیدی را دعوت به اتحاد و همدلی کرده است. دشمنی دیرینه‌ی یهودیان متعصب با مسلمانان در طول تاریخ اسلام، جنگ‌های متعدد و فراوانی را به راه انداخته و آسیب‌های جدی را ایجاد نموده است. قرآن کریم همواره مسلمانان را از اطاعت و تبعیت کفار نهی نموده و دستور می‌دهد تا از شرافت و بزرگی آیین مقدس اسلام در برابر آنان صیانت گردد. روح جهادی و ایثارگرانه‌ی مسلمانان در برابر زیاده‌خواهی پیروان ادیان تحریفی، به تداوم عزت‌مندانه دین اسلام کمک می‌کند.

﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾<sup>۳</sup>

بنابراین از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهاد

بزرگی بنما!

۱. ر.ک: البقره ۲ / ۱۲۰.

۲. ر.ک: آل عمران ۳ / ۶۴.

۳. الفرقان ۲۵ / ۵۲.

### انواع جهاد از نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الامامُ علیُّ علیه السلام: القتلُ قتلان: قتلُ کفّارةٍ و قتلُ درَجةٍ، و القتالُ قتلان: قتالُ الفِئَةِ الکافِرَةِ حتّی یُسَلِّمُوا و قتالُ الفِئَةِ الباغِیَةِ حتّی یَفِیئُوا!

امام علی علیه السلام: قتل دو نوع است: قتلی که کفاره است و قتلی که بر درجات می افزاید. پیکار کردن نیز دو گونه است: پیکار با گروه کافران تا اسلام آورند؛ و پیکار با گروه باغی تا [به فرمان خدا] بازگردند.

### انواع جهاد از نگاه امام صادق علیه السلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِهَادِ أَسُنَّةٌ هُوَ أَمْ فَرِيضَةٌ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهُ فَجِهَادَانِ فَرِضٌ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يَقَامُ إِلَّا مَعَ فَرِضٍ وَ جِهَادٌ سُنَّةٌ فَأَمَّا أَحَدُ الْفَرِضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ مِنْ أَعْظَمِ...<sup>۲</sup>

۱. قرب الاسناد، حمیری، عبد الله بن جعفر، مؤسسه آل البيت<sup>ع</sup>، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۲ / الخصال، ج ۱، ص ۶۰ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۹، ح ۱۱ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۴، شماره حدیث ۲۲ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۳۳۱ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۰.  
۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۳۷۱ / تحف العقول، ص ۲۴۳ / الخصال، ج ۱، ص ۲۴۰ / تهذیب الأحکام، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق خراسان، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۲۴ / روضة المتقین فی شرح من لا

## بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۹۱

امام صادق علیه السلام : جهاد بر چهار گونه است: دو جهاد واجب است، و [سوم] جهاد مستحبی است که بدان اقدام نشود مگر در کنار واجب، و [چهارم] جهاد مستحب [مطلق] است. یکی از دو جهاد واجب، جهاد انسان با نفس خویش است و آن جهاد اعظم است ...

### ابعادی دیگر از جهاد

الامامُ علیُّ علیه السلام : الْقِتَالُ قِتَالَانِ : قِتَالُ أَهْلِ الشَّرْكِ لَا يُنْفَرُ عَنْهُمْ حَتَّى يُسَلِّمُوا أَوْ يُؤْتُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ، وَ قِتَالُ لِأَهْلِ الزَّبَعِ لَا يُنْفَرُ عَنْهُمْ حَتَّى يَفِيؤُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ أَوْ يُقْتَلُوا!

امام علی علیه السلام : پیکار دو گونه است: پیکار با مشرکان که رها نمی شوند تا مسلمان شوند یا با خواری جزیه پردازند؛ و پیکار با منحرفان که باید رو در رویشان بود تا به فرمان خدا باز آیند و گردن نهند یا کشته شوند.

---

یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۸ / الوافی، ج ۱۵، ص ۵۷ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴ / ملاذ الأخیار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۳۲۸ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷ / تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۵۲۳ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، ج ۹، ص ۱۴۹ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۰، شماره حدیث ۲۷۲۴.

۱. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۱۴ / الوافی، ج ۱۵، ص ۶۵ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸ / ملاذ الأخیار، ج ۶، ص ۳۰۲ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۰، شماره حدیث ۱۸۱۶.

### نبردی ایثارگونه، بازگشت به عدالت

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَنْفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۱</sup>

و هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

### جهاد اکبر، جهاد با نفس

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۲</sup>

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.

\*\*\*

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۳</sup>

و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان

۱. الحجرات ۹/۴۹.

۲. العنکبوت ۲۹ / ۶۹.

۳. العنکبوت ۲۹ / ۶.

سخت بی‌نیاز است.

\*\*\*

الامام علی عليه السلام!

امام علی عليه السلام: بدانید که جهاد اکبر جهاد با نفس است، پس به جهاد با نفسهای خویش پردازید تا نیک بخت شوید.

اسلام آئین برتر

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همیشه گروهی از امت من چیره و مسلط بر امورند تا آن که فرمان خدا ایشان را در همان حال در رسد.

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۵۲، شماره حدیث ۱۰۱۸۳ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۰۷ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۷، ح ۲۷۴۸ (مضمون این مطلب در همین کتاب با احادیث شماره ۲۷۴۱، ۲۷۴۲، ۲۷۴۳ نیز آمده است).

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۸، شماره حدیث ۷۵۵.

### پایداری بر حق، جهاد فی سبیل الله

رسول الله ﷺ: «! إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عَيْسَى  
بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۚ»

پیامبر خدا ﷺ - پس از قرائت آیه «و از میان کسانی که  
آفریدیم امتی هستند که به سوی حق راهنمایی می کنند و به  
حق دادگری می کنند» - فرمود: از میان امت من گروهی هستند  
که تا زمان بازگشت عیسی بن مریم عليه السلام [ از آسمان ]، بر حق  
هستند.

۱. اعراف ۱۸۱/۷.

۲. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، اربلی، علی بن عیسی، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول،  
۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۷۹ / تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۲۵۶ / إثبات الهداة بالنصوص و  
المعجزات، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ق، ج ۵،  
ص ۲۳۰ / مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۷۳ / البرهان، ج ۲، ص ۶۱۹ / حلیة الأبرار فی أحوال  
محمد و آله الأطهار علیهم السلام، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مؤسسه المعارف الاسلامیة،  
قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۴۷۲ / بهجة النظر فی إثبات الوصایة و الامامة للأئمة الاثنی  
عشر، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد،  
چاپ دوم، ۱۴۲۷ق، ص ۱۸۱ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مجلسی، محمد باقر  
بن محمد تقی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۷ / بحار الأنوار،  
ج ۶، ص ۳۰۱ و ج ۲۴، ص ۱۴۴ / مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج ۲،  
ص ۱۰۵ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۵، ص ۲۵۵ / دلائل الصدق لسنج الحق،  
مظفر نجفی، محمد حسن، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۸۹ /  
قاموس قرآن، قرشی بنایی، علی اکبر، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق، ج ۴،  
ص ۳۰۳ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۸، شماره حدیث ۷۵۵.

## عوامل انگیزشی دعوت به جهاد

### نصرت الهی

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرًا تَتَّبِعْتُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ﴾<sup>۱</sup> ثم أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup>

قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و [نیز] در روز «حُنَین» آن هنگام که شمارِ زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید برگشتید. <sup>۱</sup> آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد، و سپاهییانی فرو فرستاد که آنها را نمی‌دیدید، و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد، و سزای کافران همین بود.

\*\*\*

﴿وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾<sup>۱</sup> إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ<sup>۱</sup> بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِوَكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ

هَذَا يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿۱﴾ وَمَا  
جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱﴾

و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر- با آنکه ناتوان بودید- یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. ﴿۱﴾ آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» ﴿۱﴾ آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همانگاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. ﴿۱﴾ و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دل‌های شما بدان آرامش یابد، و یاری جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.

### نقش ایمان در جهت‌گیری اجتماعی

﴿... فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ  
لَا انفصامَ لَهَا...﴾ ﴿۲﴾

پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است.

۱. آل عمران ۳ / ۱۲۳ تا ۱۲۶.

۲. البقره ۲۵۶/۲.



## ایمان و حرکت های سازنده فرد و اجتماع

عن عثمان بن مظعون، قال: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّ نَفْسِي تُحَدِّثُنِي بِالسِّيَاحَةِ وَأَنْ أَلْحَقَ بِالْجِبَالِ قَالَ يَا عُمَانُ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوُ وَالْجِهَادُ!

عثمان بن مظعون گوید: به پیامبر خدا ﷺ گفتم: نفس، مرا به سیاحت می خواند و این که سر به کوه و بیابان گذارم. پیامبر ﷺ گفت: ای عثمان! چنین مکن که سیاحت آمت من جنگیدن در راه خدا و جهاد است.

## انجام تکلیف

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾<sup>۳</sup>

در حقیقت، مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیآورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند اینانند که راست کردارند.

\*\*\*

---

۱ . تهذیب الأحکام ، ج ۶ ، ص ۱۲۲ / الحیاء، ج ۱، ص ۴۱۹.  
۲ . سیاحت: جهانگردی صوفیانه و ترک جهان گفتن. الحیاء، ج ۱، ص ۴۱۹.  
۳ . الحجرات ۴۹ / ۱۵.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾<sup>۱</sup>

آیا پنداشته‌اید که به خود واگذار می‌شوید، و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان، محرم اسراری نگرفته‌اند، معلوم نمی‌دارد؟ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

\*\*\*

﴿لَا كُنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان به جهاد برخاسته‌اند. و اینانند که همه خوبیها برای آنان است، اینان همان رستگارانند.

\*\*\*

۱. التوبه ۹ / ۱۶.

۲. التوبه ۹ / ۸۸.

الامامُ عليُّ عليه السلام: وَقَوْمُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ<sup>۱</sup>.

امام علی عليه السلام: برای انجام تکلیفی که بر عهده شما نهاده قیام کنید.

### جهاد، ضرورت دفاعی اسلام

دفاع از حریم اسلام و جامعه اسلامی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در لابلای آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت موضوع تا آنجاست که مسلمانان در هر شرایطی موظف به رعایت آمادگی نظامی خود هستند. قرآن کریم در مهم‌ترین عرصه‌ها، دستور به حفظ آمادگی دفاعی داده‌است. چه بسا دشمنان اسلام از برخی غفلت‌ها به نفع موفقیت‌های خود بهره‌برداری نموده و موجب شکست سپاهیان اسلام شوند. در ادامه به تعدادی از دستورات اثربخش قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام که به ضرورت آمادگی دفاعی اشاره دارد، می‌پردازیم:

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن رَّأْسِكُمْ وَ لَتَأْتِ طَائِفَةٌ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۴، ص ۶۶ / بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۶۴ / النهاية في غريب الحديث والأثر، ابن اثير جزري، مبارک بن محمد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۲۴۴ / لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۰۸ / تاج العروس من جواهر القاموس، حسینی زبیدی، محمد مرتضی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۴۱.

أَخْرَى لَمْ يَصَلُّوا فَلْيَصَلُّوا مَعَكُمْ وَ لِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلَحَتْهُمْ وَ دَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتَعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَآ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنْ أَلَّهِ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١﴾

و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی، پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را بگیرند و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند]، باید پشت سر شما قرار گیرند، و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را بگیرند. [زیرا] کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند. و اگر از باران در زحمتید، یا بیمارید، گناهی بر شما نیست که جنگ‌افزارهای خود را بر زمین نهید، ولی مواظب خود باشید. بی‌گمان، خدا برای کافران عذاب خفت‌آوری آماده کرده است.

\*\*\*

﴿وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ ءَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُ بِاللَّهِ يَلْعَلَهُمْ وَ

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۰۱

مَا تَنْفَقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ ﴿۱﴾

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

\*\*\*

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَ جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ. <sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : در راه خدا آن‌سان که شایسته است جهاد کن.

---

۱. الانفال / ۸ / ۶۰.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۲، ص ۲۰۸ / کفایه الأثر فی النصِّ علی الأئمة الاثنی عشر، خزاز رازی، علی بن محمد، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۲۱ / کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه، محمد بن علی، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۱۷ / نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۲ / الاقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، ابن طاووس، علی بن موسی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۹۳ / کشف المحجّة لثمره المهجّة، ابن طاووس، علی بن موسی، بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش، ص ۲۲۲ / روضة المتقین، ج ۱۳، ص ۸۱ / الوافی، ج ۲، ص ۱۴۹ / مدینه معاجز الأئمة الاثنی عشر، ج ۵، ص ۸۷ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۸ / عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، مؤسسه الامام المهدي #، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش، ص ۱۷۵ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البيت ^، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۹۰ / مجمع البحرين، طریحی، فخر الدین بن محمد، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۷.

### جبهه‌ی همیشگی حق و باطل

رسولُ اللَّهِ ﷺ: لَنْ يَبْرَحَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا يُقَاتِلُ عَلَيْهِ عَصَابَةٌ مِنْ  
المُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.

پیامبر خدا ﷺ: این دین همواره پا بر جا خواهد بود و گروهی از  
مسلمانان تا قیام قیامت، به خاطر آن می‌جنگند.

### برتری مرگ در طاعت خدا بر زندگی بر معصیت

قال رسولُ اللَّهِ ﷺ - : إِنْ رَحَى الْإِسْلَامَ سَتَدُورُ، فحَيْثُ مَا دَارَ  
الْقُرْآنُ فَدُورُوا بِهِ، يُوشِكُ السُّلْطَانُ وَالْقُرْآنُ أَنْ يَقْتَتِلَا وَيَتَفَرَّقَا، إِنَّهُ  
سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ مُلُوكٌ يَحْكُمُونَ لَكُمْ بِحُكْمٍ، وَ لَهُمْ بَغْيَرِهِ، فإِنْ  
أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ، وَ إِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ . قالوا : يا رسولَ اللَّهِ ،  
فكَيْفَ بِنَا إِنْ أَدْرَكْنَا ذَلِكَ؟ قَالَ : تَكُونُونَ كَأَصْحَابِ عِيسَى : نُشِرُوا  
بِالْمَنَاشِيرِ وَ رُفِعُوا عَلَى الْخَشَبِ . مَوْتُ فِي طَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي  
مَعْصِيَةٍ!

۱ . عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ابن بطریق، یحیی بن حسن، جماعه المدرسین ، مؤسسه النشر الاسلامی ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۲۱، شماره حدیث ۸۷۹ / نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول)، پاینده، ابو القاسم، ذبیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص ۶۳۸، شماره حدیث ۲۲۸۹ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۶، شماره حدیث ۷۵۴.

۲ . میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۳۴، شماره حدیث ۹۰۸، این مضمون در احادیث شماره ۹۰۹، ۹۱۱ نیز آمده است.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۰۳

پیامبر خدا ﷺ فرمود: سنگ آسیاب اسلام به زودی به چرخش خواهد افتاد. پس، شما بر محور قرآن بچرخید. نزدیک است که قدرت و قرآن با یکدیگر به پیکار برخیزند و از هم جدا شوند. به زودی شاهانی بر شما حاکم خواهند شد که برای شما به گونه‌ای حکم می‌کنند و برای خود به گونه‌ای دیگر. اگر از آنان فرمان برید، گمراهتان می‌کنند و اگر نافرمانی کنید شما را می‌کشند. گفتند: ای پیامبر خدا! در چنان روزگاری چه کنیم؟ فرمود: همچون یاران عیسی باشید، که با آره پاره پاره و بر چوبه دار آویخته شدند. مرگ در راه طاعت [خدا] بهتر از زندگی در معصیت است.

### جهاد، ایثار، رشادت، ضرورت جامعه‌ی اسلامی

الامامُ علیُّ عليه السلام: أَلَا وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ النَّكْثِ وَ  
الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: آگاه باشید که خداوند مرا فرمان داده که با ستم‌پیشگان و پیمان‌شکنان و فسادکنندگان در زمین مبارزه کنم.

### جهاد، مسیر دفع کفر از جامعه اسلامی

الامامُ علیُّ عليه السلام: ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ ... وَ  
أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكَرَامَتِهِ وَ خَذَلَ مُحَادِيَهُ بِبَصْرِهِ وَ هَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۹۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸، ص ۳۱۱.

امام علی علیه السلام : آن گاه بدانید این اسلام همان دین خداست که آن را برای خود برگزید ... و با گرمی داشت آن دشمنانش را ذلیل نمود، و با یاری کردن آن مخالفانش را سرکوب کرد.

### مقاومت، جهاد و جانفشانی

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ شَمْرٌ لِحَرْبٍ مِنْ حَارَبِكِ. ۱.

امام علی علیه السلام : با کسی که به جنگ تو برخاست بجنگ.

### جهاد، پاسداری و حفاظت از پیامبر صلی الله علیه و آله

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا ... فَعَزَمَ اللَّهُ لَنَا عَلَى الذَّبِّ عَنْ حَوْزَتِهِ وَ الرَّمْيِ مِنْ وَرَاءِ [حَوْمَتِهِ] حُرْمَتِهِ. ۲.

امام علی علیه السلام : قوم ما [= قریش] خواستند پیامبر ما را بکشند... اما خداوند خواست که ما پاسدار پیامبر [یا آیین] او و حافظ حریمش باشیم.

### جهاد، پاسداری از جغرافیای اسلام

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَإِنَّكَ مِمَّنْ اسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَ أَقْمَعُ بِهِ نَخْوَةَ الْأَتِيمِ وَ أَسُدُّ بِهِ لِهَاءَ الثَّغْرِ الْمُخْوَفِ. ۳.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۴، ص ۴۰۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۹، ص ۳۶۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۶، ص ۴۲۰.



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۰۵

---

امام علی علیه السلام : تو از کسانی هستی که در پاداشتن دین به آنان پشت گرم هستم، و به یاری آنان نخوت گناهکاران را ریشه کن می‌کنم، و مرزهایی را که بیم نفوذ دشمن از آن می‌رود، می‌بندم.

### جهاد، وسیله ی رفع انحرافات از دین

الامامُ علیُّ علیه السلام : إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نُقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَالْأَعْوَجَاجِ وَالشُّبُهَةِ وَالتَّأْوِيلِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : ما امروز با برادرانِ مسلمان خود به سبب کثری و انحراف و شبهه و تاویلی که در دین پدید آمده می‌جنگیم.

### جهاد، مسیر بازگشت به ایمان

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَإِنْ أَبَى قَاتِلُوهُ عَلَى اتِّبَاعِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : اگر فرمان نبرد با او به خاطر پیروی از غیر راه مؤمنان پیکار می‌کنند.

### نشاط پیروزی، ره آورد جهاد

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ لَقَدْ شَفَى وَحَاوَحَ صَدْرِي أَنْ رَأَيْتُكُمْ بِأَخْرَةِ تَحُوزُونَهُمْ كَمَا حَازُوكُمْ وَ تَزِيلُونَهُمْ عَنْ مَوَاقِفِهِمْ.<sup>۳</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲، ص ۱۷۹.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶، ص ۳۶۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ص ۱۵۵.

امام علی علیه السلام : ولی غم و اندوه از دلم برخاست آن گاه که دیدم سرانجام همان گونه که شما را به هزیمت کشانده بودند، آنان را به گریختن واداشتید، و همانسان که شما را از مقرّتان رانده بودند، آنان را از مقرّشان بیرون راندید.

### دعوت از یاران دلاور برای همراهی

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَلَقَدْ أَرَدْتُ الْمَسِيرَ إِلَى ظَلَمَةِ أَهْلِ الشَّامِ وَأَحْبَبْتُ أَنْ تَشْهَدَ مَعِيَ فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَيَّ جِهَادِ الْعَدُوِّ وَإِقَامَةَ عَمُودِ الدِّينِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : آهنگ حرکت به سوی ستمکاران شام را دارم، و دوست دارم تو آدر این سفر همراه من باشی، زیرا از کسانی هستی که در مصاف با دشمن، و برپانمودن ستون دین به آنان پشتگرم هستم، اگر خدا بخواهد.

### عدم سازش با گمراهان و مخالفان حق

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ لَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام : به جان خودم سوگند در پیکار با کسی که با حق به مخالفت برخاسته و در گمراهی گام برداشته هرگز سازش و سستی نمی‌کنم.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۲، ص ۴۱۴.

۲. عمر بن ابی سلمه مخزومی، کارگزار امام علی علیه السلام در بحرین.

۳. نهج البلاغه، خ ۲۴، ص ۶۶.

### رزمندگان، جهادگران فی سبیل الله

گروه دیگری که در عرصه ایثارگری با جان و دل حضور دارند، رزمندگانی هستند که با اراده خود در صفوف مستحکم سپاه اسلام حاضر شده و خود را آماده جان‌فشانی و آزادگی می‌کنند. سپاهیان اسلام در حراست از کیان و نظام اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند و سختی جهاد و مقاومت را بر خود هموار می‌نمایند. رزمندگان اسلام، جهادگران و ایثارگران جامعه اسلامی‌اند که با رشادت مانع طمع ورزی بدخواهان اسلام و نظام اسلامی می‌شوند.

### مشارکت مردمی، پشتوانه ماندگاری اسلام

الامامُ الصَّادقُ عليه السلام لسدير :- و الله يا سدير، لو كان لي شيعةٌ بعدد هذه الجداء ما وسعني القعود. [ قال سدير: ] نزلنا و صلينا، فلما فرغنا من الصلاة عطفت على الجداء، فعددتها فإذا هي سبعة عشر.

امام صادق عليه السلام به سدير فرمود: ای سدير! به خدا قسم اگر تعداد شيعيانم به اندازه اين بزغاله‌ها بود خودداري از قيام براي من روا نبود.

---

۱. الكافي، ج ۳، ص ۶۱۶ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ديلمی، حسن بن محمد، مؤسسة آل البيت<sup>ع</sup>، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ص ۱۲۴ / الوافي، ج ۵، ص ۷۲۸ / بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۷۳ / رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، جزائري، نعمت الله بن عبد الله، مؤسسة التاريخ العربي، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۵۵ / رياض السالكين، ج ۱، ص ۱۹۷ / عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيده النساء إلى الامام الجواد)، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، مؤسسة الامام المهدي #، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص ۱۰۵۶ / ميزان الحكمه، ج ۱، ص ۲۳۶، شماره حديث ۹۱۳.

[اسدیر گوید:] فرود آمدیم و نماز گزاردیم و چون از نماز فارغ شدیم، بزغاله‌ها را نگاه کردم و شمردم، آنها هفده رأس بودند.

\*\*\*

عن الْمُفَضَّلِ بْنِ قَيْسٍ: قَالَ لِي [الصَّادِقُ ع] : كَمْ شِيعَتِنَا بِالْكَوْفَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ خُمْسُونَ أَلْفًا، فَمَا زَالَ يَقُولُ إِلَيَّ أَنْ قَالَ: وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ يَكُونَ بِالْكَوْفَةِ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا يَعْرِفُونَ أَمْرَنَا الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ، وَلَا يَقُولُونَ عَلَيْنَا إِلَّا الْحَقَّ.

به نقل از مفضل بن قیس: امام صادق علیه السلام به من فرمود: شمار شیعیان ما در کوفه چقدر است؟ عرض کردم: پنجاه هزار. حضرت پیوسته سخن می‌گفت تا آن‌که فرمود: به خدا قسم، دوست داشتیم در کوفه بیست و پنج نفر بودند که مقام و منزلت ما را می‌شناختند و درباره‌ی ما جز حق نمی‌گفتند.

### ارزشمندی حضور مردمی

الامامُ عَلِيُّ ع: وَإِنَّمَا [عَمُودُ] عِمَادُ الدِّينِ وَجِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ  
الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ. ۲

امام علی علیه السلام: اما ستون دین، و جمعیت مسلمانان، و ساز و برگ در برابر دشمنان، توده‌های مردمنده، پس باید توجه و تمایلت به آنان باشد.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۴؛ ص ۱۵۹ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۲۹.

### بصیرت افزایی در مواضع سیاسی

الامامُ علیُّ عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي خَرَجْتُ [ عَنْ ] مِنْ حَيِّي هَذَا إِمَامًا ظَالِمًا  
وَ إِمَامًا مَظْلُومًا وَ إِمَامًا بَاغِيًا وَ إِمَامًا مَبْغِيًا عَلَيْهِ وَ [ أَنَا ] إِنِّي أَذْكَرُ اللَّهَ  
مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي هَذَا لَمَّا نَفَرَ إِلَيَّ فَإِنْ كُنْتُ مُحْسِنًا أَعَانَنِي وَ إِنْ كُنْتُ  
مُسيئًا اسْتَعْتَبَنِي.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : اما بعد، من از جایگاه خود بیرون آمدم، یا ستمگرم  
و یا ستمدیده، یا متجاوزم و یا کسی که به او تجاوز شده. من خدا  
را به یاد کسی می آورم که نامه‌ام به او می‌رسد، تا چون به سوی  
من کوچ کند، اگر نیکوکار بودم یاریم رساند، و اگر بدکار بودم مرا  
به حق بازگرداند.

### دعوت به آمادگی دفاعی

الامامُ علیُّ عليه السلام: اغزوهُم قَبْلَ أَنْ يَغزُوكمُ فَوَاللَّهِ مَا عُزِي قَوْمٌ قَطُّ  
فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : پیش از آن که با شما بجنگند با آنان نبرد کنید،  
که به خدا سوگند هیچ قومی در خانه خود مورد حمله و هجوم  
قرار نگرفت جز آن که خوار و ذلیل شد.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۷، ص ۴۴۷ و ۴۴۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۶۹.

### شیوه گزینش نیرو

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنْ عَادُوا إِلَيَّ ظِلُّ الطَّاعَةِ فَذَاكَ الَّذِي نُحِبُّ وَإِنْ تَوَافَتِ الْأُمُورُ بِالْقَوْمِ إِلَيَّ الشَّقَّاقِ وَالْعَصِيَّانِ فَانْهَدُ بِمَنْ أَطَاعَكَ إِلَيَّ مِنْ عَصَاكَ وَاسْتَعْنِ بِمَنْ انْقَادَ مَعَكَ عَمَّنْ تَقَاعَسَ عَنْكَ فَإِنَّ الْمُتَكَارِهَ مَغِيْبُهُ خَيْرٌ مِنْ مَشْهَدِهِ وَقَعُودُهُ أَغْنَى مِنْ نُهْوِهِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : اگر به سایه اطاعت از ما برگشتند، این همان است که ما دوست داریم، و اگر حوادث و پیشامدها و آنان را به اختلاف و سرپیچی کشاند، تو با یاری کسانی که از تو فرمان می‌برند، با عصیان‌گران پیکار کن، و با کسی که مطیع توست، از کسی که یاریت نمی‌دهد بی‌نیازی جو، زیرا کسی که از پیکار ناخشنود است، نبودنش بهتر از بودنش، و در خانه نشستنش، بهتر از به یاری برخاستنش است.

### اصول و آداب جهاد

#### جایگاه مجاهد فی سبیل الله

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ

۱. نهج البلاغه، نامه ۴، ص ۳۶۶.

﴿الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>۱</sup>

مؤمنان خانه‌نشین که زیان دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده، و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده، و [لی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.

\*\*\*

﴿وَلَنَبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبَلِّغَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ﴾<sup>۲</sup>

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم، و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم.

### اصول نبرد - آموزش نظامی

تاریخ پر تلاطم اسلام نشان دهنده این واقعیت تلخ است که همواره با مقابله و تعدی اسلام‌ستیزان مواجه بوده است. اسلام از آغازین روز شکل‌گیری و ابلاغ رسالت، همواره مورد هجوم کفار و مشرکین بوده و از درون خود شاهد بدعهدی و جفای منافقان قرار گرفته است. از همان روزهای نخستین اسلام، آن‌چه که توانست جامعه نوپای مسلمانان را در

۱. النساء ۹۵/۴.

۲. محمد ۳۱/۴۷.

برابر ناهلان و دشمنان محافظت نماید، آمادگی آنان برای ایثار و رشادت بوده است. علاوه بر آن با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه الرسول، ساز و کار تشکیل ارتش اسلامی نیز از سوی پیامبر ﷺ روند دفاع از جامعه مسلمانان را شکل تازه‌ای بخشید. تأکیدات نبی مکرم و همراهی مسلمانان در صدر اسلام موجب توسعه سریع حریم اسلامی شد.

### آینده‌نگری، استراتژی جهاد و ایثار

وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ فَقَالَ لَهُ ﷺ [عَلَيَّْ ﷺ] أَوْ هُوَ أَخِيكَ مَعَنَا فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا [قَوْمٌ] أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ<sup>۱</sup>

(وقتی امام علی ﷺ در جنگ جمل پیروز شد) یکی از یارانش به او گفت: «دوست داشتم برادرم فلانی اینجا بود تا ببیند چگونه خداوند تو را بر دشمنانت پیروز کرد.»؛ امام علی ﷺ پرسید: آیا میل و خواست برادرت به [یاری] ما هست؟ گفت: آری. امام فرمود: پس او با ما بوده است. مردمی در این لشکر در کنار ما بوده‌اند که هم‌اکنون در صلب مردان و رحم زنان هستند. آنان به زودی متولد شوند، و دین و ایمان به وسیله آن‌ها نیرومند گردد.

\*\*\*



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۱۳

الامامُ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَقَدِمُوا الدَّرْعَ وَ أَخْرُوا الْحَاسِرَ وَ عَضُّوا عَلَى الْأَضْرَاسِ فَإِنَّهُ أَنْبَى لِلسُّيُوفِ عَنِ الْهَامِ وَ اتَّوُوا فِي أَطْرَافِ الرِّمَاحِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ لِلْأَسِنَّةِ وَ غَضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّهُ أَرْبَطُ لِلْجَاشِ وَ أَسْكَنُ لِلْقُلُوبِ وَ أَمِيتُوا الْأَصْوَاتَ فَإِنَّهُ أَطْرَدُ لِلْفَشْلِ وَ رَأَيْتَكُمْ فَلَا تُمِيلُوهَا وَ لَا تُخْلُوهَا وَ لَا تَجْعَلُوهَا إِلَّا بِأَيْدِي شُجْعَانِكُمْ وَ الْمَانِعِينَ الذَّمَّارَ مِنْكُمْ فَإِنَّ الصَّابِرِينَ عَلَى نُزُولِ الْحَقَائِقِ هُمُ الَّذِينَ يَحْفُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ وَ يَكْتَفُونَهَا حَفَاقِيهَا وَ وِرَاءَهَا وَ أَمَامَهَا لَا يَتَأَخَّرُونَ عَنْهَا فَيَسْلُمُوهَا وَ لَا يَتَقَدَّمُونَ عَلَيْهَا فَيُفْرِدُوهَا أَجْزَاءَ أَمْرُؤِ قَرْنِهِ وَ آسَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ وَ لَمْ يَكِلْ قَرْنَهُ إِلَى أَخِيهِ فَيَجْتَمِعَ عَلَيْهِ قَرْنُهُ وَ قَرْنُ أَخِيهِ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : آنان را که زره دارند جلوی سپاه، و آنان را که زره ندارند پشت سر قرار دهید. دندان‌ها را به هم بفشارید، زیرا در مقابل ضربت شمشیرها بر فرق سر پایدارتر است. در برابر نیزه‌های دشمن به خود بپیچید، تا کمر نیزه‌ها به شما اصابت نکند. پشم‌ها را فروبخوابانید که بر شهادت و آرامش دل شما می‌افزاید. فریادها را خاموش کنید که ترس و سستی را بیشتر دور می‌کند. پرچم را این سو و آن سو متمایل نکنید و دورش را خالی نگذارید، و آن را جز به دست دلاوران و مدافعان سرسخت خود نسپارید، زیرا مردانی که در حوادث سخت پایداری می‌کنند همان کسانی هستند که پرچم خود را در بر گرفته‌اند، و از پیش و پس و راست و چپ حفاظتش می‌کنند، نه از آن عقب می‌افتند تا تسلیم دشمن کنند، و نه از جلو می‌افتند تا تنهایش گذارند. هر کس در برابر

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴، ص ۱۸۰ و ۱۸۱.

هماورد خود بایستد، و از برادر خود نیز حمایت کند، و حریف خود را به او نسپارد تا با دو تن بجنگد، یکی حریف خودش و دیگری حریف برادرش.

### رعایت اصول انسانی

دکترین نظامی جامعه اسلامی بر دفاع متمرکز بوده و تهاجم و تعدی به حریم سایر ملل در آن جایگاهی ندارد. آموزه‌های اسلام همواره پیروان خود را بر آن داشته تا از آغازگری جنگ و نزاع و خون‌ریزی بپرهیزند و خود را از سلطه‌گری و تجاوز دور دارند. ضرورت نظامی در جامعه‌ی اسلامی بر دفاع از ارزش‌های دینی و مقابله با دشمن در برابر تهاجم‌هاست. در ادامه به برخی از روایات معصومین که به همین مهم اشاره دارند می‌پردازیم.

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَأَ [تُقَاتِلُونَهُمْ] تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدَأَ وَكُمْ فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ وَ تَرَكُّكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدَأَ وَكُمْ حُجَّةٌ أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : با آنان نجنگید مگر آن که آنان آغاز کنند، زیرا سپاس خدا را که حجت با شماست، و این نیز حجت دیگری از شما بر آن‌ها خواهد بود که آنان آغازگر جنگ باشند.

### صیانت حریم دین در آستانه ی نبرد

الامامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْمَشْرِكِينَ : أَيْتَدُّهُمْ الْمَسْلُومُونَ بِالْقِتَالِ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ ؟ - : إِذَا كَانَ الْمَشْرُكُونَ يَبْتَدِئُونَهُمْ

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۴، ص ۳۷۳.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۱۵

بِاسْتِحْلَالِهِ ثُمَّ رَأَى الْمَسْلُومِينَ أَنَّهُمْ يَظْهَرُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ  
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : ﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ  
قِصَاصٌ﴾<sup>۱</sup> و أَهْلُ الْبَغْيِ يُبْتَدَوْنَ بِالْقِتَالِ.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به این سؤال که آیا مسلمانان می توانند در ماه حرام آغازگر جنگ با مشرکان باشند؟ - فرمود: به شرط آن که مشرکان با زیر پا گذاشتن حرمت آن ماه، جنگ را با مسلمانان بیاغازند و مسلمانان بدانند که در آن ماه بر آنان پیروز می شوند. خداوند عز و جل می فرماید: «این ماه حرام در مقابل آن ماه حرام و شکستن ماه های حرام را قصاص است...» [اما] در جنگ با اهل بغی می توان آغازگر جنگ بود.

## رعایت زمان

الامامُ عَلِيُّ عليه السلام : فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ  
تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُوْا إِلَيَّ ضَوْئِي.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا قسم یک روز جنگ را به عقب نینداختم مگر آن که امید داشتم گروهی از این مردم به من بیوندند و به واسطه من هدایت گردند، و با بینایی ضعیفشان از روشنایی من بهرمنند شوند.

۱. البقره ۲ / ۱۹۴ .

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۴۲ / الوافی، ج ۱۵، ص ۹۶ / البرهان، ج ۱، ص ۴۱۱ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۲، شماره حدیث ۱۸۲۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۵۵، ص ۹۱.

### جلوگیری از جنگ افروزی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ : فَقُلْنَا تَعَالَوْا [نُداوِی] نُدَاوِ مَا لَا يَدْرِكُ الْيَوْمَ بِإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَ تَسْكِينِ الْعَامَّةِ حَتَّى يَشْتَدَّ الْأَمْرُ وَ يَسْتَجْمَعَ فَنَقُوى عَلَيَّ وَضِعَ الْحَقُّ [فِي مَوَاضِعِهِ] مَوَاضِعَهُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : گفتیم بیایید تا امروز با خاموش کردن آتش جنگ، و آرام کردن مردم، مسأله را حل کنیم تا خلافت استوار شود و مسلمانان متحد گردند، و نیرو یابیم تا حق را در جایگاهش بنهیم.

### تاکتیک‌های نظامی توسط رزمندگان

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ : لَا تَشْتَدَنَّ عَلَيْكُمْ فَرَّةٌ بَعْدَهَا كَرَّةٌ وَ لَا جَوْلَةٌ بَعْدَهَا حَمَلَةٌ وَ أَعْطُوا السُّيُوفَ حُقُوقَهَا وَ [وَطَّنُوا] وَ طَّنُوا لِلْجُنُوبِ مَصَارِعَهَا وَ أذْمُرُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الطَّعْنِ الدَّعْسِيِّ وَ الضَّرْبِ الطَّلْحَفِيِّ وَ أَمِيتُوا الْأَصْوَاتَ فَإِنَّهُ أَطْرَدَ لِلْفِئْسَلِ - [وَ] فَوْ الْأَذَى فَلَقَّ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : دشوار نباشد گریختنی که پس از آن بازگشتی باشد، و یا عقب نشینی‌ای که از پی آن حمله‌ای باشد. حق شمشیرها را ادا کنید، پهلو ی دشمن را به خاک رسانید، خود را برای وارد کردن نیزه‌ی کاری و ضربت کارگر شمشیر تهییج کنید. صداها را در سینه حبس کنید، که بیشتر از هر چیزی سستی را

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۸، ص ۴۴۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۱۶، ص ۳۷۴.

از شما دور می‌سازد. سوگند به خدایی که دانه را شکافته، و جانداران را آفریده، که اینان اسلام نیاوردند، بلکه تسلیم شدند و کفر را در درون خود پنهان داشتند، و چون یاورانی بر کفر خویش یافتند، آن را آشکار نمودند.

### جبران خسارت‌ها در مانورهای نظامی

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنِّي قَدْ سِيرْتُ جُنُودًا هِيَ مَارَةٌ بِكُمْ إِن شَاءَ اللَّهُ وَ قَدْ أَوْصَيْتُهُمْ بِمَا يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ كَفِّ الْأَذَى وَ صَرْفِ الشَّدَا وَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَ إِلَى ذِمَّتِكُمْ مِنْ مَعَرَةِ الْجَيْشِ إِلَّا مِنْ جَوْعَةِ الْمُضْطَرِّ لَنَا يَجِدُ عَنْهَا مَذْهَبًا إِلَى شِبَعِهِ نَكَلُوا مَنْ تَنَاولَ مِنْهُمْ شَيْئًا ظُلْمًا عَنْ ظُلْمِهِمْ وَ كَفُّوا أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ عَنْ [مُضَادَّتِهِمْ] مُضَارَّتِهِمْ وَ التَّعَرُّضِ لَهُمْ فِيمَا اسْتَشْنَاهُ مِنْهُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : من لشکری را فرستادم که اگر خدا بخواهد از سرزمین شما عبور می‌کند، و آنان را به آن چه خداوند برایشان واجب کرده سفارش کردم، که مردم را آزار ندهند و نرنجانند. من در نزد شما و به سبب پیمانی که با شما دارم، از آسیبی که سپاهیان به مردم برسانند بیزارم، مگر آن که سربازی گرسنه مانده و برای سیر کردن خود چاره‌ای جز آن نداشته باشد. پس کسی را که از روی ستم به اموالتان دست‌درازی کند کیفر دهید، و دست بی‌خردان خود را از زیان رساندن به سپاه و تعرض به آنان در آن چه استثناء کردیم [ = حالت اضطرار و گرسنگی ممتد ] بازدارید.

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۰، ص ۴۵۰.

### وظایف و حقوق فرمانده

﴿لَا يَسْتَدِينُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ  
وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup>

کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جانشان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند، و خدا به [حال] تقواییشان داناست.

### حقوق متقابل فرمانده و فرمان‌بردار

الامامُ عليُّ عليه السلام

امام علی عليه السلام: البته خداوند به سبب زمامداری بر شما برای من حقی بر شما قرار داد و حقی هم برای شما بر من، همانند حقی که من بر شما دارم.

۱. التوبه ۴۴/۹.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۵، ص ۷۷۶ / دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، مؤسسه آل البيت<sup>ع</sup>، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۴۱ / الوافی، ج ۲۶، ص ۶۷ / بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۵۱ / الحیاء، ج ۶؛ ص ۵۳۹ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲۸، حدیث شماره ۸۷۷.

## فرماندهی جهادی، اصل ایثارگرانه

### فرمانده، محور انضباط جهادی

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النُّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ  
وَ يَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النُّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ  
بِحَدِّافِيهِ أَبَدًا.<sup>۱</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : نقش زمامدار در این امر همچون رشته‌ای است که  
مهره‌ها را جمع می‌آورد، و در کنار یکدیگر می‌چیند، اگر آن رشته  
بگسلد مهره‌ها پراکنده می‌شود و هر کدام به سویی می‌رود و از آن  
پس هرگز نتوان آن‌ها را در کنار یکدیگر نهاد.

### فرمانده، ستون پیروزی

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَكُنْ قُطْبًا وَ اسْتَدِرِ الرَّحَى بِالْعَرَبِ.<sup>۲</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : مانند محور آسیا باش، و به کمک اعراب آسیا را  
بچرخان.

### انتخاب فرماندهی لشکر

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَوَلِّ مَنْ جُنُودَكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ  
وَ لِإِمَامِكَ وَ [أَطْهَرَهُمْ] أَنْقَاهُمْ جَيِّبًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا مِمَّنْ يَبْطِئُ عَنْ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳.

الْعُضْبِ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُذْرِ وَ يِرَافُ بِالضُّعْفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْرِيَاءِ  
وَ مِمَّنْ لَا يَثِيرُهُ الْعُنْفُ وَ لَا يَقْعُدُ بِهِ الضُّعْفُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : آن‌گاه از میان سپاهیان آن‌کس را که در نظرت  
نیک‌اندیش‌ترین آن‌ها به خدا و پیغمبر و پیشوایت است، و از همه  
پاکدامن‌تر و بردبارتر است برای فرماندهی لشکرت برگزین، از  
کسانی که دیر به خشم آیند، با پوزش خواستن از ایشان آرامش  
یابند، به ناتوانان مهربانی کنند، و بر زورمداران سخت‌گیرند، و  
خشونت آنان را برنینگیزد، و ناتوانی زمین‌گیرشان نسازد.

### اهمیت فرماندهان سرآمد

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ لِيَكُنْ آثَرُ رُءُوسِ جُنْدِكَ عِنْدَكَ مَنْ وَأَسَاهُمْ فِي  
مَعُونَتِهِ .<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : باید برگزیده‌ترین سران سپاهت نزد تو کسی باشد  
که به لشکریانت کمک و یاری دهد، و از دارایی خود چندان به  
آنان عطا کند که هزینه آنان و خانواده‌هایی که از خود بر جای  
گذاشته‌اند [و به مأموریت رفته‌اند] کفایت کند.

### تأمین مالی فرماندهان نظامی

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ أَفْضَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِدَّتِهِ بِمَا يَسْعُهُمْ وَ يَسَعُ مَنْ  
وَرَاءَهُمْ مِنْ خُلُوفِ أَهْلِيهِمْ حَتَّى يَكُونَ هُمُومًا وَ أَحِدًا فِي جِهَادِ

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲ و ۴۳۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲ و ۴۳۳.



الْعَدُوِّ فَإِنَّ عَطْفَكَ عَلَيْهِمْ يَعْظِفُ قُلُوبَهُمْ عَلَيْكَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : تا در جهاد با دشمن تنها یک اندیشه در سر داشته باشند، چرا که عنایت تو به آنان دل‌های آنان را به تو متمایل می‌سازد.

### روحیه بخشی به فرماندهان سپاه

الامامُ علیُّ علیه السلام : [فَافْسَحْ فِي آمَالِهِمْ وَوَأَصِلْ [مِنْ] فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذُؤُ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ [فِعَالِهِمْ] أَفْعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَتَحْرِضُ النَّاْكِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : پس آرزوهای سران سپاه را برآور، پی در پی ثنایشان گو، و رنج و تلاش کسانی را که کوشیده‌اند بر زبان آور، زیرا فراوان سخن گفتن از کارهای نیکشان دلاور مرد را به هیجان می‌آورد، و از کارماندگان را به تلاش تشویق می‌کند، اگر خدا بخواهد.

### نکوهش صریح فرمانده شکست خورده

الامامُ علیُّ علیه السلام : أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ تَضْيِيعَ الْمَرْءِ مَا وُلِّيَ وَ تَكَلُّفَهُ مَا كُفِيَ لَعَجْزُ حَاضِرٍ وَ رَأْيُ مُتَبَرٍّ وَ إِنْ تَعَاطَيْكَ الْغَارَةَ عَلَى أَهْلِ قَرْقِيسِيَا وَ تَعْطِيكَ مَسَالِحَ الْتِي وَ لَيْتَاكَ لَيْسَ [لَهَا] بِهَا مَنْ يَمْنَعُهَا وَ لَأَ يَرُدُّ

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۳.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۴.

الْجَيْشَ عَنْهَا لَرَأَى شِعَاعُ فَقَدْ صِرَتْ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْغَارَةَ مِنْ  
أَعْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ غَيْرَ شَدِيدِ الْمُنْكَبِ وَ لَا مَهِيْبِ الْجَانِبِ وَ لَا  
سَادَّةٍ تُغْرَةً وَ لَا كَاسِرٍ لِعَدُوِّ شَوْكَةً وَ لَا مَعْنٍ عَنِ أَهْلِ مِصْرِهِ وَ لَا مُجْزٍ  
عَنْ أَمِيرِهِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : اما بعد، کسی که کاریرا بر عهده‌اش نهاده‌اند، تباه سازد، و زحمت کاری را بر دوش کشد که به دیگری واگذار شده، مردی ناتوان با اندیشه‌ای تباه کننده است. تاخت و تازت در غارت مردم قرقیسا و واگذاری مرزهایی که تو را بر آن‌ها گمارده‌ایم - در حالی که کسی نیست که آن‌ها را حفظ کند و سپاه دشمن را از آن‌ها براند - اندیشه‌ای ناثواب است، تو پلی شده‌ای برای عبور دشمنان که قصد غارت دوستانت را دارند. نه قدرتی داری، و نه دشمن را از تو بیمی در دل است، نه مرزی را بسته و شوکت دشمنی را شکسته‌ای، نه برآوردنده‌ی نیاز مردم هستی و نه کفایت کننده فرمانده خویشنتی.

### ضرورت حضور مشاورین نظامی فرمانده جنگ

الامامُ عَلَى علیه السلام : وَ لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمَقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرِ عَنْهُ وَ  
بِالسَّمْعِ الْمَطِيعِ الْعَاصِي الْمُرِيبِ أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : بلکه همواره با کمک کسی که به حق روی می‌آورد به کسی که از حق روی گردان است ضربه وارد می‌سازم، و با یاری

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۱، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶، ص ۵۳.

آن که فرمانم را می شنود و اطاعت می کند با کسی که نافرمان و بددل است مبارزه می کنم، تا آن که مرگم فرا رسد.

### ارزش گذاری عملکرد نظامیان

الامامُ علیُّ عليه السلام : ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ امْرٍئٍ مِنْهُمْ مَا اَبْلَىٰ وَ لَا تَضْمَنَّ بِلِئَاءِ امْرٍئٍ اِلَىٰ غَيْرِهِ وَ لَا تُقَصِّرَنَّ بِهٖ دُونَ غَايَةِ بِلَائِهِ وَ لَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ امْرٍئٍ اِلَىٰ اَنْ تُعْظِمَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيْرًا وَ لَا ضَعْفُ امْرٍئٍ اِلَىٰ اَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بِلَائِهِ مَا كَانَ عَظِيْمًا.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : سپس تلاش و کوشش هر یک را نیک بشناس تا زحمت یکی را به حساب دیگری نگذاری، و در پرداخت مزد تلاش او در بالاترین مرتبه آن کوتاهی نکن. مقام برتر کسی سبب نشود که کار کوچک او را بزرگ شماری، و رتبه حقیر کسی سبب نشود که کار بزرگش را کوچک به حساب آوری.

### پیشگیری از فتنه

الامامُ علیُّ عليه السلام : اَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ اَوْ اسْتَسْلَمَ فَاْرَاحَ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : کسی که به هدف خود می رسد و کامیاب می شود که با داشتن بال و پر [ = یار و یاور ] قیام کند، یا اگر قدرتی ندارد راه سلامت پیش گیرد، و دیگران را آسوده گذارد.

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵، ص ۵۲.

### پاسخ قاطع به تهدید نظامی

الامامُ عليٌّ عليه السلام : وَ ذَكَرْتَ أَنَّهُ لَيْسَ لِي وَ لِأَصْحَابِي عِنْدَكَ إِلَّا  
السَّيْفُ فَلَقَدْ أَضْحَكْتَبَعْدَ اسْتِعْبَارِ مَتَى أَلْفَيْتَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنِ  
الْأَعْدَاءِ نَاكِلِينَ وَ بِالسَّيْفِ مُخَوِّفِينَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : نوشتی که من و یارانم را نزد تو جز شمشیر  
پاسخی نیست! به راستی که پس از گریانیدن، خنداندی! چه وقت  
دیده‌ای که پسران عبدالمطلب به دشمنان پشت کنند، و از  
شمشیرها بترسند.

### هشدار نظامی به توطئه‌گران و مخالفان

الامامُ عليٌّ عليه السلام : فَإِنْ خَطَّتْ بِكُمْ الْأُمُورُ الْمُرْدِيَّةَ وَ سَفَهُ الْأَرَاءِ الْجَائِرَةَ  
إِلَى مُنَابَذَتِي وَ خِلَافِي فَهَا أَنَا ذَا قَدْ قَرَّبْتُ جِيَادِي وَ رَحَلْتُ رِكَابِي وَ  
لَتُنَّ الْجَائِئِمُونِي إِلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكُمْ لِأَوْعِنَ بِكُمْ وَقَعَةً لَأَ يَكُونَ يَوْمُ  
الْجَمَلِ إِلَيْهَا إِلَّا كَلْعَقَةِ لَأَعِقُ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : از این پس اگر کارهای مرگ‌آور، و اندیشه‌های  
ابلهانه و دور از صوابتان شما ره به دشمنی و مخالفت با من وادارد،  
بدانید که من اسبان سواری را مهیا ساخته، شتران را مجهز کرده،  
و برای پیکار آماده‌ام. اگر مجبورم کنید که به سوی شما لشکر  
کشم، چنان نبردی را آغاز کنم که جنگ جمل در برابر آن چون  
بازی کودکان باشد.

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۸، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۹، ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

## اعلام قاطعانه مواضع جهادی

الامامُ عليٌّ عليه السلام : وَ أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ رَأْيِي فِي الْقِتَالِ فَإِنَّ رَأْيِي  
قِتَالُ الْمُحَلِّينَ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : پرسیده بودی که نظرم درباره‌ی پیکار با این جماعت چیست؟ در نظر دارم با این جماعت پیمان شکن تا زمان لقاء خداوند بجنگم.

## راهکارهای رفتاری مدیریت و فرماندهی

### رفتار فرماندهی

الامامُ عليٌّ عليه السلام : مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ  
نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ!

امام علی علیه السلام : هر که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، خود را تعلیم دهد و باید پیش از آنکه با زبانش تأدیب کند با کردارش تأدیب نماید.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۶، ص ۴۰۹.

۲. غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب ابی الأئمة الأطهار<sup>۸</sup>، دیلمی، حسن بن محمد، دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۲۹ / اعلام الدین، ص ۹۲ / در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحزان) ، ابن نما حلی، جعفر بن محمد، حاذق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۰ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۵۱ / بحار الأنوار، ج ۲؛ ص ۵۶، حدیث شماره ۳۳.

### اخلاق فرماندهی

الامامُ علیُّ عليه السلام : اتَّقِ اللَّهَ فِي كُلِّ [مَسَاءٍ وَ صَبَاحٍ] صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَ خَفْ عَلَى نَفْسِكَ الدُّنْيَا الْغُرُورَ وَ لَا تَأْمَنْهَا عَلَى حَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ إِنْ لَمْ تَرُدَّ نَفْسَكَ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا تُحِبُّ مَخَافَةَ [مَكْرُوهِهِ] مَكْرُوهٍ سَمَتْ بِكَ الْأَهْوَاءُ إِلَى كَثِيرٍ مِنَ الضَّرَرِ فَكُنْ لِنَفْسِكَ مَانِعًا رَادِعًا وَ لِنَزَوَاتِكَ [لِنَزَوَاتِكَ عِنْدَ الْحَفِظَةِ وَاقِمًا قَامِعًا].<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : در هر صبح و شب از خدا پروا کن، و از دنیای فریبکار بر خود بیم‌دار، و در هیچ حال خود را از او ایمن مپندار. بدان که اگر از بسیاری از چیزهایی که دوست داری، به سبب ترس از امری ناخوشایند، خودداری نکنی، هوا و هوس‌ها تو را به زیان‌های بسیاری می‌کشاند. پس نفس خویش را از بسیاری از هوس‌ها بازدار و بازگردان، و سرکشی خشم خود را خرد و سرکوب کن.

### ایثارگری با دوستان، سرسختی با دشمنان

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَ قَدْ آثَرْتُكُمْ بِهِ عَلَى نَفْسِي لِتَصِيحَتِهِ لَكُمْ وَ شِدَّةِ شَكِيمَتِهِ عَلَى عَدُوِّكُمْ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : در فرستادن او [مالک اشتر] به سویتان، شما را بر خود مقدم داشتم، زیرا برای شما خیراندیش و بر دشمنتان سرسخت است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۶، ص ۴۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۸، ص ۴۱.

### ادای حقوق زیردستان

الامامُ علیُّ عليه السلام: أَلَا ... وَ لَا أُؤَخِّرُ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَحَلِّهِ وَ لَا أَقِفُ بِهِ دُونَ مَقْطَعِهِ وَ أَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً فَيَاذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ وَجَبَتْ لَلَّهِ عَلَيْكُمُ النُّعْمَةُ وَ لِي عَلَيْكُمُ الطَّاعَةُ وَ أَلَا تَنْكُصُوا عَنْ دَعْوَةٍ وَ لَا تُفَرِّطُوا فِي صَلَاحٍ وَ أَنْ تَخُوضُوا الْغَمَرَاتِ إِلَى الْحَقِّ فَإِنْ أَنْتُمْ لَمْ تَسْتَقِيمُوا لِي عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِمَّنْ أَعْوَجَّ مِنْكُمْ ثُمَّ أَعْظَمَ لَهُ الْعُقُوبَةَ وَ لَا يَجِدُ عِنْدِي فِيهَا رُخْصَةً فَخُذُوا هَذَا مِنْ أَمْرَائِكُمْ وَ أَعْطُوهُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مَا يُصْلِحُ اللَّهُ بِهِ أَمْرَكُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: آگاه باشید ... و حقی را که از آن شماسست از موردش به تأخیر نیندازم، و تا آن را به انجام نرسانم باز نایستم، و همه شما نزد من درباره حق مساوی باشید. و هرگاه چنین کردم نعمت خدا بر شما تثبیت شده بر شما لازم می‌شود که از من اطاعت کنید، و از دستورم تخلف نکنید، و در انجام کاری که به صلاح شماسست کوتاهی نورزید، و برای رسیدن به حق در امواج سختی‌ها فرو روید. و اگر شما در آن چه گفتم استوار نباشید، هیچ‌کس از شما نزد من خوارتر از کسی که به راه کج رفته نخواهد بود. او را سخت کیفر می‌دهم، و از عقوبتم رهایی نخواهد یافت. چنین عهدی را از هرکس امیر شما باشد، بگیرید و در آن چه خداوند کارهای شما را بدان اصلاح می‌کند، از ایشان اطاعت کنید.

### وظایف و حقوق لشکریان

حراست و صیانت از کیان اسلام و جامعه اسلامی نیازمند رعایت حقوق و وظایفی توسط رزمندگان و سپاهیان اسلام می‌باشد. پیش‌گیری از هرج و مرج و جلوگیری از ایجاد شکاف و تشتت در میان مسلمانان و لشکریان اسلام از مهم‌ترین موضوعاتی است که در حاکمیت اسلامی مورد توجه می‌باشد. ضرورت دفاعی مملکت دینی اقتضاء می‌کند که سپاهیان اسلام با رعایت نظم و فرمان‌برداری از فرماندهان خود، هر لحظه آماده‌ی جهاد و جان‌فشانی باشند. ایثارگرانه در برابر تهدیدها ایستادگی کرده و در صورت نیاز تا پای جان مقاومت نمایند.

### تبعیت و فرمانبرداری

تبعیت از دستورات نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و ولایت فقیه، مهم‌ترین بُعد اطاعت‌پذیری و رکن ماندگاری اسلام و توسعه‌ی حکومت دینی می‌باشد. حکومت اسلامی نیازمند مدیریت واحد و نظم سیاسی و حاکمیتی است تا از بروز هرج و مرج پیشگیری گردد. قرآن کریم به صورت مکرر پیروان اسلام را به فرمان‌برداری از پیامبر و جانشینان آن حضرت توصیه نموده است.

### فرمانبرداری از خدا و پیامبر و جانشینان آن حضرت

موفقیت مسلمانان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی و ... مرهون اطاعت‌پذیری و فرمان‌برداری از خداوند، پیامبر و جانشینان آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. تاریخ اسلام نشان می‌دهد که هرگاه گروهی از مسلمانان از انجام تکلیف خود در اطاعت از رهبری و فرماندهی نظام دچار ضعف، تردید و



## بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۲۹

سریچی شدند، در آن هنگام فاجعه‌ی شکست را نیز - به تلخی - تجربه نمودند. جنگ اُحد که بی‌تردید با برتری نظامی و فکری مسلمانان آغاز شد، با فرمان‌گریزی تعدادی از مسلمانان، با شکست مواجه گردید. در آن تجربه، مسلمانان به دلیل عدم تبعیت‌پذیری از فرماندهی جنگ، هزینه‌های فراوانی را متحمل گردیدند؛ حال آن‌که دستور نبی مکرم اسلام ﷺ بر مقاومت و جهاد بود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که پیروزی و برتری سپاهیان اسلام در همه‌ی دوره‌ها پیرو اطاعت‌پذیری و تبعیت فرماندهی بوده‌است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [ نیز ] اطاعت کنید پس هرگاه در امری [ دینی ] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [ کتاب ] خدا و [ سنت ] پیامبر [ او ] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

\*\*\*

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup> وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا

يَعْمَلُونَ مَحِيطًا ﴿١﴾

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. ﴿١﴾ و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند، و خدا به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

### اطاعت الهی رمز رستگاری و پیروزی

قرآن کریم در آیات متعددی به نصرت الهی اشاره نموده و موفقیت سپاهیان اسلام را در صورت ایمان و تقوا تضمین کرده‌است. امدادهای غیبی در عرصه‌های فراوانی پشتوانه جهادگران اسلام بوده و در قالب داستان‌های متنوع در قرآن کریم منعکس شده‌است. جنگ بدر، حنین و احزاب نمونه‌ای از برخورداری مسلمانان از نصرت الهی می‌باشد. جهادگران در عرصه قتال و کارزار خود را با پشتوانه‌ی امدادهای غیبی مواجه دیده و در نهایت به پیروزی و موفقیت دست یافته‌اند. به ذکر نمونه‌ای از این آیات می‌پردازیم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ  
حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا  
مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا  
يَفْقَهُونَ ﴿٢﴾ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۳۱

مِّنْكُمْ مَّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مَائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ  
بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ<sup>۱</sup>

ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو را بس است. ☆ ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکیباً باشند بر دویست تن چیره می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند. ☆ اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیباً باشند بر دویست تن پیروز گردند، و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند، و خدا با شکیبایان است.

\*\*\*

﴿ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَ  
مَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَأَنْفُرُوا بَيْنَهُمْ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَ  
أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾<sup>۲</sup>

پیامبر [ خدا ] بدان چه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [ و گفتند: ] «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آمرزش تو را [ خواستاریم ] و فرجام به سوی تو است.»

۱. الانفال / ۸ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶.

۲. البقره ۲ / ۲۸۵.

### دست مدد الهی، رمز پیروزی

﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَا كُنَّ اللَّهُ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَا كُنَّ اللَّهُ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

و شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت. و چون آریگ به سوی آنان [افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند. [آری، خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند] و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو، بیازماید. قطعاً خدا شنوای داناست.

### اطاعت همگانی

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

بگو: «خدا و پیامبر [ او ] را اطاعت کنید.» پس اگر روگردان شدند، قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد.

### فرمان برداری، راهی به رستگاری

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۳</sup>

خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید.

۱. الانفال / ۸ / ۱۷.

۲. آل عمران / ۳ / ۳۲.

۳. آل عمران / ۳ / ۱۳۲.

### جلب رضایت الهی

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>۱</sup>

و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغ‌هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آن جاودانه‌اند، و این همان کامیابی بزرگ است.

### کرامت انسانی، صبغه رحمانی ره آورد طاعت

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾<sup>۲</sup>

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.

### اطاعت‌پذیری به شکرانه‌ی نعمت‌های الهی

﴿وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾<sup>۳</sup>

و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که

۱. النساء ۴ / ۱۳.

۲. النساء ۴ / ۶۹.

۳. المائدة ۷/۵.

شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آن گاه که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و از خدا پروا دارید که خدا به راز دل‌ها آگاه است.»

### جهاد اکبر، خویشتن‌داری و اطاعت‌پذیری

کناره‌گیری از گناهان و پرهیز از معاصی و مبارزه‌ی دائمی با نفس، رمز رستگاری و جلب غفران الهی می‌باشد که در آموزه‌های دین مبین اسلام از آن به عنوان «جهاد اکبر» یاد شده است. ایثارگران صحنه‌ی جهاد اکبر، در عرصه‌های جهاد اصغر نیز خالصانه تلاش نموده و با اطاعت‌پذیری از خدا و رسولش، مسیر پیروزی و قدرتمندی حکومت اسلامی را هموار می‌نمایند.

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾<sup>۱</sup>

و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] بر حذر باشید، پس اگر روی گردانید، بدانید که بر عهده پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است.

### امر به معروف و نهی از منکر، نماد ایثار

از دیگر جلوه‌های ایثار در جامعه دینی، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. این مهم بدین مفهوم است که همه اعضای جامعه در برابر اقدامات و عملکرد یکدیگر مسئول بوده و در صورت نیاز نسبت به هم اظهار نظر می‌نمایند. توصیه و سفارش به خوبی‌ها و معروف از یک سو، و نهی و

## بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۳۵

جلوگیری از بدی‌ها و زشتی‌ها از سوی دیگر، ضامن سلامت رفتاری و نگه دارنده اعتقادات جامعه می‌باشد. آمرین به معروف و ناهیان از منکر، فداکارانه و ایثارگرانه، برادران دینی خود را در برابر ناملازمات احتمالی کمک نموده و پشتیبان هم هستند. کسانی که فداکارانه در جهت رفع معضلات و مشکلات اجتماعی و نیز توسعه بایستگی‌ها تلاش می‌کنند، خود و دیگر هم‌نوعانشان را در ارتقاء سطح اعتقادی و تربیتی یاری نموده و زمینه‌های جلب رحمت و مغفرت الهی را فراهم می‌نمایند.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

## پیشوای حق

### اقتدا در همه امور به پیشوای بر حق

الامامُ الصَّادقُ عليه السلام: إِنَّمَا أَوْلِيَايَ الَّذِينَ سَلَّمُوا لِأَمْرِنَا، وَ اتَّبَعُوا آثَارَنَا،  
وَ اقْتَدُوا بِنَا فِي كُلِّ أَمْرِنَا!

امام صادق عليه السلام: دوستداران ما کسانی‌اند که در برابر فرمان ما  
تسلیم بوده، و از آثار ما پیروی و در همه امور به ما اقتدا کنند.

### همسویی گفتار و کردار

الامامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ  
إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ!

امام زین العابدین عليه السلام: مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند کسی است  
که خود را پیرو روش امامی بداند ولی از رفتار و کردار او پیروی  
نکند.

---

۱. تحف العقول، ص ۳۰۹ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۸ / عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۶۴۵.  
۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۵، ص ۵۳۵ / تحف العقول، ص ۲۸۰ / الخصال، ص ۱۸،  
شماره حدیث ۶۲ / الوافی، ج ۴، ص ۳۰۵ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۷.



### فرمانبرداری و امانتداری و ساماندهی امر حکومتی

الامامُ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَأُظَنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدُ الْوَنَ مِنْكُمْ  
بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ  
فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَ بَادَائِهِمْ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ  
وَ خِيَانَتِكُمْ وَ بِيصْلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فَسَادِكُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا قسم میبینم که این جماعت به زودی بر شما چیره می‌شوند، زیرا آنان بر باطل خود وحدت کلمه دارند، و شما در حق خود دچار تفرقه‌اید. شما امام خود را در حق نافرمانی می‌کنید، و آنان از پیشوایشان در باطل اطاعت می‌کنند. آنان در نسبت به رهبر خود امانتدارند و شما خیانت می‌ورزید. آنان در شهرهایشان امور را سامان می‌دهند و شما فساد و تباهی به بار می‌آورید.

### پیشوای باطل، طاغوت

#### اجتناب از طاغوت، دعوت همه رسولان

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ  
فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ...﴾<sup>۲</sup>

و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا

۱. نهج البلاغه، خ ۲۵، ص ۶۷.

۲. التحل ۳۶/۱۶.

بگوید: «خدا را بپرستید و از طاغوت [ فریبگر ] بپرهیزید.» پس، از ایشان کسی است که خدا [ او را ] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است...

### ممنوعیت فرمانبری از کسی که فرمانبردار خدا نیست

رسولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ: إِمَامٌ يَعْصِي اللَّهَ وَيُطَاعُ أَمْرُهُ...<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ: ای علی! چهار چیز کمر شکن است: پیشوایی که خدا را نافرمانی می‌کند ولی فرمانش را می‌برند... .

### فرمانروای جور

الامام علیؑ: احذروا علی دینکم ثلاثة: ... و رجلاً آتاه الله عز و جل سلطاناً فزعم أن طاعته طاعة الله، و معصيته معصية الله، و كذب، لأنه لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق... إنما الطاعة لله و لرسوله

۱ . المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد، دار الکتب الاسلامیة، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۹۴، شماره حدیث ۵۰ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵ / الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۸۷ / عیون الحکم و المواعظ، ص ۷۳ / مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، الشریف الرضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۴۰ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۱ / بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۱۰ / الحیاء، ج ۲، ص ۶۵۲ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۳۴، شماره حدیث ۹۰۶.  
۱ . الوافی، ج ۲۶، ص ۱۷۶.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۳۹

و لَوْلَا الْأَمْرِ، وَإِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام: نسبت به دین خود از سه کس برحذر باشید: ... و مردی که خداوند عز و جلّ به او قدرت (حکومت) داده است و او بگوید که اطاعت از او، اطاعت از خداست و نافرمانی از او نافرمانی از خداست. او دروغ می‌گوید؛ زیرا از فرمان هیچ آفریده‌ای که بر خلاف فرمان آفریدگار باشد نباید اطاعت کرد ... فقط باید از خدا و پیامبرش و اولوالامر اطاعت کرد و خداوند عز و جلّ به اطاعت کردن از پیامبر فرمان داده، چون او معصوم است.

### پرهیز از اطاعت باطل

الامام علی علیه السلام: بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَيْشًا وَ أَمَرَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يَسْتَمِعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوا، فَأَجَّحَ نَارًا وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يَقْتَحِمُوا فِيهَا، فَأَبَى قَوْمٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا وَ قَالُوا: إِنَّا فَرَرْنَا مِنَ النَّارِ. وَ أَرَادَ قَوْمٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: لَوْ دَخَلُوهَا لَمْ يَزَالُوا فِيهَا، وَ قَالَ: لَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ!

امام علی علیه السلام: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سپاهی را گسیل داشت و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان فرمود تا دستوره‌های او را بشنوند و

۱. کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، هلالی، هلالی، سلیم بن قیس، الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۸۶ / الخصال، ج ۱، ص ۱۳۹ / تفصیل و سائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۰ / إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۲، ص ۳۳۵ / بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷۹ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۳۴، شماره حدیث ۹۰۵.

۲. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۵۱ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۳۴، شماره حدیث ۹۰۷.

اطاعت کنند. او آتشی بیفروخت و به سپاهیان دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی از ورود به آتش سر باز زده گفتند: ما از آتش گریخته‌ایم و گروهی تصمیم گرفتند وارد آتش شوند. این خبر به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید، فرمود: اگر به میان آتش می رفتند برای همیشه در آتش بودند. آن‌گاه فرمود: در معصیت خدا نباید از کسی اطاعت کرد بلکه فقط در خوبی‌ها باید فرمان برد.

#### هشدار نسبت به اطاعت‌پذیری از طاغوت

الإمامُ الصَّادقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لأبي بصيرٍ في قوله تعالى «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا» - : أَنْتُمْ هُمْ، وَ مَنْ أَطَاعَ جَبَّارًا فَقَدْ عَبَدَهُ<sup>۱</sup>.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ - به ابو بصیر درباره آیه : «و کسانی که از بندگی طاغوت دوری کردند» - فرمود : شما همان‌ها هستید [که دوری کردید] و هر که از جباری اطاعت کند، او را بندگی کرده است.

۱ . تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۵۰۲ / بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۶۲

/ تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، ص ۲۹۱ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۲۹۸.

## راهکارهای عقیدتی و رفتاری رزمندگان

### جایگاه نظامیان

الامامُ علیُّ عليه السلام : فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سَبَلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : سپاهیان به اذن خداوند دژهای مردم، زینت حاکمان، مایه‌ی عزت دین و سبب امنیت راه‌هایند. و رعیت جز به آن‌ها بر پای نماند.

### ادای حقوق فرمانده

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَلَا وَ إِنِّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرّاً إِلَّا فِي حَرْبٍ وَ لَا أَطُورِ دُونَكُمْ أَمْراً إِلَّا فِي حُكْمٍ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : آگاه باشید، حقّ شما بر من آن است که جز اسرار جنگ، چیزی را از شما پنهان نسازم، و جز در حکم خدا، بدون مشورت با شما کاری نکنم.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۰، ص ۴۲۴.

## روش برخورد با دشمن

### جوانمردی و مروّت با دشمن

الامامُ عليُّ عليه السلام - في وصيّته لابنه الحسن عليه السلام - : خذْ عليَّ عدوَّكَ بِالْفَضْلِ، فَإِنَّهُ أَحْلَى (أَحَدُ) الظَّفَرَيْنِ!

امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزند خود حسن علیه السلام - فرمود: با دشمن خود به احسان و بخشش رفتار کن، که این شیرین‌ترین پیروزی است.

### دشمن عهد شکن

﴿... وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٠٥﴾﴾<sup>۲</sup>

.... و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده ﴿١٠٤﴾ مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی ننموده‌اند. پس پیمان اینان را تا [پایان] مدّشان تمام کنید، چرا

۱. تحف العقول، ص ۸۲ / نهج البلاغه، نامه ۵۰، ص ۴۲۴ / كشف المحجّة، ص ۲۳۲ /  
أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۸۷ / روضة المتقين، ج ۱۳، ص ۸۸ / بحار الأنوار،  
ج ۷۱، ص ۱۶۸ / ميزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، شماره حدیث ۱۱۳۵۷ و شماره حدیث  
۱۱۳۵۸.

۲. التوبه ۳/۹ و ۴.

که خدا پرهیزگاران را دوست دارد.

### دشمن بی اعتبار، ضرورت هوشمندی

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۱﴾

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجدالحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! ﴿۱﴾ چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان ابا دارد و بیشتر آنها فرمان بردار نیستند!

### اخلاق جهادی، روحیه ایثارگری

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ [عَدُوِّكَ] عَدُوًّا أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطُّ عَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ وَارْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ

عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَتِ أَرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ  
وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ  
عَوَاقِبِ الْغَدْرِ فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَ لَا تَخِيسَنَّ بِعَهْدِكَ وَ لَا تَخْتَلِنَنَّ عِدْوَكَ  
فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِيْ عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ<sup>۱</sup>.

امام علی (علیه السلام) - در فرمانش به مالک اشتر - نوشت: اگر با دشمنت  
پیمان بستنی، یا او را در پوشش امان خویش درآوردی، به پیمان  
خود وفادار بمان، و اگر در ذمه‌ی خویش او را امان دادی، آن را  
نیک رعایت نما. خود را سپر تعهدات خویش قرار ده، زیرا مردم با  
همه هواهای گوناگون و اختلاف نظری که دارند، بر هیچ‌یک از  
واجبات الهی، اندازه بزرگ شمردن وفای به پیمان اتفاق نظر  
ندارند. مشرکان نیز جدا از مسلمانان وفای به عهد را بر خود لازم  
می‌دانند، زیرا که سرانجام ناخوش آیند پیمان شکنی را آزموده  
اند. پس در آن چه بر عهده گرفته‌ای خیانت مکن، و پیمان خود را  
مشکن، و دشمنت را فریب مده، که جز نادان بدبخت بر خداوند  
دلیری و گستاخی نکند.

### پاسخ عهد شکنی دشمن

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ الَّذِينَ  
عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾ فَإِمَّا



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۴۵

تَتَقَفَّنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْعُونَ ﴿١﴾

به یقین، بدترین جنبنندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی‌آورند ﴿١﴾ همان کسانی که با آن‌ها پیمان بستن سبب هر بار عهد و پیمان خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت)، پرهیز ندارند ﴿١﴾ اگر آن‌ها را در (میدان) جنگ بیایی، آن چنان به آن‌ها حمله کن که جمعیت‌هایی که پشت سر آن‌ها هستند، پراکنده شوند شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند)!

## شرایط صلح و آرامش

### پذیرش صلح

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتِ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَّاءِ إِلَيْكُمْ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾<sup>٢</sup>

مگر آن‌ها که با هم‌پیمانان شما، پیمان بسته‌اند یا آنها که به سوی شما می‌آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود). و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند،

۱. الانفال ۵۶/۸.

۲. النساء ۹۰/۴.

(بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.

صلح، فرمان الهی، عزت شرافتمندانه

﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۱</sup>

و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.

صلح، مقدم بر جنگ

الامام علیؑ: وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ - مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ -  
أَنْجَعَ مِنَ الْقِتَالِ!<sup>۲</sup>  
امام علیؑ: من صلح را - مادام که مایه وهن اسلام نباشد -  
کار سازتر از جنگ یافته‌ام.

فواید پذیرش صلح

الامام علیؑ: - مِنْ كِتَابِهِ لِلْأَشْتَرِ لَمَّا وُلِّاهُ مِصْرَ - : وَلَا تَدْفَعَنَّ  
صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لَلَّهِ فِيهِ رِضِيٌّ؛ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً

۱. الانفال ۶۱/۸.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۰۶ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۳۱ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۲، شماره حدیث ۱۰۵۱۳.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۴۷

---

لِجُنُودِكَ، وَ رَاحَةً مِّنْ هُمُومِكَ، وَ أَمْنًا لِّبِلَادِكَ.

امام علی علیه السلام - در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر - نوشت:  
اگر دشمن تو را به صلح فرا خواند و خشنودی خدا در آن بود آن  
را ردّ مکن؛ زیرا صلح مایه آسایش سپاهیان تو و راحتی خودت از  
اندوه‌ها و درد سرهایت و امنیت سرزمین توست.

### احترام گذاشتن به پیمان‌ها

رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يُجِيرُ عَلَيَّ أُمَّتِي أَدْنَاهُمْ!

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: کمترین فرد امت من می‌تواند از طرف آن‌ها امان  
دهد.

### امان به اسیران جنگی

رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَمِنَكَ الرَّجُلُ عَلَيَّ دَمِهِ فَلَا تَقْتُلْهُ!

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اگر کسی بر جان خود از تو امان خواست، او را  
نکش.

- 
۱. تحف العقول، ص ۱۴۵ / نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۲ / خصائص الأئمة<sup>۱</sup> (خصائص أمير المؤمنين<sup>(ع)</sup>)، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق و تصحیح محمد هادی امینی، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۶۱۰ / جامع أحادیث الشیعه، بروجردی، آقا حسین، تحقیق جمعی از محققان، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش، ج ۲۲، ص ۶۵۸ / الحیاء، ج ۱، ص ۲۵۹ / مکاتیب الأئمة<sup>۲</sup>، احمدی میانجی، علی، تحقیق و تصحیح مجتبی فرجی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۴۸۹ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۲، شماره حدیث ۱۰۵۱۴.
  ۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۸، شماره حدیث ۱۰۵۳۰.
  ۳. همان، شماره حدیث ۱۰۵۲۴.

## التزام به پیمان حتی به کافر امان داده شده

رسولُ الله ﷺ

پیامبر خدا ﷺ: هر که کافر پیمان بسته‌ای را بکشد، بوی بهشت را که از فاصله چهل سال به مشام می‌رسد - استشمام نخواهد کرد.

## خودداری از قتل اسراء

رسولُ الله ﷺ: مَنْ أَمَّنَ رَجُلًا عَلَى دَمِهِ فَقَتَلَهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ لُؤَاءَ عَذْرِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ!

پیامبر خدا ﷺ: هر کس مردی را بر جانش امان دهد و او را بکشد، در روز رستاخیز پرچم خیانت را حمل می‌کند.

## هشیاری پس از صلح، بصیرت در شناخت دشمن

الامامُ عليُّ عليه السلام: وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رِبْمًا قَارِبًا لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ اتَّهَمِ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ.<sup>۳</sup>

۱. مفردات ألفاظ القرآن، راغب أصفهانی، حسین بن محمد، دار القلم، الدار الشامیة، بیروت، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۰ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۸، شماره حدیث ۱۵۲۴.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۸، شماره حدیث ۱۵۲۷ / مضمون همین حدیث در کتاب زیر دیده شده است: الوافی، ج ۱۵، ص ۱۰۲.

۳. تحف العقول، ص ۱۴۵ / نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۲ / خصائص الأئمة<sup>۴</sup>، ص ۱۲۳ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۶۱۰ / جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۶۵۸ / الحیاء، ج ۱، ص

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۴۹

---

امام علی علیه السلام : اما پس از صلح، از دشمن خود سخت برحذر و هشیار باش؛ زیرا گاه دشمن خود را نزدیک می‌سازد، تا غافلگیر کند؛ پس محتاط و دور اندیش باش و به دشمن خوش بین مباش

### بصیرت در شرایط حساس سیاسی

الامامُ علیُّ علیه السلام - فی وصیَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیه السلام لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ - : و اعلم ان معاوية سيخالفك كما خالفني، فإن وادعته و صالحته كنت مقتديا بجدك صلى الله عليه و آله في موادعته بنى ضمرة و بنى اشجع... فإن أردت مجاهدة عدوك فلن يصلح لك من شيعتك من يصلح لأبيك!

امام علی علیه السلام - پس از ضربت خوردن به وسیله ابن ملجم، در سفارش به فرزند بزرگوار خود حسن علیه السلام - فرمود: بدان که معاویه همچنان که با من مخالفت کرد با تو نیز مخالفت خواهد کرد. پس اگر با او از در صلح و آشتی درآیی به جدت تأسسی جسته‌ای که با بنی ضمیره و بنی اشجع... صلح کرد و اگر بخواهی با دشمنت بجنگی [ بدان که ] هرگز آن صلاحیت و وفاداری که پیروان پدرت داشتند پیروان تو نخواهند داشت.

---

۲۵۹ / مکاتیب الأئمة<sup>۸</sup>، ج ۱، ص ۴۸۹ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۲، شماره حدیث ۱۰۵۱۴.

۱. الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، شامی، یوسف بن حاتم، جامعہ مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۷۸ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۸۲، شماره حدیث ۱۰۵۱۵.

پذیرش صلح، مایه بقای امت

الامامُ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَمَّا طَعَنَ وَ  
اِخْتَلَفَ النَّاسُ عَلَيْهِ سَلَّمَ الْأَمْرَ لِمَعَاوِيَةَ، فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ الشَّيْعَةُ «عَلَيْكَ  
السَّلَامُ يَا مُدَلِّ الْمُؤْمِنِينَ!» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَنَا بِمُدَلِّ الْمُؤْمِنِينَ،  
وَ لَكِنِّي مُعَزُّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُكُمْ لَيْسَ بِكُمْ عَلَيْهِمْ قُوَّةٌ سَلَّمْتُ  
الْأَمْرَ لِأَبِي أَنَا وَ أَنْتُمْ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، كَمَا عَابَ الْعَالَمُ السَّفِينَةَ لَتَبَقِيَ  
لِأَصْحَابِهَا، وَ كَذَلِكَ نَفْسِي وَ أَنْتُمْ لَتَبَقِيَ بَيْنَهُمْ.<sup>۱</sup>

امام صادق عليه السلام: حسن بن علی علیهما السلام پس از آن که به  
جانش سوء قصد شد و پیروانش از در ناسازگاری با وی در آمدند،  
کار را به معاویه وا گذاشت. آنگاه شیعیانش به آن حضرت چنین  
سلام کردند: «سلام بر تو ای خوار کننده مؤمنان». حضرت فرمود  
: من خوار کننده مؤمنان نیستم، بلکه عزت بخش مؤمنانم. وقتی  
دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید، کار را به او وا گذاشتم تا  
من و شما در میان آنان باقی بمانیم؛ همچنان که آن عالم (خضر)  
کشتی را سوراخ کرد تا برای صاحبانش باقی بماند، و اینچنین  
[است حکایت] من و شما تا در میان آنها باقی بمانیم.

۱. تحف العقول، ص ۳۰۸ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۸۷ / میزان الحکمه، ج ۷، ص

۳۰۸۲، شماره حدیث ۱۰۵۱۶.

## رعایت حقوق زنان و اسراء

الامامُ عليٌّ عليه السلام : إِذَا كَانَتْ الْهَزِيمَةُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا وَلَا تُصِيبُوا مُعَوَّرًا وَلَا تُجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَىٰ وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ وَ سَبَبْنَ أُمَّرَاءَكُمْ فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَىٰ وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ إِنْ كُنَّا لَنُؤَمِّرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَإِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ.

امام علی علیه السلام : هرگاه دشمن به اذن خدا گریخت فراری را نکشید، و ناتوان را آسیب نرسانید، و زخمی را از پای درنیاورید، و زنان را با آزار دادن، تهییج نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیرانتان را دشنام گویند، چون توان و جان و عقلشان ضعیف است. حتی زمانی که زنان مشرک بودند دستور داشتیم که از آنان دست بازداریم.

## جنگ تا سرکوبی یاغیان و سرکشان حریم اسلامی

الامامُ الصادقُ عليه السلام - و قد سأله العيصُ عن خروج قوم مجوس علی ناس من المسلمین فی أرض الإسلام: هل یحلُّ قتالُهُمْ؟ - : نَعَمْ، و سَبَّهِمُ.

امام صادق علیه السلام - در پاسخ عیص که پرسید گروهی مجوسی در خاک اسلام بر جماعتی از مسلمانان می شورند، آیا جنگیدن با

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۶۱ / الوافی، ج ۱۵، ص ۶۳ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۰ / ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۴۲۸ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۰، شماره حدیث ۱۸۲۲.

آنان رواست؟ - فرمود: آری، اسیر گرفتن آنان نیز رواست.

### اسراء زیر پرچم رأفت اسلامی

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دل‌های شما بداند، (و نیات پاکی داشته باشید)، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد و شما را می‌بخشد و خداوند آمرزنده و مهربان است!»

\*\*\*

الامامُ عليُّ عليه السلام: إِطْعَامُ الْأَسِيرِ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ وَإِنْ قَتَلْتَهُ مِنْ الْغَدِ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: غذا دادن به اسیر و خوش رفتاری با او حقی است واجب، هر چند [بخواهی] فردا او را بکشی.

\*\*\*

۱ . انفال ۸/۷۰.

۲ . قرب الاسناد، ص ۸۷ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۲ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۳ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۳۶، شماره حدیث ۴۸۶.



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۵۳

---

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِابْنَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مَلْجَمٍ - : أَحْبَسُوا  
هَذَا الْأَسِيرَ، وَ اطْعَمُوهُ، وَ اسْقُوهُ، وَ أَحْسِنُوا إِسَارَهُ. ١

امام علی علیه السلام - پس از آن که ابن ملجم بر او ضربت زد، به حسن  
و حسین علیهما السلام - فرمود: این اسیر را زندانی کنید و به او غذا و آب  
دهید و در اسارت با وی خوش رفتار باشید.

\*\*\*

الامامُ الصَّادِقُ علیه السلام: إِطْعَامُ الْأَسِيرِ حَقٌّ عَلَى مَنْ أَسَرَهُ وَإِنْ كَانَ يُرَادُ  
مِنَ الْغَدِ قَتْلُهُ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُطْعَمَ وَ يُسْقَى وَ يُظَلَّ وَ يُرْفَقَ بِهِ، كَأَفْرَا  
كَانَ أَوْ غَيْرَهُ. ٢

امام صادق علیه السلام: غذا دادن به اسیر حقی است به گردن کسی که او  
را به اسارت گرفته است، هر چند بنا باشد فردا کشته شود. باید به  
اسیر، آب و خوراک و جای مناسب داد و با او مدارا کرد، کافر باشد  
یا غیر کافر.

\*\*\*

---

١. قرب الاسناد، ص ۱۴۳، شماره حدیث ۵۱۵ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۲۷ /  
میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۳۶، شماره حدیث ۳۵۳۱۴ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۰۶، شماره  
حدیث ۱۰ / جامع احادیث الشیعه، ج ۳۱، ص ۲۶۸.

٢. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، طبرسی، علی بن حسن، المكتبة الحیدریه، نجف، چاپ دوم،  
۱۳۸۵ق، ص ۱۸۲ / الکافی، ج ۵، ص ۳۵ / الوافی، ج ۵، ص ۵۴۷، شماره حدیث ۱ /  
عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۷۸۰.

الامامُ الباقرُ عليه السلام : عليُّ عليه السلام قال : يا رسولَ الله، أيُّ الصدقةِ أفضلُ؟ قال : الأسيرُ المُخضرتا عيناهُ.<sup>۱</sup>

امام باقر عليه السلام : علي عليه السلام [ از رسول خدا صلى الله عليه وآله ] پرسید: ای پیامبر خدا! کدام صدقه، برتر است؟ فرمود: به اسیری که چشمانش [ از ضعف ] تیره و تار شده است.

### ندامت، توبه و امان دادن به اسراء

أتى عليُّ عليه السلام بأسيرٍ يومَ صفينَ فبايعه، فقالَ عليٌّ : لا أقتلكَ إنى أخافُ اللهَ ربَّ العالمينَ، فخلّى سبيلَهُ و أعطى سلبَهُ الذى جاءَ بِهِ.

در جنگ صفین، اسیری را نزد امام علی عليه السلام آوردند. او با علی عليه السلام بیعت کرد و امام به او فرمود: تو را نمی‌کشم، من از خدای جهانیان بیم دارم. سپس او را آزاد گذاشت و لباس و وسایلیش را به او بازگرداند.

\*\*\*

عن الزهريِّ عن زَيْنِ العابدينَ عليه السلام : إذا أخذتَ أسيراً فَعَجِزَ عَنِ المشى و ليسَ معَكَ محمِلٌ، فأرسلهُ و لا تقتلهُ، فإنكَ لا تدري ما حُكَمُ الإمامِ فيه.

۱ . الجعفریات (الأشعْثیات)، ابن اشعث، محمد بن محمد، مكتبة النينوى الحديثه، تهران، چاپ اول، بی تا، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹، شماره حدیث ۶۰ و ج ۹۳، ص ۱۸۱، شماره حدیث ۱۴ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۱ / تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۵۳.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۵۵

قال : و قال : الأَسِيرُ إِذَا أَسْلَمَ فَقَدْ حَقَّنَ دَمَهُ وَ صَارَ فَيْئًا.

به نقل از زهری - : امام زین العابدین علیه السلام فرمود : چون اسیری گرفتی که از راه رفتن عاجز بود و وسیله سواری نداشتی، او را رها کن و مکش، زیرا نمی دانی که حکم رهبر درباره او چیست . و امام فرمود : اسیر چون مسلمان شود، خورش محترم و محفوظ شده و جزو غنائم گشته است.

\*\*\*

الامامُ الصَّادِقُ علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ انْهِيَامِ الطَّائِفَةِ الْبَاغِيَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِيَدِ الْعَادِلِ مِنْهُمْ - : لَيْسَ لِأَهْلِ الْعَدْلِ أَنْ يَتَّبِعُوا مُدْبِرًا، وَ لَا يَقْتُلُوا أُسِيرًا، وَ لَا يُجْهَزُوا عَلَى جَرِيحٍ، وَ هَذَا إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ أَحَدٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا، فَإِذَا كَانَ لَهُمْ فِتْنَةٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا فَإِنَّ أُسِيرَهُمْ يُقْتَلُ، وَ مُدْبِرَهُمْ يَتَّبَعُ، وَ جَرِيحُهُمْ يُجْهَزُ.

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از شکست گروه یاغی از مؤمنان به دست گروه عادل و بر حق آنان - فرمود : گروه عادل و

۱. الکافی (ط - الاسلامیة)، ج ۵، ص ۳۵ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۳ / الوافی، ج ۱۵، ص ۱۳۳ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۷۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة<sup>هـ</sup>، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۲۳ / ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۴۰۷ / مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۶۴.
۲. الوافی، ج ۱۵، ص ۹۶ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۷۴ / مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۶۰ / منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة، هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مکتبة الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸، ص ۱۶۴ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۲، شماره حدیث ۱۸۲۴.

بر حق نباید یاغیان فراری از میدان جنگ را تعقیب کنند و اسیر و مجروحی را بکشند؛ این‌ها در صورتی است که از یاغیان کسی باقی نماند و گروهی نداشته باشند که به آن ملحق شوند. ولی اگر گروهی داشته باشند که بتوانند به آن بپیوندند، در این صورت باید اسیران و مجروحان آنها را کشت و فراریانشان را تعقیب نمود.

## فصل سوم: شهادت

### واژه شناسی

واژه «شهادت» از ریشه «شَهِدَ» به معنای حضور، مشاهده، معاینه ادراک، گواهی و خبر قاطع است.<sup>۱</sup> «شهید» به کسی گفته می‌شود که ناظر و شاهد بر اشیاء است. به عبارت دیگر شهید کسی است که شخص یا چیزی را مشاهده می‌کند و هم برای کسی یا چیزی و هم علیه آن شهادت می‌دهد.<sup>۲</sup> به عبارتی دیگر، شهید کسی است که در گواهی دادن امین است. در این معنا بیشتر به صورت مشاهده استفاده می‌شود، شهید کسی است که در راه خدا کشته شده است.<sup>۳</sup>

در واقع «شهادت» یعنی کشته شدن در راه خدا، آن‌که به شهادت دست یافته و در راه خدا کشته شده، به فرموده شهید مطهری شهادت مرگ آگاهانه در راه هدف مقدس است. عملی آگاهانه و اختیاری است و شهیدان شمع محفل بشریت هستند.<sup>۴</sup>

---

۱. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع،

دار الصادر، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۴۳.

۲. المفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۶۸.

۳. تاج العروس، الحسینی الزبیدی، سید محمد مرتضی، دار احیاء التراث العربی، بیروت،

۱۳۸۵ق، ج ۸، ص ۲۶۱.

۴. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۶۲۷؛ لغتنامه دهخدا، ج ۱۷، ص ۱۳۱.

مرگ در راه خدا، برترین افتخار و والاترین پاسخ به رشادت و ایثارگری است. بی تردید عالی‌ترین هدیه‌ی پروردگار به نظام هستی و از آن جمله به انسان، حق زیستن و حیات است که در سایه‌ی آن از دیگر نعمت‌های بی‌شمار مادی و معنوی نیز برخوردار می‌گردد. انسان در هیچ شرایطی تمایل ندارد که حق حیات خود را به دیگری واگذار نموده یا آن را با چیز دیگر معامله نماید. پس چه می‌شود که مردان راستین، جهاد و استقامت خود را در معرض شهادت قرار می‌دهند؟ قرآن کریم و آموزه‌های دینی اسلام مرگ در راه خدا را از بین رفتن ندانسته و کشتگان در میدان جهاد را زنده معرفی نموده‌اند. مقام شهید چنان با ارزش ترسیم گردیده که بر سر جان خود با خدای خویش معامله کرده‌اند. شهیدان هرگز نمی‌میرند و همواره از خوان رحمت بی‌انتهای پروردگارشان بهره‌مندند. شهادت، انتهای ایثار مردانی است که جان خود را در پاسداشت ارزش‌های دینشان تقدیم می‌نمایند. قرآن کریم «فی سبیل الله» را به عنوان غایت و هدف شهید معرفی نموده و آگاهانه و مختار بودن را دو خصوصیت برجسته چنین انتخابی ذکر می‌نماید. تاریخ اسلام گواهی می‌دهد که چگونه شهداء با جانفشانی و اهداء جان خود، از شعائر و ارزش‌های دین اسلام دفاع نمودند.

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ...﴾<sup>۱</sup>

در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است همان کسانی که در راه خدا

می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند...

## فضیلت شهادت

### لقاء الله در سایه‌سار جهاد فی سبیل الله

الامامُ علیُّ عليه السلام : ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِقَاءَهُ وَ رَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبَلْوَى!

امام علی عليه السلام : سپس دیدار خود را برای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برگزید، و آن‌چه نزد خود داشت برای او پسندید و او را با جدا کردنش از دنیا گرامی داشت، و به جای دمساز بودن با ناگواری‌ها و سختی‌ها در بهشت برین جایش داد.

### شهادت، مرگ پیروزمندانه

یکی از ثمرات ارزشمند جهاد در راه خداوند، شهادت و جان‌فشانی است که در آن مسیر، رزمنده‌ی با اخلاص همه‌ی جان خود را فدای اهداف متعالیش می‌کند. انسان مؤمن و آگاه در این مقال، چیزی جز تقای پروردگارش را نمی‌بیند و جز آن نمی‌خواهد. شهادت راه مردان خداست و مرگ شرافتمندانه و پیروزمندانه‌ی جهادگران مؤمن است. ایثارگران و منادیان حقانیت اسلام، هیچ‌گاه به زندگی ذلت‌بار تن نداده و شهادت را برمی‌گزینند.

الامامُ عليُّ عليه السلام : فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : خوار گشتن و زنده ماندنتان مردن است و کشته گشتن و پیروز شدن، زنده بودن.

### شهادت، گرامی ترین مرگ

الامامُ عليُّ عليه السلام : إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : همانا، گرامیترین مرگها کشته شدن - در راه خدا است.

### آرزوی مقام شهیدان

الامامُ عليُّ عليه السلام : نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ.<sup>۳</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۱، ص ۸۸ و ۸۹ / مناقب آل أبي طالب<sup>۱</sup>، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۱۶۷ / تسلیة المجالس و زینة المجالس، حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۴۲۰ / بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۴۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳، ص ۱۸۰ / عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۴ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۲ / بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۴۵۵ / الحیاء ج ۲، ص ۳۷۳.

۳. الغارات أو الاستنفار و الغارات، ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، انجمن آثار ملی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۱۵۶ / الکافی، ج ۹، ص ۴۸۹ / شرح الأخبار فی فضائل الأنمة الأطهار<sup>۲</sup>، ابن حیون، نعمان بن محمد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۶۹ / نهج البلاغه، خ ۲۳، ص ۶۵ / الحکم و المواعظ، ص ۵۰۰ / الوافی، فیض



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۶۱

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : از خداوند رتبت شهیدان را می خواهیم.

### بالاترین نیکی

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : بالای هر نیکوکاری، نیکوکار [دیگری] است تا آن گاه که مرد در راه خدا کشته شود. پس، چون در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی (ارزشی) وجود ندارد.

### شریف ترین مرگ

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : شرافتمندانه ترین مرگ، شهادت است.

---

کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی<sup>ع</sup>، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۵، ص ۱۷۳ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱.

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۴۷۶ / الخصال، ج ۱، ص ۹ / طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۲۲ / جامع الأخبار، شعیری، محمد بن محمد، مطبعة حیدریه، نجف، چاپ اول، بی تا، ص ۸۳ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۷ / ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۶۹ / الحیاء، ج ۱، ص ۴۲۰ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۲.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲ / الأمالی، ابن بابویه، محمد بن علی، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۸۸ / الدر النظیم، ص ۶۰۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۱۵ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۲.

### ارزشِ خون شهید

الامامُ زینُ العابدینَ عليه السلام: ما من قطرة أحب إلى الله عزَّ وجلَّ من قطرتين: قطرة دم في سبيلِ الله، و قطرة دمعة في سوادِ الليل لا يريدُ بها العبدُ إلا الله عزَّ وجلَّ.

امام زین العابدین عليه السلام: هیچ قطره‌ای نزد خداوند عزّ و جلّ محبوب‌تر از دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود، و قطره اشکی که در دل شبِ تار برای خداوند عزّ و جلّ می‌ریزد.

### آرزوی شهادت

الامام علی عليه السلام - فی ختامِ کتابه للأشترِ لَمَّا وَاوَاهُ مِصرَ - : و أنا أسألُ اللهَ بسَعَةِ رَحْمَتِهِ و عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَي إعطاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ ... أن يَخْتِمَ لِي و لكَ بِالسَّعَادَةِ و الشَّهَادَةِ!

امام علی عليه السلام - در پایان عهدنامه خود به مالک اشتر - نوشت: من از خداوند، به [حق] رحمت گسترده و قدرت عظیمش بر برآوردن هر خواهشی، مسألت دارم که ... عاقبت من و تو را به سعادت و شهادت ختم فرماید

۱. النخصال، ج ۱، ص ۵۰ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۳۷۸ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۵ / جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۶۶۰ / میزان الحکمه،

ج ۶، ص ۲۸۷۲.

## کجا باید ای شهیدان خدایی

الامام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَعَ التَّرْحَالِ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ، وَبَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا يَفْنَى، مَا ضَرَّ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ سَفَكَتْ دِمَاؤَهُمْ - وَهُمْ بِصَفِينٍ - أَلَّا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءً ... أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ، وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟! ... الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ، وَ أُبْرِدَ بَرُوسِهِمْ إِلَى الْفَجْرَةِ!

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : بندگان نیک خدا، عزم کوچیدن کردند و اندک متاع ناپایدار دنیا را به پاداش فراوان فنا ناپذیر آخرت، فروختند. آن برادران ما که در صَفِین خون‌هایشان ریخته شد، از این که امروز زنده نیستند، زیان نکردند... کجا باید آن برادران من که به راه درآمدند و حق را به کار گرفتند؟... آنان که بر مرگ هم پیمان شدند و سرهایشان نزد تبهکاران فرستاده شد.

## برترین شهیدان، مجاهدانِ خط مقدم

رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، فَلَا يَلْفُتُونَ وَجُوهَهُمْ حَتَّى يُقْتَلُوا، أَوْ لُتِكَ يَتَلَبُّطُونَ. فِي الْغُرْفِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ، يَضْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ، فَإِذَا ضَحِكَ رَبُّكَ إِلَى عَبْدٍ فِي مَوْطِنٍ فَلَا حِسَابَ عَلَيْهِ. ٢

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : برترین شهیدان، کسانی هستند که در صف

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۴.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۱۱.

مقدم می‌جنگند و [از دشمن] روی بر نمی‌گردانند تا آن که کشته شوند. اینان در بالا خانه‌های بهشت می‌آرمند، پروردگارشان به روی آنان می‌خندد و هرگاه پروردگارت، در جایی، به بنده ای لبخند زند، حسابرسی ندارد.

### مقدر شدن شهادت و مرگ

﴿...يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بَيوتِكُمْ لَبُرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ...﴾<sup>۱</sup>

...می‌گفتند: «آیا ما را در این کار اختیاری هست؟» بگو: «سررشته کارها [شکست یا پیروزی]، یکسر به دست خداست.» آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند، که برای تو آشکار نمی‌کردند. می‌گفتند: «اگر ما را در این کار اختیاری بود، [و وعده پیامبر واقعیت داشت،] در اینجا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر شما در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند...»

### ممات و حیات در ید قدرت الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يَخْلِي وَيُمِيتُ...﴾<sup>۲</sup>

۱. آل عمران ۳ / ۱۵۴.

۲. آل عمران ۳ / ۱۵۶.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۶۵

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند و به برادرانشان - هنگامی که به سفر رفته [ و در سفر مردند ] و یا جهادگر شدند [ و کشته شدند ]، گفتند: «اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند.» [ شما چنین سخنانی مگویید ] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. و خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند...

### شهادت، مرگی پرافتخار

الامامُ علیُّ عليه السلام: إِنَّ الْفَارَّ لَغَيْرُ مَزِيدٍ فِي عَمْرِهِ، وَ لَا مَحْجُوزٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ يَوْمِهِ.

امام علی عليه السلام: کسی که از مرگ بگریزد، نه بر عمرش افزوده می‌شود و نه گریختن مانع فرا رسیدن روز مرگش می‌شود.

### شهادت، تقدیر ایثارگران فی سبیل الله

قال زيادُ بنُ نصرِ الحارثيِّ - لعبدِ اللهِ بنِ بُدَيْلٍ في يَوْمِ صِفِّينَ - : إِنَّ يَوْمَنَا اليَوْمِ عَصَبَصَبٌ . مَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ إِلَّا كُلُّ مُشِيْعٍ . الْقَلْبِ الصَّادِقِ النَّيَّةِ، رَابِطِ الْجَاشِ . وَ أَيْمُ اللهِ ، مَا أَظُنُّ ذَلِكَ اليَوْمِ يَبْقَى مِنْهُمْ وَ لَا مِنَّا إِلَّا الرُّذَالَ فَقَالَ عَبْدُ اللهِ بنِ بُدَيْلٍ : أَنَا وَ اللهُ أَظُنُّ ذَلِكَ، فَلَبَّغَ

۱ . الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۴۴۳ / عیون الحکم و المواعظ ، ص ۱۵۷ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۷ / تفصیل و سائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۱ / بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۹۵ / مکاتیب الأئمه<sup>ع</sup>، ج ۲، ص ۲۲۴ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۴، حدیث شماره ۹۷۵۷.

كَلَامُهُمَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُمَا: لَيْسَ هَذَا الْكَلَامُ مَخْرُوجًا فِي صُدُورِكُمَا لَا تُظْهِرَاهُ وَلَا يَسْمَعُهُ مِنْكُمَا سَامِعٌ، إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْقَتْلَ عَلَى قَوْمٍ وَالْمَوْتَ عَلَى آخِرِينَ، وَكُلُّ آتِيهِ مَنِيَّتُهُ كَمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ، فَطُوبَى لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ، وَالْمَقْتُولِينَ فِي طَاعَتِهِ!

به نقل از ابو روق - زیاد بن نصر حارثی - در روز صفین به عبدالله بن بدیل - گفت: امروز روز سختی است و جز افراد نیرومند دلیر و پاک نیت و ثابت قدم پایداری نورزند. به خدا سوگند، گمان نمی‌کنم که در امروز از آنها و از ما جز اندکی باقی بمانند عبد الله بن بدیل گفت: به خدا قسم که من نیز همین گمان را می‌برم سخن این دو به گوش علی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید، حضرت به آنان فرمود: این سخن را در سینه‌های خود مخفی نگه دارید و آشکار نسازید و کسی آن را از شما نشنود. همانا خداوند برای گروهی کشته شدن را رقم زده است و برای گروهی مُردن [طبیعی] را و مرگ هر کس، همچنان که خداوند مقدر فرموده، فرا میرسد. پس، خوشا به حال مجاهدان در راه او و کشتگان راه طاعت وی.

### حُبِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِه شهادت در راه خدا

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوَدِدْتُ أَنِّي أَعْرُوُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أَعْرُوُ فَأَقْتُلُ، ثُمَّ أَعْرُوُ فَأَقْتُلُ!

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۴، حدیث شماره ۹۷۵۸.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۴، حدیث شماره ۹۷۵۹.

و باز بجنگم و کشته شوم و باز هم بجنگم و کشته شوم.

### شوق به شهادت

الامامُ عليٌّ عليه السلام: قلتُ: يا رسولَ اللهِ... أ و لَيْسَ قَدْ قُلْتَ لِي يَوْمَ  
أَحَدٍ حَيْثُ اسْتُشْهِدَ مَنْ اسْتُشْهِدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ حِيَزَتْ عَنِّي الشَّهَادَةُ،  
فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ فَقُلْتَ لِي: أَبَشِّرُ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ؟ فَقَالَ لِي:  
إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فَكَيْفَ صَبِرُكَ إِذَا؟ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللهِ، لَيْسَ  
هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ، وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَ الشُّكْرِ!

امام علی عليه السلام: عرض کردم: ای رسول خدا... مگر در روز احد،  
که تعدادی از مسلمانان شهید شدند و من از شهادت محروم  
ماندم و این امر بر من گران آمد، به من نفرمودی: مزده بادا تو را  
که شهادت پیش روی توست؟ رسول خدا به من فرمود: به راستی  
که همین طور است. حال در آن صورت صبر تو چگونه خواهد  
بود؟ عرض کردم: ای رسول خدا! این جا، جای صبر نیست، بلکه  
جای شادی و شکر است!

۱. تفسیر فرات الکوفی، کوفی، فرات بن ابراهیم، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الارشاد  
الاسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۱۵ / بشاره المصطفی لشيعه المرتضى، طبری  
آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، المكتبة الحیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۳  
ق، ج ۲، ص ۲۲۳ / شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبئه  
الله، ۱۰ جلد، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۲۰۵ / أعلام  
الدین فی صفات المؤمنین، ص ۱۰۴ / تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۲۸،  
ص ۸۰ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۴، شماره حدیث ۹۷۶۱.

مأنوس تر از کودک به شیر (پستان) مادر

الامام علی عليه السلام: فَإِنْ أَقْلُ، يَقُولُوا: حَرَصَ عَلَى الْمَلِكِ، وَإِنْ  
أَسْكَتْ، يَقُولُوا: جَزَعَ مِنَ الْمَوْتِ، هَيْهَاتَ! بَعْدَ اللَّتْيَا وَالَّتِي! وَاللَّهِ  
لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أُنْسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ!

امام علی عليه السلام: اگر سخن بگویم، می‌گویند: برای حکومت حرص  
می‌زند و اگر خاموش مانم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسد. هییهات!  
به خدا سوگند که انس پسر ابو طالب با مرگ بیشتر از انس  
کودک با پستان مادرش می‌باشد.

\*\*\*

الامام علی عليه السلام!

امام علی عليه السلام: و به خدا سوگند که من بر حق هستم و عاشق  
شهادتم.

رستگاری در پی شهادت

الامام علی عليه السلام - لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ - : فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ!

۱. نهج البلاغه، ص ۵۲ / كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، علامه حلی، حسن بن یوسف  
بن مطهر، وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۳۴ /  
میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۶.

۲. مکاتیب الأئمة<sup>۸</sup>، ج ۲، ص ۹۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۶، شماره حدیث ۹۷۶.

۳. المسترشد فی إمامه علی بن أبی طالب عليه السلام، طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، کوشانپور،  
قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق، ص ۴ / شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار<sup>۸</sup>، ابن حیون، نعمان بن



بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۶۹

امام علی علیه السلام - پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم - فرمود :  
به خداوند کعبه سوگند که رستگار شدم.

## شهادت، غایت مردان خدا

### الامام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام - بعد از ضربت خوردن به دست ابن ملجم - فرمود :  
به خدا سوگند، نه وارد شونده‌ای از سوی مرگ ناگهانی بر من وارد  
شد که آن را ناخوش داشته باشم و نه آینده‌ای که آن را نشناخته  
(نخواستہ) باشم و [ در علاقه مندی به مرگ ] نیستم، مگر  
همچون جویای آبی که به آب رسد و همانند جوینده‌ای که [  
مطلوب خود را ] دریابد.

محمد، جامعه مدرسین ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۴۲ / خصائص الأئمة<sup>۱</sup>، ص ۶۳ /  
شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم)، قضاعی، محمد بن سلامه، مرکز انتشارات  
علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۷۶ / إعلام الوری بأعلام الهدی، طبرسی،  
فضل بن حسن، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق، ص ۸۷ / مناقب آل ابي طالب<sup>۲</sup>، ج ۲،  
ص ۱۱۹ / طرف من الأنباء و المناقب، ابن طاووس، علی بن موسی، تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰  
ق، ص ۳۴۹ / الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ابن طاووس، علی بن موسی، خیام، قم، چاپ  
اول، ۱۴۰۰ ق، ج ۲، ص ۵۱۹ / الدر النظیم، ص ۲۷۱ / الأریعون حدیثا، شهید اول، محمد بن مکی،  
مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۳ / إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۳،  
ص ۳۷۴ / حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۶۳ / بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۴۸ / النور المبین فی قصص الأنبياء و  
المرسلین، جزائری، نعمت الله بن عبد الله، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق،  
ص ۳۵۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۶، شماره حدیث ۹۷۶۷.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد، ج ۱۵، ص ۱۴۳ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۵۴ /  
ریاض السالکین، ج ۵، ص ۳۵۲ / مکاتیب الأئمة<sup>۳</sup>، ج ۲، ص ۲۵۶ / میزان الحکمه، ج ۶، ص  
۲۸۷۶، شماره حدیث ۹۷۶۸.

### شهادت، حبّ لقاءالله

#### الامام علی عَلَيْهِ السَّلَام

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام: کیست که به سوی خدا رهسپار شود، همانند تشنه‌ای که به آب می‌رسد؟! بهشت در زیر لبه نیزه‌هاست. امروز خبرها [ی پیش گفته] آزموده و معلوم می‌شود. سوگند به خدا که اشتیاق من به رویایی با آن‌ها (دشمنان) بیشتر از اشتیاق آنان به خانه و کاشانه‌شان است.

### کرامت، پاداش شهادت

#### الامام علی عَلَيْهِ السَّلَام

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام: همانا ارجمندترین مرگ، کشته شدن است. سوگند به آن که جان پسر ابی طالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسان‌تر است از جان دادن در بستر که با طاعت خدا همراه نباشد.

---

۱. نهج البلاغه، خ ۱۲۴، ص ۱۸۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۶، شماره حدیث ۹۷۶۹.  
۲. نهج البلاغه، خ ۱۲۳، ص ۱۸۰ / عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۴ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۲ / بحار الأنوار الجامعة، ج ۳۳، ص ۴۵۵ / الحیاء، ج ۲، ص ۳۷۳ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۶، شماره حدیث ۹۷۷۱.

## برکات شهادت

### شهادت و کفاره گناهان

رسولُ اللَّهِ ﷺ: الشَّهَادَةُ تُكَفِّرُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا الدِّينَ!

پیامبر خدا ﷺ: شهادت، هر چیزی را پاک می‌کند، مگر قرض را.

### شهادت زداینده‌ی گناهان

الامامُ الصَّادِقُ ع: مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يُعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ سَيِّئَاتِهِ!

امام صادق ع: هر که در راه خدا کشته شود، خداوند چیزی از گناهانش را به او نشان نمی‌دهد.

### روزی خوردن شهید نزد خدا

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾<sup>۳</sup>

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۸، شماره حدیث ۹۷۷۴ و ۹۷۷۵ و ۹۷۷۶ و ۹۷۷۷.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۴۷۹ / تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶ / مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۹۷ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۸، شماره حدیث ۹۷۷۸.

۳. آل عمران ۳ / ۱۶۹.

زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

### شهادت، حیات ابدی

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَآكِن لَّا تَشْعُرُونَ﴾<sup>۱</sup>

و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

### آسایش شهید از عذاب قبر

رسولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَقِيَ الْعَدُوَّ فَصَبَرَ حَتَّى يُقْتَلَ أَوْ يَغْلِبَ لَمْ يُفْتَنَ فِي قَبْرِهِ.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ: کسی که با دشمن رو به رو شود و پایداری ورزد تا کشته شود یا پیروز گردد، در قبر خود معذب نشود.

\*\*\*

رسولُ اللَّهِ ﷺ:

پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال درباره گرفتار نبودن شهید در قبر - فرمود: درخشش برق شمشیرها بر فراز سر او برای عذاب وی کافی است.

۱. البقره ۱۵۴/۲.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۸، شماره حدیث ۹۷۷۹.

۳. همان، شماره حدیث ۹۷۸۰.

## آرزوی شهید

### بازگشت به دنیا و کشته شدن دوباره

رسولُ اللَّهِ ﷺ: ما من نفسٍ تَموتُ لها عندَ اللَّهِ خَيْرٌ يَسُرُّهَا أَتَّهَا  
تَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا، وَ لَا أَنْ لَهَا الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، إِلَّا الشَّهِيدُ؛ فَإِنَّهُ  
يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجِعَ فَيُقْتَلَ فِي الدُّنْيَا؛ لِمَا يَرَى مِنْ فَضْلِ الشَّهَادَةِ!

پیامبر خدا ﷺ: هیچ کس نیست که پس از مرگ نزد خداوند از  
خیر بهره‌مند باشد و در عین حال خوش داشته باشد که به دنیا  
برگردد، گرچه همه دنیا به او داده شود، مگر شهید که چون  
فضیلت شهادت را می‌داند، آرزو می‌کند بر گردد تا در دنیا کشته  
شود.

### شأن نزول آیه زنده بودن شهدا نزد خدا

قال رسولُ اللَّهِ ﷺ: ﴿۳﴾

پیامبر خدا ﷺ - به جابر بن عبد الله انصاری - فرمود: خداوند با  
هیچ کس جز از ورای حجاب سخن نگفت اما با پدر تو روی در  
روی سخن گفت و به او فرمود از من بخواه تا عطایت کنم! پدرت  
گفت: از تو می‌خواهم که مرا به دنیا باز گردانی، تا بار دیگر جهاد  
کنم و کشته شوم. خداوند فرمود: نه! من کسی را به دنیا باز

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۷۸، شماره حدیث ۹۷۸۱ و ۹۷۸۲ و ۹۷۸۳.

۲. آل عمران ۱۶۹/۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۲ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۰، شماره حدیث ۹۷۸۴.

نمی‌گردانم، از من چیز دیگری بخواه. او گفت: زندگان را از ثوابی که شامل حال ماست با خبر ساز تا در جهاد بکوشند، باشد که کشته شوند و به سوی ما آیند. خداوند متعال فرمود: من رساننده پیام تو به مؤمنان هستم. آن‌گاه آیه «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه أمواتا» را نازل فرمود.

### شهادت بهتر از زندگی با ذلت

الامامُ علیُّ علیه السلام - و هو یذمُّ أصحابه - : ما ذا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ، و الجِهادِ علی حَقِّکُمْ؟! المَوْتُ خَیْرٌ مِنَ الذُّلِّ فی هذه الدنیا لِغَیْرِ الحَقِّ.

امام علی علیه السلام - در نکوهش اصحاب خود - فرمود: برای یاری دادن و جهاد در راه حقّ خود منتظر چه هستید؟! مرگ بهتر از آن است که در این دنیا تن به خواری در برابر ناحق دهید.

### شهادت سعادت است و زندگی با ستمگر ملالت

الامامُ الحسینُ علیه السلام - فی مَسِیرِهِ إلی کربلاءَ - : إِنِّی لا أَرى المَوْتَ إِلَّا سَعادَةً، و لا الحیاةَ مَعَ الظالمینَ إِلَّا بَرَمًا.

۱. الغارات، ج ۱، ص ۲۹۱ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۵۶۴ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۰، شماره حدیث ۹۷۸۶.

۲. تحف العقول، ص ۲۴۵ / شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۵۰ / نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ص ۸۸ / مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ج ۴، ص ۶۸

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۷۵

امام حسین علیه السلام - در مسیر خود به کربلا - فرمود: من مرگ را چیزی جز سعادت و زندگی در کنار ستمگران را چیزی جز ملالت نمی دانم.

### ثواب شهادت طلبی

﴿ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۝۱﴾

پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که:] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباہ نمی کنم پس، کسانی که هجرت کرده و از خانه های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده اند، بدیهایشان را از آنان می زدایم، و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورم

/ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۲، ص ۱۰۲ / اللهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، علی بن موسی، ترجمه فهری، جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش، ص ۷۹ / كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲ / مشیر الأحزان، ابن نما حلی، جعفر بن محمد، مدرسه امام مهدی، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۴ / تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۲۷۶ / بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲ / عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۶۷ / الحیاء، ج ۵، ص ۲۵۹ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸، شماره حدیث ۹۷۸۵.

[این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست.

### اعطای ثواب شهادت

رسولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ طَلَبَ الشَّهَادَةَ صَادِقًا أُعْطِيَهَا، وَ لَوْ لَمْ تُصِبْهُ<sup>۱</sup>.  
پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر که به راستی خواهان شهادت باشد،  
(ثواب آن) به او داده می‌شود، هر چند به شهادت نرسد.

### فضیلت شهدای دریا بر سایر شهداء

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع<sup>۲</sup> : ... إِنَّ هَذَا مِنْ شُهَدَاءِ الْبَحْرِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَ صِفَتِهِ  
غَيْرَ أَنَّ الْجَزِيرَةَ الَّتِي أُصِيبَ فِيهَا كَانَتْ أَعْظَمَ هَوْلًا مِنَ الْجَزِيرَةِ الَّتِي  
أُصِيبْنَا فِيهَا<sup>۲</sup>

از امام صادق ع<sup>۲</sup> : وقتی قرآن در محشر از کنار صفوف مختلف حرکت می‌کند همه آن را می‌شناسند و از خود با فضیلت‌تر دانسته و به آن غبطه می‌خورند، شهدای خشکی وقتی از کنار شهدای دریا عبور می‌کنند او را می‌شناسند و می‌گویند از شهدای دریاست اما جزیره‌ای که در آن به شهادت رسید ترسناک‌تر از جزیره‌ای بود که ما در آن شهید شدیم.

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۰، شماره حدیث ۹۷۸۷.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۵۸۹ / روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۱۳، ص ۱۱۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۱ / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص ۴۷۴ / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷، ص ۳۱۹.



### دلیل برتری شهدای دریا بر شهدای خشکی

می‌توان دلیل برتری شهید دریا بر شهید خشکی را از روایات استفاده نمود، شهیدی که در خشکی زخم برمی‌دارد به زمین می‌افتد فقط از جهت زخم خود زجر می‌کشد اما شهید دریا علاوه بر زخم از هول و هراس دریا نیز در زجر است درندگان دریایی و موج و خفگی و اینکه دست آویزی در این بین ندارد که خود را نجات دهد بنا بر این مرگ در دریا از مرگ در خشکی سخت تر و دارای قیمت و ارزش بیشتر است.

### شهادت، مرگ با اخلاص

رسول الله ﷺ: مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَّهُ مَنْزِلَ الشُّهَدَاءِ وَأَنْ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر که صادقانه از خداوند شهادت را مسألت کند، خداوند او را به منزلت‌های شهیدان برساند، هر چند در بستر خود بمیرد.

### نقش نیت در شهادت

رسول الله ﷺ: كَمْ مِمَّنْ أَصَابَهُ السَّلَاحُ لَيْسَ بِشَهِيدٍ وَلَا حَمِيدٍ، وَ كَمْ مِمَّنْ قَدَ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ حَتَّى أَنْفَهُ عِنْدَ اللَّهِ صَدِيقٌ شَهِيدٌ<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: بسا کسانی که با جنگ‌افزار کشته

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۰، شماره حدیث ۹۷۸۸.

۲. همان، شماره حدیث ۹۷۸۹.

شوند، اما نه شهید باشند و نه ممدوح و بسا کسانی که در بستر خود به مرگ طبیعی بمیرند، اما نزد خداوند صدیق و شهید به شمار آیند.

### مؤمنان به خدا و رسولش شهیدند

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّاهِدَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾<sup>۱</sup>

و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده‌اند آنان همدمان آتشد.

### شهادت، دفاع از حریم انسانیت

رسولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ أُرِيدَ مَالُهُ بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَاتِلْ فَتُكَلِّمَ فَهُوَ شَهِيدٌ.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: چنانچه بخواهند مال کسی را به ناحق بگیرند و او (در راه دفاع از آن) بجنگد و کشته شود، شهید است.

\*\*\*

۱. الحديد ۱۹/۵۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۲، شماره حدیث ۹۷۹۱.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۷۹

رسولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ<sup>۱</sup>، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ جَارِهِ ظُلْمًا فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ فِي ذَاتِ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فَهُوَ شَهِيدٌ<sup>۲</sup>.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر که در راه دفاع از خانواده خود به ستم کشته شود، شهید است، و هر که در راه دفاع از مال خود مظلومانه کشته شود شهید است، و هر که در راه دفاع از همسایه خود به ستم کشته شود شهید است، و هر که در راه خدای عز و جل کشته شود شهید است.

### هجرت در راه خدا

﴿وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾<sup>۳</sup>

و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است.

۱. همان، شماره حدیث ۹۷۹۵.

۲. همان، شماره حدیث ۹۷۹۲.

۳. النساء / ۴ / ۱۰۰.

### کشته شدن در راه پاکدامنی

رسولُ اللَّهِ ﷺ<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ: هر که عاشق شود و عشق خود را بیوشاند و پاکدامنی ورزد و [از اندوه آن] بمیرد، شهید است.

### شهادت، پاداش پاکدامنی است

الامامُ علیُّ العَلِیُّ: ما المُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فی سَبیلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ.<sup>۲</sup>

امام علی العلی: مجاهدی که در راه خدا به شهادت رسیده باشد، پاداشش بیشتر از کسی نیست که بتواند [گناه کند] و پاکدامنی ورزد.

### مرگ مؤمن شهادت است

الامامُ علیُّ العَلِیُّ: المؤمنُ علیَّ أیِّ حالٍ ماتَ، و فی أیِّ ساعةٍ قبضَ، فهو شهیدٌ.<sup>۳</sup>

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۲، شماره حدیث ۹۷۹۸.

۲. همان، شماره حدیث ۹۷۹۹.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۱ / جامع الأخبار، ص ۱۶۵ / عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، احمد بن محمد، دار الکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۲۷ / تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص ۱۴۷ / البرهان، ج ۲، ص ۹۰ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۰ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۵۴۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۰۳.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۸۱

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: مؤمن، در هر حالی که بمیرد و در هر لحظه و ساعتی که جانش گرفته شود، شهید است.

مردن بر حب آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شهادت است

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هر که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است.

شهادت، بشارت به شیعیان

عن زید بن أرقم: قال الحسين بن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ: ما من شيعتنا إلا صديق شهيد قلت: انى يكون ذلك و هم يموتون على فرسهم؟! فقال: أ ما تتلو كتاب الله: «الذين آمنوا بالله و رسله أولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم»<sup>۲</sup>.؟! ثم قال عَلَيْهِ السَّلَامُ: لو لم تكن

۱. مائه منقبه من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده<sup>ه</sup> من طريق العامة، ابن شاذان، محمد بن احمد، مدرسه الامام المهدي # قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۶۷ / جامع الأخبار، ص ۱۶۶ / بشاره المصطفى لشيعه المرتضى، ج ۲، ص ۱۹۷ / عمدۀ عيون صحاح الأخبار، ص ۵۴ / طرف من الأنبياء و المناقب، ص ۴۰۱ / سعد السعود للنفوس منضود، ابن طاووس، علی بن موسی، دار الذخائر، قم، چاپ اول، بی تا، ص ۱۴۱ / الطرائف، ج ۱، ص ۱۵۹ / كشف الغمۀ، ج ۱، ص ۱۰۷ / الدر النظیم، ص ۷۷۲: بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۳ / عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۸۹۵ / مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۵۵۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۰۴.

۲. الحدید ۱۹/۵۷.

الشَّهَادَةُ إِلَّا لِمَنْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ لِأَقْلَى اللَّهِ الشُّهَدَاءِ. ۱

نقل از زید بن ارقم - : امام حسین علیه السلام فرمود: هیچ یک از شیعیان ما نیست، مگر این که صدیق و شهید است. عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که آنان در بسترهای خود می‌میرند؟ حضرت فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده‌ای: «کسانی که به خدا و فرستادگان او ایمان آورده‌اند همانان صدیقان و شهیدان در نزد پروردگارشان هستند؟» سپس فرمود: اگر شهادت فقط اختصاص به کسانی داشت که با شمشیر کشته شوند در آن صورت خداوند شهدا را تقلیل داده بود.

\*\*\*

عن أبي بصير : قال لي الصادق عليه السلام : يا أبا محمد، إن الميتَ علي هذا الأمرِ شهيدٌ . قلتُ : جعلتُ فداك، و إن ماتَ علي فراشهٍ ؟ قال : و إن ماتَ علي فراشهٍ، فإنه حيٌّ يرزقُ.

نقل از ابو بصیر - : امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابو محمد! هر که با اعتقاد به این امر (امامت و ولایت) بمیرد، شهید است. عرض کردم: فدایت شوم، حتی اگر در بسترش بمیرد؟ فرمود:

۱. الدعوات / سلوة الحزين، قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، انتشارات مدرسه امام مهدى #، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴۲ / مشکاة الأنوار، ص ۹۲ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۷۳ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۰۵ و ۹۸۰۶.

۲. الکافی (ط - الاسلامیة)، ج ۸، ۱۴۶ / تأویل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة، ص ۶۴۰ / روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۱۳، ص ۲۱۵ / البرهان، ج ۵، ص ۲۹۲ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۰۹ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۰۷ و ۹۸۰۸ و ۹۸۰۹.

بخش اول: ایثار، جهاد و شهادت فرهنگی جاودانه / ۱۸۳

---

حتی اگر در بسترش بمیرد . او زنده است و [ نزد خدا ] روزی می خورد.

### شهادت، پاداش حبّ اهل بیت

الامامُ زینُ العابدینَ عليه السلام: مَنْ مَاتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا  
أَعْطَاهُ اللَّهُ أُجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ!

امام زین العابدین عليه السلام: هر که در زمان غیبت قائم ما بر موالات و دوستی ما بمیرد، خداوند پاداش هزار شهید، مانند شهیدان بدر و احد، به او عطا کند.

---

۱ . الدعوات ، ص ۲۷۴ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۷۳ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۴، شماره حدیث ۹۸۱۰.





**بخش دوم**

**\*\*\***

**آسیب‌های فرهنگ ایثار**



جامعه اسلامی علی‌رغم داشتن فرهنگ و تمدن غنی و استعداد شکوفایی و رشد معنویات، ممکن است در پاره‌ای از موضوعات دچار آسیب گردد. شناخت آسیب‌های رفتاری و اخلاقی در سطح عمومی جامعه اسلامی به رفع آن‌ها در کوتاه مدت کمک کرده و موجب برنامه‌ریزی برای پیشگیری در دراز مدت نیز می‌گردد. فرهنگ ایثار و شهادت با همه زیبایی‌ها و حلاوتش، چه بسا دستخوش آسیب‌هایی شود که موجب تهدید اخلاقی و اعتقادی ایثارگران راه حق شود. آموزه‌های ارزشمند قرآن و روایات در مورد آن‌چه که ممکن است دستاوردهای ایثارگران را با تهدید مواجه کند، فراوان هشدار داده‌اند. در ادامه به برخی از آیات و روایات که پیرامون این موضوع است، اشاره می‌نماییم:

از نگاه قرآن کریم و روایات، انحطاط و سقوط اخلاقی که در حقیقت موجب سقوط انسان از جایگاه و کرامت انسانی می‌شود، به عوامل مختلفی بستگی دارد. تعدادی از آیات قرآن بیانگر این است که انسان‌ها به جهت غفلت و به کار نگرفتن عقل و اندیشه و عمل نکردن به مقتضای آن، به انحطاط کشیده شده و کرامت انسانی خویش را از دست داده‌اند. برخی دیگر از آیات قرآن هوای نفس، شیطان و دنیا پرستی را عامل سقوط و انحطاط انسان از جایگاه رفیع انسانی معرفی کرده‌اند.

«انحطاط» در لغت به معنای «پست شدن»، «پستی» و به «پستی گراییدن»، آمده است. انحطاط در حقیقت همان سقوط اخلاقی و سقوط از مقام و جایگاه انسانی است که در برابر کرامت انسانی قرار می‌گیرد. همان کرامتی که یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حقیقت انسان به شمار می‌رود، و به همین دلیل خداوند به فرشتگان امر فرمود تا در مقابل انسان به خاک بیفتند. به طور کلی هرزمینه و پدیده‌ای که بستر خود محوری و خودخواهی را گسترش دهد و توجه به فردیت انسان را گسترش دهد، در نقطه مقابل با فرهنگ ایثار و شهادت است. در این مختصر به برخی از عوامل انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت از نگاه قرآن کریم و روایات اشاره می‌کنیم:

## ۱. ایمان‌گریزی

یکی از موانع ایثار، نداشتن ایمان به خدا است. کسی که به جهان‌بینی مادی اعتقاد دارد و زندگی را فقط در همین دنیا می‌داند، ایدئولوژی و رفتار خاص مطابق با جهان بینی بر می‌گزیند. بدیهی است که جهان بینی مادی، درس ایثار و از خود گذشتگی به انسان نداده و ایثار را مساوی با جنون و دیوانگی و انتحار می‌داند.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت، و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: کلمه «عیش» به معنای زندگی مخصوص حیوان است.<sup>۱</sup>

در این آیه‌ی شریفه علت تنگی معیشت در دنیا، و دچار شدن به مشکلات زندگی دنیایی، فراموش کردن خدا و روی گردانی از یاد او معرفی شده است.

قرآن دقیقاً همین موضوع را بیان کرده است و ایمان نداشتن به خدا و عدم درک زندگی اخروی را سبب فرار از جبهه و جنگ و سستی درمقاومت و پایداری می‌داند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ﴾<sup>۲</sup>

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

۱. مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق داوودی، صفوان عدنان،

ناشر دار الشامیة، لبنان- بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق، چاپ اول، ص ۵۹۶.

۲. انفال / ۸ / ۵۶.

در جنگ، جنگ جویان و رزمندگان هر اندازه آمادگی داشته باشند باز قبل از شروع به جنگ باید آن‌ها را از نظر روحی تقویت کرد، و این در برنامه تمام ارتش‌های آگاه جهان گنجانیده شده است که فرماندهان و افسران سپاه قبل از حرکت به سوی میدان جنگ و یا در میدان قبل از آغاز حمله با ذکر مطالب مناسبی روحیه جنگی آنان را تقویت می‌کنند و از خطر شکست بر حذر می‌دارند. منتها دامنه‌ی این تشویق و تحریض در مکتب‌های مادی و مشابه آن محدود است، ولی در مکتب‌های آسمانی بسیار گسترده‌تر است، توجه به فرمان پروردگار، و تأثیر ایمان به خدا، و یادآوری مقام شهادی راه حق، فضیلت و پاداش‌های بی‌حسابی که در انتظار آن‌ها است و افتخارها و مواهب معنوی که در پیروزی بر دشمن در صحنه جهاد وجود دارد، بهترین وسیله برای تشویق و تحریک روح سلحشوری و استقامت و پایداری در سربازان می‌باشد، در جنگ‌های اسلامی گاهی تلاوت چند آیه از قرآن مجید آن چنان سربازان مجاهد را آماده می‌ساخت که سر از پا نمی‌شناختند و یکپارچه عشق و شور و هیجان می‌شدند.

پس معلوم می‌شود بی‌ایمانی به خدا، روحیه ایثار را در انسان سست می‌کند و برعکس ایمان به خدا، این روحیه را در انسان پرورش می‌دهد و برای همین است که نخست، دعوت به توحید و ایمان به آخرت سر لوحه‌ی دعوت انبیای الهی قرار می‌گیرد.

## ۲. شیطان گزینی

قرآن از شیطان به عنوان دشمن آشکار انسان یاد می کند و به وی سفارش می کند تا او را دشمن خود بداند: ﴿إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ چرا که او دشمن قسم خورده انسان است تا او را از مسیر سعادت دور کرده و به حضيض ذلت بکشاند:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ﴾<sup>۲</sup>

گفت به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!

## ۳. هوای نفس

برخی دیگر از آیات قرآن هوای نفس را عامل سقوط از جایگاه رفیع انسانی معرفی کرده اند؛ مانند: «و پیروی مکن از آن کس که دلش را از یاد خویش غافل ساخته ایم و از هوای نفس خود فرمان می برد و کار او از حد گذشته است»<sup>۳</sup>.

---

۱. البقرة ۲ / ۱۶۸.

۲. صاد ۳۸ / ۸۲ و ۸۳.

۳. الکهف ۲۸/۱۸.

﴿وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾<sup>۱</sup>

من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند!

#### ۴. گناه

گناه دارای آثار سوء فردی و اجتماعی است. آثار فردی؛ مانند تیره شدن و قساوت قلب، محروم شدن از معارف و اسرار الهی، قرار گرفتن قلب به عنوان جایگاه و منزل شیطان، حجاب شدن گناه از معرفت نفس و پروردگارش، از دست دادن درک لذت مناجات و قبولی عبادات و انکار قیامت و ثواب و پاداش آخرت.

آثار اجتماعی گناه، انحطاط و به عقب برگشتن جامعه است، حتی اگر جامعه‌ای به ظاهر پیشرفته دچار انحرافات اخلاقی شود، جهت ارزش‌های انسانی و اخلاقی رو به انحطاط و آرزوهای دور و دراز، و به تعبیر دیگر، طول امل، از مهم‌ترین رذایل اخلاقی بوده و انسان را از خدا دور ساخته و به انواع گناهان آلوده می‌کند.

البته، اصل آرزو و امید نه تنها مذموم و نکوهیده نیست، بلکه نقش بسیار مهمی در زندگی و پیشرفت انسان در جنبه‌های مادی و معنوی بشر دارد. اما آرزوهای دراز چنان‌که عالمان اخلاق می‌گویند: این است که انسان برای خود در این دنیا زندگی بسیار طولانی در نظر بگیرد و باورش شود که عمری بسیار دراز دارد، و با میل و رغبت به تمام جوانب و لوازم بقای در



## بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۱۹۳

آن؛ نظیر جمع آوری مال، ثروت، خانواده، مسکن و... بپردازد. (به بیان دیگر، آرزوهای دراز یعنی امیدهای بسیار در دنیا و توقع بقای در آن.<sup>۲</sup> این چنین فکر و تلاشی از رذایل اخلاقی محسوب می شود؛ چراکه تصور و برداشت این چنینی از زندگی دنیا و حب و علاقه به توابع آن (از مال، ثروت، زن، زندگی و...) موجب انس به آن ها شده و باعث لذت بردن در زمان طولانی است. و نتیجه آن سنگینی جدایی و دل کندن از آن ها خواهد شد. آرزوهای دراز باعث می شود تا قلب و فکر انسان از تفکر در مرگ و معاد غافل شود. مرگی که باعث جدایی انسان از این ها خواهد شد، و هر چیزی را که انسان از آن کراهت داشته باشد، از خویش دور می کند و سعی می کند از آن فاصله بگیرد. انسانی که به آرزوهای پوچ مشغول و سرگرم شد، به دنیا و لذت های آن دل بست، همیشه چیزی را آرزو می کند که مطابق با خواسته اش باشد و پیروی از خواسته های نفسانی سرانجام انسان را از جایگاه انسانی دور ساخته و به سقوط می کشاند.

### ۵. طمع

یکی از موانع عمده دست یابی به کرامت انسانی طمع است. ای بسا که انسان طمع کار برای دست یابی به خواسته هایش، خود را در برابر هر چیزی خوار و ذلیل کند؛ از این رو است که امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. جامع السعادات، نراقی، محمد مهدی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۲۸ق-۱۳۳۸ش، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. معراج السعاده، نراقی، احمد، انتشارات امین و رشیدی، تهران، چاپ قدیم، بی تا، ص ۵۱۲.

«مَنْ طَمَعَ ذَلَّ وَ تَعْنَى»<sup>۱</sup>

طمع کار ذلیل خواهد شد و ...

### ۶. دنیاپرستی

علاقه شدید مادی و دنیاپرستی انسان را به هر انحراف و گناهی، می‌کشاند؛ زیرا سوء استفاده انسان از دنیا و دلبستگی به آن، فریب خوردن، مغرور شدن و غافل شدن از آخرت را به دنبال دارد:

«کسانی که به دیدار ما امیدی ندارند و به زندگی دنیا دل بسته و بدان آرامش یافته‌اند و کسانی که از آیات ما بی‌خبرند، ایشان به دلیل کردارشان در آتش جای دارند»<sup>۲</sup>.

### ۷. غفلت و از خود بی‌گانگی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«به تحقیق تعداد بسیاری از جنّ و انس را برای جهنّم آفریدیم، آنها دل‌هایی دارند که حقیقت را نمی‌توانند درک کنند، دیدگانی دارند که [حقایق را] نمی‌توانند ببینند و گوش‌هایی دارند که از شنیدن [کلام حقّ] ناتوانند، آنها مانند چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر،

---

۱. غرر الحکم، ص ۲۹۸.

۲. یونس ۱۰ / ۷ و ۸.

بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۱۹۵

---

اینان به واقع افراد غافل و بی توجه به هشدارهای الهی هستند»<sup>۱</sup>.

قرآن در جایی دیگر می فرماید:

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>۲</sup>؛

به راستی بدترین جنبنندگان در پیشگاه خدا، کران و گنگان اند که عقل خویش را به کار نمی گیرند.

این دو آیه نشان می دهد که انسان ها به دلیل به کار نگرفتن عقل و اندیشه و غفلت از جایگاه خود، سرزنش شده و در جایگاه حیوانات و یا بدتر از آنان قرار گرفته اند.

## ۸. اسراف و تبذیر

انسان در اثر اسراف و تبذیر، در مسیر عیاشی قرار گرفته و برای به گردش درآوردن زندگی مسرفانه خود، دست به هر کاری می زند؛ رشوه می گیرد، دروغ می گوید، عفت و شخصیت خود را از دست می دهد، به وعده ها وفا نمی کند، نعمت های خدا را کفران می کند و در نتیجه این سقوط اخلاقی و انحطاط، خسارات وارده بر خود را نمی تواند جبران کند.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

---

۱ . الاعراف / ۷ / ۱۷۹.

۲ . الانفال / ۸ / ۲۲.

---

«وَيَحِ الْمُسْرِفَ مَا أَبْعَدَ عَنْ صَلَاحِ نَفْسِهِ وَأَسْتَدْرَاكِ أَمْرِهِ»<sup>۱</sup>

وای بر اسراف‌کار، چقدر دور است از اصلاح نفس خود و جبران خسارت آن.

## ۹. فقر و ثروت

شاید هیچ پدیده‌ای به اندازه فقر زمینه ساز لگدمال شدن عزت نفس انسان‌ها نباشد. این مسئله واقعیتهای انکارناپذیر است؛ چرا که به واسطه تنگدستی و فقر، کرامت نفس و حرمت انسان‌ها مخدوش خواهد شد؛ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ان الفقر مذلة للنفس...»<sup>۲</sup>

فقر باعث خوار و ذلیل شدن کرامت انسانی خواهد شد.

همین‌طور است مال و ثروت، اگر انسان تمام همت و تلاش خود را در جمع‌آوری ثروت و مال متمرکز کند، از ارزش‌های انسانی خارج شده و به تدریج به انحطاط کشیده خواهد شد. البته، بسیار انسان‌هایی هستند که نه فقر باعث انحطاط و ذلت آنها خواهد شد و نه مال و سرمایه. فقیری که با تنگدستی می‌سازد اما عزت نفسش را نمی‌فروشد و سرمایه‌داری که مال و سرمایه‌اش ابزاری است برای تقرب به خدا.

---

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۹.

۲. غرر الحکم، ص ۳۶۵.

## ۱۰. تحریف واقعیت ها و ارزش ها

تحریف، کنشی ارادی و آگاهانه برای منحرف کردن و کج کردن یک چیز از مسیر و مجرای اصلی آن است. خداوند می فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ  
إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾

(بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است) همین که (دنیا به آن ها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رو می آورند) (حج/۱۱).

زمخشری در تفسیر این آیه می گوید: یعنی اینان خود را در گناه دین جای دهند نه در وسط و قلب آن؛ و این مثل است که بازگو می کند اینان در دینشان همواره با نگرانی و اضطراب به سر می برند نه درسکون و آرامش؛ مثل کسی که در کناره لشکر جای می گزیند تا اگر بوی پیروزی و غنیمت به مشامش خورد آرام گیرد و سکون یابد و در غیر این صورت بگریزد.<sup>۱</sup>

حادثه‌ی کربلا که نقطه اوج ایثار و شهادت است و برای مردم یک حادثه‌ی بزرگ اجتماعی است این حادثه در تربیت ما، در خلق و خوی ما اثر دارد، حادثه‌ای است خود به خود، بدون اینکه هیچ قدرتی مردم ما را

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، زمخشری، محمود بن عمر، تصحیح حسین احمد، مصطفی، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق، چاپ سو، ص ۵۲۳.

مجبور کرده باشد، لحظات بی شماری برای شنیدن و استماع قضایای مربوط به آن صرف می‌کنیم. اما در نقل و بازگو کردن حادثه‌ی عاشورا ما هزاران تحریف وارد کرده‌ایم و این تحریف‌ها در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است. از تحریفات لفظی می‌توان به حادثه کربلا اشاره نمود که لایلا در کاروان اهل بیت امام حسین علیه السلام حضور داشت و یا عروسی قاسم بن الحسن علیه السلام و کشته شدن هزاران نفر توسط حضرت ابوالفضل علیه السلام و امام حسین علیه السلام و از تحریفات معنوی آن به این صورت است که این حادثه یک حادثه استثنایی بود که امام حسین علیه السلام فدای گناهان امت شد و قیام او را کفاره عمل بد دیگران قلمداد کردند تا گناهکاران از عذاب بیمه شوند، شبیه فلسفه‌ای که مسیحیان در خصوص مصلوب شدن حضرت عیسی علیه السلام به آن اعتقاد دارند.<sup>۱</sup>

## ۱۱. عجب

یکی از عوامل مهم انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت، عجب است که آثار منفی زیادی در پی دارد. عجب، یکی از رذایل اخلاقی است که انسان در خویش حالت بزرگی احساس می‌کند. در آیات و روایات آمده که هرگاه انسان از خودش خشنود گردد یا از عملش شادمان گردد یا به نعمتهای وجودی و کمالات نفسانی‌اش بنازد و ببالد، به دام عجب گرفتار آمده است. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر چنین فرمود:

۱. حماسه حسینی، مطهری، مرتضی، انتشارات صدرا، تهران، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۰ ش،

«إِيَّاكَ وَالْإِعْجَابِ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةَ بِمَا يَعْجِبُكَ مِنْهَا ... فَإِنَّ ذَلِكَ مَنْ  
أَوْتِقَ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>

زنهار از خودپسندی و زنهار از تکیه کردن به آنچه که تو را به خودپسندی می‌کشاند و زنهار از شیفتگی به مدح و ستایش زیرا این‌ها از مناسب‌ترین فرصتهای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را بر باد دهد.

خداوند در قرآن خودستایی را مذموم دانسته و آیاتی که در آن‌ها به تعبیر ﴿كُلٌّ مَخْتَالٌ فَخُورٌ﴾ اشاره شده است نیز در بردارنده‌ی مفهوم نکوهش و خودپسندی و خودستایی می‌باشند. دامنه‌ی عجب گسترده است و افکار و گفتار و کردار شخص را در بر می‌گیرد. عجب، ریشه و منشاء و اسبابی دارد که عبارتند از: عدم شناخت خویش و جهل، عبادات، اعمال نیکو و صالح، علم و دانایی، قدرت و زیبایی و ... .

## ۱۲. تکبر

یکی دیگر از رذایل و ضد ارزش‌های اخلاقی کبر است و آن حالتی است از حالات نفسانی که انسان احساس ترفیع و بزرگی، راحتی و تکیه و اعتماد بر خود می‌کند.

خود را برتر از دیگران می‌پندارد و دیگران را کوچک. امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْكِبْرُ أَنْ تَغْمَصَ النَّاسَ وَ تُسْفَهُ الْحَقَّ»<sup>۱</sup>

کبر آن است که مردم را کوچک شمرده و تحقیر کنی و حق را نادیده بگیری و مورد توجه قرار ندهی و یا آن را سفاهت و جهل تلقی کنی.

این بیماری بر اثر خود بزرگ بینی و نیز به علت ضعف نفس و احساس حقارت در آدمی ایجاد می‌شود. همچنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَا مِنْ أَحَدٍ يَتِيهَ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ»<sup>۲</sup>

هیچ کس تکبر نمی‌ورزد مگر به خاطر ذلتی که در خود می‌بیند.

لذا از کبر به عنوان بزرگ‌ترین خصلت رذیله و خبیثه نام می‌برند که از جمله بیماری‌های بسیار خطرناک روحی به شمار می‌رود و اگر درمان نشود، منشاء پیدایش گناهان بزرگ‌تر دیگر خواهد شد که دنیا و آخرت انسان را به نابودی خواهد کشاند.

### ۱۳. تخیل اسطوره سازی و قهرمان پردازی خیالی

«غُلُو» برون فعل، مصدر فعل «غلی یغلو» و به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می‌باشد. لذا وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود، به آن «غال» به معنای (گران) می‌گویند. چنان

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲۵.



## بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۲۰۱

که درباره مایعات هر گاه به، جوشش آیند و در حد خود ننگینند، می گویند: غَلِيَانٌ كَرْدَه است. بنابراین، هرگاه این کلمه در مورد معتقدات دینی و مذهبی به کار رود، به این معناست که انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد، از حد خود بسیار فراتر برده است.

خدا در قرآن درباره ی مسیحیان که پیامبر خود، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را از حد فراتر برده، او را پسر خدا دانستند و قائل به خدایان سه گانه؛ یعنی پدر، پسر و روح القدس شدند فرمود:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهَوْا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (نساء / ۴ / ۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنا بر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «(خداوند) سه گانه است!» (از این سخن خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است او منزّه است که فرزندی داشته باشد (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است.

پیامبر ﷺ درباره پرهیز از غلو در دین می‌فرمایند:

«ایاکم والغلو فی الدین، فانما هلك من کان قبلکم بالغلو فی

الدین»

پرهیزید از غلو - زیاده روی - در دین خود؛ زیرا آنان که قبل از شما بودند به علت غلو در دین خود، نابود شدند .

یکی از احساساتی که در انسان هست، عشق و دوست داشتن شدید فرد یا جمع بدون آرایش و بدون نظر به منفعت پرستی است. انسان به عشقی مطلق، پاک و مقدس نیاز دارد، اما وقتی که می‌بیند همه عشق‌ها، آلودگی، هوس و خودخواهی دارند، نیاز او برآورده نمی‌شود. می‌بیند که آن طور که می‌خواهد نیست، پس چه باید بکنند؟ رب النوع عشق می‌سازد، یک احساس، یک فکر، شخصیت و تجسم خارجی پیدا می‌کند، می‌شود یک بت، یک رب النوع و یک شبه خیالی. انسان احتیاج دارد که در طول تاریخ جامعه انسانی، کسی را ببیند که در حد اعلی و مطلق، فداکاری دارد، یعنی، وقتی پای نفع دیگران می‌رسد و عشق و محبت و دوستی به جامعه و مردم و خودش و انسانیت مطرح می‌شود، دیگر خودش نباشد همه منافع و مصالح خود را زیر پا بگذارد و خودش را به سادگی فدای دیگران کند، می‌بیند کسی نیست اساطیر می‌سازد.

نمونه‌های عالی هر زیبایی اعم از مادی و معنوی در هر سرزمینی وجود دارد. در هر یک از فرهنگ‌ها و مذاهب‌ها، نمونه‌ی انسان‌هایی که منبع خیر و برکت و محبت و عشق به دیگران هستند، ساخته می‌شود. انسان همواره برای جبران کمبودی که در این عالم احساس کرده دست به ساختن، خلق و

## بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۲۰۳

دست به آفرینش زده، اساطیری ساخته و با آن‌ها تلخی زیستن در این عالم تنگ و عبث را در خود تخفیف داده است.

اصولاً انسان برای زیستش نیاز به پرستش نمونه اعلی و متعالی و مطلق و پاک دارد ولو واقعیت هم نداشته باشد. اما نمونه‌های خیالی و اسطوره‌های تاریخی. آن‌ها که در حد اعلای انسانیت، تقدس و زیبایی هستند، همواره موجب اصلاح و تلطیف روح می‌شوند. امروزه با فیلم، رمان و تئاتر اسطوره را به تصویر و قلم می‌کشند.

اگر قهرمانان ایثار و شهادت از قابلیت تبعیت و الگو دهی خارج شوند (هر چند بسیار مقدس و متعالی)، دیگر کاربردی برای تشنگان حقیقت نخواهند داشت. در بعضی از فیلم‌ها و یا داستان‌هایی که درباره‌ی دفاع مقدس ساخته می‌شود، این قضیه کاملاً به چشم می‌خورد که یکی دو نفر از رزمندگان با ده‌ها و بلکه صدها نفر از بعثیان درگیر می‌شوند و بدون کوچکترین آسیبی، همه آنها را از بین می‌برند! این صحنه هرچند جالب، مهیج و جذاب است، به سبب غیرواقعی بودن ممکن است ما را دچار اشتباه خود بزرگ بینی و دل‌زدگی کند تا آنجا که کلیه رشادت‌ها و ایثارگری‌های واقعی آن عزیزان ممکن است زیر پرده‌ی ابهام قرار گیرد و در نهایت اعتماد ما را از آن‌ها سلب نماید.

حاصل سخن آن‌که: مهم‌ترین عوامل انحطاط فرهنگ ایثار و شهادت، آسیبهای اعتقادی و فرهنگی و اقتصادی است. دنیا محوری و بی‌ایمانی به خدا و آخرت موجب تزلزل پایه‌های ایثار می‌شود. بنابراین وظیفه‌ی همگان است، تا با تأسی از اولیای الهی بنیان‌های ایمان به خدا و روز قیامت را در وجود خود مستحکم‌تر نمایند.

با توجه به این که در ملل دیگر برای ایثارگران و قربانیان جنگی و بازماندگان آنان ارزش خاصی قایل هستند در کشور ما نیز لازم است تا به امور ایثارگران توجه منطقی صورت پذیرد البته ضروری است مروجان فرهنگ ایثار و شهادت خود مرد عمل باشند و از غلو بپرهیزند، که پیامدهای سوئی به دنبال خواهد داشت. و نیز به روز کردن برنامه‌های فرهنگی مراکز علمی و دینی برای آشنایی هر چه بیشتر نسل سوم و چهارم انقلاب با فرهنگ ایثار و شهادت از اموری است که باید سرلوحه‌ی موضوعات فرهنگی جامعه قرار گیرد.

#### ۱۴. پدیده‌ی شوم نفاق

یکی دیگر از خطرناک‌ترین پدیده‌های آسیب‌رسان به فرهنگ ایثار نفاق است که در دیدگاه نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این گونه شناسانده شده است:

قال رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَتْ مُنَافِقًا وَ إِن صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ: مَنْ إِذَا اتُّمِنَ خَانَ، وَ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» وَ قَالَ: «أَنْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» وَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا».

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سه خصلت است که در هر که باشند منافق است، هرچند اهل روزه و نماز باشد و خودش را مسلمان بداند: کسی که هرگاه به او اعتماد شود خیانت ورزد و هرگاه سخن گوید

دروغ گوید و هرگاه وعده دهد خُلفِ وعده کند. خداوند عزّ و جلّ در کتاب خود فرمود: «به راستی که خدا خیانت کاران را دوست ندارد» و فرمود: «لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد» و در آن جا که فرمود: «و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او راست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود».

در ادامه به زمینه‌ها و عوامل ایجاد نفاق و راهکارهای برون رفت از نفاق با جستجو در آیات و روایات می‌پردازیم.

## زمینه ها و نشانه های نفاق

### ۱) خودخواهی و غرور:

عجب و غرور که از صفات ناپسند انسانی است و چنان در شخصیت آنان ریشه دوانیده است که هیچ‌گاه به گذشته خود نمی‌اندیشند و فرصت جبران لغزش‌های گذشته را نمی‌یابند. علاوه بر اینکه شباهات خود را هم نمی‌پذیرند. خداوند می‌فرماید: «هنگامی که به آنان گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند سرهای خود را از روی استهزاء و کبر تکان می‌دهند و آنان را می‌بینی که تکبرکنان از تو رو بر می‌تابند.» اهل نفاق به خود اجازه تفکر در عملکردهای گذشته شان را نمی‌دهند و این مهم‌ترین عامل بدبختی آنان است که بدترین جایگاه جهنم را به خود اختصاص می‌دهند. قرآن غرور و خودخواهی و عدم انعطاف آنان را به چوب خشک تشبیه کرده که هیچ تغییری در آن نمی‌توان ایجاد کرد. اندیشه و عقل که رسول باطنی بشر و راهنمایی است که همواره انسان را به سوی شاهراه

حقیقت هدایت می‌کند و اگر از انسان سلب شود و او نتواند از این نعمت الهی بهره‌گیرد هرگز روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید. رهاورد این علقت که ریشه در غرور و خودخواهی افراد دارد در تمام زمینه‌های زندگی نمایان شده و ذلت و خواری دنیا را به ارمغان خواهد آورد.

### ۲) نگرانی و افسردگی:

منافقین گرچه در ظاهر خود را شاداب و پرنشاط نشان می‌دهند اما در حقیقت چنان نیستند. آنان در زیر پوشش سیمایی خندان ولی مضطرب، نگران و افسرده دارند و هر لحظه منتظر حادثه‌ای ناگوار علیه خود هستند. هر حرکت کوچکی را توطئه‌ای بر ضد خود پنداشته و هر گفتاری را اهانتی به خود تلقی می‌کنند. قرآن می‌فرماید: آنان هر فریادی را به زبان خویش می‌پندارند. نداشتن توکل و اخلاص چنان روحیه‌شان را تضعیف کرده که رعب و وحشت و هراس از آینده‌ای مبهم تمام وجودشان را فرا گرفته است. از معاشرت با برادران دینی خانواده و دوستان می‌گریزند و چون برای خود شخصیتی قائل نیستند از ارتکاب اعمال زشت و ناهنجار ابایی ندارند. طاققت انتقاد و شنیدن سخن حق را ندارند. اگر آنان را ملامت و سرزنش کنید پرده دری کرده و از هر وسیله‌ای برای نجات خود و یارانشان استفاده می‌کنند.

### ۳) پیروان حزب شیطان:

اهل نفاق در حقیقت با هر حرکتی که انجام می‌دهند یک گام به سوی شیطان و پیروان وی نزدیک می‌شوند. زیاده‌خواهی، طمع ورزی، تحقیر

## بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۲۰۷

دیگران، بخل و حسد، ستیز با حق، حيله گری، ایجاد شبهه و تردید و سایر صفات شیطان در نهاد اهل نفاق لانه کرده و چون قصد اصلاح و خودسازی ندارند و اصلا در فکر آن هم نیستند روز به روز اخلاق ناپسند در نهادشان رشد کرده و به تمایلات شیطانی آنان دامن می زند به همین جهت امیرمؤمنان علی علیه السلام آنان را پیروان شیطان و زبانه های آتش جهنم نامیده و فرمود: «آنان یاوران و پیروان شیطان و زبانه های آتش جهنم هستند.» البته ویژگی اهل نفاق به چند مورد محدود نمی شود بلکه معیارهای دیگری نیز در قرآن و روایات برای شناختن آنان می توان یافت اما مهم ترینشان مواردی بود که گفته شد.

### علل و انگیزه های نفاق

اما چه علل و انگیزه هایی باعث روی آوردن به نفاق می شود؟ با تدبیر در آن دسته از آیات قرآن که به مبحث نفاق پرداخته است و همچنین با تأمل در رفتار و گفتار منافقان و نیز جو سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه صدر اسلام پی می بریم که علل گوناگونی در روی آوردن به نفاق مؤثر بوده است اما علل اصلی نفاق را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

### الف) طمع به مال و ثروت:

طمع به مال و منال دنیا، حرص در به دست آوردن ثروت و مکنّت یکی از عوامل نفاق ورزیدن به حساب می آید. شخص منافق با اظهار ایمان می خواهد به مال و منال برسد و از بازار مسلمانان سود برده و به سمت و کار خودش رونق بخشد، از این رو اظهارات اسلام و ایمان را وسیله رسیدن به مال و ثروت دنیا قرار می دهد تا زمانی که از این بازار سود عاید وی

گردد. به مسلمانان اظهار علاقه می‌کند و خود را حامی حکومت اسلامی می‌داند آیات ۵۸- ۸۰ سوره توبه و آیه ۱۱ سوره حج به این نوع از نفاق اشاره دارد.

### ب) ترس از دست دادن جان و مال و موقعیت اجتماعی:

علت اصلی دیگری که در روی آوردن به نفاق نقش مؤثر دارد ترس از دست دادن مال و جان و زایل شدن موقعیت اجتماعی و فامیلی می‌باشد. در این نوع از نفاق شخصی منافق به علت ناتوانی در مبارزه با نظام معتقد و حاکم به ظاهر ایمان می‌آورد تا هم جان و مال خویش را حفظ نماید و هم در سایه اسلام مامن و پناهگاهی برای خود و بستگان خویش به دست آورده مانع از دست رفتن موقعیت اجتماعی و فامیلی خویش گردد. بیشتر منافقان اهل مدینه و قبایل اطراف آن که در شمار ثروتمندان و روسای قبایل و قوم و عشیره خویش محسوب می‌شدند نفاقشان به خاطر ترس و حفظ جان و مال و نیز حراست از موقعیت اجتماعی‌شان بوده است. در قرآن کریم آیات زیادی به این نوع نفاق اشاره دارد از آن جمله آیات ۴۹- ۵۷ توبه به معرفی این دسته از منافقان پرداخته است.

### ج) ضربه زدن به اسلام از درون:

یکی از انگیزه‌ها و علل نفاق ورزیدن برخی از منافقان این بود که با اظهار ایمان در شمار مسلمانان درآیند و آن‌گاه از داخل با اسلام مبارزه نمایند اینان چون جرات ندارند آشکار با اسلام مبارزه نمایند از این رو به صورت پنهانی، با اختلاف انداختن میان مسلمانان، تحریف دین، رواج فساد



## بخش دوم: آسیب های فرهنگ ایثار / ۲۰۹

و . . . . زمینه سقوط اسلام و حکومت اسلامی را فراهم می آورند آیه ۱۰۷ سوره توبه به معرفی این دسته از منافقان پرداخته است.

### د) آرزوی قدرت:

ریاست طلبی و آرزوی قدرت و حکومت و استیلا بر دیگران یکی دیگر از عوامل مؤثر در روی آوردن به نفاق است. در این نوع از نفاق اگر چه هدف از اظهار ایمان سود دنیایی است اما نه سودهای مختصر و آنی و همانند به دست آوردن مال و منال دنیا که هدف دسته اول بود بلکه غرض نفوذ در جامعه مسلمانان و آماده ساختن زمینه برای ریاست و حکومت در آن جامعه می باشد. از این رو شخص منافق برای دستیابی به این اهداف به تقویت نظام حاکم پرداخته و به صورت بسیار مرموز و پنهانی و بدون سروصدا در هسته های محوری و مراکز مهم حکومتی نفوذ نموده ریشه های اصلی قدرت و رگه های حیاتی حکومت را در دست می گیرد. قرآن این دسته از منافقین را با عنوان الذین فی قلوبهم مرض معرفی نموده است.

﴿فَاعْتَبِهِمْ نَفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْتَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ  
وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾<sup>۱</sup>

در نتیجه، به سزای آن که با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می گفتند، در دل هایشان - تا روزی که او را دیدار می کنند - پیامدهای نفاق را باقی گذارد.

### نفاق، موربانه‌ی قلب مؤمن

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ النِّفَاقَ يَبْدُو لَمْظَةً سَوْدَاءَ، فَكُلَّمَا ازدَادَ النِّفَاقُ عَظْمًا ازدَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ، فَإِذَا اسْتَكْمَلَ النِّفَاقُ اسْوَدَّ الْقَلْبُ.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: نفاق ابتدا به صورت نقطه‌ای سیاه [ بر دل ] ظاهر می‌شود و هرچه نفاق بیشتر شود آن نقطه بزرگ‌تر می‌گردد و چون نفاق به مرحله کمال رسید، دل به کلی سیاه می‌شود.

### نفاق، تباه کننده‌ی ایمان

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: النِّفَاقُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام: نفاق، ایمان را تباه می‌کند.

### نفاق، همزاد کفر

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: النِّفَاقُ تَوَامُّ الْكُفْرِ<sup>۲</sup>.

امام علی علیه السلام: نفاق، همزاد کفر است.

۱. میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۸ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۸ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۸ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

### نفاق، برادر شرک

الامامُ عليُّ عليه السلام: النِّفَاقُ أَخُو الشُّرْكِ!

امام علی عليه السلام: نفاق، برادر شرک است.

### نفاق، ننگ اخلاق

الامامُ عليُّ عليه السلام: النِّفَاقُ شَيْنُ الْأَخْلَاقِ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: نفاق، ننگ اخلاق است.

### عوامل بروز نفاق

#### احساس ذلت درونی

الامامُ عليُّ عليه السلام: نِفاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ!

امام علی عليه السلام: نفاق انسان، از ذلتی است که در خود حسّ می کند.

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۱ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۸ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

۲. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۸ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۲۲ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

## دروغ و نیرنگ

الامامُ عليُّ عليه السلام : الكِذْبُ يُؤدِّي إِلَى النِّفَاقِ!

امام علی عليه السلام: دروغ به نفاق می‌انجامد.

## پایه‌های نفاق

الامامُ عليُّ عليه السلام : النِّفَاقُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ: عَلَى الْهَوَى، وَ الْهُوَيْنَا.

وَ الْحَفِیْظَةِ، وَ الطَّمَعِ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: نفاق بر چهار پایه استوار است: بر هوس و سهل

انگاری [ در امر دین ] و خشم و طمع.

## واکاوی (رفتارشناسی) منافقان

منافقان، آمرین به منکر و ناهیان از معروف!

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ

عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيهِمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۲۰ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

۲. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۹۵۲ / الغارات، ج ۱، ص ۱۴۴ / الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۱۵۷ / تحف العقول، ص ۱۶۷ / الخصال، ج ۱، ص ۲۳۴ / وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۲ / مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۱۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۹۱ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۴ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ص ۱۶۵ / الحیاء، ج ۳، ص ۳۹۶ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۲۲.

## الْفَسِقُونَ ﴿۱﴾

مردان و زنان دو چهره، [ همانند ] یکدیگرند. به کار ناپسند و امی دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند، و دست‌های خود را [ از انفاق ] فرو می‌بندند. خدا را فراموش کردند، پس [ خدا هم ] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسقند.

## اعتقادات سطحی و زبانی

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱﴾  
يُخَدَعُونَ اللَّهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يُخَدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۲﴾  
فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا  
يَكْذِبُونَ ﴿۳﴾﴾

و برخی از مردم می‌گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند. ﴿۱﴾ با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشان نیرنگ نمی‌زنند، و نمی‌فهمند. ﴿۲﴾ در دل‌هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت.

۱. التوبه ۹/ ۶۷.

۲. البقره ۸/۲ و ۹ و ۱۰.

### خُذَعِه و نیرنگ، منافق بازنده ی میدان

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱﴾ مُدْبِدِينَ بَيْنَ ذَالِكَ لَا إِلَى هُوَلَاءِ وَلَا إِلَى هُوَلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿۲﴾﴾

منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ربا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. ﴿۱﴾ میان آن [ دو گروه ] دو دلدن نه با اینانند و نه با آنان. و هر که را خدا گمراه کند، هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت.

### ترس از جهاد، ایثار گریزی

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲﴾﴾

همچنین کسانی را که دو رویی نمودند [نیز] معلوم بدارد. و به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید.» گفتند: «اگر جنگیدن می‌دانستیم مسلماً از شما پیروی می‌کردیم.» آن روز، آنان

۱. النساء ۴ / ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲. آل عمران ۳ / ۱۶۷ و ۱۶۸.

به کفر نزدیک تر بودند تا به ایمان. به زبان خویش چیزی می گفتند که در دل هایشان نبود، و خدا به آنچه می نهفتند داناتر است. ﴿﴾ همان کسانی که [ خود در خانه ] نشستند و در باره دوستان خود گفتند: «اگر از ما پیروی می کردند کشته نمی شدند.» بگو: «اگر راست می گوئید مرگ را از خودتان دور کنید.»

### ضعفِ ایمان، سستی عمل

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاء نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿﴾ و لَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَأَمَنُوا و لَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿﴾<sup>۱</sup>

و از میان مردم کسانی اند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم» و چون در [ راه ] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دل های جهانیان است داناتر نیست؟ ﴿﴾ و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند می شناسد، و یقیناً منافقان را [ نیز ] می شناسد.

### سوگندهای دروغ، فضای بی‌اعتمادی

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>

آیا ندیده‌ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خداوند به دوستی گرفته‌اند؟ آن‌ها نه از شما هستند و نه از ایشان، و به دروغ سوگند یاد می‌کنند و خودشان [هم] می‌دانند.

\*\*\*

﴿تَخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾<sup>۲</sup>

سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خفت‌آور است.

### نفاق سیاسی

الامامُ على عليه السلام: كَثْرَةُ الْوِفَاقِ نِفَاقٌ، كَثْرَةُ الْخِلَافِ شِقَاقٌ.

امام علی عليه السلام: موافقت زیاد [نشانه] نفاق است؛ مخالفت زیاد [نشانه] دشمنی است.

۱ . المجادله ۵۸ / ۱۴ .

۲ . المجادله ۵۸ / ۱۶ .



### تعصب و بدبینی

﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ  
خَشَبٌ مُسْتَدَدٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ  
فَاتْلَهُمْ اللَّهُ أَنْى يُؤْفَكُونَ﴾<sup>۱</sup>

و چون آنان را ببینی، هیكل‌هایشان تو را به تعجب وامی‌دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرامی‌دهی گویی آنان شمع‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمنند از آنان بهره‌یز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند.

\*\*\*

رسولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُنَافِقُ مَنْ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا فَعَلَ أَفْشَى وَ  
إِذَا قَالَ كَذَبَ، وَإِذَا أْتَمَّنَ خَانَ، وَإِذَا رُزِقَ طَاشَ، وَإِذَا مَنَعَ عَاشَ؟

پیامبر خدا ﷺ: منافق کسی است که هرگاه وعده دهد خلف وعده کند، هرگاه کاری کند آن را فاش سازد (در بوق دمَد)، هرگاه سخن بگوید دروغ گوید، هرگاه امانتی به او سپارند خیانت ورزد، هرگاه روزی داده شود سبک‌سری کند و هرگاه روزی داده نشود (تنگ دست گردد) به غلّ و غش روی آورد.

\*\*\*

۱. المنافقون ۶۳ / ۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۰۷ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۱۴.

الامام علیؑ - فی خطبة یصف فیها المنافقین - : أَحَدَرُكُمْ أَهْلَ  
النِّفَاقِ ؛ فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ ، وَ الزَّالُونَ الْمُزِلُّونَ ، يَتَلَوَّنُونَ أَلْوَانًا ،  
وَ يَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا ، وَ يَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ ، وَ يَرِصُدُونَكُمْ (يَسُدُّونَكُمْ )  
بِكُلِّ مَرِصَادٍ قُلُوبَهُمْ دَوِيَّةً ، وَ صِفَاحَهُمْ نَقِيَّةً ، يَمَشُونَ الْخَفَاءَ ، وَ يَدْبُونَ  
الضَّرَاءَ ، وَ صَفَّهُمْ دَوَاءً ، وَ قَوْلُهُمْ شِفَاءً ، وَ فَعْلُهُمُ الدَّاءُ الْعِيَاءُ ، حَسَدَةُ  
الرَّخَاءِ ، وَ مُؤَكَّدٌ وَ (مُوَلَّدٌ) الْبَلَاءُ ، وَ مَقْتَضُو الرِّجَاءِ ، لَهُمْ بِكُلِّ طَرِيقٍ  
صَرِيحٌ ، وَ إِلَى كُلِّ قَلْبٍ شَفِيعٌ ، وَ لِكُلِّ شَجْوٍ دُمُوعٌ يَتَقَارِضُونَ الثَّنَاءَ ، وَ  
يَتَرَاقِبُونَ الْجَزَاءَ ، إِنْ سَأَلُوا (سَأَلُوا) الْحَفْوَاءَ ، وَ إِنْ عَذَلُوا كَشَفُوا ، وَ إِنْ  
حَكَمُوا أَسْرَفُوا . قَدْ أَعَدُّوا لِكُلِّ حَقٍّ بَاطِلًا ، وَ لِكُلِّ قَائِمٍ مَائِلًا ، وَ لِكُلِّ  
حَيٍّ قَاتِلًا ، وَ لِكُلِّ بَابٍ مِفْتَاحًا ، وَ لِكُلِّ لَيْسٍ مِصْبَاحًا ، يَتَوَصَّلُونَ إِلَى  
الطَّمَعِ بِالْيَأْسِ لِيُقِيمُوا بِهِ أَسْوَاقَهُمْ ، وَ يُنْفِقُوا بِهِ أَعْلَاقَهُمْ ، يَقُولُونَ  
فِي سُبُهُونٍ ، وَ يَصِفُونَ فِي مَوْهُونٍ ، قَدْ هَوَّنُوا الطَّرِيقَ (الدِّينَ) ، وَ أَضْلَعُوا  
المَضِيقَ ، فَهُمْ لَمَّةُ الشَّيْطَانِ ، وَ حَمَّةُ النِّيْرَانِ : «أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ  
أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»<sup>۱</sup>.

امام علیؑ - در خطبه‌ای در بیان اوصاف منافقان - فرمود : شما  
را از منافقان بر حذر می‌دارم؛ زیرا که آنان مردمانی گمراه و گمراه  
کننده‌اند، خود لغزیده‌اند و دیگران را می‌لغزانند، به رنگ‌های  
گونگون و حالات مختلف در می‌آیند، با هر وسیله و از هر طریقی  
قصد [فرب و گمراهی] شما می‌کنند و در هر کمین‌گاهی به کمین

شما می‌نشینند دل‌هایشان بیمار است و ظاهرشان آراسته و تمیز، مخفیانه عمل می‌کنند و چون خزنده‌ای زهرناک آهسته می‌خزند و بی‌خبر زهر خود را می‌ریزند، شرح و بیان‌شان دارو و گفتارشان شفاست، اما کردارشان درد بی‌درمان است. به رفاه و آسایش مردم حسادت می‌ورزند و به آتش بلا و گرفتاری [مردمان] دامن می‌زنند و نومید می‌کنند، در هر راهی به خاک هلاکت افکنده‌ای، و برای نفوذ در هر دلی وسیله‌ای و برای هر غم و اندوهی اشک‌هایی [ دروغین ] دارند، مدح و ستایش به هم قرض می‌دهند و از یکدیگر انتظار پاداش (ستایش متقابل) دارند، اگر چیزی بخواهند پافشاری می‌کنند و اگر سرزنش کنند پرده‌داری می‌نمایند و اگر حکم کنند زیاده‌روی می‌ورزند، در مقابل هر حقی باطلی در چنجه دارند و در برابر هر راستی کژی و برای هر زنده‌ای قاتلی و برای هر دری کلیدی و برای هر شبی چراغی. چشم نداشتن و بی‌نیازی را دستاویز طمع قرار می‌دهند تا از این راه بازار خود را داغ کنند و کالاهایشان را رونق بخشند. می‌گویند و ایجاد شبهه می‌کنند، وصف می‌کنند و حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند، راه [ ورود به مسیر باطل ] را آسان می‌کنند و تنگه [ آن را ] کج و دشوار رو می‌سازند [ تا افراد به راحتی قدم به راه باطل گذارند و در پیچ و خم‌های آن سرگردان شوند و بیرون شدن از آن برایشان ناممکن یا دشوار شود]. اینان دار و دسته شیطانند و زبانه‌های انبوه آتش «آنان حزب شیطانند و بدانید که حزب شیطان همان زیان کارانند.»

### اجتماع ظاهری، پراکندگی باطنی

الامامُ علیُّ عليه السلام : ایها الناس، الْمُجْتَمِعَةُ أْبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : ای مردمی که پیکرهایتان با هم است، ولی خواسته‌هایتان گوناگون است.

### لطافت گفتار، ضعف کردار

الامامُ علیُّ عليه السلام : كَلَامُكُمْ يُوهِي الصَّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُكُمْ يَطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءَ تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتٌ وَ كَيْتٌ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدِي حَيَّادٍ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : گفتارتان سنگ سخت را می‌شکند، و کردارتان دشمنان شما را به طمع می‌اندازد. در مجلس‌ها رجز می‌خوانید، ولی هنگامی که پیکار فرا می‌رسد می‌گویید: ای جنگ از ما دور شو!

### گفتار بدون علم و عمل

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَوْفَلَا بَغَيْرِ عِلْمٍ وَ غَفْلَةٍ مِنْ غَيْرِ وَرَعٍ.<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام : آیا سزاوار است که فقط بگویید و عمل نکنید؟! و در غفلت بمانید و پرهیزکار نباشید!؟

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۷۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۷۲ و ۷۳.

۳. همان.

## ذلت درونی، ظلم پذیری

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلَ.<sup>۱</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : انسان خوار و ترسو هرگز ستم را از خود دور نتواند کرد.

## ناتوانی و ترس

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ إِنَّ أَمْرًا يُمْكِنُ عُدُوهُ مِنْ نَفْسِهِ يَغْرُقُ لِحْمَهُ وَيَهْشِمُ عَظْمَهُ وَيَفْرَى جِلْدَهُ لِعَظِيمِ عَجْزِهِ ضَعِيفٌ مَا ضَمَّتْ عَلَيْهِ جَوَانِحُ صَدْرِهِ.<sup>۲</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : به خدا قسم، کسی که دشمن را بر خودش مسلط سازد تا گوشتش را بچود، و استخوانش را بشکند، و پوستش را بکند، مردی است سخت ناتوان با دلی ضعیف و کوچک.

## سبک مغز، سفیه، غرق در تخیل

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ أَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخْفَاءِ الْهَامِ سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ وَ لَمْ آتِ لَأَبَا لَكُمْ بَجْرًا وَ لَأَأْرَدْتُ لَكُمْ ضُرًّا.<sup>۳</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : شما به راستی مردمی سبک مغز، سفیه و غرق در خیالات احمقانه‌اید. ای بی‌ریشه‌ها! من که شری برایتان پدید نیاوردم، و نخواسته‌ام به شما زبانی برسانم.

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۷۸.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۶، ص ۸۰.

### نفاق، تیری بی اثر

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ اللَّهُ بِاللَّهِمَّ الْأَخْيَبِ وَ مَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى  
بِأُفُقٍ نَاصِلٍ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : کسی که با شما به پیکار رود با خدا سوگند با  
کندترین تیر به میدان رفته، و کسی که به یاری شما تیر افکند  
تیر بی پیکان به سوی دشمن انداخته.

### طمع ورزی در باطل

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ طَمَعًا فِي غَيْرِ حَقِّ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : آیا سزاوار است که در غیر حق طمع ورزید؟!

### وحشتی رسواکننده

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا دَعَوْتُمْ إِلَى جِهَادِ عَدُوِّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ  
كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَ مِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ يَرْتَجُّ عَلَيْكُمْ  
حَوَارِي تَعْمَهُونَ - [رَفَكَانَ] وَ كَانَ قُلُوبَكُمْ مَالُوسَةً فَأَنْتُمْ لَأَ  
تَعْقُلُونَ.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام : وقتی شما را به جهاد می خوانم دیدگانتان از ترس  
به گردش می افتد، گویا می خواهند جانتان را بگیرند، و از ترس

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۷۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۷۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۷۸.

هوش از سرتان رفته. راه گفت و شنودتان با من بسته می شود و در پاسخ سخنانم سرگشته و حیرانید، گویا درایت خود را از دست داده اید، و از تعقل بازمانده اید.

### بهانه جویی ها و طلب مهلت برای تأخیر حضور در جهاد

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَأَلْتُمُونِي التَّطْوِيلَ.<sup>۱</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : از من مهلت می خواهید.

### گریز از جهاد

الامامُ علیُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرَّ أَمَهْلُنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبُرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرَّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرَّ تَفْرُونَ فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَفْر.<sup>۲</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : در تابستان شما را به جهاد با آنان فرا می خوانم، می گوید: هوا گرم است، مهلت ده تا گرما برود. در زمستان شما را به حرکت برای جهاد فرمان می دهم، می گوید: هوا سرد است، فرصت بده تا سرما فرو نشیند. همه این ها برای فرار از گرما و سرماست. شما که از گرما و سرما می گریزید پس به خدا قسم از شمشیر گریزان تر خواهید بود.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۹، ص ۷۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۰.

## راهکارهای برون رفت از نفاق

### سیره‌ی نیکو و فهم دین

رسول الله ﷺ: خَصَلْتَانِ لَا يَكُونَانِ فِي مُنَافِقٍ: حُسْنُ سَمْتٍ، وَ لَا فِقْهٌ فِي الدِّينِ!

پیامبر خدا ﷺ: دو خصلت است که در هیچ منافقی وجود ندارد: نیکویی روش و رفتار، و فهم در دین.

### نماز خواندن بی‌ریا

معانی الأخبار عن عبد الله بن سنان: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ، إِذْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَوْ تَخَافُ عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ مُنَافِقًا؟ فَقَالَ لَهُ: إِذَا خَلَوْتَ فِي بَيْتِكَ نَهَارًا أَوْ لَيْلًا أَلَيْسَ تُصَلِّي؟ فَقَالَ: بَلَى. قَالَ: فَلِمَنْ تُصَلِّي؟ فَقَالَ: لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. قَالَ: فَكَيْفَ تَكُونُ مُنَافِقًا وَأَنْتَ تُصَلِّي لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لِغَيْرِهِ؟

معانی الأخبار - به نقل از عبد الله بن سنان - : ما نزد امام صادق ﷺ نشستیم که مردی به ایشان عرض کرد: آیا بی‌ریا

۱. میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۲۴.

۲. معانی الأخبار، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۴۲ / وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۰۶ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۶۶ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۲۶.



آن هست که من منافق باشم؟ امام در پاسخ وی فرمود: وقتی روز یا شب در خانهات تنها هستی آیا نماز می خوانی؟ عرض کرد: آری. فرمود: برای چه کسی نماز می خوانی؟ عرض کرد: برای خداوند عزّ و جلّ. فرمود: چگونه منافق باشی وقتی برای خداوند عزّ و جلّ، و نه غیر او، نماز می خوانی؟

### صلوات بر پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام

رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَدَهَبُ بِالنَّفَاقِ!

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: صلوات فرستادن بر من و اهل بیتم نفاق را از بین میبرد.

## روش برخورد با رفتارهای منافقان

### جنگ با منافق

الامامُ عليُّ عَلِيٌّ: - عِنْدَ مَا ذُكِرَتِ الْحَرَوْرِيَّةُ عِنْدَهُ - : إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَوْ جَمَاعَةٍ فَقَاتِلُوهُمْ، وَ إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَلَا

۱. الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۳۵۱ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، دار الشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۵۹ / مکارم الأخلاق، ص ۳۱۲ / روضة المتقين، ج ۱۲، ص ۴۶ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۹۳ / مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۹۸ / ریاض السالکین، ج ۱، ص ۴۲۶ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۲۶.

تُقَاتِلُوهُمْ؛ فَإِنَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالًا<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام - وقتی در حضور ایشان از خوارج سخن به میان آمد - فرمود: اگر علیه امام عادل یا مردم شورش کردند، با آنان بجنگید و اگر علیه پیشوای ستمگر شوریدند، با آنان نجنگید؛ زیرا برای این کار خود دلیلی دارند.

### جنگ با سرکشان

امام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام: با اهل بغی (گروه‌های یاغی و سرکش)، به همان شدت جنگ با مشرکان، باید جنگید و از تمام امکانات و توانایی‌های اهل قبله (مسلمانان) باید علیه آنان کمک گرفت و در صورت دسترس بر ایشان، باید همچون مشرکان اسیرشان کرد.

### روش مذاکره با منافق

الامامُ عَلِيُّ علیه السلام : لَا تُخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ ... وَ لَكِنْ حَاجِبُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا

۱. علل الشرائع، ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۶۰۳ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۴۵ / الوافی، ج ۱۵، ص ۶۲ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۸۱ / ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۳۸۷ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۴۲۹ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۰، شماره حدیث ۱۸۱۷.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۹۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۶۵ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۰، شماره حدیث ۱۸۱۸.

### مَحِيصًا<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : با آنان با قرآن مجادله مکن، زیرا قرآن تاب معانی گوناگون دارد. [ تو چیزی از قرآن ] می گویی، و [ آنان چیز دیگر ] می گویند. بلکه با سنت پیامبر با آنان احتجاج نما، که چاره‌ای از پذیرفتن آن ندارد.

### گریز از صحنه‌ی نبرد، ویژگی منافقان

الامامُ عَلِيُّ عليه السلام : اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَّغْنِي اَنْ رَجَالًا مِمَّنْ قَبْلَكَ يَتَسَلَّلُونَ اِلَى مَعَاوِيَةَ فَلَا تَأْسَفْ عَلَيَّ مَا يَفُوتُكَ مِنْ عَدَدِهِمْ وَيَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ مَدَدِهِمْ فَكَفَى لَهُمْ غِيًّا و لَكَ مِنْهُمْ شَافِيًا فَرَارُهُمْ مِنَ الْهُدَى و الْحَقِّ و اِيضَاعُهُمْ اِلَى الْعَمَى و الْجَهْلِ<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : اما بعد، به من خبر رسید که تنی چند از مردانی که نزد تو هستند، پنهانی به سوی معاویه می‌روند. تأسف مخور که از عدد یارانت می‌کاهد و از یاریشان کم می‌شود. برای گمراهی آنان و آرامش خاطر تو همین بس که آنان از هدایت و حق گریخته‌اند، و به سوی کوری و نادانی شتافته‌اند.

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۷۷، ص ۴۶۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۷۰، ص ۴۶۱.

## فرجام منافقان

### منافقان در ظلمت عذاب

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾<sup>۱</sup>

آن روز، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم.» گفته می‌شود: «بازپس برگردید و نوری درخواست کنید.» آن‌گاه میان آن‌ها دیواری زده می‌شود که آن را دروازه‌ای است: باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد.

### عذابی ماندگار، لعنتی جاودانه

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُ عَذَابٌ مُقِيمٌ﴾<sup>۲</sup>

خدا به مردان و زنان دو چهره و کافران، آتش جهنم را وعده داده است. در آن جاودانه‌اند. آن [آتش] برای ایشان کافی است، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است.

۱. الحديد ۵۷ / ۱۳.

۲. التوبه ۶۸/۹.

### منافقان، فرومایگان جهنم

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾<sup>۱</sup>

آری، منافقان در فروترین درجات دوزخند، و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت.

### منافقان بی حیا، خوار در آخرت

رسول الله ﷺ: يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذُو الْوَجْهِينِ دَالِعًا لِسَانَهُ فِي قَفَاهُ،  
و آخِرُ مِنْ قَدَامِهِ، يَلْتَهِيَانِ نَارًا حَتَّى يُلْهَبَا جَسَدَهُ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: هَذَا الَّذِي  
كَانَ فِي الدُّنْيَا ذَا وَجْهِينِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ، يُعْرَفُ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!

پیامبر خدا ﷺ: روز قیامت انسان دو چهره در حالی می آید که  
یک زبان از پس گردنش آویزان است و یک زبان از جلو و در آن‌ها  
آتشی افروخته است که به [تمام] بدنش زبانه می کشد. سپس  
به او گفته می شود: این کسی است که در دنیا دو رو و دو زبان  
بود. او بدین گونه در روز قیامت شناخته می شود.

۱. النساء ۱۴۵/۴.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۳۸ / كشف الریبه، شهید ثانی، زین الدین بن علی، دار المرتضوی  
للنشر، بی جا، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق، ص ۴۹ / وسائل الشیعہ، ج ۱۲، ص ۲۵۹ / بحار الأنوار  
، ج ۷، ص ۲۱۸ / منهاج البراعه، ج ۹، ص ۲۲۲ / میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۴۲۶.

## تن دادن به اسارت

### روحیه جهادی و مقاومت در برابر باختن خود به دشمن

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : «لَمَّا بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيْرَاءَةَ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَعَثَ مَعَهُ أَنَسًا ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَنْ اسْتَأْسَرَ مِنْ غَيْرِ جِرَاحَةٍ مُثْقَلَةٍ ، فَلَيْسَ مِنَّا»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام: زمانی که پیامبر خدا ﷺ را برای اعلام برائت فرستاد، عده‌ای را نیز به همراه او گسیل داشت و فرمود: هرکس، تن به اسارت دهد، بی‌آنکه زخم کاری برداشته باشد، از ما نیست.

### ذلت ناشی از بزدلی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَأْسَرَ مِنْ غَيْرِ جِرَاحَةٍ مُثْقَلَةٍ فَلَا يُقْدِي مِنَ بَيْتِ الْمَالِ ، وَ لَكِنْ يُقْدِي مِنَ مَالِهِ إِنْ أَحَبَّ أَهْلُهُ<sup>۲</sup>.

امام علی علیه السلام: هرکس، بدون جراحت شدید، تن به اسارت دهد، نباید برای آزادی او از بیت‌المال سربها داد؛ بلکه در صورت رضایت خانواده‌اش، سربهای او باید از مال خودش پرداخت شود.

۱ . الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹ ، ص ۴۲۶ / النوادر، راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، دار الكتاب ، قم، چاپ اول، بی تا، ص ۳۲ / الوافی، ج ۱۵، ص ۱۲۱ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵ ، ص ۸۶ / مرآة العقول، ج ۱۸ ، ص ۳۶۳ / بحار الأنوار، ج ۲۱ ، ص ۲۷۶ / میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲ . الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹ ، ص ۴۲۶ / تفصیل وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۸۶ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة<sup>۶</sup>، ج ۵ ، ص ۵۲۳ / مرآة العقول، ج ۱۸ ، ص ۳۶۳ / میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۳۶.

**بخش سوم**



**عوامل پیروزی و شکست در جهاد**





## بفش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد

### فصل اول: عوامل پیروزی

علاوه بر این که در آموزه‌های دینی تلاش می‌گردد تا ریشه‌ها و موانع ایثار و شهادت را خشکانده و به جای آن حب الهی و ایمان و اعتقاد به خدا و روز رستاخیز، جایگزین گردد، عواملی وجود دارند که بستر را برای ایثار و از خود گذشتگی فراهم می‌سازد.

### اصل قداست عدالت و تنفر از ستم

در تعالیم قرآن و سنت، عدالت امر مقدسی است و ظلم و ستم از امور چیز زشت و ناخوشایند. این آموزه‌ها و تعالیم به گونه‌ای است که اگر عدالت (آرمان نهایی همه‌ی انبیاء) به خطر افتد و ظلم و ستم جایگزین آن شود، احساسات فطری و پاک انسان‌ها، علیه ظلم و به نفع عدالت برخاسته خواهد شد. برای اثبات مدعا نمونه‌هایی از این آموزه‌ها بیان می‌شود:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا  
النَّاسَ بِالْقِسْطِ﴾

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند از این آیه استفاده می‌شود که هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب‌های آسمانی، اقامه عدل و قسط به وسیله‌ی مردم است. در آیه‌ی دیگر،

خداوند ما را به اجرای عدالت و احسان به بندگان دستور داده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ  
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

(خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید) (نحل ۹۰/۱۶)

### اصل وجوب دفاع و وجوب جهاد با ظالمان

در نظام پرورشی مبتنی بر فرهنگ اسلام که هدف غایی خلقت انسان، عبادت و نیل به مقام عبودیت (به استناد آیه: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ "ذاریات ۵۶") است، ایثار و جهاد و شهادت دارای جایگاه رفیع و قابل تأمل است.

جهاد با دشمن، یکی از فروع دین مقدس اسلام است و با فرمان امام واجب می‌شود و زمانی که بلاد مسلمین یا مرزهای آن مورد هجوم قرار گیرد، بر مسلمانان، واجب است که از آن به هر وسیله‌ای که ممکن است با بذل جان و مال خویش دفاع نمایند. این دفاع مشروط به اذن امام معصوم یا نایب خاص و عام او نیست. در قرآن مجید بارها فرمان جهاد و مقاتله با دشمن صادر شده است.

## اصل ارزش دادن به شهید و شهادت

علاوه بر مطالب ذکر شده که حس ایثار و از خود گذشتگی را در انسان تقویت می‌کند، باور داشتن امور ذیل که در ارزش شهید و شهادت است، انسان را مشتاق کشته شدن در راه خدا می‌سازد و آن را همانند اولیای الهی در دعای خویش از خدا می‌طلبد. چرا که: شهیدان زنده و غرق در نعمت خدایند.

ابن مسعود از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آنها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آنها گفتند: پروردگار! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم که غرق نعمتهای جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: فرمان تخلف ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، عرض کردند: حالا که چنین است تقاضای ما این است که سلام ما را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برسانی و به بازماندگان مان، حال ما را بگویی و از وضع ما به آن‌ها بشارت دهی که هیچ‌گونه نگران نباشند در این هنگام آیات ذیل نازل شد:

﴿وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ  
يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ \*  
يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾  
(آل عمران ۳ / ۱۶۹ و ۱۷۰)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند و به خاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند [مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند (زیرا مقامات برجسته آن‌ها را در آن جهان می‌بینند و می‌دانند) که نه ترسی بر آن‌هاست، و نه غمی خواهند داشت.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین نقل می‌کند که هنگامی که حضرت، مشغول خطبه بود و مردم را تشویق به جهاد می‌کرد، جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! فضیلت جنگ جویان در راه خدا را برای من تشریح کن امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر صلی الله علیه و آله و پشت سر آن حضرت سوار بودم و از غزوه‌ی ذات‌السلاسل برمی‌گشتم همین سؤالی را که تو از من نمودی من از پیامبر صلی الله علیه و آله کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که جنگ‌جویان، تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می‌گیرند خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آن‌ها مقرر می‌دارد. و هنگامی که سلاح بر می‌دارند و آماده میدان می‌شوند فرشتگان به وجود آن‌ها افتخار می‌کنند و هنگامی که همسر و فرزند و بستگان آن‌ها با آن‌ها خداحافظی می‌کنند، از گناهان خود خارج می‌شوند. از این موقع آن‌ها هیچ‌کاری نمی‌کنند مگر اینکه پاداش آن، مضاعف می‌گردد و در برابر هر روز پاداش عبادت هزار عابد برای آن‌ها نوشته می‌شود ...

و هنگامی که با دشمنان روبرو می‌شوند، مردم جهان، نمی‌توانند میزان ثواب آن‌ها را درک کنند. و هنگامی که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه‌ها و تیرها رد و بدل شود، و جنگ تن به تن شروع گردد، فرشتگان با پر و بال خود

اطراف آن‌ها را می‌گیرند و از خدا تقاضا می‌کنند که در میدان، ثابت قدم باشند، در این هنگام منادی صدا می‌زند: «الجنة تحت ظلال السیوف» بهشت در سایه‌ی شمشیرها است! در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده‌تر و گواراتر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است و هنگامی که شهید از مرکب فرو می‌غلند، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمت‌های بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می‌دهند. و هنگامی که شهید به روی زمین قرار می‌گیرد، زمین می‌گوید: آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می‌کند، بشارت باد بر تو: «انّ لک ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر»، نعمت‌هایی در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است. و خداوند می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هرکس آن‌ها را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هرکس آن‌ها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.<sup>۱</sup>

---

۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۴۰۸ق، ج ۵ ص ۱۵۸.

## روابط فرمانده و فرمانبردار

### بیعت و عهد‌پذیری

الامامُ عليُّ عليه السلام : اعْتَصِمُوا بِالذِّمِّ فِي أَوْتَادِهَا.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: میخ‌های عهد و پیمان‌ها را محکم کنید.

### تبعیت از رهبری

الامامُ عليُّ عليه السلام : دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا وَ تَقُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: به جهاد فراخوانده شدند و اجابت نمودند، به رهبرشان اعتماد کردند و پیرویش کردند.

### رعایت سلسله مراتب فرماندهی

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَ عَلَيَّ مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ  
بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَ أَطِيعَا وَ اجْعَلَاهُ دِرْعًا وَ مِجَنَّا.<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: [ مالک بن حارث اشتر ] را فرماندهی شما همه‌ی کسانی که در فرمان شما هستید، قرار دادم. فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید، و او را زره و سپر خویش قرار دهید.

۱. نهج البلاغه، ص ۴۹۹، حکمت ۱۵۵ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۵ / بحار

الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۷ / میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۱۸، شماره حدیث ۱۵۲۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۴.

۳. نهج البلاغه، نامه ۱۳، ص ۳۷۲.

## زمان شناسی، رمز پیروزی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقَبَةَ الْإِمْكَانِ وَانْتِهَازَ الْفُرْصَةَ، تَظْفِرًا!

امام علی علیه السلام: برای مقابله با دشمن منتظر توانایی یافتن بر او و به دست آمدن فرصت باش، در این صورت پیروز می شوی.

## ارتقای توان جسمی و تسلیحاتی

### افزایش توان نظامی از طریق جمع آوری مالیات حکومتی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: لَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًِّ وَلَا مُعَاهِدٍ إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سِلَاحًا يُعَدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَدَعَ ذَلِكَ فِي أَيْدِي أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ فَيَكُونَ شَوْكَةً عَلَيْهِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: به اموال هیچ کس، چه مسلمان نمازگزار و چه ذمی دست نزنید، مگر اسب و سلاحی نزد آنان بیابید که با آن بر مسلمانان تجاوز کنند، زیرا شایسته‌ی مسلمان نیست که اسب و سلاح را دست دشمنان اسلام واگذارد تا سبب نیرومندی آنان علیه اسلام شود.

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۳ / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۳۴ / الحیاء

، ج ۱، ص ۵۷۰ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، شماره حدیث ۱۱۳۶۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۱، ص ۴۲۵.

### آماده باش رزمی

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَ اكْمِلُوا اللّامَةَ وَ قَلِقُوا السُّيُوفَ فِي اَعْمَادِهَا قَبْلَ سَلِّهَا وَ احْظُوا الْخَزَرَ وَ اطْعِنُوا الشَّزَرَ وَ نَافِحُوا بِالطُّبِيِّ وَ صَلُّوا السُّيُوفَ بِالْخُطَا<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام: زره را کامل بپوشید، و شمشیرها را پیش از برآوردن در غلاف بجنابانید. با گوشه چشم خشمناک به دشمن بنگرید، و از راست و چپ نیزه را بر دشمن زنید، و با دم شمشیر بر او ضربه وارد سازید، و با جلو نهادن قدم شمشیر را به دشمن برسانید.

### بیدارباش رزمی

الامامُ عليُّ عليه السلام : إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُّ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ<sup>۲</sup>.

امام علی علیه السلام: مرد جنگی همیشه بیدار است، و هر کس بخوابد [و از دشمن غافل گردد، بداند که] دشمن از او در خواب نمی‌شود.

### تاکتیک‌های نظامی قبل از نبرد

الامامُ عليُّ عليه السلام : فَإِذَا نَزَلْتُمْ بَعْدُوْا أَوْ نَزَلَ بِكُمْ فَلْيَكُنْ مَعْسَكَرُكُمْ فِي قُبُلِ الْأَشْرَافِ أَوْ سَفَاحِ الْجِبَالِ أَوْ أَثْنَاءِ الْأَنْهَارِ كَيْمَا يَكُونُ لَكُمْ رِدْءًا وَ دُونَكُمْ مَرْدًا وَ لَتَكُنْ مَقَاتِلَتُكُمْ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ أَوْ اثْنَيْنِ وَ اجْعَلُوا لَكُمْ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۶۶، ص ۹۷.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۴۵۲.



بخش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد / ۲۴۱

رُقْبَاءَ فِي صِيَاصِ الْجِبَالِ وَمَنَاقِبِ الْهَضَابِ لئَلَّا يَأْتِيَكُمُ الْعَدُوُّ مِنْ  
مَكَانٍ مَخَافَةٍ أَوْ أَمْنٍ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: چون بر دشمن فرود آمدید، یا دشمن بر شما فرود آمد، لشکرگاه خود را در مکانی بلند، یا دامنه‌ی کوه‌ها، یا میان رودها قرار دهید تا پناهگاهی برای شما و مانعی بر سر راه دشمن باشد. جنگ شما باید از یک جانب یا از دو جانب باشد. بر قلعه‌ی کوه‌ها یا بر فراز تپه‌ها دیده‌بان‌هایی گمارید تا دشمن از جایی که می‌ترسید یا خود را در امان می‌دانید بر شما نتازد.

### گام‌های تان جلو برنده شمشیرهای تان باشد

الامام علی علیه السلام

امام علی علیه السلام: با تیغه شمشیرها از دین خود دفاع کنید، و شمشیرها را با فرا پیش نهادن گام‌های تان، به دشمن برسانید و از خداوند یاری جوید، تا پیروز گردید و یاری شوید.

### مهندسی رزمی - جنگاوری مقتدرانه

الامام علی علیه السلام: إِنَّهُمْ لَنْ يَزُولُوا عَنْ مَوَاقِفِهِمْ دُونَ طَعْنِ دِرَآكٍ  
يَخْرُجُ [مِنْهُ] مِنْهُمْ النَّسِيمُ وَضَرْبُ يَفْلِقِ الْهَامَ وَيَطِيحُ الْعِظَامَ وَيُنْدِرُ  
السَّوَاعِدَ وَالْأَقْدَامَ وَحَتَّى يَرْمُوا بِالْمَنَاسِرِ تَتَّبِعُهَا الْمَنَاسِرُ وَيُرْجَمُوا

۱. نهج البلاغه، نامه ۱۲، ص ۳۷۱.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۲۷، شماره حدیث ۳۹.

بِالْكِتَابِ تَقْفُوهَا الْهَلَّابُ وَ حَتَّىٰ يَجْرَّ بِيْلَادِهِمُ الْخَمِيسُ يَتْلُوهُ الْخَمِيسُ  
وَ حَتَّىٰ تَدْعَقَ الْخَيُْولُ فِي نَوَاحِرِ أَرْضِهِمْ وَ بِأَعْنَانِ مَسَارِيهِمْ وَ  
مَسَارِحِهِمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: [ آگاه باشید که ] دشمن از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کند مگر با نیزه‌های پیاپی، که پیکر را سخت زخمی می‌کند، و ضربه‌هایی که فرق سر را بشکافد، و استخوان‌ها را بشکند، و بازوها و قدم‌ها را قطع کند. [ آنان دست بردار نخواهند بود ] تا آن‌که گروهی در پی گروه دیگر بر آنان هجوم آورد، و سواران بر آنان حمله آورند و صفوفشان را متلاشی کنند و سپاهی پس از سپاه دیگر وارد شهرهایشان شوند، و سپاهیان سرزمینشان را - که روی در روی یکدیگر قرار دارد - و اطراف کشتزارها و چراگاه‌هایشان را لگد مال سُم اسبان خود سازند.

### اقتدار، انضباط، دیدبانی جنگ

الامامُ عَلِيُّ علیه السلام : وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَقْدِمَةَ الْقَوْمِ عِيُونُهُمْ وَ عِيُونَ الْمُقَدِّمَةِ  
طَلَاتُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّفَرُّقُ فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَانزِلُوا جَمِيعاً وَ إِذَا ارْتَحَلْتُمْ  
فَارْتَحِلُوا جَمِيعاً وَ إِذَا غَشِيَكُمْ اللَّيْلُ فَاجْعَلُوا الرِّمَاحَ كِفَّةً وَ لَا تَذُوقُوا  
النُّومَ إِلَّا غَرَاراً أَوْ مَضْمُضَةً.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴، ص ۱۸۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۱۱، ص ۳۷۱.

بخش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد / ۲۴۳

---

امام علی علیه السلام: بدانید مقدمه سپاه، دیده‌بان آن است، و دیده‌بان‌ها جاسوسان لشکراند. از تفرقه دوری کنید. هرگاه فرود می‌آیید همگان فرود آید، و هرگاه کوچ می‌کنید همگان کوچ کنید. وقتی شب فرا می‌رسد، نیزه‌ها را گرداگرد خود قرار دهید. نخوابید، مگر اندک یا همچون مضمضه‌ی آب در دهان [ = اندکی بخوابید و بیدار شوید، باز بخوابید و بیدار شوید، بار بخوابید و به همین ترتیب تا به صبح].

## ارتقای توان روحی و معنوی

### دفاع از آرمان‌های دین الهی

الامام علی علیه السلام: **إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصْرَهُ وَ لَا خِذْلَانَهُ بِكَثْرَةِ وَ لَا بَقَلَّةِ وَ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَظْهَرَهُ وَ جُنْدُهُ الَّذِي أَعَدَّهُ وَ أَمَدَهُ حَتَّى بَلَغَ مَا بَلَغَ وَ طَلَعَ حَيْثُ طَلَعَ وَ نَحْنُ عَلَى مَوْعُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مُنْجِزٌ وَعْدَهُ وَ نَاصِرٌ جُنْدَهُ.**<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: پیروزی و یا شکست مسلمانان در این امر [ = نبرد با دشمنان اسلام ]<sup>۲</sup> در اثر فراوانی و یا اندکی سپاهیان نبود، این

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳.

۲. جنگ قادسیه در سال ۱۶ هجری میان مسلمانان و ایرانیان در زمان یزدگرد سوم روی داد. فرمانده مسلمانان سعد وقاص و فرمانده ایرانیان رستم بود. در این جنگ با آن‌که در سپاه یزدگرد صد و بیست هزار نفر و در سپاه مسلمانان تنها سی و چند هزار نفر شرکت داشتند، مسلمانان غلبه کردند و پیروز شدند. ترجمه نهج البلاغه، علی شبروانی، ص ۲۷۹.

دین خداست که خداوند پیروزش ساخت، و لشکر اوست که آن را فراهم آورد و یاری داد، تا آن که رسید به آنچه رسید، و طلوع کرد آن جا که طلوع کرد. خداوند به ما وعده‌ی پیروزی داده، و او وعده‌ی خود را محقق می‌سازد، و لشکرش را یاری می‌دهد.

### پاسداری از کیان اسلامی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: قَدْ فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: جنگ میان شما و اهل قبله آغاز شده و این پرچم را نمی‌تواند به دوش کشد مگر آن که اهل بصیرت و پایداری و آگاه به جایگاه حق است.

### برخورداری از اراده قاطع و دوراندیشی

رسولُ اللَّهِ ﷺ: الظَّفَرُ بِالْجَزْمِ وَ الْحَزْمِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیروزی، در گرو اراده قاطع و دوراندیشی است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۲۴۸.

۲. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی، دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۹۲ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، شماره حدیث ۱۱۳۵۲ و ۱۱۳۵۳.

### پیروزی، میوهی دلاورمردی

الامامُ علیُّ عليه السلام : أصلُ النجدةِ القُوَّةُ، و ثمرتُها الظَّفَرُ!

امام علی عليه السلام: ریشه دلاوری، توانمندی است و میوه‌اش، پیروزی.

### شکیبایی یکی از دو پیروزی است

الامامُ علیُّ عليه السلام : الصَّبْرُ أَحَدُ الظَّفَرَيْنِ!

امام علی عليه السلام: صبر، یکی از دو ظفر است.

\*\*\*

الامامُ الصادقُ عليه السلام : يَظْفَرُ مَنْ يَحْلُمُ!

امام صادق عليه السلام: هر که بردبار باشد، پیروز می‌شود.

### چشم‌انداز جنگ

الامامُ علیُّ عليه السلام : اللَّهُمَّ ... إِنَّ أَظْهَرَتْنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبَغْيَ وَ  
سَدَّدْنَا لِلْحَقِّ وَإِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَاعْصِمْنَا مِنْ

---

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، شماره حدیث ۱۱۳۵۴.  
۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۱ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، حدیث شماره ۱۱۳۵۵.  
۳. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱، ص ۶۱ / تحف العقول، ص ۳۵۶ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۹ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، حدیث شماره ۱۱۳۵۶.

### الْفِتْنَةُ ۱.

امام علی علیه السلام: اگر ما را بر دشمن پیروز ساختی از ستم دور بدار و بر راه حق استوار گردان؛ و اگر دشمن را بر ما پیروز نمودی شهادت را روزی ما گردان و ما را از فتنه حفظ فرما.

### پیروزی در جهاد

الامامُ علیُّ علیه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ وَامْضُوا فِي الَّذِي نَهَجَهُ لَكُمْ وَاقُومُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلْجِكُمْ أَجَلًا إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا. ۲

امام علی علیه السلام: بندگان خدا! با تقوا باشید، و از خدا به خودش پناه آورید، و در راهی که برایتان گسترانده گام نهدید، و برای انجام تکالیفی که بر عهده شما نهاده قیام کنید. اگر در این جهان پیروز نگردید در آن جهان پیروزید و علی آن را ضمانت می‌کند.

### تیز بینی فرمانده، رمز پیروزی

الامامُ علیُّ علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حَزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ وَ إِنْ مَعِيَ لَبَصِيرَتِي. ۳

امام علی علیه السلام: آگاه باشید که شیطان حزبش را جمع کرده، و آدر

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱، ص ۲۴۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۴، ص ۶۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰، ص ۵۴.

بخش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد / ۲۴۷

---

جنگ جمل [افراد سواره و پیاده خود را حاضر آورده، و بی تردید  
من بصیرتم را با خود دارم.

### هشیاری رزمندگان

الامامُ علیُّ عليه السلام : حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: با بصیرت دست به شمشیر برده‌اند.

### ایثارگران، رزمندگان فی سبیل الله

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَيْنَ الْمَنَعِ لِلذَّمَارِ وَالْغَائِرِ عِنْدَ نَزُولِ الْحَقَائِقِ مِنْ  
أَهْلِ الْحِفَاطِ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: کجاست دفاع‌کننده از حریم ناموس؟ کجاست  
غیرتمند وفادار که هنگام نزول سختی‌ها پاسدار مردم خود باشد؟

### همراهی عنایت الهی و پیامبر صلى الله عليه وآله و امیرالمؤمنین علی عليه السلام با مجاهد

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ بَعَيْنِ اللَّهِ وَمَعَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ  
فَعَاوِدُوا الْكُرَّ وَاسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ.<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: و بدانید که شما در برابر دیدگان خدا و همراه با  
پسرعموی رسول خدا صلى الله عليه وآله هستید، پس پیاپی هجوم آورید، و از

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ص ۲۰۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱، ص ۲۴۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۶۶، ص ۹۷.

گریختن شرم کنید.

### وحدت کلمه، شرط پیروزی

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَ اللَّهِ لَأُظَنَّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ  
بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ، وَ تَفَرُّقِكُمْ عَن حَقِّكُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: به خدا قسم می بینم که این جماعت به زودی بر شما چیره می شوند، زیرا آنان بر باطل خود وحدت کلمه دارند، و شما در حق خود دچار تفرقه اید.

### شکست ناپذیری، محصول اتحاد و همبستگی

الامامُ عليُّ عليه السلام : عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: وحدت کلمه نیرومندشان نموده است.

### صبر، بهترین ابزار پیروزی

الامامُ عليُّ عليه السلام : وَ اسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَيَّ النَّصْرَ.<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام: شکیبایی را شعار خود سازید، که بهترین ابزار پیروزی است.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۵، ص ۶۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، ص ۲۰۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ص ۶۸.



## دین‌داری و غیرت‌مداری

الامامُ علیُّ عليه السلام: أَمَا دِينَ يُجْمَعُكُمْ وَ لَا حَمِيَّةَ تُحْمَشُكُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: آیا دینی نیست که شما را متحد سازد؟ آیا غیرتی ندارید که خشم شما را برانگیزد؟

## صداقت

الامامُ علیُّ عليه السلام: فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكِبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: و چون خداوند صداقت ما را دید دشمنان را به خواری نشانده، و نصرت خویش را بر ما فرو فرستاد.

## خشیت و سکینه الهی

الامامُ علیُّ عليه السلام: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ اسْتَشْعَرُوا الْخَشِيَّةَ وَ تَجَلَّبَبُوا السَّكِينَةَ وَ عَضُّوا عَلَى النَّوَاجِدِ فَإِنَّهُ أَنْبَى لِلسُّيُوفِ عَنِ الْهَامِ.<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: ای گروه مسلمانان! ترس از خدا را جامه زیرین، و آرامش را جامه رویین خود سازید، و دندان‌ها را به هم بفشارید، که [مقاومت شما را می‌افزاید و] شمشیرها را از سرتان دورتر می‌کند.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۹، ص ۸۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۶، ص ۹۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۶۶، ص ۹۷.

### شادمانی از فداکاری‌ها و پایداری در استقامت

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ : وَ طَيَّبُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ نَفْسًا وَ أَمْشُوا إِلَى الْمَوْتِ مَشْيًا سَجْحًا ... فَصَمَدًا صَمَدًا حَتَّى يَنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودُ الْحَقِّ - «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالَكُمْ»<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: از جانبازی‌های خود شادمان باشید، و سبک و آسان به سوی مرگ بروید ... پس مقاوم باشید و استوار، تا حق برای شما پدیدار گردد، «و شما برترید و خدا با شماست و از پاداش کردارتان نخواهد کاست.»

### ترجیح کیفیت بر کمیت سپاه

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ : إِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: هر چند تعدادشان اندک است، ولی اسلام آنان را فراوان ساخته است.

### دنیاپرستی، ویران‌گر فرهنگ ایثار

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ : أَيُّهَا الْقَوْمُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانُهُمُ الْغَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُولُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمُ الْمُبْتَلَى بِهِمْ أَمْرَاؤُهُمْ صَاحِبِكُمْ يَطِيعُ اللَّهَ وَ أَنْتُمْ تَعْصُونَهُ وَ صَاحِبُ أَهْلِ الشَّامِ يَعْصِي اللَّهَ وَ هُمْ يَطِيعُونَهُ لَوَدِدْتُ وَ

۱. محمد ۴۷ / ۳۵ .

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶۶ ، ص ۹۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶ ، ص ۲۰۳.

بخش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد / ۲۵۱

اللَّهِ أَنْ مُعَاوِيَةَ صَارَفَنِي بِكُمْ صَرْفَ الدِّينَارِ بِالدَّرْهِمِ فَأَخَذَ مِنِّي عَشْرَةَ  
مِنْكُمْ وَ أَعْطَانِي رَجُلًا مِنْهُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: ای کسانی که بدن هایتان شاهد است، و عقل هایتان غایب، خواسته هایتان مختلف است و امیرانتان گرفتار شما هستند! فرمانده شما خدا را اطاعت می کند، و شما او را نافرمانی می کنید، و فرمانده شامیان خدا را معصیت می کنند، و مردمش فرمانش را اطاعت می کنند. به خدا سوگند، دوست داشتیم معاویه در مورد شما با من وارد معامله می شد و ببع صرف دینار به درهم می نمود، و ده تن از شما را با یک تن از یاران خودش عوض می کرد.

توجه به ویژگی های شخصیتی رزمندگان در تشویق به جهاد

الامام علی علیه السلام: أَنْتُمْ لَهَا مِيمُ الْعَرَبِ وَالسَّنَامُ الْأَعْظَمُ إِنَّ فِي الْفِرَارِ  
مَوْجِدَةَ اللَّهِ وَالذَّلَّ اللَّزِمَ وَالْعَارَ الْبَاقِيَ وَإِنَّ الْفَارَّ لَغَيْرُ مَزِيدٍ فِي  
عُمُرِهِ وَلَا مَحْجُوزٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ يَوْمِهِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: شما سران و برجسته ترین مردان عرب هستید، فرار از جنگ خشم خدا را برانگیزد، و خواری مدام، و ننگ همیشگی در پی آورد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ص ۱۴۲.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۲۴، ص ۱۸۱.

### قدردانی از مجاهدان پس از پیروزی

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَ جَزَاكُمْ اللهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَحْسَنَ مَا يَجْزِي الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ وَالشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَأَطَعْتُمْ وَ دُعَيْتُمْ فَأَجَبْتُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : خداوند به شما مردم کوفه، از جانب خاندان پیامبران پاداش دهد، نیکوترین پاداشی که به فرمانبران و شکرگزاران نعمتش می‌بخشد، که [ فرمانم را ] شنیدید، و اطاعت کردید، و فراخوانده شدید و پاسخ گفتید.

### تدبیر و مدیریت جنگ

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَ لَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نُوَقِعَ وَ لَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِرَ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام : ولی ما تا بر شما نتازیم هیاهو به راه نمی‌اندازیم، و تا باران نباریم سیل جاری نمی‌کنیم.

### ضربت شمشیر، از بین برنده‌ی باطل

الامامُ علیُّ عليه السلام : فَإِنْ أَبَوْا أُعْطِيَتْهُمْ حَدَّ السَّيْفِ وَ كَفَى بِهِ شَافِيًا مِنَ الْبَاطِلِ وَ نَاصِرًا لِلْحَقِّ.<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام : اگر نافرمانی کنند شمشیر را نثارشان می‌کنم، که

۱. نهج البلاغه، نامه ۲، ص ۳۶۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹، ص ۵۴.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۲، ص ۶۴.

برای درمان باطل و یاری حق کافی است.

### شجاعت و دلاوری جاودانه

الامامُ علیُّ عليه السلام : لَقَدْ كُنْتُ وَمَا أُهْدَدُ بِالْحَرْبِ وَلَا أُرْهَبُ بِالضَّرْبِ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: تا کنون کسی مرا از جنگ نترسانده، و از ضربت شمشیر نهراسانده است.

\*\*\*

الامامُ علیُّ عليه السلام : مَا بِالْكُمِّ لَّا سُدِّتُمْ لِرُشْدٍ وَلَا هُدَيْتُمْ لِقَصْدٍ أَفِي  
مِثْلٍ هَذَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَخْرُجَ وَإِنَّمَا يَخْرُجُ فِي مِثْلِ هَذَا رَجُلٌ مِمَّنْ  
أَرْضَاهُ مِنْ شُجْعَانِكُمْ وَذَوِي بَأْسِكُمْ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: شما را چه شده؟ راه رشد و سعادت را نرفتید، و به راه راست هدایت نشدید! آیا در چنین شرایطی سزاوار است که من از شهر خارج شوم؟ در این موقعیت باید کسی از شما به میدان نبرد برود که من از شجاعتش راضی و او مردی جنگاور باشد.

---

۱. همان .

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹، ص ۱۷۵.

۳. ممکن است این دو جمله انشائییه و بیانگر نفرین امام علی x باشد که در این صورت باید چنین ترجمه شود: «راه رشد و سعادت را نروید، و به راه راست هدایت نشوید.» ترجمه نهج البلاغه، علی شیروانی، ص ۲۳۳.

### شکمبارگی مخالف قصد و همت جدی

الامامُ علیُّ عليه السلام : لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَكِيمَةٌ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: آهنگ جدی [ و رسیدن به ارزش‌های بلند ] با شکمبارگی [ او خوشگذرانی ] جمع نمی‌شود.

### دفاع از هم‌رزم شکرانه شجاعت، یا آموزش روانی در جنگ

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَ أَيْ أَمْرِي مِنْكُمْ أَحْسَنَ مِنْ نَفْسِهِ رَبَّاطَةٌ جَاشَ عِنْدَ اللَّقَاءِ وَ رَأَى مِنْ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ فُشَلًّا فَلْيَدْبُ عَنْ أَخِيهِ بِفَضْلِ تَجَدُّتِهِ الَّتِي فَضَّلَ بِهَا عَلَيْهِ كَمَا يَدْبُ عَنْ نَفْسِهِ فَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُ مِثْلَهُ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: هر کدام از شما هنگام رویارویی با دشمن در خود دلیری و قوت قلب احساس کرد، و در یکی از برادرانش ترس و سستی دید، باید به شکرانه‌ی فضیلت شجاعتی که خداوند به او ارزانی داشته از برادرش چونان خودش دفاع کند، که اگر خدا می‌خواست او را نیز مانند تو شجاع می‌کرد.

### وصف نیکوی یاران جنگاور

الامامُ علیُّ عليه السلام : وَ أَنْتُمْ لِهَامِيمِ الْعَرَبِ وَ يَافِيحِ الشَّرَفِ وَ الْأَنْفِ الْمُقَدَّمِ وَ السَّنَامِ الْأَعْظَمِ.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱، ص ۳۵۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷، ص ۱۵۵.

بخش سوم: عوامل پیروزی و شکست در جهاد / ۲۵۵

---

امام علی علیه السلام: در حالی که شما جوانمردان عرب، و بزرگان شرف، و برازندگان جامعه، و قله‌ی سربلندی هستید.

### اجتناب از تکبر بر پیروزی

الامامُ علیُّ علیه السلام: لا تَبْطُرَنَّ بِالظَّفَرِ، فَإِنَّكَ لَا تَأْمَنُ ظَفَرَ الزَّمَانِ بِكَ!

امام علی علیه السلام: از پیروزی سرمست مشو؛ زیرا که از پیروزی زمانه بر خود در امان نیستی.

### ایثارگری حقیقی، جهاد اکبر

الامامُ علیُّ علیه السلام: مَا ظَفَرَ مَنْ ظَفَرَ الْأَثْمُ بِهِ، وَ الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ!

امام علی علیه السلام: پیروز نیست کسی که گناه بر او پیروز شده باشد؛ کسی که از طریق توسل به بدی، چیره گردد شکست خورده است.

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۲۳ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۵۱ / میزان الحکمه،

ج ۷، ص ۳۳۵۴، حدیث شماره ۱۱۳۶۲.

۲. نهج البلاغه، ص ۵۳۳ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۲۰ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴،

حدیث شماره ۱۱۳۶۳.

### ظفر با ظلم نمی ماند

الامامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِرَجُلَيْنِ تَخَاصَمَا بِحَضْرَتِهِ - : أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَظْفَرُ  
بِخَيْرٍ مَنَ ظَفَرَ بِالظُّلْمِ.<sup>۱</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ - به دو نفر که در حضور ایشان بحث و جدل می کردند - فرمود : بدانید که هر کس از طریق ستم پیروز شد، به خوبی دست نیافت.

### ظفرمندان ایثارگر

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ظَفَرَ الْكِرَامِ عَفْوٌ وَ إِحْسَانٌ، ظَفَرَ اللَّئَامِ تَجَبُّرٌ وَ  
طُغْيَانٌ.<sup>۲</sup>

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ : پیروزی مردمان بزرگوار، [زمینه ساز] گذشت و احسان است و پیروزی مردمان فرومایه، [زمینه ای برای] زورگویی و گردنکشی.

۱ . تحف العقول ، ص ۳۵۸ / بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۲۴۰ / عوالم العلوم ، ج ۲۰ ، ص

۷۲۱ / میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۳۳۵۴ ، حدیث شماره ۱۱۳۶۴ .

۲ . عیون الحکم و المواعظ ، ص ۳۲۴ / میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۳۳۵۴ ، شماره حدیث

۱۱۳۶۵ .



### پیروزی، راهی به بهروزی

الامامُ علیُّ عليه السلام: ظَفَرُ الْكَرِيمِ يُنْجِي، ظَفَرُ اللَّئِيمِ يُرْدِي!

امام علی عليه السلام: پیروزی انسان بزرگوار، نجات بخش است و پیروزی انسان فرومایه، نابود کننده.

---

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲۳ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۹ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۵۴، شماره حدیث ۱۱۳۶۶.

## فصل دوم: عوامل شکست در جهاد

### نافرمانی و سرکشی، زمینه ساز رکود فرماندهی

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَالْخِذْلَانِ حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: برنامه‌ام را با نافرمانی و یاری نکردن تباه ساختید، تا آن جا که قریش گفت: پسر ابوطالب شجاع هست ولی راه و روش جنگ را نمی‌داند.

### خیانت، گناهی نابخشودنی

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ إِنِّي وَاللَّهِ لَأُظَنُّ أَنْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدُ الْوَنِّ مِنْكُمْ ... بِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَ خِيَاتِنَكُمْ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: به خدا قسم می‌بینم که این جماعت به زودی بر شما چیره می‌شوند ... آنان نسبت به رهبر خود امانتدارند و شما خیانت می‌ورزید.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۰ و ۷۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۵، ص ۶۷.

### هلاکت، سستی و ضعف

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبْغِضُ مَنْ عِبَادَهُ الْمُتَلَوِّنَ  
فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَ وَايَةَ أَهْلِ الْحَقِّ فَإِنَّ مَنْ اسْتَبَدَلَ بِنَا هَلَكَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : بدانید که خداوند تبارک و تعالی از بندگان بی ثبات و دمدمی مزاج خود نفرت دارد. پس از حق و دوستی با حق جویمان دور نشوید، زیرا کسی که دیگری را به جای ما گیرد هلاک شود.

### نبود اتحاد و یکپارچگی

عدم کارایی طرح های فرمانده ای که پیروی نمی شود

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ لَكِنْ نَا رَأَى لِمَنْ نَا يُطَاع.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : ولی برای کسی که فرمانش را نمیبرند رأی و برنامه ای کارساز نیست.

---

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶ / میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۶۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۱.

### سرکشان، مفسدان فی الارض

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ إِنِّي وَاللَّهِ لَأُظَنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ  
... بِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فَسَادِكُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: به خدا قسم می‌بینم که این جماعت به زودی بر شما چیره می‌شوند... آنان در شهرهایشان امور را سامان می‌دهند و شما فساد و تباهی به بار می‌آورید.

### فرار از جنگ

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ اسْتَحْيُوا مِنَ الْفَرِّ فَإِنَّهُ عَارٌ فِي الْأَعْقَابِ وَ نَارٌ يَوْمَ  
الْحِسَابِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: و از گریختن شرم کنید، زیرا فرار از میدان جنگ مایه ننگ نسل‌ها، و سبب آتش روز قیامت است.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۵، ص ۶۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶۶، ص ۹۷.

## عواقب شکست، خواری و ذلت پذیری

### ندامت و پشیمانی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُورِثُ  
الْحَسْرَةَ وَتَعْقِبُ النَّدَامَةَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: نافرمانی از ناصحی مهربان که دانا و باتجربه است  
مایه حسرت و سرگردانی، و سرانجامش ندامت و پشیمانی است.

\*\*\*

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ أَيْمُ اللَّهِ لَتَحْتَلِبَنَّهَا دَمًا وَ لَتُبْعَنَّهَا نَدَامًا.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند از این سستی‌ها به جای شیر، خون  
خواهید دوشید، و ندامتی جانکاه را در پی خواهید داشت.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۵، ص ۷۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۶، ص ۹۲.



**بخش چهارم**

**\*\*\***

**استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی**





## فصل اول: استقامت

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ  
أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند:  
«پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را  
استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

\*\*\*

عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ  
عَالَمٍ مِنْكُمْ حَتَّى ظَاهِرٌ تَفْزَعُ إِلَيْهِ النَّاسُ فِي حَلَالِهِمْ وَحَرَامِهِمْ فَقَالَ يَا  
أَبَا يُوسُفَ لَا إِنَّ ذَلِكَ لَبَيِّنٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا﴾ عَدُوَّكُمْ مِمَّنْ يُخَالِفُكُمْ وَ «رَابِطُوا» إِمَامَكُمْ  
«وَ اتَّقُوا اللَّهَ» فِيمَا يَأْمُرُكُمْ وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ<sup>۲</sup>

---

۱. البقره ۲ / ۲۵۰.

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد | صفار، محمد بن حسن، محسن بن عباس‌علی کوچه  
باغی، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۷ / الحیاة، ج ۱، ص  
۴۲۲.

راوی حدیث گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: آیا زمین از عالمی (و امامی) زنده و آشکار از شما آل محمد خالی خواهد ماند، امامی که مردمان در حلال و حرام خود بتوانند به او رجوع کنند؟ گفت: ای ابایوسف! نه؛ و این امر در کتاب خدا بیان گشته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبور باشید و شکیبایی ورزید»، یعنی در برابر دشمنان و مخالفان خود «و فرمان برید» یعنی از امام خود؛ «و از خدا پروا دارید» یعنی درباره‌ی آن چه بر شما واجب کرده و فرمان داده است.

## امر به استقامت

### استقامت در انجام مأموریت

از دیگر ابعاد ایثار و جان‌فشانی در راه خدا، استقامت و ایستادگی است که مردان خدا را در انجام مأموریت‌هایشان به موفقیت نزدیک می‌نماید. جهادگران الی‌الله از هیچ سرزنشی احساس ناامیدی ننموده و همه‌ی تکیه و توکل خود را به خداوند معطوف می‌نمایند. بی‌تردید مخالفان اسلام و معاندین تلاش می‌نمایند با ایجاد فضای رعب، مجاهدین را از نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز جهاد مأیوس کنند. از دیگر ترفندهای دشمنان اسلام ایجاد تردید در دل اهل ایمان می‌باشد. شک و تردید مقدمه‌ای برای بروز ناامیدی در کسب موفقیت است. از بین رفتن اعتماد به نفس و توکل و در نهایت ضعف و ناتوانی می‌تواند موجب برهم‌خوردن تعادل رزمی و قدرت رزمندگان اسلام گردد. از همین رو قرآن کریم مسلمانان را به وصف استقامت در برابر سرزنش‌کنندگان توصیف نموده و آن را گامی بی‌بدیل در

عرصه‌ی ایثار و جهاد ذکر نموده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ  
يَحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَأِ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ  
يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود  
برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست  
می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن،  
[و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش  
هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که  
بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.

\*\*\*

﴿فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ...﴾<sup>۲</sup>

بنا بر این به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن...

\*\*\*

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ  
وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
بَصِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

۱. المائدة ۵ / ۵۴.

۲. الشوری ۴۲ / ۱۵.

۳. هود ۱۱ / ۱۱۲.

پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آن چه انجام می‌دهید بیناست.

### استقامت در ایمان

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةٌ  
مُمْتَحِنًا إِخْلَاصُهَا مُعْتَقِدًا مُصَاصُهَا تَمَسُّكُ بِهَا أَبَدًا مَا أَبْقَانَا وَنَدَخِرُهَا  
لِأَهَائِلِ مَا يَلْقَانَا فَإِنَّهَا عَزِيمَةُ الْإِيمَانِ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام : گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا معبودی نیست و هیچ شریکی ندارد، چنان گوهی‌ای که خلوصش از معرکه امتحان برآمده باشد، و با صفای نیت به آن پای‌بند باشم. تا زمانی که خدا ما را زنده می‌دارد همواره به این شهادت تمسک می‌جوییم، و آن را برای روزهای هولناکی که در پیش داریم ذخیره می‌سازیم، زیرا این شهادت نشانه‌ی پایداری ما در ایمان است.

## برکات استقامت

### نزول فرشتگان برای پایمردان

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۱</sup>

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند: ] هان، بیم مدارید و غمین م باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

### پایمردی تا ظفر

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۲</sup>

محققاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد.

۱. فصلت ۴۱ / ۳۰.

۲. الاحقاف ۴۶ / ۱۳.

### آسایش و راحتی، نتیجه‌ی استقامت

﴿وَأَلُو اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾<sup>۱</sup>

و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.

### رستگاری، میوه‌ی استقامت

رسول الله ﷺ : ان تَسْتَقِيمُوا تَفْلِحُوا.<sup>۲</sup>

رسول الله ﷺ : اگر ایستادگی کنید رستگار می‌شوید.

### استقامت، راهی به بهشت

الامامُ عليٌّ عليه السلام : مَنْ اسْتَقَامَ فَالِيَ الْجَنَّةِ، وَمَنْ زَلَّ فَالِيَ النَّارِ!<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام : هر که ایستادگی کند ره به بهشت برد، و هر که بلغزد به دوزخ درافتد!

۱. الجن ۷۲ / ۱۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۶۴.

۳. الغارات، ج ۲، ص ۶۲۶ / بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۹۷ / میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۶۴.

### پایمردی و مقاومت، دستیابی به کرامت انسانی

رسول الله ﷺ : عَلَيْكَ بِمَنْهَجِ السَّتِقَامَةِ فَإِنَّهُ يَكْسِبُكَ الْكِرَامَةَ وَ  
يَكْفِيكَ الْمَلَامَةَ!

رسول الله ﷺ : بر تو باد پایداری در راه راست، زیرا که این کار  
به تو کرامت می‌بخشد و سرزنش را از تو باز می‌دارد.

### راهکارهای رسیدن به استقامت

الامامُ عليٌّ عليه السلام : الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَالسَّتِقَامَةُ السَّتِقَامَةُ  
ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نَهْيَةً فَانْتَهُوا إِلَيْهَا وَإِنَّ لَكُمْ  
عِلْمًا فَاهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ وَأَخْرَجُوا  
إِلَى اللَّهِ مِمَّا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ وَبَيْنَ لَكُمْ مِنْ وُظَائِفِهِ أَنَا شَاهِدٌ  
لَكُمْ وَحَجِيجُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ أَلَا وَإِنَّ الْقَدَرَ السَّابِقَ قَدْ وَقَعَ وَالْقَضَاءَ  
الْمَاضِيَ قَدْ تَوَرَّدَ وَإِنِّي مُتَكَلِّمٌ بَعْدَ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «إِنَّ  
الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا  
تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» وَقَدْ قُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ  
فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَعَلَى مَنْهَاجِ أَمْرِهِ وَعَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ

۱. عیون الحکم و المواعظ ، ص ۳۳۳/ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۳/ میزان الحکمه،

ج ۱۰، ص ۵۰۶۲.

۲. فصلت ۴۱ / ۳۰.

عِبَادَتِهِ وَلَا تَمَرَّقُوا مِنْهَا وَلَا تَبَدَّعُوا فِيهَا وَلَا تُخَالِفُوا عَنْهَا.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : کار کنید، کار کنید! آن گاه به پایانشان رسانید و ایستادگی کنید، ... بدانید که آن چه از پیش مقدر شده بود به وقوع پیوست و قضای محتوم الهی، اندک اندک پدیدار گشت و من از وعده خدا و حجت او سخن می گویم. خدای متعال فرموده است: «کسانی که گفتند پروردگار ما الله است» پس در (عمل به) کتاب او و راه آشکار فرمان او و راه درست عبادت او، ایستادگی ورزید و از آن بیرون نروید و در آن بدعت مگذارید و از آن تخلف نورزید.

## فصل دوم: صبر

### صبر پشتوانه‌ی جامعه‌ی ایثارگری

اگر چه زیباترین نشانه‌های استقامت، جانبازی، فداکاری، ایثار و شهادت در صحنه‌های نبرد خود را نشان می‌دهد، لکن پشتوانه‌ی ظهور و تداوم آن، صبر و شکیبایی است. نماد کاملی از صبر و استقامت را می‌توان در فرهنگ عاشوراییان جستجو نمود. زینب کبری علیها السلام بزرگ پرچم‌دار صیانت از دستاوردهای قیام امام حسین علیه السلام با بهره‌گیری از صبر و شکیبایی، تاریخی بی‌نظیر را رقم زد که اگر از آن صرف‌نظر کنیم بسیاری از شگفتی‌های تاریخ

۱. أعلام الدین، ص ۱۰۶ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۹۰ / منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۱۹۱ / میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۶۲.



## بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۲۷۳

کربلا در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. صبر بر مصائب، تحمل اسارت، همراهی با زماندگان شهدا و استقامت بر رنج‌های فراوان از شاخصه‌های زندگانی اسوهی بردباری - حضرت زینب کبری علیها السلام - می‌باشد.

موفقیت جهادگران در عرصه‌ی جهاد را باید مرهون پدران و مادران صبوری بود که همواره فرزندان خود را با کوله‌باری از عشق و محبت بدرقه می‌نمودند تا هدیه‌ای به آستان مقدس کبریایی باشند. پدران و مادران ایثارگر که مشق جهاد را به فرزندان خود آموختند. صبر و شکیبایی همسران شهدا و ایثارگرانی که سالیان دراز رنج بی‌سامانی را به جان خریدند تا جامعه‌ی اسلامی سامان یابد. نمی‌توان فرهنگ ایثار و شهادت را بدون واژه‌ی صبر معنا نمود.

آزادگان شیرمردی را به یاد داریم که سال‌ها طعم سخت تنگی قفس ظلم و جور اسلام‌ستیزان را با رادمردی چشیدند و پشتشان نشکست تا پشتوانه‌ی اسلام محکم بماند. تحمل درد و رنج سال‌ها اسارت جز با تفکری خداگونه ممکن نمود؛ و در کنار آنان همسران و فرزندان که چشم به راه بازگشت عزیزان خود بودند. مادران و پدرانی که اشک را با خون‌دل به هم آمیختند تا مرهم زخم تنهایی آنان باشد.

جانبازانی که سال‌ها درد جسمی خود را تحمل کردند و خم به ابروانشان نیاوردند. سخت‌ترین شرایط زندگی را جانبازان و مصدومین سال‌های دفاع مقدس تجربه کرده‌اند. آنان با استقامت و با صبر مثال‌زدنی محصول مجاهدت‌های خود را پاس داشته و اجر آن را از بین نمی‌برند. تمام آنچه ذکر شد گوشه‌ای از تفسیر واژه‌ی صبر در فرهنگ ایثار و شهادت است. قرآن کریم و مجموعه‌ی روایات معصومین علیهم السلام و سیره‌ی بزرگان سرشار از

تأکیدی می‌باشد که در موضوع صبر نقل شده‌است.

﴿وَلَيَلْبُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٢﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿٣﴾﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مزده ده شکیبایان را: ﴿همان﴾ کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.» ﴿بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارش [ باد ] و راه‌یافتگان [ هم ] خود ایشانند.

\*\*\*

﴿تَلْبُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَسْمَعْنَ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٢﴾﴾

قطعاً در مال‌ها و جان‌هایتان آزموده خواهید شد، و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده‌اند، [سخنان دل] آزار بسیاری خواهید شنید، و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این [ایستادگی] حاکی

۱. البقره ۲ / ۱۵۵ تا ۱۵۷.

۲. آل عمران ۳ / ۱۸۶.

از عزم استوار [شما] در کارهاست.

\*\*\*

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

### امر به صبر جمیل

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾<sup>۲</sup>

پس صبر کن، صبری نیکو.

### معنای صبر جمیل

الامامُ الباقرُ عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الصَّبْرِ الْجَمِيلِ - : ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ<sup>۳</sup>.

۱. آل عمران ۳ / ۲۰۰.

۲. المعارج ۷۰ / ۵.

۳. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۹۳ / التمهيد، ص ۶۳ / مشكاة الأنوار، ص ۲۷۶ / سعد السعود، ص ۱۲۰ / تفسير الصافي، ج ۳، ص ۳۸ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۰۷ / هداية الأمة، ج ۱، ص ۲۲۱ / بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۱۰ / تفسير نور الثقلين، ج ۲، ص ۴۵۲ / ميزان الحكمه، ج ۶، ص ۲۹۶۲، حديث شماره ۱۰۱۰۶ و ۱۰۱۰۷.

امام باقر علیه السلام - در پاسخ به سؤال از شکیب نیکو - فرمود: شکیبی که در آن نزد مردم شکوه نمی‌کند.

### صبر، پایه‌ی ایمان به خدا

الامامُ علی علیه السلام: الايمانُ على أربعِ دعائمٍ (شُعَب) : على الصَّبرِ، و اليقينِ، و العدلِ، و الجهادِ و الصَّبرُ منها على أربعِ شُعَبٍ : على الشَّوقِ، و الشَّفَقِ، و الزُّهدِ، و التَّرقُّبِ : فَمَنْ اشتاقَ إلى الجَنَّةِ سَلا عنِ الشَّهواتِ، و مَنْ أشفقَ مِنَ النارِ اجتنَبَ المُحرِّماتِ، و مَنْ زهدَ في الدنيا استهانَ بالمُصِيباتِ، و مَنْ ارتقَبَ المَوتَ سارعَ إلى الخِيراتِ!

امام علی علیه السلام: ایمان دارای چهار ستون (شعبه) است: شکیبایی و یقین و عدالت و جهاد. شکیبایی نیز چهار شعبه دارد: شوق و ترس و زهد و انتظار؛ کسی که شوق بهشت داشته باشد از شهوات باز ایستد، کسی که از دوزخ بترسد، از حرام‌ها دوری کند و هر که در دنیا زهد ورزد، مصیبت‌ها را ناچیز شمارد، و کسی که منتظر مرگ باشد به کارهای خیر بشتابد.

\*\*\*

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۲۷۷

رسولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.

پیامبر خدا ﷺ: شکیبایی سه نوع است: شکیبایی در مصیبت، شکیبایی در انجام طاعت، و شکیبایی در ترک معصیت.

### شکیبایی، کرامتی در خدمت ایثار و فداکاری

﴿أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرَأُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾<sup>۲</sup>

آنند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می‌نمایند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند، دو بار پاداش خواهند یافت.

---

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۳۶ / التمحیص، ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، مدرسه امام مهدی، مدرسه الامام المهدي #، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ص ۶۴ / تحف العقول، ص ۲۰۶ / الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البتی<sup>۱</sup>، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۲ / جامع الأخبار، ص ۱۱۶ / مشکاة الأنوار، ص ۲۴ / إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۲۶ / مُسَكِّنُ الْفُوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَ الْأَوْلَادِ، شهید ثانی، زین الدین بن علی، بصیرتی، قم، بی‌تا، ص ۴۶ / وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۸ / البرهان، ج ۳، ص ۲۵۱ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۷۷ / ریاض السالکین، ج ۲، ص ۳۴۱ / مکاتیب الرسول، احمدی میانجی، علی، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۴۱ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۰، حدیث شماره ۱۰۱۰۰.

۲. الفصص ۲۸ / ۵۴.

### سرشت مؤمن بر صبر است

الامام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يُطَبَعُ عَلَى الصَّبْرِ عَلَى النَّوَائِبِ!

امام صادق عليه السلام: مؤمن بر صبر در برابر سختی‌ها سرشته شده است.

### برترین انواع صبر

الامام عليه السلام: الصَّبْرُ: إمَّا صَبْرٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ، أَوْ عَلَى الطَّاعَةِ، أَوْ عَنِ الْمَعْصِيَةِ، وَ هَذَا الْقِسْمُ الثَّلَاثُ أَعْلَى دَرَجَةٍ مِنَ الْقِسْمَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ!

امام عليه السلام: شکیبایی، یا شکیبایی در برابر مصیبت است یا در انجام طاعت و یا در ترک معصیت که نوع سوم آن از دو گونه نخست برتر است.

### برترین صبر

الامام عليه السلام: أَفْضَلُ الصَّبْرِ التَّصَبُّرُ!

امام عليه السلام: برترین شکیبایی، واداشتن خود به شکیبایی است.

- 
۱. مشکاة الأنوار، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۹۷ / عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۸۲۳ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰، شماره حدیث ۱۰۰۵۰.
  ۲. شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد، ج ۱، ص ۳۱۹ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۰، حدیث شماره ۱۰۱۰۱.
  ۳. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۱۳ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۸ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۱۴ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۰، حدیث شماره ۱۰۱۳۲.

## جایگاه صبر

### صبر، حیاتی دوباره به زندگی

الامامُ علیُّ عليه السلام: الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ فَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ.<sup>۱</sup>

امام علی عليه السلام: صبر در کارها به منزله سر در بدن است. همچنان که اگر سر از بدن جدا شود بدن فاسد می‌شود، صبر نیز هرگاه از کارها جدا شود، کارها تباه می‌گردد.

### صبر برای ایمان به منزله‌ی سر برای بدن

الامامُ الصادقُ عليه السلام: الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ.<sup>۲</sup>

امام صادق عليه السلام: صبر برای ایمان، به منزله‌ی سر است برای بدن. همچنان که اگر سر برود، بدن هم از بین می‌رود، اگر صبر از کف رفت، ایمان نیز از کف می‌رود.

---

۱. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۵۵ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۸۸ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۴، حدیث شماره ۱۰۰۶۴.  
۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۲۶ / جامع الأخبار، ص ۱۱۶ / مشکاة الأنوار، ج ۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۵۷ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۰۷ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، ص ۲۵۶ / عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۷۷۷ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۴، شماره حدیث ۱۰۰۶۶ و ۱۰۰۶۵.

## فضیلت صبر

### صابران، محبوب نزد خدا

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.

### صبر، برپا دارنده شکوه و اقتدار

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

---

۱. آل عمران ۱۴۶/۳.

۲. الانفال ۴۶/۸.



صبر، آغازی بر از خودگذشتن

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می‌شمارند (و از آن سخت وحشت می‌کنند) ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می‌گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)!!» آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟!

\*\*\*

رسولُ اللَّهِ ﷺ: فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا يُكْرَهُ خَيْرٌ كَثِيرٌ.

پیامبر خدا ﷺ: در شکیبایی بر ناملایمات، خیر بسیاری نهفته است.

۱. العنکبوت ۱۰/۲۹.

۲. تسلیة العباد در ترجمه مُسکَن الفؤاد، شهید ثانی، زین الدین بن علی، ترجمه اسماعیل مجد الادب‌اء خراسانی، تحقیق و تصحیح محمدرضا انصاری قمی، هجرت، دفتر نشر میراث مکتوب (وابسته به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، قم/تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۶۰ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۵۸، شماره حدیث ۱۰۰۲۳.

صبر، ناکامی دشمن

الامامُ علیُّ عليه السلام : الصَّبْرُ يُرْغِمُ الْأَعْدَاءَ.

امام علی عليه السلام: شکیبایی، بینی دشمنان را به خاک می‌مالد.

صابرین، محکم‌تر از از کوه

الامامُ علیُّ عليه السلام : تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُّ عَضُّ عَلِيٍّ نَاجِدِكَ أَعْرِ اللَّهَ  
جُمُجُمَتِكَ تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ أَرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ غَضُّ  
بَصْرِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.<sup>۲</sup>

امام علی عليه السلام: اگر کوه‌ها از جای کنده شود تو بر جای خویش  
ثابت بمان. دندان‌هایت را بر هم بفشار. سرت را به خداوند بسپار.  
قدم‌هایت را بر زمین چون میخ بکوی. به آخر سپاه دشمن بنگر. و  
دیده [از فراوانی آنان و برق شمشیرهایشان] فرو پوش، و بدان  
که پیروزی از سوی خدای سبحان است.

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۴ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰، حدیث شماره ۱۰۰۳۵

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۱، ص ۵۵.

### صبر در بلا، ویژگی مؤمن

الامامُ علیُّ عليه السلام - فی وصفِ المؤمنین - : نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَمَا نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ!

امام علی عليه السلام - در وصف مؤمنان - فرمود: در سختی‌ها همان‌گونه اند که در خوشی‌ها.

### انواع بلا بر مؤمن

رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ بَيْنَ خَمْسِ شِدَائِدٍ: مُؤْمِنٌ يَحْسِدُهُ، وَ مُنَافِقٌ يُبْغِضُهُ، وَ كَافِرٌ يُقَاتِلُهُ، وَ نَفْسٌ تُنَازِعُهُ، وَ شَيْطَانٌ يُضِلُّهُ!

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مؤمن، با پنج سختی دست به گریبان است: مؤمنی دیگر که به او حسادت می‌ورزد، منافقی که او را دشمن می‌دارد، کافری که با او می‌جنگد، نفسی که با او کشمکش می‌کند و شیطانی که در صدد گمراه کردن اوست.

---

۱. التمحیص، ص ۷۱ / تحف العقول، ص ۱۵۹ / صفات الشیعة، ابن بابویه، محمد بن علی، علمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ش، ص ۲۰ / کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۰ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۳۸ / مکارم الأخلاق، ص ۴۷۶ / أعلام الدین، ص ۱۳۹ / روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۱۵ / میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۸۴، حدیث شماره ۱۹۷۰.

۲. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۹۶.

### بذل جان و اهل و مال، ایثار مردان خدا

الامامُ عليٌّ عليه السلام: وَ اعْلَمُ أَنَّ اَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ اَفْضَلُهُمْ تَقَدُّمًا مِنْ نَفْسِهِ  
وَ اَهْلِهِ وَ مَالِهِ - [وَ اِنَّكَ] فَاِنَّكَ مَا تَقَدَّمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذَخْرُهُ وَ  
مَا تُؤَخَّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: بدان بهترین مؤمنان کسی است که بهتر از همه  
جان و اهل و مالش را در راه خدا پیش فرستد، زیرا هر خیری که  
پیش فرستی اندوخته شود و برایت بماند، و آنچه را پشت سر  
باقی گذاری بهره‌اش برای دیگران خواهد بود.

### صبر و رسیدن به مقامات بلند

#### پاداش صبر، تحقق وعده ای نیکو

﴿... وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا  
﴿...﴾<sup>۲</sup>

... و به پاس آنکه صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان  
اسرائیل تحقق یافت ...

\*\*\*

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۵۹ و ۴۶۰.

۲. الاعراف ۷ / ۱۳۷.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادی / ۲۸۵

---

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>۱</sup>

و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.

\*\*\*

﴿وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده اند نمی یابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد یافت.

صبر، راه دستیابی و فتح قله های بلند

الامامُ عليُّ عليه السلام: بالصَّبْرِ تُدْرِكُ مَعَالِيَ الْأُمُورِ<sup>۳</sup>

امام علی عليه السلام: با شکیبایی است، که مقامات بلند فراچنگ آیند .

---

۱ . السجده ۳۲ / ۲۴ .

۲ . الفصّل ۴۵ / ۳۵ .

۳ . عیون الحکم و المواعظ ، ص ۱۸۸ / غرر الحکم و درر الکلم ، ص ۳۰۱ / میزان

الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۲، شماره حدیث ۱۰۰۵۹ .

### صبر، افزایش دهنده قدرت‌ها

﴿...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ...﴾<sup>۱</sup>

بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.

### صبر، قدرت‌ها را ده برابر می‌کند

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ﴾<sup>۲</sup>

ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکبیا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند.

### صبر، دفع‌کننده مکر و نیرنگ دشمن

﴿إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَّا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾<sup>۳</sup>

۱. البقره ۲ / ۲۴۹.

۲. الانفال ۸ / ۶۵.

۳. آل عمران ۳ / ۱۲۰.

اگر به شما خوشی رسد آنان را بد حال می‌کند و اگر به شما گزند می‌رسد بدان شاد می‌شوند و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

### امدادهای غیبی

﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا وَيَاۤتُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِيْنَ﴾<sup>۱</sup>

آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش او خروش [بر شما بتازند، همان‌گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

### پیروزی و صبر، همراه هم

رسولُ اللهِ ﷺ: **اِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَ الْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ،** «و این مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»<sup>۳</sup>

پیامبر خدا ﷺ: همانا پیروزی با صبر همراه است و گشایش با گرفتاری، «و بی گمان با هر دشواری، آسانی هست»

۱. آل عمران ۳ / ۱۲۵.

۲. الشرح ۶ / ۹۴.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۳ / مكارم الاخلاق، ص ۴۶۹ / مشكاة الأنوار، ص ۲۱ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۶۳ / تسليية العباد در ترجمه مسكن الفؤاد، ص ۶۳ / وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۲۶۳ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۸۳ / تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۶۰۵ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۳۳۶ / نهج الفصاحة، ص ۲۲۴ / ميزان الحكمه، ج ۶، ص ۲۹۶۴، حديث شماره ۱۰۰۶۸.

\*\*\*

الامامُ عليُّ عليه السلام: مَنْ رَكِبَ مَرْكَبَ الصَّبْرِ اهْتَدَى إِلَى مِضْمَارِ النَّصْرِ!

امام علی علیه السلام: هر که بر مرکب شکیبایی نشیند، به خطّ پابان پیروزی  
رسد.

## نشانه‌های صابرين

### مواجهه ی صابرين با مصيبت

﴿وَلَيَلْبُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٥٢﴾﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشِ در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را: ﴿٥١﴾ [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.»

\*\*\*

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۴۶ / حلیة الأبرار، ج ۴، ص ۵۹۷ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷۹ / عوالم العلوم، ج ۲۳، ص ۲۷۶ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۴، حدیث شماره ۱۰۰۶۹.

۲. البقره ۲ / ۱۵۵ و ۱۵۶.



بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادی / ۲۸۹

رسولُ اللَّهِ ﷺ: عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ: أَوْلَاهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ، وَالثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ، وَالثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُوَ مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى؛ لِأَنَّهُ إِذَا كَسَلَ قَدَّ ضَيَّعَ الْحَقَّ، وَ إِذَا ضَجَرَ لَمْ يُوَدِّ الشُّكْرَ، وَ إِذَا شَكَا مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَّ عَصَاهُ.

پیامبر خدا ﷺ: نشانه شکیبا سه چیز است: اول آن که تنبلی نمی‌وزرد، دوم آن که افسرده و دلتنگ نمی‌شود، و سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی‌کند؛ زیرا اگر تنبل باشد، حق را فرو می‌گذارد و اگر افسرده و دلتنگ باشد، شکر نمی‌گذارد و اگر از پروردگار شکایت کند، معصیت او را کرده است.

### شیعیان اهل بیت (ع)، صابرین با ایمان

الامامِ الصَّادِقِ ع: إِنَّا صَبِرٌ وَ شِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِنَّا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؟ قَالَ: لِأَنَّا نَصْبِرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ، وَ شِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ!

به نقل از و شاء از بعضی از یارانش - : امام صادق ع فرمود : ما صابریم اما شیعیان ما، از ما صابرتند. عرض کردم : فدایت شوم، چگونه می‌شود که شیعیانتان از شما صابتر باشند؟

فرمود : چون ما بر آنچه می‌دانیم صبر می‌کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی‌دانند صبر می‌کنند.

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۹۸ / وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۸۶ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۲، حدیث شماره ۱۰۱۰۸.
۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۴۲ / الوافی، ج ۴، ص ۳۴۰ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۸۰ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۲، حدیث شماره ۱۰۱۰۹ و ۱۰۱۱۰.

### صبر، استوار کننده قلب

الامامُ عليُّ عليه السلام : التَّصَبُّرُ عَلَى الْمَكْرُوهِ يَعِصِمُ الْقَلْبَ.

امام علی علیه السلام: واداشتن خود به شکیبایی در برابر امور ناخوشایند، دل را نگاه می‌دارد.

### طلب صبر از خداوند

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا افرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند: «پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

### طلب صبر، مرگ با ایمان

﴿وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا اِلَّا اَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا افرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾<sup>۳</sup>

۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۶۴ / روضه المتقین، ج ۱۳، ص ۸۱ / شرح الکافی - الأصول و الروضة، مازندرانی، محمد صالح بن احمد، تحقیق و تصحیح ابوالحسن شعرانی، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ص ۲۹۱ / مرآة العقول، ج ۸، ص ۱۷۱ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰، حدیث شماره ۱۰۱۲۹.

۲. البقره ۲ / ۲۵۰.

۳. الاعراف ۷ / ۱۲۶.

و تو جز برای این ما را به کیفر نمی‌رسانی که ما به معجزات پروردگاران - وقتی برای ما آمد - ایمان آوردیم. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران.

### صبر، نعمتی الهی

رسولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْمَعُونَةَ تَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ، وَ  
إِنَّ الصَّبْرَ يَأْتِي مِنَ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ الْبَلَاءِ.

پیامبر خدا ﷺ: کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می‌رسد،  
و شکیبایی از جانب خداوند به اندازه بلا می‌آید.

\*\*\*

الإمامُ عَلِيُّ ع: أَخَذَ اللَّهُ بِقُلُوبِنَا وَ قُلُوبِكُمْ إِلَى الْحَقِّ، وَ أَلْهَمَنَا وَ  
إِيَّاكُمْ الصَّبْرَ!

امام علی ع: خداوند دل‌های ما و دل‌های شما را به سوی حق  
متوجه سازد و به ما و شما شکیبایی عطا فرماید.

---

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۰ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰، حدیث شماره ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶.

۲. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۴۲ / بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۴۹ / الحیاء، ج ۲، ص ۴۰۸ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۶۰، حدیث شماره ۱۰۱۳۷.

## فصل سوم: مصیبت دیدن

### بزرگترین مصیبت

الامام علی عليه السلام: الْمُصِيبَةُ بِالصَّبْرِ أَعْظَمُ الْمُصِيبَتَيْنِ ١.

امام علی عليه السلام: مصیبت از دست دادن شکیبایی، بزرگ‌ترین مصیبت است.

### سخت‌دلی، بزرگ‌ترین مصیبت

الامام الصادق عليه السلام - فِي مَعْنَى التَّعْزِيَةِ - : إِنْ كَانَ هَذَا الْمَيْتُ قَدْ قَرَّبَكَ مَوْتَهُ مِنْ رَبِّكَ أَوْ بَاعَدَكَ عَنْ ذَنْبِكَ فَهَذِهِ لَيْسَتْ مُصِيبَةً، وَ لَكِنَّهَا لَكَ رَحْمَةٌ وَ عَلَيْكَ نِعْمَةٌ، وَ إِنْ كَانَ مَا وَعَظَكَ وَ لَا بَاعَدَكَ عَنْ ذَنْبِكَ، وَ لَا قَرَّبَكَ مِنْ رَبِّكَ فَمُصِيبَتِكَ بِقِسَاوَةِ قَلْبِكَ أَعْظَمُ مِنْ مُصِيبَتِكَ بِمَيْتِكَ، إِنْ كُنْتَ عَارِفًا بِرَبِّكَ!

امام صادق عليه السلام - در معنای تسلیت دادن - فرمود: اگر مرگ این

---

۱. عیون الحکم و المواعظ ، ص ۲۷ / غرر الحکم و درر الکلم ، ص ۸۶ / تسلیة العباد در ترجمه مسکن الفؤاد ، ص ۱۴۷ / میزان الحکمه، ج ۶ ، ص ۲۹۶۰، حدیث شماره ۱۰۰۴۶.  
۲. فلاح السائل و نجاح المسائل، ابن طاووس، علی بن موسی، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق، ص ۸۲ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۸۸ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۷۸ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۴، شماره حدیث ۰۸۵۳.

میّت تو را به پروردگارت نزدیک یا از گناهت دور کرده باشد، این مصیبت نیست، بلکه برای تو رحمتی و نعمتی است؛ اما اگر مرگ او تو را پند نداده و از گناهت دور نکرده و به پروردگارت نزدیک نساخته باشد، مصیبتِ سخت دلی تو بزرگتر از مصیبتِ مرگ میّت توست؛ اگر پروردگارت را بشناسی.

### مصیبت دیدن مؤمنان در راه خدا

رسول الله ﷺ

پیامبر خدا ﷺ: [در دوران‌های] پیش از شما، مرد [مؤمن] را می‌گرفتند و زمین را می‌کنند و او را در گودال می‌گذاشتند و با اَره، از فرق سر، به دو نیمش می‌کردند و با این همه، از دین خود دست بر نمی‌داشت. با شانه‌های آهنین، گوشت بدنش را تا استخوان و عصب می‌کنند و این همه او را از دینش باز نمی‌داشت.

### اصحاب اخدود

الامامُ الباقِرُ عليه السلام: بَعَثَ اللهُ نَبِيًّا حَبَشِيًّا إِلَى قَوْمِهِ، فَقَاتَلَهُمْ فَقَتَلَ أَصْحَابَهُ وَ أُسْرُوا، وَ خَدُّوا لَهُمْ أُخْدُودًا مِنْ نَارٍ، ثُمَّ نَادَوْا: مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِنَا فَلْيَعْتِزِلْ، وَ مَنْ كَانَ عَلَى دِينِ هَذَا النَّبِيِّ فَلْيَقْتَحِمِ النَّارَ، فَجَعَلُوا يَقْتَحِمُونَ النَّارَ، وَ أَقْبَلَتْ امْرَأَةٌ مَعَهَا صَبِيٌّ لَهَا فَهَابَتْ النَّارَ، فَقَالَ لَهَا صَبِيُّهَا: اقْتَحِمِي، قَالَ: فَاقْتَحَمَتِ النَّارَ، «وَهُمْ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ»<sup>۳</sup>.

۱. کنز العمال، حدیث شماره ۱۳۲۰.

۲. البروج ۸۵ / ۱۰.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۰ / البرهان، ج ۵، ص ۶۲۵ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۴۴.

امام باقر علیه السلام: خداوند پیامبری حبشی برای قوم خودش برانگیخت. او با آنان جنگید و یارانش کشته و اسیر گشتند. آنان شیارهایی در زمین کردند و در آنها آتش افروختند و آن‌گاه [خطاب به پیروان اسیر آن پیامبر] فریاد زدند: هر که بر آیین ماست به کناری رود و هر که پیرو دین این پیامبر است خود را به آتش زند. آنان خود را به دل آتش می‌زدند. زنی همراه کودک خود جلو آمد، اما از آتش ترسید. کودکش به او گفت: درون آتش رو و مادر خود را در دل آتش افکند. و اینان، همان اصحاب اُخدودند.

#### پاداش مصیبت در جهاد

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَلْذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾<sup>۱</sup>

خداوند، درخواست آن‌ها را پذیرفت (و فرمود:) من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد شما هم‌نوعید، و از جنس یکدیگر! آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و

آن‌ها را در باغ‌های بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است.

### مصایب، کلیدهای پاداش

الامامُ الحسنُ عليه السلام: المصائبُ مفاتيحُ الأجر!

امام حسن عليه السلام: مصیبت‌ها، کلیدهای اجرند.

### پاداش الهی

الامامُ الباقرُ عليه السلام - لِرَجُلٍ يَشْكُو إِلَيْهِ مُصَابَهُ بَوَدَّه - : أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَمِنْ وُلْدِهِ أَنْفَسَهُ لِيَأْجُرَهُ عَلَى ذَلِكَ؟!<sup>۲</sup>

امام باقر عليه السلام - به مردی که نزد ایشان از داغِ فرزندش شکایت کرد - فرمود: مگر نمی‌دانی که خداوند از مال مؤمن و از فرزندان او بهترینش را بر می‌گزیند تا بدین وسیله به وی اجر دهد؟!

### صبر بر شدائد، جهاد اکبر است

الامامُ الصادقُ عليه السلام - لِرَجُلٍ قَدْ اشْتَدَّ جَزَعُهُ عَلَى وَلَدِهِ - : يَا هَذَا جَزَعْتَ لِلْمُصِيبَةِ الصُّغْرَى، وَ غَفَلْتَ عَنِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى! و لو كنتَ

---

۱. العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)، تحقیق و تصحیح مهدی رجایی و محمود مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ص ۳۷ / أعلام الدین، ص ۲۹۷ / مسکن الفؤاد، ص ۴۳ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۱۳ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۲، شماره حدیث ۱۰۸۴۳.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۵، ص ۵۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۴۳ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۲۳ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۲، شماره حدیث ۱۰۸۴۴.

لَمَّا صَارَ إِلَيْهِ وَكَذَلِكَ مُسْتَعِدًّا لَمَّا اشْتَدَّ عَلَيْهِ جَزَعُكَ، فَمُصَابِكَ  
بِتَرَكَكَ الْإِسْتِعْدَادَ لَهُ أَعْظَمُ مِنْ مُصَابِكِ بَوْلِكَ.

امام صادق علیه السلام - به مردی که در مرگ فرزندش سخت بی‌تابی  
می‌کرد - فرمود: ای مرد! تو در کوچک‌ترین مصیبت بی‌تابی  
می‌کنی و از بزرگ‌ترین مصیبت غافل! اگر برای آن جایی که  
فرزندت رفت، آماده بودی هرگز برای او بیتابی نمی‌کردی. مصیبت  
آماده نشدن تو برای آن روز، بزرگ‌تر از مصیبت فرزندت توست.

#### ایثار، شهادت، صبر بر مصائب

﴿وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٥٢﴾﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهشی  
در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان  
را: ﴿٥١﴾ [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند:  
«ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.»

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۵ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۹ / مشکاة الأنوار،  
ص ۳۰۰ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۳۶ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۷۴ / عوالم العلوم،  
ج ۲۰، ص ۶۴۸ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۲، شماره حدیث ۱۰۸۵۲ و ۱۰۸۵۳.  
۲. البقره ۲ / ۱۵۵ و ۱۵۶.



### آمزش گناهان، وعده ای به صابران

الامامُ الباقِرُ عليه السلام: ما من مؤمنٍ يُصابُ بمُصيبةٍ في الدنيا فيسترجعُ عندَ مُصيبتهِ حينَ تَفجَّاهُ المُصيبةُ، إلا غَفَرَ اللهُ لَهُ ما مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ إلا الكَبائِرَ التي أوجِبَ اللهُ عَلَيْها النارَ.

امام باقر عليه السلام: هیچ مؤمنی نیست که در دنیا مصیبتی به او رسد و هنگامی که خبر ناگهانی آن به او رسد استرجاع گوید، مگر آن که خداوند گناهان گذشته او را ببامزد، به جز گناهان کبیره که خداوند برای آن‌ها آتش واجب کرده است.

### سفارش به صبر در مصایب

الامامُ الصادقُ عليه السلام وَا: «! اصْبِرُوا عَلَى الْفُرَائِضِ، وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ!»

امام صادق عليه السلام - درباره آیه «و شکبیا باشید و پایداری ورزید» - فرمود: در انجام فرایض شکبیا باشید و در برابر مصائب، پایداری ورزید.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۵ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۹۷ / الدعوات، ص ۲۸۶ / مسکن الفؤاد، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۲۷ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۴، شماره حدیث ۱۰۸۵۴.

۲. آل عمران ۳ / ۲۰۰.

۳. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۲۹ / الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۱۰ / تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۱۱ / وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۹ / إثبات الهداة، ج ۲، ص ۲۱۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۳۰ / بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۷ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۴۲۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۳، ص ۲۹۹ / مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۵۸ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۷۰، شماره حدیث ۱۰۰۹۵ و ۱۰۰۹۶.

### صبر در مصیبت، همچون حصار محکم

بحار الأنوار عن قَبِيصَةَ : كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا، إِذْ أَتَتْهُ  
امْرَأَةٌ فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، ادْعُ اللَّهَ لِي فَإِنَّهُ لَيْسَ يَعِيشُ لِي وَكَدُّ،  
فَقَالَ ﷺ : وَ كَمْ مَاتَ لَكَ وَكَدُّ ؟ قَالَتْ : ثَلَاثَةٌ، قَالَ : لَقَدْ احْتَضَرْتَ  
مِنَ النَّارِ بِحِظَارٍ شَدِيدٍ !

بحار الأنوار - به نقل از قبیصه - : نزد پیامبر خدا ﷺ نشست  
بودم که زنی آمد و از مرگ فرزندانش شکوه کرد و گفت: ای  
رسول خدا! از خدا برای من طلب فرزند نما. حضرت ﷺ به او  
فرمود : چند فرزند از تو مرده است؟ عرض کرد : سه تا . فرمود :  
تو در برابر آتش، حصار محکمی بر گرد خود کشیده ای.

### صلوات و رحمت خداوند بر صابران بر مصایب

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ  
الْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ  
قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ  
وَ رَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾﴾

و قطعاً شما را به چیزی از [ قبیل ] ترس و گرسنگی، و کاهش  
در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را

۱. مسکن الفؤاد، ص ۳۲ / بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۲۱ / میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۸۶، شماره

حدیث ۱۰۸۶۰.

۲. البقره ۲ / ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۲۹۹

---

☆ [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند:  
«ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم.» ☆ بر ایشان  
درودها و رحمتی از پروردگارشان [ باد ] و راه‌یافتگان [ هم ] خود  
ایشانند.

## فصل چهارم: جانبازی

جانبازان، یادگارانی از جبهه‌های حق علیه باطل و نمادی از فداکاری و ایثارگری‌اند که با اهدای عضوی از اعضای بدن خود، وفاداری خویش را به نظام اسلامی اعلام نموده‌اند. اگرچه جانبازان به درجه‌ی پرافتخار شهادت در راه حق نائل نشده‌اند، لکن سربلند و با افتخار به مجاهدت خود می‌بالند. مرور واژه‌ی «جانبازی»، هر شیفته‌ی شیدایی را به یاد نبرد پرافتخار اُحد می‌اندازد که چگونه وجود ارزشمند نبی مکرم ﷺ در برابر پرتاب سنگ کینه‌ی دشمن دچار جراحت گردید. بازخوانی کلام پرافتخار جانباز، انسان آزاده را به یاد دوره‌ی کوتاه جانبازی امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌اندازد که چگونه با تحمل آسیب شمشیر کینه و خشم دشمن، نمادی از اخلاق را در ادبیات تاریخی اسلام به نمایش گذاشت. در این دوره‌ی کوتاه جانبازی علی علیه السلام در کمال عظمت و جودی خود با ابن ملجم مرادی مواجه شده و با وی مدارا نمود.

تماشای جانفشانی بزرگمرد میدان جهاد و ایثار و جانباز عرصه‌ی کارزار محرم، ابوالفضل العباس علیه السلام شوق را در دل هر مسلمان با ایمانی زنده می‌نماید. بازخوانی تاریخ کربلا یادآور رشادت و ایثارگری مردانی است که با جانفشانی خود را در قلمرو کاروانی ماندگار قرار دادند و از این میان نام ابوالفضل العباس علیه السلام با عنوان الگوی جانبازان جاودانه شد.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۳۰۱

---

﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾<sup>۱</sup>

[ و به آنان می‌گویند: ] «درود بر شما به [ پاداش ] آن‌چه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرای!».

جانبازان، جهادگران منتظری هستند که با اهدای بخشی از وجود خود درخت تنومند اسلام را آبیاری نموده‌اند. ایثارگران جانباز همواره در انتظار فرا رسیدن لحظه‌ی موعود شهادتند. صبر و استقامت را می‌توان در وجود اینان به وضوح مشاهده نمود.

\*\*\*

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾<sup>۲</sup>

از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [ همین ] انتظارند و [ هرگز عقیده خود را ] تبدیل نکردند.

### از خود گذشتگی و تکامل اجتماعی

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْآيْمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ

---

۱. الرعد ۱۳ / ۲۴.

۲. الاحزاب ۳۳ / ۲۳.

كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱﴾

و [ نیز ] کسانی که قبل از [ مهاجران ] در [ مدینه ] جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [ مبرم ] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند. و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند.

### الگوی جانبازی

رسولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أُودِيَ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُودِيَ فِي اللَّهِ !

پیامبر خدا ﷺ: هیچ‌کس به اندازه‌ی من در راه خدا آزار و اذیت ندیده است.

### اخلاص در جانبازی

الامامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: لَمْ يَمْنُوا عَلَيَّ اللَّهُ بِالصَّبْرِ وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بِذَلِّ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ حَمَلُوا

۱. الحشر ۵۹/۹.

۲. التمجيص، ص ۴ / مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الكافي-الأصول والروضه، المكتبة الإسلامية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق، ج ۹، ص ۱۹۰ / كبير مدني، سيد عليخان بن احمد، رياض السالكين في شرح صحيفه سيد الساجدين، دفتر انتشارات اسلامي، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۴۶۹ / پاينده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول)، دنياي دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۹۷، شماره حديث ۲۶۲۶ / ميزان الحكمه، ج ۱، ص ۱۲۰، حديث شماره ۴۶۴.

### بَصَائِرُهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : و بر خدا نیز منت نگذارند، و جانبازی در راه خدا را بزرگ ندانستند. تا آن گاه که قضای الهی به پایان گرفتن آیام محنت و گرفتاری موافق افتاد، با بصیرت دست به شمشیر بردند.

### پاداش مجروح در راه خدا

رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ جُرِحَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِيحُهُ كَرِيحِ الْمِسْكِ وَ لَوْنُهُ لَوْنُ الزَّعْفَرَانِ، عَلَيْهِ طَابِعُ الشُّهَدَاءِ، وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ مُخْلِصًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ<sup>۲</sup>.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در راه خدا مجروح شود، در روز قیامت بویش همچون بوی مشک باشد و رنگش مانند رنگ زعفران و نشان شهیدان بر اوست و هر کس شهادت را خالصانه از خداوند بخواهد، خداوند اجر شهید به وی دهد هر چند در بسترش بمیرد.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، ص ۲۰۹.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۶، شماره حدیث ۹۸۱۴.

## پنجم: گذری بر تاریخ، الگوی رفتاری ایثارگری و رشادت

### انبیاء و رسولان علیهم السلام

#### فداکاری همه‌ی پیامبران علیهم السلام در انجام رسالت

الامامُ علیُّ علیه السلام : رُسُلٌ لَّا تُقَصَّرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَ لَّا كَثْرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : پیامبرانی که کمی آنان، و فراوانی مردمی که تکذیبشان می‌کردند آنان را از انجام رسالتشان باز نداشت.

#### حضرت ابراهیم علیه السلام، نخستین مجاهد

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ  
الْخَلِيلُ علیه السلام، حَيْثُ أُسْرَتِ الرُّومُ لُوْطَاءَ علیه السلام فَنَفَرَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام حَتَّى  
اسْتَنْقَذَهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : نخستین کسی که در راه خدا جنگید، ابراهیم  
خلیل است و آن، زمانی بود که رومی‌ها، لوط را به اسارت گرفتند  
و ابراهیم علیه السلام نیرویی بسیج کرد و او را از دست آن‌ها نجات داد.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۴۳.

۲. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۴۷ / بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۱۱۵ / میزان

الحکمه، ج ۲، ص ۸۳۸، حدیث شماره ۲۶۸۷.



### حضرت موسی علیه السلام، الگوی از خود گذشتگی

الامامُ علیُّ علیه السلام : لَمْ یُوجِسْ مُوسَى علیه السلام خِيفَةً عَلَی نَفْسِهِ بَلْ أَشْفَقَ  
مِنْ غَلْبَةِ الْجُهَالِ وَ دَوْلِ الضَّلَالِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : [ من برای خودم ترسی در دل ندارم، چنان که ]  
موسی علیه السلام [در میدان نمایش سحر جادوگران ] بر خودش  
نترسید، بلکه بیم آن داشت که جاهلان و حکومت‌های گمراه  
پیروز شوند.

### اهل بیت علیهم السلام، بیشتازان خط مقدم جبهه

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا احْمَرَ الْبَاسُ - وَ أَحْجَمَ  
النَّاسُ قَدَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَوْقَى بِهِمْ أَصْحَابَهُ حَرَّ السُّيُوفِ وَالْأَسِنَّةِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : هرگاه تنور جنگ گرم می‌شد [ = کارزار سخت  
می‌شد ] و مردم پای واپس می‌گذاشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل  
بیت خود را پیش می‌فرستاد و بدین روش اصحاب خود را از  
ضربه‌های سخت شمشیر و نیزه مصون می‌ساخت.

### شهادت، عاقبت اهل بیت علیهم السلام

الامامُ الحسنُ علیه السلام : لَقَدْ حَدَّثَنِي حَبِيبِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴، ص ۵۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۹، ص ۳۶۸ و ۳۶۹.

الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَفْوَتِهِ، مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ  
أَوْ مَسْمُومٌ.<sup>۱</sup>

امام حسن علیه السلام: جدّ محبوبم رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که امر امامت را دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان او به عهده خواهند گرفت. هیچ یک از ما نیست مگر آن که یا کشته می شود یا مسموم.

### امیرالمؤمنین علی علیه السلام و رشادت در خردسالی

الْإِمَامُ عَلِيُّ علیه السلام : أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكُلِّ كَلِ الْعَرَبِ وَ كَسَرْتُ  
نَوَاجِمَ قُرُونِ رَبِيعَةَ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام: من [ در خردسالی ] سرکشان عرب را به خاک افکندم، و شاخ دو قبیله ربیعه و مضر را در هم کوفتم.

### امیرالمؤمنین علی علیه السلام و روحیه جنگاوری در جوانی

الْإِمَامُ عَلِيُّ علیه السلام : وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا

---

۱ . الانصاف فی النصّ علی الأئمة الاثني عشر<sup>۱</sup>، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، تحقیق و تصحیح و ترجمه هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ق، ص ۴۵۳ / بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷ و ج ۴۳، ص ۳۶۴ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۶، شماره حدیث ۹۸۱۵ و ۹۸۱۶، ۹۸۱۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۰.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادی / ۳۰۷

---

مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : و آیا کسی از آنان هست که بیش از من در میدان جنگ به سر برده، و پیش قدم‌تر از من در میدان کارزار باشد. هنوز بیست سال نداشتم که برای جنگ مهیا شدم.

### ویژگی‌های اخلاقی و نظامی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الامامُ علیُّ علیه السلام : أَمَا وَاللَّهِ إِنْ كُنْتُ لَفِي سَاقَتِهَا حَتَّى [ وَكَلْتُ ] تَوَلَّتُ بِحَدِّفِيرِهَا مَا [ ضَعَفْتُ ] عَجَزْتُ وَ لَا جَبْنْتُ وَ إِنِّ مَسِيرِي هَذَا لِمِثْلِهَا فَلَا تَقْبَنَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنْبِهِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا سوگند من در میان این سپاه بودم که به لشکر کفر تاخت و آنان را به هزیمت واداشت. نه ناتوان شدم و نه ترسیدم. اکنون نیز بر همان حال هستم، قطعاً پرده باطل را می‌شکافم تا حق از پهلوی آن خارج شود.

### امیرالمؤمنین علی علیه السلام و توصیف صلابت و رشادت و شجاعت

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَوَاللَّهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ ذَلِكَ ضَرَبْتُ بِالْمَشْرِفِيَّةِ تَطِيرُ

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۷۱.

۲. چنان که علامه شوشتری در بهج الصباغة ج ۱۰، ص ۵۱۴ آورده، روایت مسعودی که در آن به جای « ما بلغت العشرين؛ هنوز بیست سال نداشتم » آمده « و ما بلغت الثلاثين؛ هنوز سی سال نداشتم » صحیح‌تر به نظر می‌رسد، زیرا سن امیرمؤمنان<sup>ع</sup> در نخستین جنگ، یعنی بدر بیست و پنج سال بود. ترجمه نهج البلاغه، علی شیروانی، ص ۷۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ص ۷۷.

مِنْهُ فَرَّاشُ الْهَامِ وَ تَطِيحُ السَّوَاعِدِ وَ الْأَقْدَامُ - «و يَفْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَا يَشَاءُ»<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا قسم پیش از آن که به دشمن فرصت دهم با شمشیر مشرفی چنان ضربه‌ای بر او وارد سازم که تکه‌های استخوان سرش به آسمان رود، و دست و پایش قطع شود، و پس از آن خداوند هر چه خواهد کند.

### رشادت و جنگاوری امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الامامُ عليٌّ عليه السلام : وَ لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه أَنِّي لَمْ أَرُدَّ عَلَى اللَّهِ وَ لَا عَلَى رَسُولِهِ سَاعَةً قَطُّ وَ لَقَدْ وَأَسَيْتُهُ بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنَكَّصُ فِيهَا الْأَبْطَالُ وَ تَتَأَخَّرُ فِيهَا الْأَقْدَامُ نَجْدَةً أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهَا.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : از یاران محمد صلوات الله عليه آنان که حافظان دین هستند می‌دانند که من هرگز لحظه‌ای از فرمان خدا و رسول او روی نگردانده‌ام، و پیامبر را به جان و دل یاری داده‌ام، آن هم در میدانهایی که پهلوانان می‌گریختند، و گام‌ها به عقب بازمی‌گشت، و این شجاعتی بود که خداوند مرا بدان گرامی داشت.

\*\*\*

۱. سوره ابراهیم ۱۴ / ۲۷ .

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۷۸ و ۷۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷، ص ۳۱۱ .

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۳۰۹

---

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقَيْتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طَلَاعُ الْأَرْضِ  
كُلَّهَا مَا بَالَيْتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا سوگند، اگر به تنهایی با دشمنان مواجه می‌شدم و آنان تمام زمین را پر کرده بودند، نه باک داشتم و نه می‌ترسیدم.

### پرهیز از جنگ افروزی

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَقَدْ دَعَوْتُ إِلَى الْحَرْبِ فَدَعَى النَّاسَ جَانِبًا وَ أَخْرَجُ  
إِلَيَّ وَ أَعَفُّ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ لِتَعْلَمَ أَيْنَا الْمَرِينُ عَلَى قَلْبِهِ وَ الْمَغْطَى  
عَلَى بَصْرِهِ!<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : مرا به جنگ فراخواندی، پس مردم را واگذار و خود به تنهایی به جانب من بیا، و هر دو سپاه را از پیکار معاف دار، تا دانسته شود که قلب کدام یک از ما را زنگار گناه، سیاه کرده، و بر دیده‌ی کدام یک از ما پرده افتاده؟!

سایر ویژگی‌ها و فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میدان‌های فتنه و

نبرد

الامامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا وَ تَطَلَعْتُ حِينَ تَقَبَعُوا وَ  
نَطَقْتُ حِينَ تَعْتَعُوا وَ مَضَيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا وَ كُنْتُ أَخْفَضَهُمْ

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۲، ص ۴۵۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۱۰، ص ۳۷۰.

صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ فَوْتًا. فَطَرْتُ بَعَانَهَا وَ اسْتَبَدَّتْ بِرِهَانِهَا كَالْجَبَلِ لَنَا  
تُحَرِّكُهُ الْقَوَاصِفُ وَ لَا تُزِيلُهُ الْعَوَاصِفُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي مَهْمَزٍ وَ لَا  
لِقَائِلٍ فِي مَغْمَزٍ الذَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ عِنْدِي  
ضَعِيفٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : زمانی که دیگران سستی کردند من به انجام  
وظیفه برخاستم، و هنگامی که هرکس سر در لاک خود فروبرده  
بود من آشکارا به میدان آمدم، و آن زمان که زبان همه بسته بود  
من سخن گفتم، و وقتی که همگان در راه مانده بودند من به نور  
خدا گام در راه نهادم. [ در هنگام شعار ] صدایم از همه آهسته‌تر  
بود، ولی در مقام عمل از همه برتر بودم. در راه فضیلت عنان  
گشوده پرواز کردم، و جایزه این مسابقه را از آن خود ساختم،  
چونان کوهی که تندباد آن را نجنباند، و طوفان تکانش ندهد.  
کسی نتوانسته از من خرده بگیرد و یا درباره‌ام بد بگوید. انسان  
ضعیف در چشمم گرامی است تا حق را برایش بگیرم، و انسان  
توانمند در دیده‌ام ضعیف است تا حق را از او بستانم.

### برکات رشادت و جنگاوری امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ أَيْمُ اللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ مِنْ سَاقَتِهَا حَتَّى تَوَلَّتُ  
بِحَدِّ أَفِيرِهَا وَ اسْتَوْسَقْتُ فِي قِيَادِهَا مَا ضَعُفْتُ وَ لَا جُبْتُ وَ لَا خُنْتُ وَ

لَا وَهْنٌ وَ آيْمُ اللَّهِ لَأَبْقُرَنَّ الْبَاطِلَ حَتَّىٰ أُخْرِجَ الْحَقَّ مِنْ خَاصِرَتِهِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : به خدا قسم، من که پیشرو لشکر اسلام بودم و سپاه کفر را می‌راندم تا آن که همگی از آیین کفر بازگشتند، و در سایه پرچم اسلام در آمدند، نه ضعف در وجودم راه یافت، و نه ترس، نه خیانت ورزیدم، و نه سستی نشان دادم. به خدا سوگند، باطل را می‌شکافم تا حق را از درون آن بیرون آورم.

#### فداکاری دلسوزانه در سامان‌دهی امور مسلمین جامعه

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ اللَّهِ لَأُسَلِّمَنَّ مَا سَلَّمْتَ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً التَّمَاثَا لَأَجْرِ ذَلِكَ وَ فَضْلِهِ.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام : شما می‌دانید که من سزاوارترین شخص برای خلافت هستم. به خدا قسم [ به آن چه کردید ] اگر در آن می‌نهم تا وقتی که امور مسلمانان به سامان باشد، و در آن جز بر من ستم نشود، [ و من این ستم را تحمل می‌کنم ] تا پاداش و فضل آن را بجویم.

#### جلوه ای از روحیه جهادی علی علیه السلام

الامامُ علیُّ علیه السلام : أَنَا لَكُمْ وَزِيرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا.<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۴، ص ۱۵۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۷۴، ص ۱۰۴.

۳. هنگامی که شورای خلافت تصمیم گرفت با عثمان بیعت کند.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۹۲، ص ۱۳۶.

امام علی علیه السلام : اگر وزیرتان باشم برای شما بهترم تا آن که امیرتان باشم.

### افزایش ایمان و تسلیم و حرکت در صراط مستقیم و شکیبایی بر دردها

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضِّ النَّالِمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : ما مسلمانان با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم، پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود را [ که کافر بودند و با اسلام می‌جنگیدند ] می‌کشتیم، و این امر تأثیری در ما نداشت جر آن که ایمان، تسلیم، و حرکت در صراط حق، و شکیبایی بر دردهای ناگوار، و تلاش ما در جهاد با دشمن را می‌افزود.

### وصف یاران مجاهد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ إِنَّا أَقْتُلُ لَيَدُورُ عَلَى آبَاءِ وَ الْأَبْنَاءِ وَ الْأَخْوَانَ وَ الْقَرَابَاتِ فَمَا نَزِدَادُ عَلَى كُلِّ مُصِيبَةٍ وَ شِدَّةٍ إِلَّا إِيمَانًا وَ مُضِيًّا عَلَى الْحَقِّ وَ تَسْلِيمًا لِلْأَمْرِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضِّ الْجِرَاحِ.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۶، ص ۹۱ و ۹۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۲، ص ۱۷۹.



بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادی / ۳۱۳

---

امام علی علیه السلام : ما با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، در میدان جنگ پدران و فرزندان و برادران و خویشان رودرروی هم قرار می گرفتند، هر مصیبت و بلایی که بر سر ما می آمد اثری در ما نمی گذاشت جز آن که بر ایمان، و حرکت در راه خدا و تسلیم بودنمان به امر پروردگار، و شکیبایی بر سوزش زخم‌ها می افزود.

### ویژگی‌های هم‌زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام

الامامُ علیُّ علیه السلام : أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَالْجُنُّ يَوْمَ الْبَاسِ وَالْبِطَانَةُ دُونَ النَّاسِ بِكُمْ أَضْرَبُ الْمُدْبِرِ وَارْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ فَأَعِينُونِي بِمُنَاصِحَةِ خَلِيَّةٍ مِنَ الْغَشِّ سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام : شما یاران حق، و برادران دینی هستید، و سپرهای بازدارنده در روز نبردید. شما محرم اسرار من می‌باشید نه مردم دیگر. من به نیروی شما بر پیکر آنان که به حق پشت می‌کنند ضربه می‌زنم، و به فرمانبرداری آنان که به حق روی می‌آورند امیدوارم. پس مرا با خیرخواهی عاری از هر خیانت و سالم از هر شک یاری رسانید، که به خدا قسم من سزاوارترین مردم به [رهبری] مردم هستم.

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸، ص ۱۷۵.

### وصف یاران باوفایی که شهادت را برگزیدند

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَيْنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ دُعُوا إِلَى الْإِسْلَامِ فَقَبِلُوهُ وَقَرَأُوا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَهَيَّجُوا إِلَى الْجِهَادِ فَوَلَّهُوا وَلَهُ اللَّقَاحُ إِلَى أَوْلَادِهَا وَ سَلَبُوا السُّيُوفَ أَعْمَادَهَا وَ أَخَذُوا بِأَطْرَافِ الْأَرْضِ زَحْفًا زَحْفًا وَ صَفًّا صَفًّا بَعْضٌ هَلَكَ وَ بَعْضٌ نَجَا لَأَ يُبَشِّرُونَ بِالْأَحْيَاءِ وَ لَأَ يُعْزَوْنَ عَنِ الْمَوْتَى<sup>۱</sup>.

امام علی عليه السلام : کجایند کسانی که به اسلام دعوت شدند و آن را پذیرفتند، قرآن خواندند و آن را استوار داشتند، به جهاد ترغیب شدند و مانند شتر شیرده که مشتاق فرزندش است شیفته‌ی آن گشتند، شمشیرها را از نیام درآوردند، و دسته دسته و صف در صف اطراف میدان نبرد را فراگرفتند، جمعی از ایشان کشته شدند، و جمعی نجات یافتند، نه زنده ماندن زندگان را به یکدیگر مژده می‌دادند، و نه مرگ کشتگان را تسلیت می‌گفتند.

### حمزه سیدالشهدا عليه السلام، برترین شهید

الامامُ علیُّ عليه السلام : أَلَا تَرَى غَيْرَ مُخْبِرٍ لَكَ وَ لَكِنْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ أُحَدِّثُ أَنْ قَوْمًا اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ لِكُلِّ فَضْلٍ حَتَّى إِذَا اسْتَشْهَدَ شَهِدْنَا قَبِيلَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ وَ خَصَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ بِسَبْعِينَ تَكْبِيرَةً عِنْدَ صَلَاتِهِ عَلَيْهِ<sup>۲</sup>.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱، ص ۱۷۷ و ۱۷۸

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۸، ص ۳۸۶ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۶، شماره حدیث ۹۸۱۲.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادی / ۳۱۵

---

امام علی علیه السلام در نامه خود به معاویه - نوشت: نه این که بخواهم به تو خبر دهم، بلکه به انگیزه یاد کردن نعمت خداوند می گویم - مگر نمی بینی که گروهی از مهاجران و انصار در راه خداوند متعال شهید شدند و هر یک از آنان را [به جای خود] ارزش و فضیلتی است، اما وقتی شهید ما (حمزه) به شهادت رسید، سید الشهداء نام گرفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام نماز خواندن بر او، اختصاصاً هفتاد تکبیر گفت.

### حک شدن نام حمزه سید الشهداء علیه السلام بر ستون عرش الهی

الامامُ الباقرُ علیه السلام: علی قائمِ العرشِ مکتوبٌ: حمزةُ أسدُ الله و  
أسدُ رسوله و سید الشهداء!

امام باقر علیه السلام: بر ستون عرش نوشته شده است: حمزه، شیر خدا و شیر رسول خدا و سید شهیدان است.

### فضیلت‌های بنی هاشم - جعفر طیار علیه السلام

الامامُ علی علیه السلام: أ و لَا تَرَى أَنَّ قَوْمًا قَطَعَتْ أَيْدِيَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ  
لِكُلِّ فَضْلٍ حَتَّى إِذَا فَعَلَ بِوَاحِدِنَا مَا فَعَلَ بِوَاحِدِهِمْ قِيلَ الطَّيَّارُ فِي

---

۱. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۱ / الکافی (ط - الاسلامیة)، ج ۱، ص ۲۲۴ / الوافی، ج ۳، ص ۵۵۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۵۰ / مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۷ / بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۰ و ج ۲۷، ص ۷ / تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۱۳ / میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۸۸۶، شماره حدیث ۹۸۱۳.

### الْجَنَّةِ وَ ذُو الْجَنَاحِينَ<sup>۱</sup>.

امام علی علیه السلام : آیا ندیدی که گروهی در راه خدا دستشان بریده شد - و هر یک را فضیلتی بود - تا آن گاه که آن چه بر سر دیگران آمده بود بر سر یکی از ما آمد [ = دست یکی از ما در جنگ از بدن جدا شد ] او را «طیار» در بهشت و «ذوالجنحین» خواندند؟

### مالک اشتر، شجاعتی بر پیشانی تاریخ

الامامُ علیُّ علیه السلام : وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَ عَلَيَّ مَنْ فِي حِيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ ... مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهِنَّهُ وَ لَا سَقَطَتْهُ وَ لَا بَطُوهُ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ وَ لَا إِسْرَاعَهُ إِلَيَّ مَا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْثَلُ<sup>۲</sup>.

امام علی علیه السلام : مالک بن حارث را فرماندهی شما و همه کسانی که در فرمان شما هستند، قرار دادم. فرمانش را بشنوید و اطاعت کنید، و او را زره و سپر خویش قرار دهید، که او کسی نیست که بیم سستی و یا خطا و لغزش بر او رود و در جایی که شتاب باید کرد، کندی کند، و یا در جایی که درنگ باید کرد شتاب نماید.

### ویژگی‌های بی‌مانند مالک اشتر

الامامُ علیُّ علیه السلام : فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَ لَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ أَشَدَّ عَلَيَّ الْفُجَّارِ مِنْ

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۸، ص ۳۸۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۱۳، ص ۳۷۲ و ۳۷۳.

بخش چهارم: استقامت، صبر، جانبازی و آزادگی / ۳۱۷

---

حَرِيقِ النَّارِ وَ هُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ ... فَأَنَّه سَيْفٌ مِنْ  
سُيُوفِ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام: بنده ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم،  
که هنگام وحشت نخواهد، و به وقت هراس به دشمن پشت نکند،  
و بر بدکرداران از آتش دوزخ سوزان تر باشد، او مالک بن حارث از  
قبیله‌ی مَذْحِج است ... که او شمشیری از شمشیرهای خداست.

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۸، ص ۴۱۰ و ۴۱۱.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

#### أ

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید ۱۰ جلد، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ۱ جلد، مكتبة النینوی الحدیثة، تهران، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ۱ جلد، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۲ جلد، جامعه مدرسین قم، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.

۷. ابن بابويه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ۱ جلد، دار الشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۸. ابن بابويه، محمد بن علی، *صفات الشیعة*، ۱ جلد، أعلمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۹. ابن بابويه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، ۲ جلد، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م.
۱۰. ابن بابويه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، ۲ جلد، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۱۱. ابن بابويه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. ابن بابويه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. ابن بطریق، یحیی بن حسن، *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*، ۱ جلد، جماعة المدرسین بقم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام*، ۲ جلد، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم،

۱۳۸۵ق.

۱۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۳ جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۳ جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۲.
۱۷. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده علیهم السلام من طریق العامة، ۱ جلد، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجة الشریف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱ جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
۱۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ۴ جلد، علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۲۰. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالأعمال الحسنة فیما يعمل مرة فی السنة، ۳ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۲ جلد، خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۲۲. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری، ۱ جلد، جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.



منابع و مأخذ / ۳۲۱

۲۳. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود للنفوس منضود، ۱ جلد، دار الذخائر، قم، چاپ اول، بی تا.
۲۴. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، ۱ جلد، تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، ۱ جلد، بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۲۶. ابن طاووس، علی بن موسی، كشف المحجة لثمره المهجة، ۱ جلد، بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، ۱ جلد، دار الكتب الاسلامی، بی جا، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار الصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحران)، ۱ جلد، حاذق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. ابن نما حلّی، جعفر بن محمد، مشیر الأحران، ۱ جلد، مدرسه امام مهدی، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق.

۳۲. ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، التمهیص، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱ جلد، مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۴۰۸ق.
۳۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، تحقیق و تصحیح مجتبی فرجی، ۷ جلد، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۳۵. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ۳ جلد، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲ جلد، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۳۷. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ۱ جلد، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۸. الحسینی الزییدی الواسطی، سید محمد مرتضی بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۴۰. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال

من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الامام الجواد)، ١٠ جلد، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ١٤١٣ ق.

٤١. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، ٢ جلد، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ دوم، ١٣٨٢ ش.

٤٢. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، الانصاف في النصّ على الأئمة الاثنى عشر عليهم السلام، تحقيق و تصحيح و ترجمه هاشم رسولي محلاتي، ١ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران، چاپ دوم، ١٣٧٨ ق.

٤٣. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، ٥ جلد، مؤسسه بعثه - قم، چاپ اول، ١٣٧٤ ش.

٤٤. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، بهجة النظر في إثبات الوصاية و الامامة للأئمة الاثنى عشر، ١ جلد، بنياد پژوهش های اسلامي آستان قدس رضوي، مشهد، چاپ دوم، ١٤٢٧ ق.

٤٥. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، حليّة الأبرار في أحوال محمد وآله الأطهار عليهم السلام، ٥ جلد، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، چاپ اول، ١٤١١ ق.

٤٦. بحرانی، سيد هاشم بن سليمان، مدينة معجز الأئمة الاثنى عشر و دلائل

الحجج علی البشر، ۸ جلد، مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳

ق.

۴۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دار الکتب الاسلامیة،

قم، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.

۴۸. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعة، تحقیق جمعی از محققان،

۳۱ جلد، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.

۴۹. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول

صلی الله علیه و آله)، ۱ جلد، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.

۵۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ۱

جلد، دفتر تبلیغات - ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.

۵۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من

کلمات و حکم الامام علی علیه السلام)، ۱ جلد، دار الکتب الاسلامی - قم،

چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۵۲. تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات أو الاستنفاة و الغارات،

۲ جلد، انجمن آثار ملی - تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق.

۵۳. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین،

۱ جلد، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۵۴. جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ۳

- جلد، مؤسسة التاريخ العربي، بيروت، چاپ اول، ١٤٢٧ ق / ٢٠٠٦ م.
٥٥. حسن بن على عليه السلام، امام يازدهم، التفسير المنسوب إلى الامام الحسن العسكري عليه السلام، ١ جلد، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - ايران ؛ قم، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
٥٦. حسينى موسى، محمد بن أبى طالب، تسليية المجالس و زينة المجالس، ٢ جلد، مؤسسة المعارف الاسلامية، قم، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
٥٧. حسينى زييدى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، ٢٠ جلد، دارالفكر، بيروت، چاپ اول، ١٤١٤ ق.
٥٨. حكيمى، محمدرضا و حكيمى، محمد و حكيمى، على، الحياة، ترجمه احمد آرام، ٦ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامى - تهران، چاپ اول، ١٣٨٠ ش.
٥٩. حلوانى، حسين بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ١ جلد، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، چاپ اول، ١٤٠٨ ق.
٦٠. حلّى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر (برادر علامه حلّى)، العدد القويّة لدفع المخاوف اليومية، تحقيق و تصحيح مهدي رجايى و محمود مرعشى، ١ جلد، چاپ اول، ١٤٠٨ ق.
٦١. حميرى، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، ١ جلد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٦٢. خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الأثر فى النصّ على الأئمة الاثنى

۳۲۶ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

- عشر، تحقیق عبداللطیف حسینی کوهکمری، ۱ جلد، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۶۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۶۴. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب*، ترجمه رضایی، ۲ جلد، اسلامیة - تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۶۵. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، ۱ جلد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۶۶. دیلمی، حسن بن محمد، *غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمة الأطهار عليهم السلام*، ۱ جلد، دلیل ما، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۶۷. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی ۱ جلد، دار القلم، الدار الشامیة، بیروت، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۸. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، *النوادر*، ۱ جلد، دار الكتاب، قم، چاپ اول، بی تا.
۶۹. شامی، یوسف بن حاتم، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمم*، ۱ جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۷۰. شریعتی، علی، حسین وارث آدم، تهران، انتشارات قلم، بی تا.
۷۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، *خصائص الأئمة عليهم السلام* (خصائص أمير المؤمنين علیه السلام)، تحقیق و تصحیح محمد هادی امینی،

- ۱ جلد، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۷۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، تحقیق صبحی صالح، ۱ جلد، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۷۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، ترجمه علی شیروانی، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۰ ش.
۷۴. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الأخبار*، ۱ جلد، مطبعة حیدریة، نجف، چاپ اول، بی تا.
۷۵. شهید اول، محمد بن مکی، *الأربعون حدیثا*، ۱ جلد، مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۷۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *تسلیة العباد در ترجمه مسکن الفؤاد*، ترجمه اسماعیل مجد الادباء خراسانی، تحقیق و تصحیح محمدرضا انصاری قمی، ۱ جلد، هجرت، دفتر نشر میراث مکتوب (وابسته به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، قم/تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۷۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *کشف الریبة*، ۱ جلد، دار المرتضوی للنشر، بی جا، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۷۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبّة و الأولاد*، ۱ جلد، بصیرتی، قم، اول، بی تا.
۷۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *منیة المرید*، تحقیق و تصحیح رضا

- مختاری، ۱ جلد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۸۰. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، ۵ جلد، اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۸۱. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۸۲. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام*، ۸ جلد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۸۳. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر نجفی، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق ابراهیم سلطانی نسب، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ق.
۸۴. صفار، محمد بن حسن، محسن بن عباسعلی کوچه باغی، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، ۱ جلد، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۸۵. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، ۱ جلد، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۸۶. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.



٨٧. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الأخلاق، ١ جلد، الشريف الرضى، قم، چاپ چهارم، ١٤١٢ ق / ١٣٧٠ ش، ص ٤٤٠.
٨٨. طبرسى، على بن حسن، مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، ١ جلد، المكتبة الحيدرية، نجف، چاپ دوم، ١٣٨٥ ق / ١٩٦٥ م / ١٣٤٤ ش.
٨٩. طبرى آملی كبير، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد فى إمامة على بن أبى طالب عليه السلام، ١ جلد، كوشانپور، ايران، قم، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
٩٠. طبرى آملی، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم، بشارة المصطفى لشيعته المرتضى، ١ جلد، المكتبة الحيدرية، نجف، چاپ دوم، ١٣٨٣ ق.
٩١. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، ٦ جلد، مرتضوى، تهران، چاپ سوم، ١٣٧٥ ش.
٩٢. طوسى، محمد بن الحسن، التبيان فى التفسير القرآن، تحقيق احمد بن حبيب قصير العاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
٩٣. طوسى، محمد بن الحسن، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تحقيق حسن الموسوى خرسان، ٤ جلد، دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ اول، ١٣٩٠ ق.
٩٤. طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام، تحقيق خرسان، ١٠ جلد، دار الكتب الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.
٩٥. عاملی نباطی، على من محمد بن على بن محمد بن يونس، الصراط

۳۳۰ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

المستقیم إلى مستحقى التقديم، ۳ جلد، المكتبة الحيدرية، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۴ ق.

۹۶. عده ای از علماء، الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ۱ جلد، مؤسسة دار الحديث الثقافية، قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.

۹۷. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۹۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ۱ جلد، وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۹۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۱۰۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.

۱۰۱. فارسی، جلال الدین، فرهنگ واژه های انقلاب اسلامی، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۱۰۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ۲ جلد، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.

۱۰۳. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

۱۰۴. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۰۵. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۱۰۶. قضاعی، محمد بن سلامة، شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ۱ جلد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
۱۰۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الدعوات / سلوة الحزین، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۱۰۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۱۰۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۱۰. کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ۷ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۱۱. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۲ جلد، دارالذخائر - ایران، قم،

چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۱۲. کراجکی، محمد بن علی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ۱ جلد،

المکتبة المرتضویة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ق / ۱۳۵۳ ش.

۱۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۱۵ جلد، دار الحدیث، قم،

چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.

۱۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب

الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، أصول الکافی، ترجمه سید جواد

مصطفوی، ۴ جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

۱۱۶. کوفی اهوازی، المؤمن، حسین بن سعید، ۱ جلد، مؤسسه الامام المهدي

علیه السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.

۱۱۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ۱ جلد، مؤسسه الطبع و

النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۱۸. اللیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، ۱ جلد، دار

الحدیث - قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۱۱۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة،

تحقیق و تصحیح ابوالحسن شعرانی، المکتبة الاسلامیة، تهران، چاپ اول،

۱۳۸۲ ق.

۱۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، ۱۶ جلد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، ۲۶ جلد، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲۳. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، ۱۴ جلد، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۱۲۴. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ۸ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۲۵. محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ۵ جلد، مکتبه الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۲۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.

۳۳۴ / فرهنگ ایثار و شهادت از دیدگاه قرآن و روایات

۱۲۸. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ۲ جلد، انتشارات صدرا، تهران، چاپ

سی و ششم، ۱۳۸۰ ش.

۱۲۹. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه‌ی تاریخ،

تهران، صدرا، ۱۳۹۲ ش، چاپ ۴۹.

۱۳۰. مظفر نجفی، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، ۶ جلد، موسسه آل

البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۱۳۱. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری،

محمود محرمی زندی، ۱ جلد، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، قم، چاپ

اول، ۱۴۱۳ ق.

۱۳۲. مفید، محمد بن محمد الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و

تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۲ جلد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ

اول، ۱۴۱۳ ق.

۱۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸

جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۱۳۴. نوری، حسین، جهاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۱۳۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر

المعروف بمجموعه ورام، ۲ جلد، مکتبه فقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۳۶. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه و تکلمه

منهاج البراعة، ۲۱ جلد، مكتبة الاسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.

۱۳۷. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ۲ جلد، الهادی، قم،

چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

۱۳۸. ثقة الاسلام کلینی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۳۹. جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۰. جامع التفاسیر، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۱. جامع الفقه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۲. درایة النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۳. مجموعه آثار مجلسین، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۴. مشکات الانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۱۴۵. مكتبة اهل البيت عليهم السلام.